اطلاعات

سه‌شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۲ ـ ۱۷ رجب ۱۴۳۴ـ ۲۸ مه ۲۰۱۳ـ شماره ۲۵۶۰۳ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

رئیس جمهوری: هیچ طرح ناتمامی برای دولت بعدی نمی‌ماند

* راه‌آهن بین‌المللی گرگان ـ اینچه‌برون، سد مخزنی کبودوال و بیش از ۱۴هزار واحد مسکن مهر در استان گلستان به بهره‌برداری رسید

صفحه ۱۳

حمله تروریست‌های سوریه به زندان حلب با ۱۳۰ کشته و زخمی

* انفجار یک خودرو بمبگذاری شده در دمشق ۶ کشته برجا گذاشت
* تروریست‌های مسلح با کردهای شمال سوریه درگیر شدند
* ارتش آزاد سوریه مسئولیت حمله موشکی به حومه جنوبی بیروت را برعهده گرفت

صفحه ۱۶

رهبر معظم انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری و تربیت پاسداری دانشگاه امام حسین(ع):

مردم کسی را ترجیح دهند که زمینه‌ساز عزت برای آینده کشور باشد



* اختلاف نظرها نباید موجب کدورت شود
* فرمانده کل قوا کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری را برای تثبیت اصول و مواضع عاقلانه و حکیمانه نظام اسلامی و پرهیز از ریخت و پاش، تخریب و بداخلاقی در تبلیغات توصیه کردند
* حضور مردم در پای صندوق‌های رأی قطعاً زمینه‌ساز عزت، مصونیت، آبروی بین‌المللی و خوشحالی دوستان و ناراحتی دشمنان خواهد بود
* علت تبلیغات گسترده بدخواهان ملت این است که اگر مردم وارد میدان شوند و حرکت پرشور خود را نشان دهند، برای معاندان، گران تمام خواهد شد
* کسانی در مورد انتخابات ایران اظهار نظر می‌کنند که زندان گوانتانامو و هواپیماهای بدون سرنشین آن‌ها برفراز روستاهای محروم پاکستان و افغانستان و جنگ‌افروزی در منطقه و حمایت بی‌قید و شرط از رژیم جنایتکار صهیونیستی، مایه بی‌آبرویی و لکه ننگ آن‌ها است
* تفاوت تشخیص‌های مردم و علاقه‌مندی‌های متفاوت به کاندیداها نباید منجر به رو در رو قرار گرفتن افراد شود
* باید در فضای رقابت‌های انتخاباتی، نشاط و تحرک و گفتگوهای گرم و داغ وجود داشته باشد اما نفرت‌پراکنی نباشد
* کسانی که برای تبلیغات انتخابات، از بیت‌المال یا پول مشتبه به حرام برخی افراد دیگر استفاده کنند، نخواهند توانست اطمینان مردم را به سوی خود جلب کنند

صفحه ۲

تهران میزبان ۴۰ کشور برای حل بحران سوریه

* امیرعبداللهیان معاون وزیر خارجه: ایران از مردم، حکومت سوریه و معارضان معتقد به راهکار سیاسی حمایت جدی به عمل آورده است
* حضور نظامی ایران و حزب‌الله در سوریه فرافکنی و دروغ است
* در اجلاس تهران، هیچکس به جای مردم سوریه تصمیم نمی‌گیرد

صفحه ۱۶

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

باید انقلاب و نظام را حفظ کنیم و جلو انحراف‌ها را بگیریم

* از تصمیم خود آسوده خاطرم، اما نگرانی‌هایم باقی است
* انقلابی‌نماها در لباس دین و با شعارهای انقلابی، درصدد ایجاد انحراف در اهداف و آرمان‌های بلندامام راحل(ره) و مبانی اسلامی هستند
* قصدم در مرحله اول کمک به خلق حماسه سیاسی مورد نظر رهبری معظم انقلاب و در مرحله دوم در صورت توفیق، خدمت به مردم بود

صفحه ۲

سخنگوی قوه قضائیه خبر داد

کشف اسناد جدید تخلفات گمرکی در پرونده فساد ۳هزار میلیاردی

* پرونده همراهی رئیس‌جمهور با اسفندیار رحیم مشایی هنگام ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری در حال رسیدگی است

صفحه ۱۳

همگام با انتخابات

* عارف: برای جذب نخبگان و متخصصان داخل و خارج باید برنامه‌ریزی کرد
* ولایتی: طرح درمان رایگان از برنامه‌های درازمدت ولی قابل اجراست
* جلیلی: اگر می‌خواهیم اقتصاد، سیاست خارجی و فرهنگ در مسیر رشد قرار بگیرد، باید حرکت به سمت تعالی را سرعت ببخشیم
* غرضی: مردم باید در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند
* قالیباف: کشور نیازمند تغییر جدی در نظام اداری است
* ترکان: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بر حضور با قدرت آقای روحانی در عرصه رقابت‌های انتخاباتی تاکید دارد
* حداد عادل: هیچ تحول اقتصادی و اجتماعی بدون زمینه‌سازی فرهنگی ممکن نخواهد بود.
* داوطلبان ردصلاحیت‌شده عضویت در شوراهای اسلامی برای طرح شکایت فقط تا ساعت ۲۰ امشب فرصت دارند

صفحه ۲



ابوالقاسم ـ قاسم زاده

سیاست خارجی در انتخابات

مسأله سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی با توجه به انتخابات پیش‌رو، اهمیت مضاعف پیدا کرده است. در گذشته موضوع سیاست خارجی در زمان انتخابات برای رأی‌دهندگان در داخل اولویت چندانی نداشت، در حالی که این‌بار مردم از نامزدها می‌خواهند تا برنامه خود را برای چگونگی تغییر و ترمیم کاستی‌های سیاست خارجی بیان کنند. در خارج از کشور نیز بسیاری از دولت‌ها در منطقه و در عرصه بین‌المللی نگاه خود را معطوف به انتخابات ریاست جمهوری کرده‌اند و گفته‌های نامزدهای انتخاباتی را درباره آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رصد می‌کنند. حساسیت موضوع سیاست خارجی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید، در داخل و در خارج از کشور ناشی از عملکرد دولت نهم و دهم است. در هشت سال گذشته وزارت خارجه که باید سکاندار سیاست خارجی باشد با تغییر مدیریت‌ها و به حاشیه راندن بسیاری از دیپلمات‌های باسابقه در این وزارتخانه، هم از ایده‌پردازی و ارائه برنامه در چرخه روابط بین‌المللی بازماند و هم در سطوح اجرایی تنزل کرد. هم‌اکنون چندین و چند سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران فاقد سفیرند و روابط دو و چندجانبه ما با بسیاری از کشورها دچار مشکلات شده است و در نازل‌ترین سطح قرار دارد. در این سالها پرونده انرژی هسته‌ای ایران با سیاست خارجی چنان گره خورد و شعارهای ضدیت بدون برنامه چنان عیان شد که به روابط خارجی جمهوری اسلامی ضربه زد.

صدور چندین قطعنامه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل در این سالها کلید خورد. طرح تحریم غرب (آمریکا و اروپا) در مسیر عملکرد دولت نهم و دهم درباره روابط بین‌المللی به صحنه آمد و در ادامه «تنافر» در دو سال اخیر به بایکوت مالی، تجاری و سیاسی سوق داده شد. در آستانه انتخابات مردم با درک مشکلات سیاست خارجی، اهمیت تغییر و تحول در آن را از موارد اصلی در گزینش کاندیدای مورد نظر خود می‌دانند. نتیجه آنکه موضوع و مسأله سیاست خارجی با مشکلات عدیده مالی و اقتصادی در مدیریت داخلی، از نظر مردم همتراز شده است تا هر نامزد انتخاباتی نگاه مشخص و روشنی از تحول در سیاست خارجی و قدرت مدیریت «تغییر» را نشان دهد.

«سازش» یا «مقاومت» دو کلمه‌ای است که این روزها در تفسیر سیاست خارجی بیان می‌شود در حالی که در تبیین سیاست خارجی هر دولتی در جهان اصل اول «منافع ملی» است. [illegible] «منافع ملی» [illegible] اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر می‌گیرد. توان اقتصادی، تدبیر سیاسی و پویایی فرهنگی، بسترساز سیاست خارجی موفق است. در همین چرخش به سمت سازش یا مقاومت موضوعیت پیدا می‌کند و دفاع از «منافع ملی» به مفهوم قطع رابطه با جهان معنا نمی‌شود.

عدالت و احترام متقابل در تنظیم روابط بین‌المللی از اصول ثابت است. در بخش «عدالت» پایبندی به اصول دیده می‌شود و در «احترام متقابل» دیپلماسی و گفتمان دو و چندجانبه شکل می‌گیرد.

سیاست خارجی در روزگار ما بزرگترین ماموریت برای بسترسازی منافع اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها را به عهده دارد. در کشور ما مردم بر این باورند که حل بخشی از مشکلات اقتصادی به چگونگی رویکرد سیاست خارجی گره خورده است. اکنون در روابط تجاری با اغلب کشورها، از تراز بازرگانی مثبت برخوردار نیستیم. سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بسیار معدود و محدود شده است. شعار زدگی بر سیاست خارجی غلبه دارد. برهمین مبنا، نامزدهای انتخاباتی بر هشت سال سیاست خارجی در دولت نهم و دهم نقد دارند. برای مردم شنیدن این نقدها آگاهی دهنده است اما اگر قرار است در روش سیاست خارجی تغییر صورت پذیرد، در کنار نقدها ارائه برنامه، آنهم در بسیاری از عناوینی که مردم ارتباط وثیق آنها را با سیاست خارجی می‌دانند، لازم است.

نظر مردم آن است که هر نامزد به معرفی برنامه سیاست خارجی خود در دولت احتمالی خود بپردازد و نشان دهد که از این منظر که براساس عدالت و احترام متقابل شکل خواهد گرفت، حداقل تراز بازرگانی ما با چند کشور از جمله ترکیه، چین، هند، پاکستان، روسیه، مالزی و اتحادیه اروپا جهت‌گیری مثبت پیدا کند و بستر سرمایه‌گذاریهای خارجی در ایران فراهم آید. همچنین انتظار می‌رود از تهدیدهای امنیتی کاسته و روابط سرد با همسایگان ترمیم شود و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌الملل ارتقاء یابد. در آستانه انتخابات به‌سر می‌بریم و مبحث «سیاست خارجی» در این انتخابات و در داخل کشور در کنار حل مشکلات اقتصادی، محوریت یافته و برجسته شده است. دولت آینده اگر دولت قانون و برنامه‌ریزی باشد، قطعاً در صدر برنامه‌های آن تحول در سیاست خارجی و بهینه‌سازی توان وزارت خارجه قرار خواهد داشت. در یک کلام سیاست خارجی باید متحول و پویا شود.

رهبر معظم انقلاب: مردم کسی را ترجیح دهند که زمینه‌ساز عزت برای آینده کشور باشد

همزمان با ایام سالروز فتح خرمشهر، صبح دیروز مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری و تربیت پاسداری دانشگاه امام حسین (ع) با حضور حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا برگزار شد.

رهبر معظم انقلاب در ابتدای ورود به میدان، با حضور بر مزار شهدای گمنام و قرائت فاتحه، یاد و خاطره شهدای دفاع مقدس را گرامی داشتند.

فرمانده کل قوا سپس از یگان‌های حاضر در میدان سان دیدند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای همچنین جانبازان حاضر در میدان را مورد تفقد قرار دادند. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای [illegible] در انتخابات پیش روی ۲۴ خرداد را بشارت‌دهنده موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگتر برای انقلاب و نظام اسلامی دانستند و با توصیه به مردم برای دقت در اظهارات و شعارهای کاندیداهای محترم به منظور شناخت و انتخاب فرد اصلح و همچنین توصیه مؤکد به کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری برای تثبیت اصول و مواضع عاقلانه و حکیمانه نظام اسلامی و پرهیز از ریخت و پاش، تخریب و بداخلاقی در تبلیغات، تأکید کردند: به توفیق الهی، فردای این کشور و ملت، فردایی روشن، عزتمدارانه و برای همه الگو خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب افزودند: ما نمی‌دانیم که چه کسی رئیس جمهور خواهد شد و نمی دانیم که خداوند متعال دل‌های مردم را به سوی چه کسی هدایت خواهد کرد اما می دانیم که حضور مردم در پای صندوق‌های رأی که اعلام حضور قدرتمندانه ملت در عرصه حرکت و تاخت به‌سوی آرمان‌هاست، قطعاً زمینه‌ساز عزت، مصونیت، آبروی بین المللی و خوشحالی دوستان و ناراحتی دشمنان خواهد شد.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با اشاره به تبلیغات بدخواهان ملت ایران برای دلسرد کردن مردم از حضور در پای صندوق‌های رأی گفتند: علت این تبلیغات گسترده این است که اگر مردم وارد میدان شوند و حرکت پرشور خود را نشان دهند، برای معاندان، گران تمام خواهد شد.

ایشان با اشاره به اظهار نظر مقامات آمریکایی درخصوص انتخابات ایران افزودند: کسانی در مورد انتخابات ایران اظهار نظر می کنند که زندان گوانتانامو و هواپیماهای بدون سرنشین آنها در فراز روستاهای محروم پاکستان و افغانستان و [illegible] و حمایت بی قید و شرط از رژیم جنایتکار صهیونیستی، مایه بی آبرویی و ننگ آنهاست.

رهبر معظم انقلاب [illegible] همواره هم ناموفق بوده‌اند و به لطف الهی این بار نیز ملت بزرگ ایران، به آنها توده‌نی خواهند زد. ایشان، مردم را به دقت و تأمل در اظهارات و مواضع کاندیداهای محترم فراخواندند و تأکید کردند: مردم باید کسی را ترجیح دهند که زمینه ساز عزت برای آینده انقلاب و کشور باشد و توانایی حل مشکلات و ایستادگی قدرتمندانه در مقابل جبهه معاندان و الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان جهان را داشته باشد. رهبر معظم انقلاب با اشاره به تفاوت تشخیص های مردم در انتخابات، خاطر نشان کردند: این تفاوت تشخیص‌ها و علاقه مندی های متفاوت به کاندیداها نباید منجر به رودررو قرار گرفتن افراد شود.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای افزودند: برای انتخاب و گزینش عالی‌ترین مقام اجرایی کشور که بسیار حساس و مهم است، در کشور، ساز و کار قانونی وجود دارد و بر اساس آن عمل خواهد شد، بنابراین اختلاف نظرها نباید موجب بروز کدورت شود.

ایشان چند توصیه هم به داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری داشتند و گفتند: کاندیداهای محترم نیز باید کار را با حماسه و شور و غیر تمندی به پیش ببرند اما بدون چالش.

رهبر معظم انقلاب افزودند: ظرافت کار اینجاست که باید در فضای رقابت های انتخاباتی، نشاط و تحرک و گفتگوهای گرم و داغ وجود داشته باشد اما نفرت پراکنی نباشد.

توصیه دیگر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری، در خصوص نحوه تبلیغات بود. [illegible] نشان دهیم زیرا دشمن در تلاش است تا مردم را مأیوس و ناامید کند و متأسفانه برخی حنجره ها و زبان ها و قلم های بی تقوا هم در داخل حرف آن‌ها را تکرار می کنند. فرمانده کل قوا در بخش دیگری از سخنان خود در جمع دانشجویان، اساتید و فرماندهان دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام، پاسداری از انقلاب را یکی از ویژگی های ممتاز دانشجویان این دانشگاه برشمردند و افزودند: یکی از لوازم پاسداری از انقلاب، داشتن شناخت درست و عمیق از مبانی نظری و اصول انقلاب اسلامی و پایبندی به آن‌ها است.

رهبر معظم انقلاب خاطر نشان کردند: در طول انقلاب اسلامی، کسانی بودند که با احساسات و بدون شناخت عمیق از مبانی نظری انقلاب، وارد میدان شدند و بعد از مواجه شدن با یک تندباد، راهشان تغییر کرد و از مسیر انقلاب خارج شدند.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای یکی دیگر از لوازم پاسداری از انقلاب را شناخت دقیق تاریخ انقلاب دانستند و افزودند: تاریخ انقلاب اسلامی در واقع عینیت مبانی نظری آن است و نشان دهنده آزموده و تجربه شدن مبانی نظری در میدان عمل است. ایشان با اشاره به تمرکز بیش از حد رسانه های بیگانه بر برخی نقاط ضعف کوچک و بزرگنمایی ده‌ها برابری آن، خاطرنشان کردند: هدف آن‌ها به فراموشی سپرده شدن تجربه های موفق نظام اسلامی و القای نادرستی مبانی نظری انقلاب در مرحله عمل است، بنابراین همه مردم به ویژه جوانان باید از تاریخ انقلاب آگاهی کامل داشته باشند.

فرمانده کل قوا تأکید کردند: یکی از وظایف مهم فرماندهان و مسئولان دانشگاه امام حسین علیه السلام و همچنین مسئولان و اساتید همه دانشگاه‌ها، آشنا کردن جوانان با تاریخ انقلاب اسلامی است.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای [illegible] تاریخ انقلاب [illegible] اطمینان بخش و [illegible] خاطرنشان کردند: [illegible] تاکنون، [illegible] نوید دهنده [illegible] به دلیل هرگز [illegible] یأس و ناامیدی [illegible].

رهبر معظم انقلاب تأکید کردند: همواره فرج و مسیر حرکت به سوی آرمان‌ها، مقابل ما باز بوده است و اگر در مقاطعی نیز احساس کردیم به دلیل موانعی پیشرفت مناسب نداشتیم به دلیل کوتاهی و سستی خودمان بوده است و نه بن بست بودن راه پیش رو.

در این مراسم، سردار سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به ارتقای سطح آمادگی های دفاعی و تقویت توانمندی‌های داخلی نیروهای سپاه پاسداران برای واکنش هم سطح و اثرگذار در برابر هر نوع تهدید دشمن، تأکید کرد: معنویت افزایی و تقویت بنیه اعتقادی و معرفتی در صدر برنامه های آموزشی سپاه پاسداران قرار دارد و نظام جامع آموزشی و تربیتی در مراکز آموزشی سپاه در حال اجرا است. سردار دریادار پاسدار مرتضی صفاری فرمانده دانشگاه امام حسین (ع) نیز گزارشی از برنامه ها و دوره های علمی، آموزشی، فرهنگی و رزمی این دانشگاه بیان کرد. در این مراسم همچنین جمعی از فرماندهان، اساتید، دانش آموختگان و دانشجویان نمونه دانشگاه امام حسین (ع) هدایای خود را از دست فرمانده معظم کل قوا دریافت کردند و نماینده دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) نیز مفتخر به دریافت سردوشی شد.

در ادامه دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) طرح میدانی «فَاستَقِم کَما اُمِرت» را اجرا کردند.

اجرای تمرینات آمادگی رزمی بخش دیگری از برنامه های اجرا شده به وسیله دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) بود.

در پایان مراسم یگان‌های حاضر در میدان از مقابل فرمانده کل قوا رژه رفتند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: باید انقلاب و نظام را حفظ کنیم و جلو انحراف‌ها را بگیریم

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در دیدارهای جداگانه با تعدادی از جوانان فعال سیاسی و جمعی از اعضای شورای مرکزی هماهنگی اصلاحات، تأسیس جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قانون اسلام و مکتب اهل بیت(ع) را که به رهبری امام راحل(ره) و حمایت روحانیت و همراهی توده‌های مردم شکل گرفت موهبتی الهی و نوعی اتمام حجت خداوند بر مردم ایران در مقطع بی‌نظیر تاریخ تشیع ذکر کرد و گفت: با تکیه بر اصول اسلامی و حضور همه جانبه مردم و نقش پررنگ آنان در صحنه‌های مختلف، تاکنون از بحران‌ها و فراز و نشیب‌های طبیعی و تحمیلی داخلی و خارجی عبور کرده‌ایم.

وی در تحلیل آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی گفت: متأسفانه کسانی که در مبارزات دوران انقلاب سهمی نداشتند و حتی برخی از آنها مبارزه را حرام می‌دانستند که اسامی آنها هم در تاریخ انقلاب محفوظ و شاخص‌ها، حرف‌ها و مواضع آن‌ها هم مشخص است، امروز بعضی مصادر را در دست گرفته‌اند و انقلابی نماها در لباس دین و با شعارهای انقلابی، درصدد ایجاد انحراف در اهداف و آرمان‌های بلند امام راحل(ره) و مبانی اسلامی هستند. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در پاسخ به ابراز تأسف حاضران درمورد رد احراز صلاحیت‌ها، با اشاره به خیل عظیم درخواست و تقاضاها از سوی قشرها و صنوف مختلف ظرف چند ماه گذشته از وی برای حضور درعرصه این دوره انتخابات گفت: از اقدام صحیح و صریحی که انجام دادم کاملاً راضی و خداوند را شاکرم چون این تصمیم را براساس وظیفه و رعایت مصالح و منافع نظام گرفتم و اینک در نزد خداوند، تاریخ و مردم فهیم و قدرشناس ایران شرمنده نیستم و اگر یکبار دیگر هم به گذشته برگردم همین تصمیم را خواهم گرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تأکید کرد: هر چند نگرانی هایم باقی است ولی در نزد وجدان خود آسوده خاطرم. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: همان زمان که اصرارها برای حضور در انتخابات زیاد بود در پاسخ می گفتم تمام موانع و اسراری را که می‌دانم نمی توانم بازگو کنم ولی به دلیل افزایش فشارها، نخواستم فردی مستبد به رأی باشم و ثبت نام کردم و قصدم در مرحله اول کمک به خلق حماسه سیاسی مورد نظر رهبری معظم انقلاب و در مرحله دوم در صورت توفیق، خدمت به مردم بود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با تشریح شرایط کشور و وضع نامساعد منطقه و اطراف ایران و تهدیدها و تحریم‌های خارجی گفت: کشور در شرایط کنونی نیاز به وحدت و انسجام و یکپارچگی دارد و نباید دعواهای سیاسی و جناحی به تزلزل اراده مردم بیانجامد.

وی با اشاره به وضع کشورهای سوریه، عراق و لبنان و برنامه‌هایی که استکبار جهانی علیه کشورهای اسلامی و منطقه دارد گفت: در حالی که آمریکا، منافقین تروریست را از لیست سیاه خارج و در کنار کاخ سفید مورد حمایت قرار می‌دهد، حزب‌الله لبنان را متهم به تروریسم می‌کند و علیه جمهوری اسلامی ایران در حال توطئه‌های جدید است، وی گفت: باید انقلاب و نظام اسلامی را حفظ و جلو انحراف‌ها را بگیریم.

در ابتدای هر یک از این دیدارها، جمعی از حاضران با تقدیر و سپاس از اقدام آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در اجابت درخواست گروه‌های مردمی و شخصیت‌های علمی و دینی کشور، تصمیم وی را شجاعانه، ایثارگرانه، ارزشمند و توأم با تدبیر و عقلانیت توصیف کردند.

رئیس مجلس: ایران مخالف اشاعه سلاح های کشتار جمعی است



رئیس مجلس در دیدار با رئیس گروه دوستی پارلمانی کره جنوبی و ایران، گفت: روند گسترش همکاری‌های دو کشور نباید در سایه سیاست‌های قدرت‌های جهانی محدود شود.

به گزارش خبرگزاری خانه ملت، دکتر علی لاریجانی در دیدار با "لی سانگ مین" با تاکید بر اهمیت توسعه و گسترش همکاری‌های دوجانبه در عرصه‌های مختلف به‌ویژه روابط پارلمانی، گفت: ایران و کره جنوبی روابط تاریخی و ریشه‌دار در تعامل با یکدیگر داشته و مجلس شورای اسلامی از هر اقدامی برای توسعه روابط دوجانبه به ویژه در عرصه‌های تجاری، اقتصادی و فناوری حمایت می‌کند. نماینده مردم قم در مجلس با اشاره به تحریم‌های قدرت‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، افزود: روند گسترش همکاری‌های ایران و کره جنوبی نباید در سایه سیاست‌های قدرت‌های جهانی محدود شود.

وی با بیان این که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است و تمامی گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر آن صحه می‌گذارد، ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران مخالف هرگونه اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است و امروز قدرت‌های جهانی در مساله هسته‌ای ایران به نوعی بهانه‌جویی می‌کنند.

رئیس مجلس با اشاره به تنش‌های کنونی درشبه‌جزیره کره افزود: اختلافات موجود باید به صورت مسالمت‌آمیز و از طریق گفتگو حل شود. لاریجانی تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران آمادگی کمک به کره جنوبی و شمالی برای حل مشکلات پیش‌آمده را دارد. رئیس گروه دوستی پارلمانی جمهوری کره و ایران هم در این دیدار با اشاره به سابقه طولانی روابط فرهنگی، تجاری و اقتصادی میان دو کشور گفت: با توجه به پیشرفت‌هایی که کره جنوبی و ایران در تکنولوژی‌های نوین داشته‌اند، ظرفیت‌های فراوانی برای بسط و گسترش روابط صنعتی و تجاری دوجانبه فراهم شده است.

لی سانگ مین در ادامه گزارشی درباره مسائل منطقه و وضع کنونی شبه‌جزیره کره ارائه و در این باره با رئیس مجلس شورای اسلامی گفتگو و مذاکره کرد.

بیمه شدگان تامین اجتماعی با پرداخت ۱۰ سال حق بیمه بازنشسته می‌شوند

سرویس پارلمانی: بررسی بندهای هزینه‌ای لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در جلسات علنی صبح و بعدازظهر دیروز مجلس شورای اسلامی ادامه یافت و به موجب بندهای تصویب شده سازمان تامین اجتماعی مکلف شد به افرادی که حداقل ۱۰سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند و به سن ۶۰ سال برای مردان و ۵۰ سال برای زنان رسیده‌اند یا به هردلیل به تشخیص کمیسیون‌های موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ و اصلاحات بعدی آن در سنین کم‌تر از موارد فوق از کار افتاده شده‌اند، ولی از حق مستمری برخوردار نمی‌شوند، متناسب با سنوات پرداخت حق بیمه، حقوق بازنشستگی بپردازد. افرادی که کمتر از ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، می توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه، اعم از حق کارگر و کارفرما تا ۱۰ سال به نرخ سال جاری، از امتیاز بازنشستگی این بند برخوردار شوند. این سازمان همچنین مکلف است نسبت به برقراری مستمری برای زنان سرپرست خانواری که ازدواج کرده‌اند و مستمریشان قطع شده است، اقدام کند. سازمان تامین اجتماعی و سازمان بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، مکلفند در ازای دریافت به ترتیب ۷درصد و ۵درصد حق بیمه، برای بیمه کردن زنان خانه‌دار به تعداد ۲۰۰هزار نفر اقدام کنند.

حذف سنوات ارفاقی

بازنشستگی پیش از موعد مشمولان قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت هم با موافقت بالاترین مقام اجرایی دستگاه یا مقام مجاز، بدون سنوات ارفاقی پیش از موعد مجاز خواهد بود.

در ارتباط با بیمه کارگران ساختمانی، پرداخت حق بیمه و ارائه اسناد در زمان صدور پروانه ساختمان متوقف می‌شود. سازمان امور مالیاتی کشور، مکلف است معادل عملکرد نیم واحد درصد از مجموع عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای «ج» و «د» ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تامین اجتماعی بپردازد. سازمان تامین اجتماعی، مکلف است تکالیف مذکور در این قانون را از محل وجوه پرداختی انجام دهد و تمامی کارگران ساختمانی را زیرپوشش بیمه قرار دهد. کارفرمایان امور ساختمانی، موظفند آن گروه از کارگران ساختمانی را که مشمول این بند نیستند، بیمه حوادث حین کار کنند و اسناد مربوط را به مراجع صدور پروانه ارائه دهند.

در دیگر بندهای هزینه‌ای، پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی و شرکت‌های موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری به دستگاه اجرایی، به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی، ممنوع است، به جز مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده است و مبالغی که برای دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانشجویی دولتی، مؤسسه‌های آموزشی دولتی، مساجد، حوزه‌های علمیه، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی(ره) طرح‌های ورزشی و بهداشتی و روستایی پرداخت می‌شود.

سقف افزایش حقوق و مزایا و دیگر پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی شرکت‌های دولتی، مؤسسه‌های انتفاعی وابسته به دولت، نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، بانک‌ها و بیمه‌ها توسط هیات وزیران تعیین می‌شود. از ابتدای سال، اجرای بودجه این شرکت‌ها در این سقف امکانپذیر است.

افزایش پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی، مانند حقوق و مزایا، پاداش تحت هر عنوان، عیدی و کمک‌های نقدی و غیرنقدی به کارکنان، مدیران و اعضای هیأت مدیره نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی، بیش از سقف پرداخت‌های قانونی منظور شده در بودجه سال ۱۳۹۲ این شرکت‌ها ممنوع است. افزایش حقوق گروههای مختلف حقوق‌بگیر، مانند هیات علمی، کارکنان کشوری و لشکری و قضات به طور جداگانه توسط دولت به نحوی که تفاوت تطبیق موضوع مواد ۷۱ و ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری در حکم حقوق، ثابت باقی بماند، انجام می‌شود.

ممنوعیت تصدی چند شغل

عضویت کارکنان دستگاه‌های اجرایی و دارندگان ردیف و دیگر مشمولان قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل در هیأت مدیره شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی به صورت موظف و غیرموظف فقط در قالب ماموریت با دریافت حقوق و مزایا و هرگونه دریافتی به هر نحو، از جمله استناد قانون تجارت و اصلاحات بعدی آن فقط از یک محل و یک صندوق مجاز است.

تعیین سقف سود و کارمزد برای بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی

بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی ـ اعتباری دولتی و خصوصی، مجاز به دریافت سود و کارمزد بیش از نرخ مصوب شورای پول و اعتبار نیستند.

مجلس همچنین مصوب کرد که از ابتدای سال ۱۳۹۲ استخدام نیروی انسانی فقط براساس ماده ۵۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه و مواد مربوط به قانون مدیریت خدمات کشوری مجاز است و هرگونه استخدام مازاد بر آن، تخلف و پرداخت هرگونه وجهی توسط هر دستگاه اجرایی برای جبران استخدام‌های غیرقانونی، تصرف در اموال عمومی و موجب تعقیب قضایی مسئول دستگاه اجرایی است.

این گزارش حاکی است، به موجب مصوبه مجلس، افراد و رزمندگانی که در دوران جنگ تحمیلی و حوادث زمان انقلاب اسلامی دچار آسیب جسمی، روحی و روانی شده‌اند، ولی صورت سانحه و مدارک بالینی همزمان را ندارند، با معرفی یگان‌های اعزام کننده و نهادهای متولی مورد تایید قرار می گیرند و متناسب با میزان جانبازی زیر پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار می گیرند.

معافیت مددجویان از پرداخت هزینه انشعاب و...

مددجویان زیرپوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور از پرداخت هزینه‌های صدور پروانه ساختمانی، عوارض شهرداری و هزینه‌های انشعاب آب و فاضلاب و برق و گاز برای یک بار و در حد یک واحد مسکونی، برابر الگوی مصرف معافند.

ایثارگران شاغل در دستگاه اجرایی و افراد تحت تکفل هم می‌توانند از خدمات بیمه و درمان تکمیلی استفاده کنند.

معافیت کارگاههای کوچک کشاورزی از پرداخت حق بیمه

کارگاه‌های کشاورزی مشمول نظام صنفی کشاورزان مشمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر ۵نفر کارگر دارند، خواهند بود. دولت مکلف است مبلغ ۸هزار میلیارد ریال از محل فروش سهام شرکت‌های دولتی را به منظور تهیه و اجرای طرح‌های هادی و اولویت‌دار در زمینه بهسازی روستاها، احداث و نگهداری راه‌های روستایی، احداث خانه بهداشت و توسعه ورزش روستایی براساس شاخص‌های برخورداری هر شهرستان اختصاص دهد. همچنین شهرداری‌ها، موظف‌اند نسبت به تقسیط عوارض صدور پروانه شهرداری به مدت ۴۸ ماه در کلان شهرها و مراکز استان‌ها و ۶۰ ماه در دیگر شهرها یا به صورت سررسید یکجا اقدام کنند.

با تصویب مجلس، دولت در سال ۹۲ باید به گونه‌ای عمل کند که زمینه انتقال آب از خارج از کشور فراهم شود.

در ادامه این جلسه، اعلام شد که طرح تبدیل صندوق تأمین اجتماعی به سازمان تأمین اجتماعی به همراه طرح نظام رتبه‌بندی معلمان و طرح قانونی جمعیت و تعالی خانواده در اختیار هیأت رئیسه قرار گرفته است.

همگام با انتخابات

آخرین مهلت شکایت داوطلبان رد صلاحیت شده شوراها

هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور با صدور اطلاعیه ای مهلت طرح شکایت داوطلبان رد صلاحیت شده انتخابات شوراها را امشب اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

به اطلاع داوطلبان چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی کشور می‌رساند با توجه به نزدیک شدن به ایام تبلیغات نامزدهای این دوره از انتخابات شوراهای اسلامی کشور و برای تسریع در روند رسیدگی به شکایات مطروحه؛ حداکثر تا ساعت ۲۰ امشب فرصت ارایه شکایت وجود دارد.

داوطلبان عضویت در شوراهای روستایی برای اعلام اعتراض خود بایدبه هیات عالی نظارت در استان مراجعه کنند و داوطلبان عضویت در شوراهای شهر لازم است اعتراض خود را به هیات مرکزی نظارت تسلیم کنند.

لازم به ذکر است: برای اعلام اعتراض داوطلبان عضویت در شوراهای شهر، نیازی به حضور در هیات مرکزی نظارت بر انتخابات نیست و داوطلبان عزیز می توانند اعتراض‌نامه خود را به شماره ۸۸۹۴۸۳۷۹ - ۰۲۱ نمابر کنند و با شماره تلفن ۸۸۹۴۸۳۷۸ - ۰۲۱ با این هیات در تماس باشند.

همچنین عموم مردم شریف ایران اسلامی می توانند از طریق وب‌گاه این هیات به آدرس www.eshora.parliran.ir نظرات و شکایات خود را مطرح کنند.

امکان شرکت ایرانیان مقیم خارج در انتخابات

رئیس ستاد انتخابات خارج از کشور از ارسال تعرفه‌های اخذ رای به لندن برای حضور ایرانیان مقیم انگلیس در این دوره از انتخابات خبر داد و گفت که به دلیل همکاری نکردن دولت کانادا نتوانستیم شعبات اخذ رای را در این کشور دایر کنیم.

سید کاظم سجادی، مدیرکل امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه در گفتگو با فارس اظهار داشت: تلاش زیادی انجام شد تا تسهیلات برای حضور ایرانیان مقیم کانادا در این دوره از انتخابات فراهم شود، ولی متاسفانه دولت کانادا همکاری نکرد و نتوانستیم شعبات اخذ رای را در آنجا دایر کنیم.

سجادی این قضیه را متوجه دولت کانادا دانست که نسبت به حقوق شهروندان ایرانی مقیم این کشور بی اعتنا است. وی همچنین گفت که یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۱۲۰ کشور و در ۲۸۹ شعبه اخذ رای برگزار خواهد شد.

مالیات تورمی ظلم به مردم است

سعید جلیلی بر ضرورت استفاده از ظرفیت‌های موجود در کشور تاکید کرد و گفت که دولت نباید بگذارد این ظرفیت‌ها معطل بماند و از مسیر پیشرفت منحرف شود.

به گزارش ایسنا، این کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سخنانی در برنامه تلویزیونی دیدگاه از شبکه اول سیما اظهار داشت: در شرایطی که امروز در آن قرار داریم، برای ادامه مسیری که به برکت انقلاب اسلامی شروع شده، لازم است ارزیابی دقیقی از آنچه موجب موفقیت‌ها و ضعف‌ها شده است داشته باشیم.

وی افزود: باور من این است که دو عامل اصلی یعنی اندیشه دینی و گفتمان انقلاب و همراهی و حضور مردم در تحقق این اندیشه عامل موفقیت ماست و هرچه از این دو فاصله بگیریم موجب ضعف ما می‌شود.

این کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری همچنین با اشاره به سفرهای استانی دولت تاکید کرد: سفرهای استانی پاسخ هوشمندانه‌ای به توقف قطار دولت بود که به نظر من در جای خود بسیار ضروری است اما کافی نیست. امروز باید سفرهای وزارتخانه‌ای هم انجام شود. ما الان مصوبه، قانون، سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی خوبی داریم و سؤال این است که چرا اینها تا اجرا فاصله زیادی دارند؟ بر همین اساس، اگر می‌خواهیم اقتصاد، سیاست خارجی، فرهنگ و مسائل دیگرمان در مسیر رشد قرار بگیرد، باید حرکت به سمت تعالی را سرعت ببخشیم.

وی با بیان این که برخی افراد با همین نگاه توجه‌شان به این بوده که ساختارها را تغییر دهند ولی این امر کافی نیست، تصریح کرد: مهم‌تر از ساختارها، بحث سازوکارهاست که ما باید سازوکار متناسب را حاکم کنیم. برای مثال در دوران دفاع مقدس یکی از پیچیده‌ترین کارها بحث دفاع و جنگ بود. ما یک سازوکار داشتیم و چون این سازوکار مبتنی بر اندیشه اسلام بود، توانستیم پیروز شویم.

وی با بیان این که شکوفا شدن ظرفیت‌های کشور نباید بر اساس شانس سیاسی یا حتی فردی باشد، اظهار داشت: الان یکی از مهم‌ترین مطالبات مردم اولویت دادن به بحث اقتصاد است.

برنامه‌ریزی برای بحث‌هایی مانند تورم، اشتغال، هدفمندی و مشارکت مردم در اقتصاد باید متناسب با ظرفیت‌های کشور باشد و این اقتصاد به یک شکل صحیح مدیریت شود تا فقط به فکر هزینه کردن منابع نباشیم بلکه به فکر تولید منابع هم باشیم.

کاندیدای یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ادامه داد: ممکن است کنترل تورم را با سیاست‌های مقطعی دنبال کرد و همچنین می توان با یک سازوکار اساسی با آن مواجه شد.

برای مثال، در حال حاضر مردم از تورم رنج می‌برند و در همین چارچوب مالیات تورمی ظلم اساسی به مردم است که آثار سوء آن در طبقات پایین جامعه بروز پیدا می کند.

ارتقای جایگاه ایران در جهان

محمدرضا عارف با اشاره به این که هدفش از کاندیداتوری در انتخابات پیشرفت کشور است، گفت: بیش از سه دهه تجربه کاری اجرایی در بخش‌های مختلف دارم و فکر می کنم بتوانم با استفاده از این پشتوانه، برنامه خوبی را تقدیم ملت عزیزم کنم.

به گزارش ایسنا، این نامزد انتخابات ریاست جمهوری که در برنامه انتخاب ایرانی که به صورت از پیش ضبط شده از شبکه جام‌جم صداوسیما پخش می شد اظهار داشت: یک برنامه عملیاتی را در ۲۲ فصل تنظیم کرده‌ام که جهت‌گیری خوب و منطقی در بخش‌های مختلف دارد و امیدوارم با کمک مردم عملی شود.

تلاش ما باید این باشد که با برنامه‌ریزی دقیق و عملی کشور را برای رسیدن به افق چشم‌انداز هدایت کنیم.

وی در ادامه در پاسخ به پرسش یکی از ایرانیان خارج از کشور درباره مطالبات ایرانیان خارج از کشور و حفظ شأن و عزت ایرانیان در سراسر جهان تاکید کرد: باید تلاش کنیم که از همه پتانسیل‌ها و امکانات و هنر دیپلماسی برای ارتقاء جایگاه کشور استفاده کنیم. حضور چهار میلیون نفر به عنوان سفیر ایران در خارج از کشور که عمدتا نخبه و تحصیلکرده هستند، از مزایای ماست که باید از آن برای تقویت رابطه‌مان با سایر کشورها استفاده کنیم. تلاش می کنیم منازعات سیاسی میان کشورها را از مسائل جاری مردم و ایرانیان خارج از کشور جدا کنیم.

معاون اول دولت آقای خاتمی با بیان این که از پتانسیل‌هایمان به ویژه در زمینه روابط خارجی کمتر استفاده کرده‌ایم، یادآور شد: آقای خاتمی مبتکر ایده گفتگوی تمدن‌ها بوده و روابط خوبی را با بسیاری از کشورهای دنیا داشته است. آقای هاشمی هم از استوانه‌های انقلاب است که روابط بسیار دوستانه، حسنه و دیرینه‌ای با بسیاری از کشورهای اسلامی داشته است ولی متاسفانه در سال های گذشته از پتانسیل‌هایمان به هیچ وجه استفاده نکرده‌ایم.

تحقق عدالت نیازمند اقتصاد کارآمد

حسن روحانی انتخابات و حضور در عرصه انتخابات را یکی از وظایف هر ایرانی دانست و خاطرنشان کرد: همه ما باید برای تعیین سرنوشت خود در انتخابات شرکت کنیم، مسلم است بی تفاوت بودن نسبت به این مساله و تشویق مردم به رای ندادن، هدفی است که دشمنان نظام همیشه در پی آن بوده و هستند.

به گزارش ایسنا، حسن روحانی در نشستی صمیمی با جمعی از آذری های مقیم تهران گفت: برای پویایی نظام سیاسی کشور باید رقابت سیاسی واقعی و صحیح را گسترش داد.

وی تصریح کرد: در چنین شرایط حساسی همه ما باید کدورت‌ها و گلایه مندی‌ها را کنار بگذاریم و به جای نفی و تخریب یکدیگر، نشست، گفتگو و نقد سازنده و مفید را حاکم کنیم تا کشور به سمت آبادانی پیش رود.

شکایت از یکدیگر فقط می تواند مشکلات را افزایش دهد و مردم را مایوس و نا امید کند. وظیفه ما در شرایط کنونی امید دادن به مردم است، البته نباید وعده‌های واهی به نا امیدی منتهی شود.

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه با بیان این که دولت تدبیر و امید یک دولت فرا جناحی است و از همه سلیقه ها برای اداره و مدیریت کشور استفاده خواهد کرد، گفت: با یک جناح نمی توان کشور را اداره کرد و ساماندهی عملکرد های ما ممکن نخواهد بود مگر با استفاده از مدیران با تجربه و نخبگان حتی اگر سلیقه حزبی آن ها مغایر با دولت باشد.

دولت تدبیر و امید یک دولت فرا جناحی خواهد بود و از همه سلیقه ها برای مدیریت و پیشرفت کشور بهره خواهد برد.

رئیس کمیسیون سیاسی - اجتماعی مجلس خبرگان رهبری یکی از مهمترین دغدغه های پیش روی کشور را تغییر و ساماندهی وضع اقتصادی دانست و افزود: برای تحقق عدالت نیاز به اقتصادی کار آمد داریم.

روحانی اظهار داشت: تنها راه نجات اقتصاد از وضع کنونی افزایش تولید و حمایت از تولید کنندگان است و در این زمینه دولت باید فقط نقش حامی و تسهیل کننده را ایفا نماید و از دخالت و تصدی گری پرهیز کند.

افزایش تولید علاوه بر اشتغال زایی و افزایش رفاه اجتماعی می تواند تورم را هم کنترل کند.

تاکید رئیس مجمع بر حضور پرقدرت روحانی در انتخابات

قائم مقام ستاد انتخاباتی حسن روحانی از جزئیات دیدار این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری با آیت الله هاشمی رفسنجانی خبر داد.

اکبر ترکان در گفتگو با مهر با اشاره به دیدار حسن روحانی با رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: آنچه بنده از این دیدار نقل می کنم بر اساس آن چیزی است که آقای روحانی برای بنده و اعضای ستاد نقل کرده است.

وی افزود: اقای روحانی روز پنجشنبه هفته گذشته به دیدار آقای هاشمی رفت و ایشان تاکید کرد ند که رئیس مرکز استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام باید تا پایان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری با قدرت در عرصه حضور داشته باشد.

قائم مقام ستاد انتخاباتی روحانی با اشاره به بخشی از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی خطاب به این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری تصریح کرد: آقای هاشمی خطاب به روحانی گفته است: «شما با قدرت به فعالیت خود در انتخابات ریاست جمهوری ادامه دهید و بنده هم بموقع در این باره اقدام خواهم کرد».

وی ادامه داد: با توجه به برخی سخنان و شایعات مبنی بر این که احتمال کناره گیری روحانی وجود دارد اعلام می کنیم که ایشان تا پایان انتخابات ریاست جمهوری آتی به رقابت با رقبای خود خواهد پرداخت و البته امید زیادی هم به پیروزی داریم.

طرح درمان رایگان

علی‌اکبر ولایتی هم بر حضور خود تا پایان این دوره انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد.

به گزارش ایسنا، این نامزد یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، در پاسخ به این پرسش که آیا تا آخر رقابت‌ها در صحنه باقی خواهید ماند یا این که ممکن است از این عرصه کنار بکشید، اظهار داشت: من این‌بار هم به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری وارد صحنه شدم و تا آخر می‌مانم و به رقابت انتخاباتی ادامه می‌دهم و بنا ندارم به نفع کسی عقب‌نشینی کنم.

ولایتی خاطرنشان کرد: اکنون مردم ما با مشکلات جدی مواجه هستند و نمی‌شود که به مردم فقط وعده داد و گفت که ما در یکی - دو سال معیشت شما را سامان می‌دهیم. مردم می‌خواهند هرچه زودتر مشکلات آنها حل شود.

این نامزد انتخابات ریاست جمهوری در ادامه با تاکید بر این که اقتصاد ما باید تولیدمحور باشد، افزود: اکنون نیازهای فوری در کشور داریم ولی به اندازه آن، کالا موجود نیست و نقدینگی هم به رقم بالایی رسیده و عملا موجب تورم شده است. این در حالی است که اگر ما از امکاناتی که در اختیار داریم استفاده کنیم، به طور طبیعی می توانیم قیمت‌ها را کنترل کنیم.

وی با مورد توجه قرار دادن تعطیلی برخی کارخانه‌ها تصریح کرد: اگر به این کارخانه‌ها معافیت مالی شش ماهه و فرصت تنفس دهیم تا پرداخت‌های خودشان را به تعویق بیندازند و البته مطمئن شویم تولیدکنندگان و کارگاه‌های کوچک و متوسط کار تولیدی خود را از سر می گیرند، در واقع چنین روندی موجب می‌شود که کارگران هم به کار خود برگردند.

ولایتی اضافه کرد: اکنون بخش زیادی از مواد مورد نیاز مردم در گمرک است و میان افراد واردکننده و بانک‌ها هم اختلاف وجود دارد. در این چارچوب یکی از مشکلات، بحث داروست و اکنون می‌بینیم که برخی داروهای حیاتی به قیمت چند برابر عرضه می‌شود و مردم مجبورند برای خرید آن به ناصرخسرو بروند.

وی درباره طرح درمان رایگان به عنوان یکی از برنامه‌هایش گفت: این موضوع یکی از کارهای درازمدت است. در انتهای برنامه پنجم توسعه مقرر شده است که پولی که مردم برای هزینه درمان پرداخت می‌کنند ۳۰ درصد باشد، در حالی که اکنون ۶۵ تا ۷۰ درصد است. بیمه ما ناقص است و طبق بندهای ۳۲ و ۳۸ برنامه پنجم توسعه بیمه یکپارچه سلامت باید تاسیس و بیمه‌های ناقص جمع شود. اگر در انتهای برنامه پنجم ما به جایی برسیم که ۳۰ درصد از هزینه‌های درمان را مردم پرداخت کنند، در برنامه‌های بعد این درصد هم به صفر خواهد رسید. من این طرح را وعده داده‌ام و قابل اجراست.

ولایتی درباره برنامه‌های خود برای ایجاد اشتغال هم تصریح کرد: حمایت از تولید و مردمی کردن تولید، موجب رونق گرفتن کارگاه‌های کوچک می‌شود. اشتغال‌زایی از نتایج حمایت از تولید و مردمی کردن آن است.

مشارکت مردم در تصمیم گیری ها

یک کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری اظهار داشت: سیاستی که اقتصاد مردم را شامل نشود، سیاست ماندگاری نخواهد بود.

به گزارش ایسنا، سیدمحمد غرضی در جمع جوانان، گفت: من می‌خواهم جمهوری اسلامی را توسعه دهم و معتقدم مردم باید در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند.

وی با بیان این که دولت متورم دولتی است که در جیب فقرا دست می کند، گفت: من امیدوارم بتوانم اسلامیت را ادامه و توسعه دهم. من یک جمله بیشتر نمی گویم دولت متورم دولتی مشروع نیست. این دولت غیرمشروع و حرام است. دولتی که بیش از درآمدهایش هزینه کند مجبور به چاپ اسکناس می‌شود که در این صورت تورم ایجاد می‌شود. غرضی گفت: وقتی تورم ایجاد شد، تولید و اشتغال از میان رفته و جوانان توانایی ازدواج کردن را نداشته و خانواده‌ها هم استقامت خود را برای زندگی از دست می‌دهند و در نتیجه قدرت سیاسی کشور متزلزل می‌شود. غرضی با بیان این که من می خواهم دولتی پاسخگو تشکیل دهم، گفت: امروز وضع اقتصادی کشور بد نیست، ولی وضع اقتصادی دولت بسیار بد است. مردم هیچ بدهی ندارند، ولی دولت بدهی‌های زیادی دارد که این ناشی از مدیریت غلط دولت‌هاست که برای این که بگویند دولتی خدمتگزار هستند بیش از درآمدهایشان هزینه می کنند.

این کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری در پاسخ به این سؤال که نظر شما در مورد گشت ارشاد چیست، اظهار داشت: گشت ارشاد هم جزئی از تورم است، چرا که عده‌ای خلاف می‌کنند و ما باید هزینه‌ای صرف جلوگیری از انجام اینگونه اقدامات خلاف کنیم، این که کشورداری نمی‌شود.

تغییر جدی در نظام اداری کشور

قالیباف با تاکید بر این نکته که کشور نیازمند تغییر جدی در نظام اداری است، گفت: حماسه بزرگ سیاسی را پیش رو داریم که نقطه عطفی برای رقم زدن دوران جدید در اداره کشور است.

به گزارش ایسنا، محمد باقر قالیباف در همایشی در کرمان با اشاره به ظرفیت‌های استان کرمان در بخش معادن و کشاورزی گفت: با ظرفیت‌های این استان از نزدیک آشنا هستم.

البته نه تنها استان کرمان بلکه تمامی ایران امکانات بالایی دارد و در میان کشورها، ایران مقام دوم در دارا بودن منابع نفت و گاز را دارد. اما یک غصه داریم و آن این که چرا این همه نیروی خوب، جوان و آماده به کار در پیچ و خم زندگی گرفتار مانده و همه مردم سختی گرانی و تورم و بیکاری را تحمل می کنند. وی با اشاره به این که برنامه هایش در ۲۴ فصل تنظیم شده است، تاکید کرد: برنامه لازم است اما کافی نیست.

مهم‌تر از برنامه کارنامه و عملکرد افراد در گذشته است. در حال حاضر هشت سال از تدوین سند چشم‌انداز کشور می گذرد که باید در این مدت ۴۰ درصد اجرایی می شد.

الان هم در برنامه پنجم توسعه قرار داریم و می‌بینیم که چه میزان از برنامه‌های توسعه در کشور محقق شده است که در صورت اجرا شدن تمامی برنامه‌های گذشته امروز وضع اقتصادی و اجتماعی کشور این طور نبود. مهم‌تر از برنامه این است که کسی باید اجرایی شدن آن را ضمانت کند و ضمانت با حرف نمی‌شود.

کسانی باید ضمانت بدهند که کارنامه مشخصی در ۳۵سال گذشته در انقلاب اسلامی داشته‌اند.

وی با اشاره به فداکاری شهدا و خانواده شهدا گفت: خانواده شهدا هرگز برای سیاست فرزندان خود را تقدیم نکردند بلکه آن‌ها برای اسلام کار کردند.

در حرکت‌مان نباید غفلت کنیم که احساس کنید فقط هدف این است که اقتصاد را درست کنیم چون هدف ما فقط عبادت خدا و برقراری رشد و تعالی است. اسلام گفته است اگر در جامعه‌ای سوء تدبیر و فقر وجود داشته باشد امکان ندارد بشود در آن جامعه، امر به معروف و نهی از منکر انجام داد و مردم را به دین دعوت کرد. ما اگر هم به اقتصاد می‌پردازیم به عنوان وسیله است. نظام اسلامی ما را مکلف کرده که بهترین خدمت را به جامعه ارائه دهیم.

وی با اشاره به مشکلات اقتصادی امروز گفت: فرهنگ جهادی به معنی سیاست‌بازی و به فکر خود بودن نیست بلکه به این معنی است که دغدغه زندگی مردم را داشته باشیم.

من به مردم قول می‌دهم در صورتی که به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شوم، درمدت دو سال حتما ثبات و آرامش اقتصادی را با همت و غیرت جوانان در کشور برقرار کرده و کاری می کنم که همان طور که اکنون مردم تورم و گرانی را حس می کنند در آن زمان نظم حاکم بر بازار و اقتصاد را حس کرده و یقین داشته باشند که می توانند به سمت اشتغال بروند و این امکان در کشور وجود دارد.

تحول اقتصادی با زمینه سازی فرهنگی

حدادعادل سفرهای استانی را مفید و از اقدامات خوب دولت فعلی ذکر کرد و گفت: معتقدم اندازه نگه دار که اندازه نکوست. سفر استانی آنقدر زیاد نشود که فرصت رسیدگی به مسائل اصلی کشور در مرکز کمتر شود. اگر بنده رئیس جمهوری شوم و سفر استانی داشته باشم این همه مصوبه در یک مدت کوتاه به تصویب نمی رسانم.

غلامعلی حداد عادل دریک نشست خبری ،افزود: آمار بالای مصوبه ها تعجب برانگیز است. سفر استانی را لازم می دانم زیرا این سفرها باعث ارتباط با توده مردم و رفتن به مناطق محروم می‌شود ولی حجم بالای مصوبه ها به نظر خوب نمی آید.

کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در پاسخ به سؤالی مبنی بر این که برنامه های خود را از چه زمانی شروع کرده اید و منابع مالی شما از کجا تامین می شود؟ گفت: ما برنامه‌های خود را از پنج ماه پیش به صورت مطالعات دقیق انجام داده ایم و در مورد هزینه های تبلیغاتی هم اهل اسراف و ریخت و پاش نیستم.

تکیه من بر برنامه های رادیو و تلویزیونی است و صرفا برای یادآوری مختصر تبلیغاتی خواهم داشت که فکر نمی کنم هزینه زیادی داشته باشد.

حدادعادل با تاکید بر این که هیچ تحول اقتصادی و اجتماعی بدون زمینه سازی فرهنگی ممکن نخواهد بود، تصریح کرد: فرهنگ نرم افزار و تحول سخت افزار است یعنی اگر برای هر تحولی زمینه های فرهنگیش آماده نشده باشد ریشه‌های آن تحول ماندگار نخواهد بود. وی با بیان این که شعارم برای دولت آینده دولت تقوا و تدبیراست، تاکید کرد: من در ذهن خودم برای هر فعالیتی یک پیوست فرهنگی خواهم داشت.

تقدیر مجمع روحانیون مبارز از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

مجمع روحانیون مبارز در بیانیه‌ای از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به خاطر کاندیداتوری و ثبت نام برای انتخابات ریاست جمهوری تقدیر و از مراجع، علما، روحانیون و اقشار مختلف مردم در حمایت از رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، سپاسگزاری کرد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: جایگاه و نقش آیت‌الله هاشمی از آغاز نهضت امام خمینی تاکنون و همراهی شجاعانه او با انقلاب، تحمل زندانها و شکنجه‌های طاقت‌فرسا در راه مبارزه با استبداد ستم‌شاهی، حضور در شورای انقلاب به عنوان عضو کلیدی و موثر برای ساماندهی مسایل و مشکلات ماههای اول پیروزی، ایفاء نقش بی‌نظیر در اداره مجلس شورای اسلامی طی چند دوره و نهادینه کردن جایگاه والا و قدرتمند قوه مقننه، فداکاری و تلاش نفس گیر در دوران دفاع مقدس بعنوان جانشین فرمانده کل قوا، اداره کشور در سمت رئیس جمهوری پس از پایان جنگ تحمیلی و بازسازی ویرانیهای گسترده ناشی از جنگ، ایراد خطبه‌های پرمحتوا، عمیق و روشنگر و جذاب در نماز جمعه تهران، اعمال مدیریت شایسته در مجلس خبرگان رهبری، ریاست ۲۳ساله بر مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان بازوی مشورتی رهبری و گره گشایی در مقاطع حساس از بن بستهای ایجاد شده در روند قانونگذاری کشور و حل معضلات نظام و دهها اقدام تعیین کننده و سرنوشت ساز دیگر در ۵۰سال عمر پربرکت و پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی از خرداد ۱۳۴۲ تاکنون آیت‌الله هاشمی را به حق در جایگاه شناسنامه انقلاب اسلامی نشانده است.

در پایان بیانیه مجمع روحانیون مبارز آمده است: مجمع مراتب سپاسگزاری و تشکر خود را از آیت‌الله هاشمی به خاطر فداکاری و ثبت نام در عرصه انتخابات ابراز داشته و از تمامی اقشار جامعه اعم از مراجع عظام تقلید و علماء و روحانیون عالیقدر، اساتید و فرهنگیان و نخبگان، جوانان و دانشجویان، کسبه و تولیدگران و کارآفرینان، کارگران و کشاورزان و سایر طبقات اجتماعی و فعال سیاسی و احزاب و گروه‌هائی که در اقدامی فراگیر و خودجوش در این عرصه حاضر و از کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی حمایت کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کند.

جشنواره فرهنگی - هنری «بر آستان آفتاب»

در برج میلاد افتتاح شد

جشنواره فرهنگی، هنری بر آستان آفتاب در برج میلاد با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی اشراقی نوه گرامی امام خمینی (ره) افتتاح شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، جشنواره فرهنگی ـ هنری بر آستان آفتاب که از پنجم تا پانزدهم خرداد در نمایشگاه میلاد دایر خواهد بود، با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین مرتضی اشراقی نوه گرامی بنیانگذار جمهوری اسلامی افتتاح شد.

در ابتدای مراسم، جعفری، مدیر روابط عمومی برج میلاد ضمن خیر مقدم به میهمانان، با اشاره به این که امسال سومین سالی است که مجموعه برج میلاد این افتخار را دارد که میزبان این جشنواره فرهنگی ـ هنری باشد، اظهار داشت: این که بتوانیم از طریق چنین برنامه هایی میهمانان برج میلاد به ویژه میهمانان بین المللی این مجموعه را با فضای فکری و آرمانی حضرت امام آشنا کنیم، قدم بسیار بزرگی است.

وی درباره علت نامگذاری این برج به نام «برج میلاد» تصریح کرد: علت نامگذاری، یکصدمین سالروز میلاد حضرت امام خمینی (س) بود که طبق نظر شورای محترم شهر تهران تصمیم بر آن شد که این برج «میلاد» نام بگیرد.

جعفری در ادامه درباره برنامه های این جشنواره افزود: در این جشنواره در غرفه های مختلف اسناد مبارزاتی امام خمینی، کتاب های پیرامون ایشان و تصاویر ایشان و... در طبقه اول برج میلاد برای علاقه مندان به نمایش گذاشته شده است.

همچنین در طبقه ۲۸۰ این برج نمایشگاه آثار هنری و حجمی طلاب سراسر کشور است که در آن آثاری در قالب خوشنویسی، معرق، پیکرتراشی و طراحی که توسط طلبه های سراسر کشور انجام می شود، به نمایش گذاشته شده است.

پس از صحبت های مدیر روابط عمومی برج میلاد، مرتضی اشراقی نوه ارجمند امام خمینی (س) به همراه غلامعلی اصغریان معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت ارتحال امام خمینی (س) و هیات همراه برای افتتاح نمایشگاه به طبقه ۲۸۰ برج میلاد رفتند و ضمن افتتاح رسمی نمایشگاه، از تمامی غرفه های نمایشگاه مانند غرفه اسناد مبارزاتی شامل ۵۰ سند مبارزاتی امام خمینی، کارگاه آثار هنری با حضور ۷۰ طلبه هنرمند در قالب نگارگری، آثار حجمی، غرفه پرتال امام خمینی و... بازدید کرده و از موزه سکه و نگارخانه برج میلاد و همچنین «گنبد آسمان» برج میلاد دیدن کردند که با توضیحات جعفری همراه بود.

این جشنواره که باهمت موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت ارتحال امام خمینی (س)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، شهرداری تهران و مجموعه برج میلاد برگزار می شود، تا ۱۴ خرداد میزبان علاقه مندان است.

کنگره ملی صائب تبریزی و شعر اخلاقی امروز آغاز به کار می کند

«کنگره ملی صائب تبریزی و شعر اخلاقی» امروز با حضور دکتر سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، دراین کنگره که هفتم خرداد در تالار وحدت برگزار می شود جمعی از نخبگان، فرهیختگان، شعرا، نویسندگان، شخصیت های ادبی و هنری و اهالی فرهنگی نیز حضور خواهند داشت. هدف از برپایی این کنگره توجه بیش از پیش به شعر اخلاقی است.

فراخوان نخستین همایش صائب تبریزی و شعر اخلاقی در بخش های مختلف، اسفندماه سال ۹۱ منتشر و استقبال قابل توجهی از این رویداد شده است.بخش عمده ای از مقالات برتر رسیده به این کنگره چاپ و در روز برگزاری آن به علاقه مندان عرضه می شود.

همزمان با برپایی کنگره ملی صائب تبریزی، ۳ کتاب با موضوع این شاعر اخلاق با حضور « سید محمد حسینی « وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رونمایی می شود.مجموعه مقالات کنگره تحت عنوان کتاب شناسنامه صائب تبریزی، گزیده شعر صائب تبریزی و شاعران سبک هندی و دیدار رهبر معظم انقلاب با شاعران انقلاب اسلامی سه کتابی است که رونمایی خواهند شد.

رونمایی از تمبر یادبود صائب تبریزی، تجلیل از برگزیدگان صاحب مقالات برترکنگره ، تجلیل از پیشکسوتان شاعران شعر اخلاقی، تجلیل از جایگاه علمی ادبی استاد زنده‌یاد محمد قهرمان از دیگر برنامه های نخستین کنگره بزرگداشت صائب تبریزی است.

استقبال هنرمندان از بخش پوستر جشنواره پرچم

برگزاری نخستین جشنواره پرچم با استقبال هنرمندان مطرح کشور روبه‌رو شد.

به گزارش ستاد خبری نخستین جشنواره پرچم، جمع زیادی از هنرمندان شناخته‌شده کشور در سه حوزه عکس، نقاشی کودک و نوجوان بویژه طراحی پوستر، با ارسال اثر به دبیرخانه جشنواره پرچم، از برگزاری این جشنواره استقبال کردند.قباد شیوا، ساعد مشکی، فرزاد ادیبی، مسعود نجابتی، پریسا تشکری، بیژن صیفوری، مجید کاشانی، کامران مهرزاده، امرالله فرهادی و پیمان پورحسین، از جمله هنرمندان معروف در زمینه طراحی پوستر در کشور هستند که تاکنون با ارسال اثر، برای شرکت در جشنواره اعلام آمادگی کرده‌اند.

رونمایی از «کتاب انقلاب فصل بیداری»

بازخوانی صحیفه‌نور حضرت امام خمینی (ره)

عکس از: محسن وزیری

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم رونمایی و نقد و بررسی «کتاب انقلاب فصل بیداری» تالیف حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری دیروز در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای مراسم حجازی رئیس فرهنگسرای اندیشه و منطقه۷ سازمان فرهنگ و هنر شهرداری تهران، ضمن خوش آمدگویی به حضار گفت: دوشنبه‌های کتاب و اندیشه جمعی قدیمی است که از مدت‌ها قبل وجود داشته است که بعد از آن سه‌شنبه‌های شعر و ادب شکل گرفت و خوشحالیم که چنین کتابی در این برنامه معرفی و نقد و بررسی می‌شود.

وی افزود: خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ۱۳۹۲، نیم قرن گذشته است. نیم قرن بیداری اسلامی تحولاتی ایجاد کرده است که امروزه آن را شاهد هستیم. و این کتاب زائری، با هدف ایجاد ارتباط بین نسل سوم و نسل انقلاب، تالیف شده است. ایشان از جمله روحانیون متفکری است که با آثار خود، مقاطع انقلاب را بازخوانی می کند و شکاف بین نسل سوم و چهارم با نسل نخست انقلاب را پر می کند و در این ارتباط باید به آنها یاری رساند.

بنابراین گزارش باقری، قائم مقام دفتر نشر فرهنگ اسلامی نیز گفت: این کتاب به روزهای پایان نمایشگاه کتاب رسید و مورد استقبال جوانان قرار گرفت. دفتر نشر فرهنگ اسلامی بالغ بر چهار دهه فعالیت داشته است.

سپس حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری با اشاره به اینکه کتاب صحیفه نور در چاپ بعد به صحیفه امام(ره) تغییر نام داده است، گفت: کتاب صحیفه نور، بنیان فکری و اساسی انقلاب اسلامی است. یادم می آید که پدربزرگوارم، آنگاه که خطبه همام نهج‌البلاغه را حفظ کردم، این کتاب را به من هدیه کردند. احساس من بر این بود که تک تک این بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها، کلمات ارزشمندی هستند که خیلی ها برای انتقال آنها به مردم، جان فشانی کردند.

چون در اختیار داشتن جلدهای متعدد صحیفه نور برای خانواده‌ها سخت است، سعی کردم تا با بازخوانی و تلخیص آن، این کتاب را در دسترس قرار بدهم.

وی با تجلیل از روزنامه ابرار که در ابتدا این کتاب را به صورت روزانه به چاپ رساند، افزود: پس از ۵۰ سال با مطالعه کتاب صحیفه نور، مشاهده می‌کنیم امام(ره) در مسیر حرکت خود، نه فقط به عنوان رهبر سیاسی بلکه به عنوان چهره‌ای الهی و علمی، معارف دینی را به صورت عملی از خود به یادگار گذاشته است.

مولف کتاب انقلاب فصل بیداری در ادامه گفت: با خواندن این کتاب، می توانیم ایشان را آنگونه که بود بشناسیم چون شخصیت جامع امام(ره) دراین کتاب دیده می‌شود. امام را بدون افراط و تفریط و برچسب‌ها خواهیم شناخت چرا که متاسفانه، خواسته و ناخواسته، بخشی از ابعاد ایشان را بزرگ کرده و از دیگر ابعاد ایشان مغفول می مانند.»

وی گفت: من به عنوان بازخوان، چیزی به عنوان دغدغه‌هایم بر متن کتاب تحمیل نکردم و امیدوارم فرصتی برای همه ما ایجاد شود که به اندازه استطاعت خود، در شناسایی اندیشه‌های امام، قدمی برداریم.

زائری با انتقاد از شرایط غفلت فرهنگی و پژوهشی در کشور در پایان گفت: کتاب صحیح بخاری ۴۰ شرح دارد در حالی‌که از اصول کافی، دو یا ۳ شرح موجود است که به سختی در دسترس است .

سپس مختارپور درباره این کتاب گفت: ۷۰ درصد این کتاب ۴۲۰ صفحه‌ای، بیانات امام (ره) است و ۳۰ درصد آن توضیحات زائری.

وی افزود: توجه مولف به وزن مطالب، سعی به آگاهی دادن تدریجی و گام‌به‌گام به خواننده، برجسته‌سازی نکات کلیدی، تشریح سیر مراحل نهضت و مدیریت نهضت، استفاده از منابع، اشاره به فضایل اخلاقی و موفقیت در نشان دادن ارتباط‌های وسیع و ویژگی‌های نصیحت و خیرخواهی و امر به معروف، از نکات مثبت تلاش مولف در تألیف کتاب صحیفه نور است.

سیدمحمود دعایی مدیر مسئول روزنامه اطلاعات در این مراسم گفت: در ابتدای انقلاب دو پدیده را بزرگان و عزیزانی لازم دیدند که در جهت خدمت به آرمان‌های انقلاب، تاسیس کنند یکی حوزه هنری بود و دیگری دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیانگذار هر دو مرکز، بزرگانی بودند که شایسته است نام آنها گفته شود.

شهید باهنر، مرحومه دکتر طاهره صفارزاده و دیگرانی که هستند و خداوند عاقبت همه ما را به خیر کند.

وی در ادامه گفت: من از خاندان آقای زائری شناخت کامل دارم. پدر بزرگوار ایشان و من از سن طفولیت و جوانی، در یک محله زندگی می‌کردیم. همسر ایشان از خاندان نجیب، پاک و متدین و وارسته بودند. کسانی بودند که تعهد به تمام مسائل دینی و اجتماعی را در حد اعلی داشتند.

کاسب‌هایی بودند که با پاکی زندگی می‌کردند و نان حلال به فرزندان خود می‌دادند. و در مسیر تعهد به مسائل دینی خود، رنج فراوان و محرومیت و فقر می‌کشیدند. شاید سال‌های ۱۳۲۰ و قحطی‌های بعد از جنگ جهانی خیلی رنج کشیدند و در کنار این رنج‌ها، پاک و سالم زندگی کردند.

آقای زائری معلم وارسته‌ای بود که فرزندانش را خوب تربیت کرد و زندگی پاکی داشت و به شایستگی در ابتدای انقلاب، در منطقه خود انتخاب شد، چه در کرمان و چه در بندرعباس، پیشگام انقلاب بود و من افتخار داشتم در چند دوره مجلس شورای اسلامی زیر سایه ایشان باشم.

وی افزود: محمدرضا زائری، انسان اندیشمندی است که آزاداندیش است و مراحل مختلفی را طی کرده تجربه تحصیل داخل و خارج و آشنایی با فرهنگ‌های متنوع را داراست و در تقریب مذاهب و اندیشه‌های دینی، تجارب ارزشمندی دارد.

در پایان این مراسم با حضور علاقه‌مندان حوزه کتاب، کتاب «انقلاب فصل بیداری» رونمایی شد.

شروع فعالیت رسمی آکادمی تئاتر سمندریان با مدیریت هما روستا

سرویس فرهنگی، هنری: آکادمی تئاتر سمندریان اردیبهشت امسال به مدیریت هما روستا و با همراهی استادان این رشته هنری در قالب هیأت امناء رسماً فعالیت خود را آغاز کرد.

به گزارش خبرنگار ما، هما روستا، بازیگر و کارگردان با سابقه تئاتر و همسر مرحوم حمید سمندریان دیروز ضمن اعلام خبر آغاز فعالیت این آکادمی در جمع خبرنگاران، گفت: «اردیبهشت، ماه تولد حمید سمندریان بود و تصمیم گرفتم دیگر برایش سوگواری نکنم چرا که سمندریان برای من و دوستانش زنده است. ما تصمیم گرفتیم از این پس تولد او را جشن بگیریم».

وی افزود: «این فقط یک جشن تولد نیست. ما می خواهیم با این کار، حرکتی را در تئاتر به وجود بیاوریم. او تئاتری را دوست داشت که پیشرو، خلاق و سختگیرانه باشد و آسان گیر نباشد و ما را به جلو سوق دهد. ما می‌خواهیم در جشن تولد سمندریان به بهترین‌ها هدیه بدهیم و اگر در سالی هیچ بهترینی نبود، آن سال فقط جشن می گیریم و افسوس می خوریم که چرا بهترینی نداشتیم.

روستا در ادامه گفت: «امسال از آنجایی که این آکادمی اساسنامه کاملی نداشت و هنوز خام بود، تصمیم گرفتیم در تولد هشتاد و دو سالگی حمید سمندریان میهمانی ترتیب دهیم و بدون اعلام رسمی شروع فعالیت این آکادمی، به بهترین‌های سال گذشته هدیه بدهیم که پانته‌آ پناهی‌ها به عنوان بهترین بازیگر زن برای نمایش «ویتسک»، مرتضی اسماعیل کاشی به عنوان بهترین بازیگر مرد برای بازی در نمایش‌های «ویتسک» و «مکبث» و همایون غنی‌زاده به عنوان بهترین کارگردان برای کارگردانی نمایش «آنتیگون» این جوایز را دریافت کردند.این بازیگر با سابقه تئاتر و سینما افزود: «ما نمایش‌هایی را قضاوت می کنیم که پویا و پرتحرک باشند و آثار ساده و راحت و پیش پا افتاده را مورد قضاوت قرار نمی‌دهیم».

هما روستا گفت: «هدف از تشکیل این آکادمی آن بود که هم نام حمید سمندریان همیشه زنده باشد و هم اینکه کمک به تشویق و کشف استعدادهایی است که تئاتر ما را جلو می‌برند و شاید به این شکل بتوانیم کمک کوچکی به تئاتر ایران کنیم».

وی توضیح داد: «شیوه داوری ما اینترنتی خواهد بود و این داوری توسط جمعی از هنرمندان رشته‌های مختلف انجام می‌شود. داوران ما ضمن تماشای نمایش‌ها به رشته‌های مختلف رأی می‌دهند». هما روستا در پایان گفت: «مدال سمندریان توسط یدالله شیرازی طراحی شده است و ما هر سال دو مدال اهدا خواهیم کرد. یک مدال به یک گروه برگزیده و مدال دوم به یکی از رشته‌هایی همچون بازیگری، طراحی پوستر، طراحی صحنه و لباس و غیره»، آکادمی تئاتر سمندریان با مدیریت هما روستا و با همراهی کاوه سمندریان، ابراهیم حقیقی، حمید لبخنده، محمدحسن معجونی، محمد یعقوبی، حمید پورآذری، محمدرسول صادقی و فریبرز دارایی از اردیبهشت سال جاری فعالیت خود را آغاز کرد و هر سال دو جایزه به بهترین‌های تئاتر اهدا خواهد کرد.

مراسم بزرگداشت آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای در تالار وحدت برگزار شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم گرامیداشت مقام علمی و معنوی آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای گفت: در عصری که بحران هویت نامیده می‌شود، مفاخر می‌توانند نشان‌دهنده راه و مسیر باشند، بنابراین باید در تکریم آن‌ها بکوشیم.

به گزارش فارس، مراسم گرامیداشت مقام علمی و معنوی آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، دیروز در تالار وحدت با حضور وی، دکتر سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، محمدباقر خرمشاد رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، غلامحسین ابراهیمی دینانی چهره ماندگار فلسفه و تنی چند از اندیشمندان و علاقه‌مندان به علم و دانش آغاز شد. دکتر سیدمحمد حسینی با بیان اینکه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مدت‌ها به دنبال برپایی این برنامه بود، گفت: تکریم مفاخر، مشاهیر، عالمان و بزرگان ایران‌زمین یکی از اولویت‌های کاری وزارت ارشاد است، چه افرادی که رحلت کرده‌اند و چه بزرگانی که در قید حیات هستند.

وزیر ارشاد با اشاره به برگزاری آیین بزرگداشت مفاخر اظهار داشت: این کاری که انجام می‌شود به عنوان یک وظیفه دینی تلقی می‌شود؛ اینکه حضرت رسول فرمودند «ان اکرم العباد الی الله بعد الانبیاء العلماء» یا «ان العلما ورثه الانبیاء» همه اینها دال بر این است که ما باید تکریم عالمان را پیشه خود سازیم.

وی با بیان اینکه باید از سرمایه‌های معنوی برای برخورداری از رفاه، آبادانی، امنیت و تمام کمالات سود جست، یادآور شد: بر مبنای تعابیری که در آیات و روایات داریم وظیفه ما این است که تلاش گسترده‌ای را برای معرفی زندگی، افکار و سیر و سلوک مفاخر و علما انجام داد.

وزیر ارشاد تصریح کرد: نباید علما و مشاهیر را برای نسل جوان، دست‌نیافتنی معرفی کرد بلکه باید برای آنها بیان شود که علما و سایر بزرگان در اثر تحمل زحمات و مشقات فراوان توانستند موانع را یکی پس از دیگری پشت‌سر گذاشته و سپس به شخصیتی اثرگذار تبدیل شدند.

وی اظهار داشت: یادآوری مشقت‌ها و سختی‌های بزرگان موجب ارتقای فرهنگ ایران می‌شود، از این‌رو در عصری که بحران هویت نامیده می‌شود، مفاخر می‌توانند نشان‌دهنده راه و مسیر باشند چرا که هویت هر کشور بسته به پیشینه تاریخی و بزرگان آن کشور است.

حسینی با بیان اینکه مفاخر، ستاره فروزنده آسمان یک کشور به شمار می‌روند، گفت: در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب، توجه خوبی به این مسئله شده است بنابراین هر وقت که بخواهیم بزرگداشتی برای یکی از بزرگان برگزار کنیم خدمت مقام معظم رهبری رسیده و رهنمودهای ایشان را مدنظر قرار می‌دهیم و ایشان از برگزاری مراسمی برای «صائب تبریزی» ابراز خرسندی کردند.

وزیر ارشاد با اشاره به برگزاری مراسم بزرگداشت بزرگانی همچون؛ آیت‌الله قاضی، آیت‌الله مرعشی نجفی، علامه سیدنعمت‌الله جزایری، آیت‌الله معزی دزفولی، شیخ شوشتری و مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی، اظهار داشت: این بدان معنا نیست که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تمام این مراسم‌ها را برگزار کرده بلکه این مراسم‌ها عموماً با مشارکت و ترغیب دستگاه‌های مختلف در کشور برگزار شده است.وی با اشاره به اینکه آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای در رأس بنیاد حکمت اسلامی صدرا قرار دارد، عنوان کرد: ایشان از دوران نوجوانی علاقه و اشتیاق خاصی به فلسفه داشتند که اولین بار کتاب «شرح بدایه» میبدی را با وجود اینکه به زبان عربی بود، مطالعه کرد.

حسینی افزود: آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای کتاب «تجرید الکلام» شیخ طوسی را خواند و اسفار را نزد علامه طباطبایی فرا گرفت، حتی نکات کتاب‌هایی را که در آن سنین درک نمی‌کرد، یادداشت می‌کرد. همچنین مطالعه کتاب «فصوص الحکم» ابن‌عربی در دوران نوجوانی نشان از اشتیاق ایشان به مطالعه بود و همین موضوع باعث شد تا بعدها منشأ اثر قرار گیرد.

وی ضمن بیان چند نکته از کتاب خاطرات آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، اظهار داشت: برایم بسیار جالب بود که یک روحانی و فردی اندیشمند، چنین نگاهی به ادبیات داشته باشد. ایشان دیوان اشعار عطار و مولوی را حفظ می‌کرد و در انجمن شعرا شرکت داشت.

وزیر ارشاد گفت: انس انسان با شعر او را با ضوابط درون شعر آشنا کرده و باعث می‌شود انسان بتواند کلام پر رمز و راز ادبا را درک کند. از این‌رو اگر آیت‌الله خامنه‌ای از شعر سخن می‌گوید، شعری است که برخاسته از تعهد بوده و آینه هویت جامعه است. بنابراین یک بیت شعر می‌تواند فردی را که اهل اندیشه نیست، به عمارت پادشاهی رسانده و متحول کند.

تجلیل از نخستین عکاس شهید دفاع مقدس

در اختتامیه مسابقه عکاسی «قاب های بهشتی» از خانواده شهید داریوش گودرزی کیا و مقام شامخ این شهید به عنوان نخستین شهید عکاس دفاع مقدس تجلیل شد.

به گزارش ایسنا، فراخوان برگزاری این مسابقه اسفند سال گذشته اعلام و ۷۰۰ اثر تا پایان فروردین ۹۲ به دبیرخانه مسابقه ارسال شد که از این میان ۵۰ اثر به عنوان آثار منتخب توسط داوران معرفی شدند و به نفرات برتر جوایزی اهدا شد.

کوتاه آموزشی

تغییرات اساسی در پذیرش دستیار فوق تخصصی پزشکی

دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت از تازه‌ترین تصمیم این شورا برای نحوه پذیرش دستیاران فوق تخصصی پزشکی بالینی خبر داد و گفت: این تغییرات در این دوره از آزمون که بهمن ماه برگزار می شود، اعمال خواهد شد.

دکتر بهرام عین اللهی در گفتگو با مهر افزود: بر اساس تصمیمی که در نشست شورای آموزش پزشکی و تخصصی برای تغییرات در نحوه پذیرش دستیاران فوق تخصصی بالینی اخذ شد، از این پس دستیاران در سه گروه به رقابت می پردازند.

وی افزود: پیش از این دستیاران در بیش از ۲۷ رشته رقابت می کردند و در صورت پذیرفته نشدن در آن رشته دیگر امکان انتخاب رشته دیگری را نداشتند و همین امر موجب می شد ظرفیت رشته های فوق تخصصی خالی بماند.

عین اللهی اظهار داشت: از این پس آزمون در سه گروه اطفال، جراحی و داخلی برگزار می شود و در روز آزمون نیز به جای ۲۷ دفترچه آزمونی تنها سه دفترچه آزمونی به داوطلبان داده می شود.

وی گفت: هر داوطلب امکان سه انتخاب دارد و در گروه خود می تواند سه رشته را انتخاب کند که در صورت پذیرفته شدن در یک رشته امکان حضور در رشته دیگری را بر اساس نمره خود داشته باشد.

زمان امتحانات پایان ترم دانشگاه‌ها تغییر نمی کند

معاون آموزشی وزارت علوم با بیان این که زمان برگزاری آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد باید با دانشگاه‌ها هماهنگ می‌شد، گفت: نمی‌توان تقویم دانشگاهی آموزش عالی را تغییر داد.

حسین نادری‌منش معاون آموزشی وزارت علوم در گفت‌وگو با فارس، گفت: دانشجویانی که در روزهای نهم، دهم و یازدهم خردادماه یعنی همزمان با زمان برگزاری آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد امتحانات پایان ترم دارند موظفند در جلسه امتحان حاضر شوند.

وی در رابطه با تغییر زمان امتحانات پایان ترم دانشگاه‌های دولتی به دلیل تداخل زمانی با آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، گفت: مسلم است که زمان برگزاری امتحانات پایان ترم تغییری نمی‌کند. زیرا ما نمی‌توانیم تقویم دانشگاهی آموزش عالی را تغییر دهیم.

بودجه تحقیقات پزشکی ۲۵ درصد کاهش یافت

معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت گفت: اتخاذ سیاست های انقباضی باعث کاهش ۲۵درصدی بودجه تحقیقات پزشکی شده است و به نظر می‌رسد سهم بودجه فناوری در بودجه امسال کمتر از سال گذشته باشد.مصطفی قانعی در گفت‌وگو با فارس درباره تأثیر سیاست‌های انقباضی دولت بر بودجه‌های تحقیقاتی وزارت بهداشت، افزود: این اعتبار هنوز در مجلس به تصویب نرسیده است، اما دلیل فاصله ما با ایده‌های مورد نظر، کمبود اعتبارات است و اگر اعتبارات مورد نیاز در این بخش به میزان کافی در نظر گرفته شود، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.

نحوه ارزشیابی دانش‌آموزان ابتدایی در سال تحصیلی جدید

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش با بیان این که ارزشیابی اول تا پنجم ابتدایی امسال «توصیفی» است، گفت: در مورد پایه ششم ابتدایی شورای عالی تصمیم می گیرد.

به گزارش ایسنا، فاطمه قربان با اشاره به این که با اتمام طرح آزمایشی پنج سال ارزشیابی کیفی توصیفی، مقرر شد این روش در همه پایه‌های دوره ابتدایی به طور کامل اجرا شود، افزود: همه دانش آموزان پایه‌های اول، دوم، سوم و چهارم به صورت توصیفی و ۳۰ درصد از دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی به صورت کیفی توصیفی ارزشیابی می‌شوند.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد: ارزشیابی پایه ششم ابتدایی همچنان کیفی است و مقرر شده است تا پس از بررسی در پژوهشگاه آموزش و پرورش مطالعات درباره اجرای این شیوه ارزشیابی تصمیم گیری شود.

۷هزار طرح آموزشی نیمه تمام است

معاون پشتیبانی سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور از وجود هفت هزار طرح نیمه تمام فضاهای آموزشی در کشور خبر داد و گفت: با توجه به تخصیص داده نشدن اعتبارات عمرانی، بسیاری از طرح‌های آموزشی کشور به سرانجام نرسید.

به گزارش مهر، باقر مسلمی گفت: تخصیص های عمرانی در سال گذشته برای تکمیل فضاهای آموزشی تنها ۲۰ درصد بوده است و برای افزایش نقش مشارکت خیرین در شیوه مشارکت برای سال جاری تغییراتی داده شده است تا طرح های نیمه تمام از سوی خیرین تکمیل و در نهایت پروژه به نام خیرین نام گذاری شود.

معاون پشتیبانی و توسعه مدیریت و مشارکت های مردمی سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس تصریح کرد: با توجه به وجود هفت‌هزار طرح نیمه تمام آموزشی، امیدواریم با کمک خیرین و همچنین دولت و سازمان نوسازی مشکلات و کمبودهای فضا و تجهیزات آموزشی سطح کشور برطرف شود.

افتتاح یادمان شهدای فرهنگی و دانش‌آموز آموزش و پرورش تهران

یادمان شهدای فرهنگی و دانش‌آموز اداره‌کل آموزش و پرورش شهر تهران افتتاح شد.

به گزارش فارس، اداره‌کل آموزش و پرورش شهر تهران دارای ۸هزار شهید دانش‌آموز و یک‌هزار شهید فرهنگی است.

این اداره‌کل به منظور گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دانش‌آموز و فرهنگی به افتتاح یادمان شهدا در محل اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران اقدام کرده است.سیدعلی یزدیخواه، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در خصوص ایجاد این یادمان می گوید: یاد شهدا هیچ‌گاه فراموش نخواهد شد و ما در سطح شهر تهران ۴۸۰ یادواره شهدا را برگزار کردیم.

نخل طلای بهترین بازیگر زن برای «گذشته» فرهادی

شصت‌وششمین دوره جشنواره فیلم کن درحالی برگزیدگان خود را شناخت که فیلم جدید اصغر فرهادی تنها به یک جایزه بازیگری دست یافت.

به گزارش ایسنا، درحالی که اصغر فرهادی با فیلم فرانسوی – ایتالیایی «گذشته» یکی از بخت های نخل طلا از سوی اهالی رسانه ها و منتقدان محسوب می شد، این عنوان به یک فیلم فرانسوی دیگر یعنی «آبی گرمترین رنگ است» ساخته عبداللطیف کشیش رسید.در این میان، فیلم فرهادی که خود نویسندگی آن را هم برعهده داشته است، جایزه بهترین بازیگر زن را برای ایفای نقش برنیس بژو به دست آورد. او در این فیلم نقش مقابل علی مصفا را به عنوان همسر سابق فرانسوی او برعهده داشت.

مری (برنیس بژو) همسرش (علی مصفا) را در ابتدای فیلم در سکانسی قدرتمند در فرودگاه ملاقات می کند؛ جایی که میان این دو تنها یک شیشه‌ی ضخیم قرار گرفته. این دو با چشمانی غمگین از یکدیگر احوال‌پرسی می کنند و تنها چند کلمه به زبان می‌آورند. «بژو» که با فیلم صامت «هنرمند» به یک چهره سرشناس مبدل شد، حالا در ابتدای فیلم «گذشته» با چند حرفی که می‌زند به تدریج از سینمای صامت جدا می‌شود و پا به عرصه سینمای ناطق می گذارد.

هیات داوران کن به ریاست «استیون اسپیلبرگ» امسال با حضور آثار شاخصی چون «گذشته» فرهادی، «درون لیون دیویس» برادران کوئن، «آنسوی کاندلابرا» استیون سودبرگ، «زیبایی بزرگ» پائولو سورنتینو و «ونوس در پوست خز» رومن پولانسکی کار دشواری برای اعطای جوایز داشتند.

به گزارش اسکرین دیلی، جایزه بزرگ هیات‌داوران جشنواره کن به فیلم «درون لیون دیوس» به کارگردانی برادران «کوئن» رسید، در حالیکه جایزه ویژه هیات‌داوران بخش رقابتی نیز به فیلم «مثل پدر، مثل پسر» ساخت «کوره‌را هیروکازو» اعطا شد.

در بخش بهترین بازیگر زن «برنیس بژو»، بازیگر فیلم «گذشته» اصغر فرهادی جایزه کن را از آن خود کرد تا به این ترتیب فیلم «گذشته» تنها به جایزه بهترین فیلم معنوی و یک جایزه بازیگری از جشنواره شصت‌وششم کن بسنده کند.

جایزه بهترین بازیگر مرد در جشنواره کن امسال هم به «بروس درن» برای نقش‌آفرینی در فیلم «نبراسکا» ساخته «السکاندر پاین» اهدا شد.

دیدار عطاران با اسپیلبرگ و جارموش در «ردکارپت»

فیلمبرداری «ردکارپت» رضا عطاران در جشنواره کن ادامه دارد و گروه سازنده این فیلم پس از مراسم اختتامیه، یکشنبه شب موفق به گرفتن صحنه‌های مربوط به استیون اسپیلبرگ شدند.گروه سازنده فیلم «ردکارپت» یکشنبه‌شب پیش از نشست مطبوعاتی هیات داوران در مسیر عبور آنها مستقر شدند و صحنه‌های مربوط به برخورد رضا عطاران با «اسپیلبرگ» را فیلمبرداری کردند.دو روز پیش نیز رضا عطاران که نقش یک علاقه‌مند به سینما را بازی می کند، با «جیم جارموش»، کارگردان مطرح هالیوود برخورد کرد.این فیلم درباره یک علاقه‌مند به سینماست که با مشقت فراوان خودش را به جشنواره فیلم کن می‌رساند و اتفاقات فیلم در این شهر به وقوع می‌پیوندد.

صحت تخلفات بانکی در فروش ارز به قیمت بازار

برداشت از حساب بانک‌ها در پایان سال ۹۰ صحت دارد و بانک مرکزی کار درست را انجام داده و بانک‌ها اگر مدعی‌اند که خلافی نداشته‌اند، آن را ثابت کنند.

به گزارش ایسنا، محمود بهمنی رییس کل بانک مرکزی در جمع خبرنگاران در حاشیه همایش سیاست های پولی و ارزی گفت: پس از بررسی های شش ماهه ۸۰ بازرس بانک مرکزی، در نهایت ۳۲ هزار میلیارد ریال از حساب بانک‌ها برداشت و به خزانه واریز شد. این مبلغ به بیت‌المال بازگردانده شده است. کسی که ارز ۱۲۲۶ تومانی یا ۱۱۵۰ تومانی را در بازار به نرخ ۱۷۰۰ تومان فروخته است، باید مابه‌التفاوت را بازپس دهد.

با این وجود اگر همه بگویند باید این پول را به بانکها بازگردانیم، این کار را خواهیم کرد، حتی اگر بگویند، پنج برابر آن را برگردانید، این کار را انجام می‌دهیم.

وی ضمن بیان اینکه اگر بانک مرکزی به موضوع اعتقادی نداشت، از حساب بانکها برداشت نمی کرد و گزارشمان را در این خصوص به سازمانهای نظارتی ارائه کرده‌ایم، در مورد کاهش نرخ تورم توضیح داد: کاهش درآمدهای ارزی، کاهش واردات، مسائل متفرقه تحریم، کاهش تولید داخلی و کاهش عرضه تماما عواملی بودند که بر روی افزایش نرخ تورم تاثیر گذاشتند.

بهمنی در پاسخ به این سوال که آیا می توانیم منتظر کاهش قیمت سکه باشیم؟ گفت: دلیل این که بانک مرکزی چهار ماه زودتر اقدام به تحویل سکه‌های پیش فروشی کرد، این بود که تنش های اقتصادی موجب افزایش قیمت سکه نشود.

وی در پاسخ به این که آیا مسائل سیاسی بر افزایش نرخ سکه می تواند تاثیرگذار باشد؟ افزود: ممکن است مسائل سیاسی اثر کوتاه مدتی بر این مسائل داشته باشد، اما اقتصاد تابع فرد نیست و کار خود را به پیش می برد و به عملکردها حساس است و بر اساس آن عمل می کند.

نامبرده با تاکید بر اینکه بانک مرکزی سعی در کمک به تولید از طریق تزریق ارز به واحدهای تولیدی و جلوگیری از افزایش نقدینگی داشت، گفت: ما سعی کردیم واحدهای تولیدی از بین نروند. می شد نرخ تورم را بیش از این کاهش داد. می شد رکود مطلق ایجاد کرد و در عین حال به بانک مرکزی استقلال داد. اما مفهوم استقلال این نیست. باید تمام جوانب را در نظر گرفت.

وی همچنین درباره برنامه دولت برای چاپ اسکناس ۲۰ هزار تومانی گفت: فعلا تصمیمی برای چاپ اسکناس های درشت از جمله ۲۰ هزار تومانی نداریم و این موضوع از دستور کار خارج شده است.

معاون اقتصادی بانک مرکزی هم راهکار حمایت از تولید را خنثی سازی تحریم ها اعلام کرد و گفت: برای کنترل نقدینگی، بانک مرکزی باید با سپرده های ویژه، تنظیم پورتفوی بانک مرکزی، فروش اوراق مشارکت و پیش فروش سکه، بازار را کنترل کند.

اصغر ابوالحسنی هستیانی در این همایش گفت: تا سال ۹۱، پنج چتر تحریمی بر اقتصاد کشور حاکم بود که در حال حاضر این وضع تشدید شده است. تحریم ها مشکلاتی را بر اقتصاد کشور تحمیل کرده که با تخصیص ارز مرجع و مبادلاتی به برخی از کالاهای اساسی نظیر دارو توانستیم تاثیر آن را کاهش دهیم.

وی به موضوع تولید در اقتصاد کشور اشاره کرد و گفت: به دلیل تحریم ها تولید در اقتصاد کشور تحت تاثیر قرار گرفته و در برخی از زمینه ها با نقصان مواجه شده است.

ابوالحسنی با اشاره به اینکه نرخ تورم از سال ۸۴ روندی نزولی داشت و از شهریور ۸۹ نوسانات نرخ ارز آغاز شد، گفت: از سال ۸۹ هم که قانون هدفمندی یارانه ها اجرایی شد، با افزایش شاخص بهای تولید کننده مواجه شدیم.

معاون اقتصادی بانک مرکزی در مورد تولیدات پتروشیمی گفت: در ۹ ماهه نخست سال ۹۱ تولیدات پتروشیمی نسبت به مدت مشابه سال ۹۰ معادل ۳۰٫۷ میلیون تن کاهش یافته است، همچنین صنایعی که به ارز وابسته بودند، با کاهش تولید مواجه شدند.

وی ادامه داد: بحث ساختمان با رشد مواجه بوده ایم. به طوری که پروانه های صادر شده در سال ۹۱ نسبت به ۹۰ بیش از ۹۰ درصد، در سطح زیربنا ۱۵ درصد و سطح متوسط ۵٫۴ درصد افزایش داشته است.

این مقام مسئول ادامه داد: سرمایه گذاری در بخش مسکن در سال گذشته نسبت به سال ۹۰ معادل ۳۷٫۸ درصد رشد داشته، این رقم در شهرهای بزرگ ۴۵ درصد رشد داشته است و در سایر شهرها ۲۰٫۴ درصد بوده است.

وی در مورد وضع بخش کشاورزی گفت: این بخش هم وضع مناسبی داشته و به طور کلی در سال گذشته ۷٫۹ درصد نسبت به سال ۹۰ رشد داشته، بخشی از این رشد به دلیل بارندگی ها بوده که پیش بینی می شود این بارندگی ها در سال جاری ادامه یابد. رشد بخش کشاورزی می تواند کاهش رشد در بخش های دیگر را جبران کند. هرچند که سهم هر بخش در رشد اقتصادی متفاوت است.

ابوالحسنی با بیان این که در بخش واردات زمانی که نرخ ارز افزایش می یابد، سطح سفارشات هم با مشکل مواجه می شود که در نهایت موجب کاهش واردات می شود.

وی اظهار داشت: در سال ۹۱ با کاهش واردات و افزایش صادرات مواجه بودیم. اما هنوز به نقطه تعادل نرسیدیم. همچنین حجم نقدینگی در سال ۹۱ حدود ۳۰٫۸ درصد نسبت به سال ۹۰ افزایش داشت و به ۴۶۰ هزار میلیارد ریال رسید.

مدیر دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس هم گفت: با توجه به کاهش صادرات نفت‌خام و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی بودجه ۹۲، برای جبران این کسری از افزایش نرخ ارز که از ۱۲۲۶ تومان به ۲۴۵۰ تومان رسید، استفاده شده است.

دکتر محمد قاسمی در نشست پنل تخصصی این همایش خاطر نشان کرد: در لایحه بودجه ۹۲ میزان درآمدها و هزینه‌ها حدود ۱۶۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که مقداری از آن در ردیف‌هایی به صورت پنهان بود و مجلس آن را به ۲۳۵ هزار میلیارد تومان رساند.

این کارشناس اقتصادی افزود: البته براساس بودجه ۹۲ مالیات‌ها نسبت به سال ۹۱ حدود ۳۰ درصد افزایش داشته و حامل‌های انرژی ۴۰ درصد افزایش قیمت خواهند داشت و از محل فروش شرکت‌های دولتی ۱۵ هزار میلیارد تومان درآمد در لایحه بودجه در نظر گرفته شده است.

مدیر دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس خاطر نشان کرد: با توجه به افزایش حقوق کارکنان که مبلغ ۱۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود، پیش‌بینی شده است که کسری بودجه امسال ۶۵ هزار میلیارد تومان باشد.

واگذاری سهام عدالت ۲/۳ میلیون کارگر فصلی و ساختمانی

کار واگذاری سهام عدالت ۲٫۳ میلیون کارگر فصلی و ساختمانی در ۵ استان کشور آغاز شده است.

غلامرضا بستان منش مدیرکل امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه در گفتگو با فارس با اشاره به وضع سهام عدالت کارگران فصلی و ساختمانی اظهار داشت: پس از آنکه فرم های اولیه از سوی سازمان خصوصی سازی تایید شد، شرکت‌های تعاونی سهام عدالت کارت‌های سهام عدالت را میان افرادی که شرایطشان احراز شده، توزیع می کنند.

وی افزود: حدود ۲٫۳ میلیون نفر از کارگران فصلی و ساختمانی که در سامانه سهام عدالت وزارت تعاون کار و رفاه ثبت نام کرده بودند و شرایط کامل برای دریافت سهام را داشتند، در حال حاضر می توانند سهام خود را دریافت کنند.

مدیر کل امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه وزارتخانه درخواست افزایش دهک‌های جامعه رابرای دریافت سهام عدالت داده است، گفت: این موضوع اکنون در مراحل اولیه قرار دارد و احتمالا پس از واگذاری سهام عدالت کارگران فصلی و ساختمانی انجام خواهد شد.

بستان منش تاکید کرد: اکنون کارگران فصلی و ساختمانی می توانند با حضور در شرکت‌های تعاونی سهام عدالت سهام خود را دریافت کنند.

جزئیات ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی

بانک مرکزی گزارش عملکرد بخش نظارتی در سال ۹۱ و نحوه ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی کشور را اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در این گزارش با اشاره به اینکه ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی کشور در سال های گذشته یکی از اولویت‌های راهبردی در برنامه اجرایی بانک مرکزی بوده است، اعلام کرد: از ابتدای سال ۱۳۹۱ این بانک اولویت نخست کاری خود را ساماندهی وضع شرکت‌های تعاونی اعتبار قرار داده است.

بانک مرکزی در سال ۱۳۸۸ پرونده بیش از ۱۷۰۰ شرکت تعاونی اعتبار در سراسر کشور را مورد بررسی قرار داد و حدود ۹۱۲ شرکت تعاونی اعتبار صنفی و کارمندی مجوز فعالیت موقت یک ساله از این بانک اخذ کردند.

همچنین طی سال ۱۳۸۹ دو نوبت بازرسی از شرکت‌های تعاونی اعتبار صنفی و کارمندی سراسر کشور انجام و گزارشات بازرسی در سامانه طراحی شده ثبت شد و هر ساله حداقل یک نوبت بازرسی از آنها به عمل آمده است. در پی بازرسی های انجام شده مشخص شد که حدود ۲۰۰ شرکت تعاونی اعتبار صنفی و کارمندی غیرفعال هستند، لذا مجوز فعالیت آنان باطل شد.

بر اساس این گزارش، در اوایل خرداد ۱۳۸۹ بانک مرکزی خواستار تعیین تکلیف این گروه از تعاونی های اعتباری شد. متعاقب این امر فعالیت تعدادی از شرکت‌های تعاونی اعتبار آزاد در سایت رسمی بانک مرکزی غیر مجاز اعلام و اقدامات بانک مرکزی در باره این دسته از موسسات آغاز شد.

در مرحله بعدی به تمامی شرکت‌های تعاونی اعتبار آزاد ابلاغ شد برای تغییر وضع حقوقی خود از تعاونی اعتبار به موسسه مالی و اعتباری و اخذ موافقت اصولی از بانک مرکزی، حداقل ۵۰ درصد سرمایه لازم را به حساب اعلام شده در این بانک واریز کنند.

تعداد ۱۴ موسسه با واریز ۵۰ درصد سرمایه لازم، شرایط ارتقاء به موسسه مالی و اعتباری را کسب کردند و مقرر شد مابقی شرکت‌های تعاونی اعتبار که سرمایه لازم را تامین نکرده اند، در ۱۴ موسسه در شرف تاسیس که سرمایه لازم را تامین کرده اند، تجمیع شوند؛ ضمناً به کمک نیروی انتظامی نسبت به توقف فعالیت آن دسته از موسسات که از دستورات بانک مرکزی تمکین نمی کردند، اقدام شد.

بدین ترتیب، موسسات ۱۴ گانه مکلف شدند نسبت به ادغام تعاونی های اعتبار اختصاص یافته اقدام و فرآیند انحلال آنها را در اسرع وقت پیگیری کنند.

در این شرایط بانک مرکزی اولویت ساماندهی را حفظ سپرده‌های مردم در موسسات و آرامش عمومی و اجتماعی کشور قرار داده و به منظور حفظ حقوق سپرده گذاران نسبت به اخذ سرمایه لازم و همچنین سپرده قانونی از موسسات ۱۴ گانه اقدام و عملاً حاشیه امنیت سپرده گذاران را افزایش داده است.

به طوری که جمع مبلغ اخذ شده از موسسات مذکور بیش از ۲۳ هزار میلیارد ریال است. در همین رابطه بانک مرکزی اقدام به برگزاری جلسات متعدد به منظور ساماندهی شرکت‌های تعاونی اعتبار و موسسات کرده است.

از اقدامات دیگری که بانک مرکزی در این زمینه به عمل آورده است، انجام مکاتبات متعدد با نهادها و سازمان‌های مختلف (صدا و سیمای جمهوری اسلامی، فدراسیون‌های ورزشی، وزارت راه و شهرسازی، شرکت فرودگاه‌های کشور، شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی و ...) به منظور جلوگیری از تبلیغات موسسات مالی و اعتباری فاقد مجوز اشاره کرد.

آب شیرین کن‌های کشور منابع سوخت را به شدت هدر می‌دهند

آب شیرین کن‌های ایران در حاشیه خلیج فارس در حالی به ازاء شیرین کردن هر مترمکعب آب ۱/۵ تا ۲ لیتر گازوئیل یا معادل آن گاز استفاده می کنند که با بهره‌گیری از روش‌های حرارتی بدون مصرف سوخت می توان آب را شیرین کرد.

دکتر عباس علی‌آبادی مشاور عالی وزیر نیرو و مدیرعامل گروه مپنا در گفتگو با اطلاعات پیرامون انتقال آب‌خزر و خلیج فارس به فلات مرکزی ایران با اعلام این مطلب گفت: همه کشورهای حاشیه خلیج فارس از آب دریا استفاده می کنند، اما متاسفانه در ایران به خاطر استفاده از آب‌شیرین کن های «RO» به ازاء شیرین کردن هر مترمکعب آب ۱/۵ تا ۲ لیتر گازوئیل یا معادل آن گاز مصرف می‌شود که اصلاً منطقی نیست.

وی افزود: این در حالی است که با استفاده از گرمای اتلافی نیروگاه‌ها می توان آب را شیرین کرد که در همین ارتباط پروژه نیروگاه و آب شیرین کن ۱۸۰۰۰ مترمکعبی مپنا بزودی مورد بهره‌برداری قرار می گیرد که با استفاده از حرارت نیروگاه این حجم آب را بدون نیاز به سوخت شیرین می کنیم.

مشاور عالی وزیر نیرو تاکید کرد: پروژه‌های انتقال آب خزر و خلیج فارس به فلات مرکزی هم بدون تردید باید به این روش اجرا شوند وگرنه به ازاء به دست آوردن آب، مقادیر کلانی سوخت را از دست داده‌ایم.

وی درخصوص مصوبه تبدیل نیروگاه‌های گازی به سیکل ترکیبی و منافع حاصل از آن گفت: در کشور نزدیک به ۱۰۰ توربین گاز داریم که همه آنها سیکل ساده هستند. هر واحد نیروگاه گازی ۱۶۰ مگاوات اگر با تمام ظرفیت در مدار تولید باشد، یک میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می کند ولی برای تولید این مقدار برق ۳۰۰ میلیون لیتر گازوئیل مصرف می‌شود. نامبرده ادامه داد: با توجه به اینکه نزدیک به ۵۰ درصد برق کشور به این روش تولید می‌شود، اگر بتوانیم تولید آن را به سیکل ترکیبی تغییر دهیم، با احتساب نرخ جهانی حدود ۱۰ میلیارد دلار در مصرف سوخت نیروگاه‌های کشور صرفه‌جویی حاصل خواهد شد که تصویب نهایی این مصوبه در صحن علنی مجلس و اجرا شدن آن به معنای فوران چاه‌های جدید نفت در کشور است.

درآمد مالیات بر ارزش افزوده امسال ۱۹ هزار میلیارد تومان است

مبنای ارزیابی عملکرد مالیات بر ارزش افزوده، اطلاعات درج شده در سامانه الکترونیک است.

به گزارش روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور، علی عسکری رییس کل این سازمان با اشاره به اهمیت و نقش مالیات بر ارزش افزوده از حیث درآمد و شفاف سازی اقتصادی در کشور، اظهار داشت: از آنجایی که مالیات بر ارزش افزوده به لحاظ بازه زمانی پنج دوره جلوتر از مالیات بر عملکرد است، ضرورت دارد در رسیدگی به پرونده ها تسریع شود.

وی در باره ارزیابی عملکرد ادارات کل امور مالیاتی در زمینه مالیات بر ارزش افزوده بیان داشت: مبنای ارزیابی ادارات کل، اطلاعات درج شده در سامانه الکترونیک است.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور در ادامه با اشاره به سهم مالیات در بودجه امسال اظهار داشت: مجموع درآمد مالیات برارزش افزوده با عوارض، حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان است که با تجهیز امکانات و به کارگیری نیروهای جدیدالاستخدام، این رقم قابل تحقق است.

وی در ادامه با بیان اینکه با تصویب مجلس شورای اسلامی اجرای آزمایشی مالیات بر ارزش افزوده تا پایان سال تمدید شده است، گفت: در باره اجرای هرچه بهتر این قانون، مساله آموزش همکاران و مودیان مالیاتی با توافق اصناف و اتحادیه ها باید به طور جدی‌تر مورد توجه قرار گیرد.

هشدار درباره سرقت اطلاعات محرمانه مشتریان بانکی

بانک ملی ایران نسبت به انجام کلاهبرداری های الکترونیکی با اعلام رمز کارت بانکی به دیگران و سرقت اطلاعات محرمانه مشتریان هشدار داد.

این بانک در اطلاعیه ای از تمام مشتریان خود خواست مراقب کلاهبرداری‌های الکترونیکی بوده و در انجام امور مالی خود هوشمندانه عمل کنند.

براساس این گزارش، مشتریان برای دریافت وجه در صورت ناتوانی کار با خودپرداز، به هیچ عنوان کارت بانکی و رمز خود را در اختیار سایر افراد در صف انتظار خودپرداز قرار نداده و در صورت لزوم، از افراد آشنا و قابل اعتماد خود کمک بگیرند.

در اطلاعیه بانک ملی ایران تصریح شده است: از این پس لازم است آدرس های اینترنتی که در آنها اطلاعات وارد می‌شود، به دقت بررسی شود، زیرا بسیاری از کلاهبرداری‌ها با استفاده از آدرس‌های بسیار مشابه آدرس‌های اصلی صورت می گیرد و مشتریان اطلاعات کارت‌های بانکی خود را در هیچ سایتی به غیر از سایت اصلی بانک خود وارد نکنند.

بهره‌برداری از ۴۰۰۰ کیلومتر خطوط انتقال آب و جمع آوری فاضلاب استان تهران

بهره‌برداری از ۴۰۰۰ کیلومتر خطوط انتقال آب و جمع‌آوری فاضلاب و ۲۰۰ هزار متر مکعب مخزن ذخیره آب در استان تهران آغاز شد.

احمد سلامت معاون فنی و مهندسی آبفای استان تهران با اعلام این خبر افزود: برای انتقال و توزیع آب از منابع تامین سطحی و زیرزمینی آب، در سه سال اخیر ۱۸۰۰ کیلومتر خطوط انتقال و شبکه آب در اندازه‌های ۹۰ تا ۲۲۰۰ میلی‌متری در نقاط مختلف استان تهران اجرا شده است.

وی افزود: در بخش خطوط انتقال و شبکه‌های جمع‌آوری فاضلاب هم حدود ۲۲۰۰ کیلومتر خطوط انتقال در اقطار ۲۵۰ تا ۲۴۰۰ میلی‌متر به شبکه‌های خطوط قبلی افزوده شده است که نحوه عملیات اجرایی خطوط یادشده به صورت ترکیبی از حفر ترانشه، نقبی، لوله‌گذاری و حفر تونل بوده است. سلامت افزود: همچنین در بخش مخازن با اعتباری معادل ۴۰۰ میلیارد ریال، ۲۰۰ هزار متر مکعب مخزن به ظرفیت قبلی مخازن استان تهران افزوده شده است که این طرح در قالب پروژه‌ها و در حجم‌های مختلف در نقاط مختلفی چون شهر تهران، پاکدشت، فیروزکوه، لواسانات، اسلام‌شهر، ملارد، شهریار و شهر قدس اجرا شده است. خبر دیگری حاکیست: همچنین بهره برداری آزمایشی از طرح انتقال ثقلی آب سد طالقان به تصفیه خانه محمودآباد کرج آغاز شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو (پاون)، مهندس علیرضا ارسطویی مدیر امور بهره برداری و نگهداری سد طالقان گفت: هم اکنون نزدیک به ۹۰۰ لیتر بر ثانیه آب برای مصارف شرب شهر کرج ازاین طریق منتقل می شود.

وی اظهار داشت: در سامانه آبگیری قدیمی، برای انتقال آب از سد طالقان به تصفیه خانه محمود آباد کرج از روش پمپاژ استفاده می شد که این مساله صدمه های جبران ناپذیری را به خط انتقال آب وارد می کرد. نامبرده با اشاره به تاکید وزارت نیرو بر روش های کاهش مصرف انرژی و افزایش بهره وری در طرح های تامین و انتقال آب، تصریح کرد: با بهره برداری ازاین طرح افزون بر افزایش ضریب ایمنی خط انتقال آب، در مصرف انرژی هم صرفه جویی قابل توجهی خواهد شد که تا پیش از این، چنین امکانی وجود نداشت و بنابراین بسیاری از هزینه های استفاده از پمپاژ کاهش می یابد.

وی همچنین گفت: تکمیل این طرح از اواخر بهمن سال گذشته آغاز و در طول سه ماه، توسط متخصصان داخلی با موفقیت به بهره برداری رسید.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۳/۴۸ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۲/۳۹ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۹۹/۰۳ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۹۷/۳۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۲۸۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۳۲۱۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۷۱۱۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۴۳۸۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۳۰۳۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۲۵۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۷۹۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ مبادله ای)	۲۴۷۷/۸ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۳۶۲۵ تومان
یورو (نرخ مبادله ای)	۳۲۰۲/۲ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۴۷۳۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مبادله ای)	۳۷۴۷/۳ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۵۵۱۰ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۴/۶ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۹۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

ارسال پیش‌نویس اولیه قانون کار به مجلس

برخی تغییرات در پیش نویس اولیه اصلاح قانون کار اعمال و به کمیسیون اجتماعی مجلس ارسال شد.

هادی ابوی سخنگوی کانون عالی انجمن های صنفی کارگران کشور به ایسنا گفت: کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران کشور به همراه دیگر تشکلهای کارگری به این نتیجه رسیدند که همان پیش نویس اولیه اصلاحیه قانون کار را که با توافق کارفرمایان و وزارت کار تدوین و تصویب شد، به مجلس ارسال کنند. با این تفاوت که یکسری تغییرات جزئی روی برخی از مواد صورت گرفت و متن پیش نویس اولیه با اعمال اصلاحاتی به کمیسیون اجتماعی مجلس ارسال شد.

وی همچنین درباره جلسه امروز شورای عالی کار که قرار است به منظور بررسی کمک هزینه مسکن و خواربار کارگران برگزار شود، اظهار کرد: آخرین پیشنهادات خود را ارائه کرده‌ایم و امیدواریم که در این جلسه با توافق نهایی میان نمایندگان کارگران و کارفرمایان در شورای عالی کار و مساعدت وزیر کار، انتظارات جامعه کارگری برآورده شود.

پرداخت وام ۵۰ میلیونی ساخت مسکن تایید نشد

پرداخت وام ۵۰ میلیون تومانی ساخت مسکن در حالی از سوی رییس کانون سراسری انبوه‌سازان مطرح شد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران این موضوع را تایید نکرده است.

به گزارش ایرنا، ایرج رهبر از پرداخت وام ۵۰ میلیون تومانی ساخت مسکن خبر داده و گفته بود: با بررسی پیشنهادات اعلام شده به وزارت راه و شهرسازی، در نهایت اواخر هفته گذشته شورای عالی مسکن افزایش مبلغ وام ساخت به ۵۰ میلیون تومان را مصوب کرد.

این در حالی است که مدیراعتبارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در گفتگو با ایرنا، افزایش وام ساخت مسکن به ۵۰ میلیون تومان را تایید نکرد و گفت: این مسئله باید در شورای پول و اعتبار بررسی و تایید شود.

پیگیری هم کدسازی تلفن ثابت در استان‌های کشور

هم‌کدسازی تلفن‌های ثابت که پیش از این در استان‌های تهران و البرز انجام شده بود، این روزها در استان‌های دیگر کشور در حال پیگیری است.

حسن رضوانی معاون سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در گفتگو با ایسنا با اعلام این خبر در ارتباط با افزایش تعرفه‌های تلفن ثابت گفت: ممکن است براساس هم‌کدسازی تغییراتی بر روی تعرفه‌های تلفن ثابت مشترکان اعمال شود.

وی یادآور شد: پیش از این، طرح هم‌کدسازی در استان تهران و البرز انجام شده بود و اکنون اجرای این طرح در برخی استان‌ها در دست پیگیری است.

در حاشیه برپایی نمایشگاه آثار استردادی در موزه ملی ایران

۳۲ هزار اثر ارزشمند تاریخی در ایران

بخش دوم و پایانی

سومین همایش ملی «قانون و میراث فرهنگی» از سوی معاونت میراث فرهنگی –دفتر ثبت آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی، در هفته میراث فرهنگی و در آمفی تئاتر کاخ موزه ملت مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد برگزار شد. در سالن همایش، موضوعات جذاب سخنرانی به همراه حواشی رایج در همایش های ایرانی، مهمانان را سرگرم کرده بود و در محوطه باغ سعدآباد و در فاصله در ورودی تا رسیدن به عمارت سفید «ملت» نیز نمایشگاه آثار هنری و صنایع دستی استان های مختلف برای مردم عادی برپا بود.

وارد باغ باشکوه سعدآباد که می شوم، هوای خنک و درختان بلند آنجا، دلم را تا دوران کالسکه ها و لباس های رنگی قجری، دور می دهد. به خاطرات کلاغ هایی فکر می کنم که لابلای درختان، جیغ و داد می کنند و این که چه چیزها در این باغ و عمارت هایش دیده اند و شنیده اند! کاش مرا نیز منطق الطیری بود!

به خودم می آیم و به سمت آمفی تئاتر ملت می روم. سر راه غرفه هایی از استان های مختلف برپاست تا هنرها و صنایع دستی خود را به بازدیدکنندگان نشان دهند. تقریبا هیچ غرفه ای هنری و سنتی چیده نشده است. بی حوصلگی و شلختگی و بی نظمی از در و دیوار غرفه ها می بارد. همگی با کاغذها و پوسترهای بسیار، در و دیوارشان را پوشانده اند و یک سری وسیله هم وسط غرفه روی هم ریخته اند! غرفه داران نیز نه لباس سنتی دارند و نه حال و حوصله جشن و نمایشگاه! گویی در نمایشگاه فصلی و حراج خورده یا بازار مکاره بی نظم و نظام نشسته اند. آن قدر ذوقم کور می شود که قدم هایم را سریع تر می کنم و خودم را به پله های عمارت سفید ملت می رسانم.

بی‌قانونی در همایش قانونی!

اصولا هدف از قانون و برنامه ریزی، ایجاد نظم و تنظیم زمان برای رسیدن به اموری است که در برنامه وجود دارد. این دو اصل را تقریبا در بیشتر همایش ها و کنفرانس ها و نشست های مختلف خبری در ایران، می توان نادیده گرفت، دقایق طولانی دیرتر از زمان شروع برنامه به محل اجرا رفت و چیزی را از دست نداد و در طول برنامه نیز چندین بار سالن را ترک کرد و به محل بازگشت و تلفن همراه را خاموش نکرد و هر کار دیگری را هم انجام داد و مطمئن بود که هیچ اتفاقی نمی افتد! آنچنان که در سومین همایش «قانون و میراث فرهنگی» بود. در سالن نشسته‌ایم و یک ساعتی هم از وعده شروع برنامه گذشته است و همچنان نور و صدای سالن را تنظیم می کنند!

برنامه هم که شروع می شود، باز میکروفون‌ها قطع است و دوباره تنظیم صدا می کنند!

مجری جوان برنامه نیز، هربار که پشت میکروفون می رود، یک بند از متن نوشته شده را به تمامی اشتباه و نادرست می خواند و بعد هم توجهمان را به سخنرانی بعدی و ادامه برنامه جلب می کند و کسی هم خم به ابرو نمی آورد!

آثار ثبت‌شده در میراث جهانی

پیش از شروع برنامه، خبرهای همایش «دستاوردهای سازمان میراث فرهنگی، در حوزه ثبت جهانی» را که روز قبل در سالن همایش های سازمان صدا و سیما برگزار شده بود، می خوانم.

محمد شریف ملک زاده–رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در این مراسم گفته است: بیشترین تعداد آثار ثبت شده در میراث جهانی، متعلق به دوره‌های نهم و دهم دولت بوده است و البته میراث جهانی ایران آن قدر زیاد و ارزشمندند که اگر درست عمل می کردیم، می توانستیم آن‌ها را جایگزین نفت کنیم. وی تأکید داشته است که: وقتی این همه آثار ثبت شده جهانی در کشور داریم، چرا نتوانستیم آن‌ها را جایگزین نفت کنیم؟ این موضوع یک راهکار دارد و آن هم این است که خیلی در سایت‌ها (رسانه‌ها) به ما گیر ندهند!»

هنوز برنامه شروع نشده است و می توانم خبرهایی را که خوانده‌ام، در ذهنم جمع بندی کنم: تعیین حریم نشدن باغ های ایرانی و ابنیه‌های تاریخی و انواع ساخت و سازهای نامناسب اطراف آن‌ها، چرای دام در محوطه‌های پژوهشی و دست نخورده‌ای مانند چغازنبیل، دیوارنویسی های بی حساب بر بدنه آثار تاریخی و نم و رطوبت بیش از حد اماکنی چون حمام فین و هزاران زخم دیگر بر وجود میراث فرهنگی کشورمان، شیرینی ثبت آثار تاریخی را در کاممان پایدار نمی کند و باز هم تلخی بی توجهی و بی برنامگی مسئولان را به جانمان می ریزد و همین امر وادارمان می کند به قول خودشان، گیر بدهیم و پاسخ بخواهیم، حتی اگر جواب روشنی نگیریم!

***امید غنمی –مدیرکل حقوقی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری: قیمت پایه سر «سرباز هخامنشی»، در حراجی ۵۰۰ هزار پوند بود که ما اعلام کردیم آن را با همین نرخ می خریم، ولی قبول نکردند و با توجه به اقدامات حاشیه‌ای، این شیء به پایین‌ترین قیمت فروخته شد!**

***در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شاهد به حراج رفتن بسیاری از آثار تاریخی ایرانی در کشورهای دیگر بوده‌ایم، اما اکنون از آنجا که شکایت‌های متعددی را علیه دارندگان این آثار ارائه داده‌ایم و آنها را به دادگاه کشانده‌ایم، دیگر رغبتی برای به حراج گذاشتن این آثار ندارند**

تلاش برای حفظ آثار تاریخی

مهندس حسن شبانپور– معاون امور حقوقی مجلس و استان‌های سازمان میراث فرهنگی اولین سخنران همایش «قانون و میراث فرهنگی» است که با اشاره به این که ایران ۳۲ هزار اثر تاریخی دارد، می گوید: باتوجه به این موضوع، سازمان میراث فرهنگی به تنهایی برای نگهداری آثار گذشتگان، توانایی ندارد و نیازمند همکاری و تعامل سایر دستگاه‌های اجرایی است. نگهداری از آثار گذشتگان و انتقال آن‌ها به آیندگان و دفاع از ارزش‌های فرهنگی و معنوی کشور نیز وظیفه هر انسانی است.

وی در مقام مقایسه می گوید: اگر کشورهایی چون چین، یونان، ایتالیا و مصر همه آثار ملی خودشان را در معرض نمایش بگذارند به یقین منشور کوروش در اوج نمایش قرار می گیرد و ملت ایران با آن قدمت تاریخی، می تواند فقط با منشور کوروش، ارزش تاریخی خود را به دنیا نشان دهد؛ اما به راستی چند درصد از مردم ارزش این میراث فرهنگی را می دانند؟ آیا قوانین خاصی برای جلوگیری از خروج آثار باستانی از کشور تدوین شده است؟ اگر خلأهای قانونی در این باره جبران نشود، بر اثر بی توجهی به آثار تاریخی، میراث و هویتی نیز برایمان باقی نخواهد ماند.

تخریب آثار فرهنگی

دکتر کریمیان–عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، دیگر سخنران این همایش است. وی بیشترین معضل در زمینه حفظ میراث فرهنگی را نقص مدیریتی و عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی عنوان می کند و می گوید: از یک سو برای حفظ آثار تاریخی تلاش می شود و از سوی دیگر آثار تخریب شده از ثبت جهانی خارج می شود. جدا از هزینه‌های صرف شده برای حفظ و مرمت آثار تاریخی، برخی افراد با انتخاب کلماتی نا آشنا و تحت عنوان فرسودگی، آثار ملی را تخریب می کنند.

وی یکی از مشکلات اصلی در این زمینه را در رابطه با ممنوعیت‌ها و مجازات‌های متخلفان بر می شمارد و می گوید: طبق ماده ۵۶۰ قانون اساسی، هر کس که به آثار ملی لطمه‌ای بزند و آن را تخریب کند علاوه بر مجازات، باید اعاده وضع به حالت اولیه و جبران خسارت کند، اما مگر اثر فرهنگی و ملی که تخریب شود یا خسارت ببیند، قابل جبران است و می شود آن را به حالت اول درآورد؟ اگر این طور بود که دیگر میراث فرهنگی نمی شد! قانون باید این نواقص را برطرف کند.

دکتر کریمیان موضوع «فلزیاب» را نیز مطرح می کند و می افزاید: امروزه استفاده از فلزیاب در سطح گسترده‌ای تبلیغ می شود و قاچاقچیان اشیای قدیمی، با فلزیاب‌هایی که دراختیار دارند، به حفاری مناطق دست می زنند، درحالی که قانون ممنوعیت فلزیاب دراین باره می گوید چنانچه فلزیاب، استفاده، تولید و وارد شود به نفع دولت ضبط خواهد شد. روشن است که قانون در اینجا دچار خلأ است و مجازات‌های خاصی را در این رابطه یا در خصوص لطمه به آثار فرهنگی تعیین نکرده است. از اینرو به نظر می رسد، لازم است قضات، تشخیص خسارت و لطمه به آثار تاریخی را به کارشناسان سازمان میراث فرهنگی واگذار کنند تا آنان میزان خسارت را تشخیص دهند!

جنایت‌های فرهنگی!

دکتر عزیز نوکنده – حقوقدان و استاد دانشگاه، سلاح قاضی برای برخورد با متخلفان را قانون می داند و می گوید: لازم است از بستر حقوقی و قانونی مشکلات را حل کنیم و به مسائل عاطفی در این زمینه پناه نبریم و بدانیم که اصلاً منافع شخصی در مورد میراث فرهنگی مطرح نیست. بلکه برای حفظ هویت خودمان تلاش می کنیم. که در این رابطه سازمان میراث فرهنگی به عنوان متولی امر باید پیشنهادهای جامع و دقیق را به مجلس ارائه کند تا به صورت قانون تصویب شود. باید حریم میراث فرهنگی مشخص شود و قاضی بر مبنای این حریم تصمیم بگیرد. به عنوان مثال، برخی افراد سودجو که با مطالعه چند کتاب باستان شناسی، بدل اشیای با ارزش را تولید می کنند، یا برخی اشخاص که با گنج نامه و فلزیاب دست به حفاری می زنند، جرمشان، نوعی جنایت فرهنگی است. حال آن که، برای به کارگیری گنج نامه‌ها، موردی به صراحت در قانون بیان نشده است. و نیز ضمانت اجرایی برای قوانینی که داریم، فقط مجازات زندان نباشد، چراکه انواع ضمانت‌های اجرایی برای حفظ آثار تاریخی در دنیا وجود دارد و مجازات‌های متنوع جانشین می تواند ابزار بازدارنده و پیشگیری کننده در برابر برخی افراد سودجو باشد.

از نظر وی، قوانین باید با ارزش‌ها و باورهای ملی هر کشوری مطابقت داشته باشد و مسئولان بودجه‌ای را برای اجرای قانون در نظر بگیرند، به طوری که با منافع شخصی و عمومی تعارض پیدا نکنند و قوانین بر مبنای دیدگاه‌های امروزی تغییر یابد.

پاسداری از پیشینه عظیم فرهنگی

دکتر آتوسا مؤمنی –مدیر کل دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی که به تازگی معاون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شده است، در سخنرانی اش می گوید: بررسی باستان شناسان در مناطق مختلف نشان می دهد آمار و درصد غارت اموال فرهنگی روز به روز در حال افزایش است. امروزه متأسفانه هر جا آثاری بوده، در کنار آن خندق‌های بزرگی نیز توسط قاچاقچیان حفر شده است، پس باید تدابیری اندیشید تا قاچاقچیان نتوانند اموال فرهنگی را غارت کنند.

وی با اشاره به این که سازمان میراث فرهنگی تمامی تلاش خود را برای ثبت جهانی آثار تاریخی و حفظ و حراست از میراث فرهنگی انجام داده است، بیان می دارد: می دانیم که هنوز کارهای زیادی باید انجام دهیم، برای همین امروز از قضات و کارشناسان و مسئولان مربوطه کمک خواسته‌ایم تا دور هم و در کنار هم باشیم و با هم از میراث فرهنگی کشورمان حفاظت کنیم، چراکه براین باوریم که این کار به تنهایی شدنی نیست!

***مهندس حسن شبانپور –معاون امور حقوقی مجلس و استان‌های سازمان میراث فرهنگی: اگر کشورهای مختلف جهان، آثار ملی و تاریخی خود را در معرض نمایش بگذارند، به یقین منشور کوروش در اوج قرار می گیرد و ملت ایران با آن قدمت تاریخی، می تواند فقط با منشور کوروش، ارزش تاریخی خود را به دنیا نشان دهد؛ اما به راستی چند درصد از مردم ارزش میراث فرهنگی خود را می دانند؟**

***زمانی وارد محاکمه قضایی در خصوص استرداد اشیاء تاریخی می شویم که مطمئن باشیم ۸۰ درصد در محکمه موفق خواهیم شد، چون اگر نتوانیم ثابت کنیم شیء مورد نظر متعلق به ایران بوده است، قبح این قبیل شکایت‌ها ریخته می شود**

خریدوفروش فلزیاب

امید غنمی – مدیرکل حقوقی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، در همایش «قانون و میراث فرهنگی» بحث از خلاءهای قانونی مربوط به میراث فرهنگی را بیشتر از وقت این همایش می داند و فقط به برخی موارد اشاره می کند و می گوید: یکی از نواقصی که در بحث خروج آثار تاریخی از فهرست آثار ملی و بحث‌هایی که دیوان عدالت اداری و قضات در این زمینه دارند، این است که در قوانین اعلام شده است آثاری شئون ملی دارند که قدمت آن‌ها تا پایان سلسله زندیه باشد؛ ولی گاهی به این موضوع توجه نمی شود که ایران به کنوانسیون سال ۱۹۷۰ میلادی میراث فرهنگی جهانی پیوسته و قید زمان برای آثار برداشته شده است. بنابراین معتقدم دست قضات باز است و می توانند در این زمینه حکم دهند و مشکل را برطرف کنند، در حالی که گاهی این اتفاق رخ نمی دهد. و یا در بحث «فلزیاب» که قانون می گوید اموال مجرم به نفع دولت ضبط شود، چگونه می توانیم از کسی که برای خرید و فروش فلزیاب تبلیغ می کند و مالی هم ندارد، چیزی را به نفع دولت ضبط کنیم؟ ما تا کنون ۲ بار پیشنهاد مجازات این قبیل افراد را داده‌ایم که هر ۲ بار هم رد شده است!

قیمت سر سرباز هخامنشی

یکی از بحث‌های مورد توجه در پانل اجرایی همایش و دستاوردهای سازمان میراث فرهنگی در حوزه ثبت جهانی، استرداد بخشی از میراث فرهنگی که همزمان در نمایشگاه «جلوه‌های جاودانگی» در موزه ملی ایران، رونمایی شد. امید غنمی نیز در حاشیه این نمایشگاه توضیحاتی داده و بیان کرده است که: برخی از آثار تاریخی در دوره قاجاریه و یا دوره‌های دیگر به صورت قانونی و با توافق دو طرف به خارج از کشور رفته است، و به همین دلیل نمی توان ادعایی برای بازپس گیری آن‌ها ارائه داد. اما برخی از آثار که به صورت قاچاق از کشور خارج شده‌اند، مانند سر سرباز هخامنشی قابلیت پیگیری دارند.

وی ادامه می دهد: می دانستیم که این نقش برجسته به صورت غیر قانونی از کشورمان خارج شده و متعلق به ایران است. با وجود این که نتوانستیم آن را برگردانیم، اما موفقیت دیگری را کسب کردیم. این شیء بیش از ۵۰ سال در دست یک فرد خارجی بود و بنا به قوانین فرانسه یک شیء در صورتی که چند سال در اختیار یک فرد قرار داشته باشد، شامل قوانین مالکیتی می شود. از اینرو شیء مزبور نیز مشمول مرور زمان شده بود و به دلیل احترام به مالکیت بخش خصوصی، سر «سرباز هخامنشی» در اختیار آن فرد قرار داشت. ما نیز اقداماتی را انجام دادیم و یک روز مانده به حراجی اعلام کردیم که این اقدامات را محکوم می کنیم و چنانچه کسی شیء را بخرد، نسبت به او اعلام جرم خواهیم کرد. منتها بعد از این که سر سرباز هخامنشی به فروش رفت، جرأت نکردند نام خریدار را اعلام کنند و اکنون نمی دانیم آن شیء کجاست!

غنمی ادامه می دهد: قیمت پایه در حراجی ۵۰۰ هزار پوند بود و ما هم اعلام کردیم که سر سرباز هخامنشی را به همین قیمت می خریم، ولی قبول نکردند و با توجه به اقدامات حاشیه‌ای، این شیء به پایین ترین قیمت فروخته شد!

بازگرداندن اشیای تاریخی به شیوه دیپلماتیک

مدیرکل حقوقی سازمان میراث فرهنگی، کم دغدغه‌ترین شیوه‌ای را که با استفاده از آن می توان اشیای تاریخی را به کشور برگرداند، شیوه دیپلماتیک می داند و می افزاید: اینکه ثابت کنیم این شیء متعلق به ایران بوده است. اهمیت دارد ولی از آنجا که احتمال می رود این اشیاء با شیوه‌های دوستانه برگشت داده نشود، باید برای مستندسازی آن‌ها تلاش کنیم.

وی همچنین می گوید: زمانی وارد محاکمه قضایی در خصوص استرداد اشیاء تاریخی می شویم که مطمئن باشیم ۸۰ درصد در آن محکمه موفق خواهیم شد، چون اگر نتوانیم ثابت کنیم این شیء متعلق به ایران بوده است، قبح این قبیل شکایت‌ها ریخته می شود. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شاهد به حراج رفتن بسیاری از آثار تاریخی ایرانی در کشورهای دیگر بوده‌ایم، اما اکنون از آنجاکه شکایت‌های متعددی را علیه دارندگان این آثار کرده‌ایم و آنها را به دادگاه کشانده‌ایم، دیگر رغبتی برای به حراج گذاشتن این آثار ندارند. غنمی سپس بیان می دارد: زمانی که از گالری «برکت» لندن برگشتیم و ظروف سنگ صابونی و مرمر متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد تمدن حاشیه هلیل رود را برگرداندیم و آقای یوسف مجیدزاده پلمب اشیای برگشت داده شده از آن گالری را باز کرد، گریه‌اش گرفت تا آنجاکه؛ انگار عزیز سفرکرده‌اش را دیده است!

و باز هم فراموشی...

باز هم، هفته میراث فرهنگی و روز جهانی موزه تمام می شود و تب نشست‌های تخصصی و تب توجه رسانه‌ها به میراث فرهنگی نیز فرو می نشیند و آثار باستانی و فرهنگی مثل بسیاری چیزهای دیگر، در سایه کم کاری روابط عمومی ها و بی مهری رسانه‌ها و غفلت‌های همگانی حاکم بر جامعه، زیر غباری از سکوت و فراموشی پنهان می گردند و موزه‌ها و ساختمان‌ها و سراهای تاریخی و فرهنگی، بار دیگر در خوابی آرام فرو می روند و صدای قدم‌های کمتر بازدیدکننده‌ای، سکوت آنجا را می شکنند!

وجیهه تیموری

جدول

۲۱۹۹۵

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ فقیه، دانشمند و شاعر ایرانی متولد لبنان صاحب «جامع عباسی» ـ جنگجو
۲ـ دو یار قدبلند ـ نوعی موشک ـ واحد پول نیجریه
۳ـ نجار ـ خم کاغذ ـ گمنام و ناشناخته
۴ـ حرف دهن کجی ـ زندگی کردن ـ خوردنی متعجب!
۵ـ لیف ظرفشویی ـ آبونه ـ غذای شب
۶ـ بندری در فرانسه ـ آن سوی جایی ـ خوراکی از تخم‌مرغ
۷ـ بله بیگانه ـ لباسی سنگین و بلند ـ هوشمند، دارای استعداد زیاد در یادگیری
۸ـ نوعی بستنی ـ گفتگوی خودمانی ـ شمای بیگانه ـ از آلات رصد
۹ـ درختی با گل‌های سرخ رنگ ـ اندیشه ـ قورباغه درختی
۱۰ـ مخترع ماشین بطری‌سازی ـ رودی در شهرستان میاندوآب ـ مخفف نیکو
۱۱ـ تندرستی ـ نویسنده و نمایشنامه‌نویس بزرگ فرانسوی ـ کلمه تشویق
۱۲ـ چرخ تانک ـ از قبیله‌های سرخپوست بومی آمریکای شمالی ـ جای پا
۱۳ـ هدیه ـ تکرار حرف ـ دارای بالاترین درجه در کاری یا چیزی مانند گواهی‌نامه یا وکالت
۱۴ـ یتیم بودن ـ نظیر ـ پرگویی
۱۵ـ عقل و معرفت ـ دوختن پولک به روی پارچه و لباس به صورت نقش‌های تزئینی

عمودی:

۱ـ خوشحالی ـ ویژه ـ اندرز
۲ـ دوست و همدم ـ یک هزارم لیتر ـ اهلی نیست
۳ـ پمادی مسکن ـ منزوی
۴ـ برادر کمبوجیه ـ رنگ کهکشان ما! ـ یگانه
۵ـ اندام تولید مثل قارچ‌ها ـ زمین فوتبال را با آن فرش می‌کنند ـ شستشو و تطهیر با آب ـ چیز
۶ـ گرامی‌تر ـ طرح و مدل ـ غذای بیمار ـ نت سوم
۷ـ هنوز لاتین ـ از اقوام پدری ـ نگهبانی، مراقبت
۸ـ نوعی پیراهن یا بلوز تابستانی آستین کوتاه ـ شهر عبا
۹ـ صبحانه ـ ریسمان دلو آب ـ زینت رو
۱۰ـ علامت مفعولی ـ خیس ـ نقابداری با اسب سیاه ـ کشور کاتماندو
۱۱ـ زینت و زیور ـ حشره چسبنده ـ عنوان محترمانه مردانه ـ مقابل اینک
۱۲ـ آشکار، قابل رویت ـ از انواع مسلسل ـ غریو، بانگ
۱۳ـ نوعی شیرینی خشک ـ حفاظ راه‌پله
۱۴ـ گل یقه‌نشین ـ مرتاض هندی ـ از درندگان
۱۵ـ تحلیل غذا در معده ـ میوه گرمسیری ـ پایتخت کشور گینه در غرب آفریقا

حل جدول ۲۱۹۹۴

حدیث روزگار:

چه باید کرد؟ دخالتی در معقولات!

* حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی



قصد دخالت در «معقولات» را نداشتم! اما وقتی یادداشت برادر عزیزم جناب محمدجواد حجتی کرمانی، مندرج در روزنامه اطلاعات را (یکشنبه ۵ خرداد ۹۲) خواندم، بنظرم رسید که بنده نیز به نوبه خود و بقول ایشان به عنوان یک «مجتهد سیاسی» ـ پیشگام البته ـ اظهار نظری کرده باشم که اگر هیچ فایدتی نداشته باشد، لااقل می‌تواند تذکاری باشد برای کسانی که اهل خرد هستند و «لعلهم یتذکرون»! او «یعقلون».

سخن از به اصطلاح عدم احراز صلاحیت آیت‌الله شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی بود. گویا به علت «کبر سن»! صلاحیت ایشان، از طرف آقایانی که بعضی از آنها چند سالی هم از آقای هاشمی «مسن‌تر» هستند، «محرز» شناخته نشده است...

...اینجانب خاطرات خودم را درباره بزرگان معاصر برای جلوگیری از تشدید سوءتفاهم حاکم بر جامعه، هنوز منتشر نساخته‌ام، ولی در این برهه از زمان، اشاره به گوشه‌ای از «حدیث روزگار» و «خاطرات مستند» درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، شاید بی‌مناسب نباشد؟

... در دههٔ سی بنده ساکن مدرسه حجتیه قم بودم و شخصیت‌هائی چون: آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ـ و غیرهم من الرجال المعاصرین ـ هم در آنجا ساکن بودند و آشنائی من با ایشان از همانجا آغاز شد: ایشان طلبه‌ای جوان، کوشا و پویا، پرنشاط، پر جنب و جوش و همیشه خندان!...

... در جلسهٔ درس تفسیر علامه طباطبائی که در مسجد مدرسهٔ حجتیه برقرار می‌شد و درس اصول امام خمینی که در مسجد سلماسی ـ کوچه آقازاده ـ همه روزه برگزار می‌گردید، همیشه ناظر بر حضور جستجوگر ایشان بودم... بعدها، یعنی در سال ۱۳۳۸ که «ما!» در مسجد «مکتب اسلام» و در کنار اساتیدی چون آیات عظام: ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی تبریزی، حسین نوری همدانی، قلم می‌زدیم، سالنامه و فصلنامه‌ای هم تحت عنوان «مکتب تشیع» شروع به انتشار نمود که مؤسسان و مدیران اصلی آن آقای رفسنجانی و شهید محمدجواد باهنر بودند. و من به عنوان یک طلبه جوان قلم به دست! دعوت همکاری با آن را پذیرفتم و مقالاتی تقریباً برای همه شماره‌های هفتگانه سالنامه مکتب تشیع، و بعضی فصلنامه‌ها، نوشتم که منتشر گردید...

... از آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آقای رفسنجانی یکی از فعال‌ترین عناصر مبارز بود بویژه در تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام و مراجع عظام دیگر و فضلا و طلاب حوزه، ما را یاری می‌داد... پس از سرکوب نهضت توسط رژیم به پیشنهاد ایشان، نخستین نشریه مخفی و ماهانه حوزه علمیه قم، تحت عنوان «بعثت»، با همکاری شخصیت‌هائی چون: مرحوم ربانی شیرازی، مرحوم علی حجتی کرمانی، آیت‌الله مصباح یزدی، سید محمود دعائی و گاهی محمدجواد حجتی و حقیر، منتشر شد که توسط طلاب بلاد، تقریبا در سراسر ایران توزیع می‌گردید. (شرح مبسوط خاطرات مستند اینجانب درباره نشریات مخفی حوزه علمیه قم: بعثت و انتقام، اخیراً منتشر شده است که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند.)

... در جریان ترور منصور، توسط برادران مؤتلفه آقایان: ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی، شیخ رضا گلسرخی کاشانی، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، دستگیر و به تهران اعزام شدند... چند روز پس از دستگیری آقایان، حقیر نیز همراه جناب جهانتاب و نبوی، در قم دستگیر و به «قزل قلعه» در تهران منتقل شدیم!...

در بند یک زندان، زنده‌یاد داریوش فروهر بود. در بند دو، همه دستگیرشدگان حوزه قم، به اضافه افرادی چون مرحوم حاج مرتضی تجریشی و چند توده‌ای و آموزگار و... جمع بودند. تا یادم نرفته بگویم که ما را شبانه باچند مأمور مسلح به تهران فرستادند. نخست در یک خانه‌ای در تهران، در اطاقی که نه فرش داشت و نه بخاری، و هوا هم سرد بود، ما را جای دادند. آخر شب ناگهان درب را باز کردند و قلدری وارد اطاق شد و اسم ما را پرسید و بعد به مأمورین گفت: این یکی را تحویل «ساقی» بدهید که «ازش پذیرائی شود!». و من چون از رادیو «پیک ایران» توده‌ای‌ها شنیده بودم که «ساقی» مأمور شکنجه افسران توده‌ای بوده، کمی ترسیدم! ولی با توکل به خدا، از حالت ترس عبور کردم! و صبح که ما را در قزل قلعه، تحویل ساقی دادند، او از من پرسید: «چه خار کردی؟» متوجه شدم که همشهری است!، گفتم: بابا اینها در قم بیکار شده‌اند و هر روز یک عده را می‌گیرند و می‌فرستند تهران! بعد به ترکی گفتم که دیشب سرهنگ مولوی گفت این را تحویل ساقی بدهید که پذیرائی شود؟ بلافاصله خندید و با همان لهجه گفت: اله ده خیلی غلط کردی که گفتی»

(البته یعنی سرهنگ مولوی غلط کرده که گفته است) و بعد افزود: «من رئیس زندان هستم، به او چه مربوط است که شما را آنجا بفرستم ما که همشهری خود را اذیت نمی‌کنیم، الان شما را می‌فرستم بند دو. همه دوستانت آنجا هستندو خلخالی آنقدر جوک بگوید که تا شب بخندی!».

... وقتی وارد بند ۲ شدم، خلخالی بلافاصله در جواب سلام ما گفت: چه خار کردی! و بعد معلوم شد که ساقی به همه همشهری‌ها این جمله را می‌گفته است...

... آقای هاشمی رفسنجانی و مرحوم رضا گلسرخی کاشانی را که از فدائیان اسلام بود، به «انفرادی» بردند... و ما دیگر از آن دو خبر نداشتیم، البته مرحوم آیت‌الله انواری و دیگر برادران مؤتلفه دستگیر شده هم در بندهای انفرادی بودند.

چند روز بعد از سرباز ترکی که غذای ما را می‌آورد و غذای انفرادی‌ها را هم می‌برد، احوال آقای رفسنجانی و گلسرخی را پرسیدم. نخست گفت نمی‌دانم ولی وقتی با زبان خودمان! با او حرف زدم بلافاصله رام شد! پاسخ داد که بعداً می‌گویم و این خاصیت ویژه «همشهری»ها است که وقتی با زبان مادری با آنها صحبت کنید فوری رام می‌شوند... چند ساعت بعد که او مرا در حیاط زندان دید، به نزد من آمد و با ناراحتی گفت: آن رفیق شما را که ریش کم دارد، خیلی اذیت کردند. پایش را با اتو سوزاندند که زخم آن عفونت کرد و به بهداری برده‌اند و بستری است اما آن یکی حالش خوب است!.. البته من نمی‌دانم که واقعاً آقای رفسنجانی در اصل ماجرای ترور منصور دخالت داشته یا نه؟ ولی در کتاب «در دامگه حادثه» که چند روز پیش آن را خواندم، «پرویز ثابتی ـ مقام امنیتی رژیم شاه ـ مدعی است که سلاحی که منصور با آن کشته شد، توسط رفسنجانی تهیه و به بخارائی تحویل داده شده بود»!

بهرحال برای اعتراف به این امر، آقای رفسنجانی را به شدت شکنجه کردند و سپس به چندین سال زندان محکوم شد... و پس از آزادی نیز، همچنان، و در همه میادین مبارزه، پیشتاز و پیشگام بود تا مرحله پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب هم در جبهه‌های جنگ و ریاست جمهوری و مجلس و غیره، همواره حضور و نقش فعالی داشته است... با این سوابق، اعلام «عدم احراز صلاحیت» ایشان، از طرف آقایان شورای نگهبان موجب شگفتی همگان بویژه کسانی گردید که نیم قرن است با ایشان آشنائی دارند و خدمات ایشان را می‌دانند.

... متأسفانه همین امر، آنهم به بهانهٔ کبر سن! موجب حملات بعضی از افرادی گردیده بود که هرکدام به دلیل خاصی از دوران ریاست مجلس با ایشان، «زاویه» پیدا کرده بودند.

یکی از آنها برادر فدائی اسلام سابق ما جناب شیخ جعفر شجونی است که در مصاحبه با خبرها و خبرساز صدای آمریکا ـ (V.O.A) (۹۲/۳/۴) می‌گفت: رفسنجانی «لغوه! گرفته و قادر به اداره امور نیست!» که البته همه می‌دانیم این ادعا صحیح نیست، ولی آنچه که در این امر موجب تعجب و تأسف می‌گردد مصاحبه دوستان سابق ما با ماهواره‌های استعماری، آمریکایی و انگلیسی است که بدون مراعات آداب و رسوم، به نقل مطالبی می‌پردازند که خود می‌دانند دروغ است و حتی اگر صحت داشته باشد، نقل آنها بی‌تردید به مصلحت نظام و اسلام نیست. و همین جناب چند ماه قبل در مصاحبه دیگری پس از بیان اینکه «در جامعه روحانیت یک مشت پیر و پاتال جمع نشده‌ایم». ـ با همین تعبیر ـ درباره سن آیت‌الله جنتی مطالبی گفت که من از نقل آن‌ها باز معذورم، اما دو روز بعد که به ایشان زنگ زدم و گفتم: جناب شجونی! اگر جوکی هم در میان ما درباره افراد گفته شده که در صورت عدم رضایتشان، نقل آن مجاز و مشروع نیست، نباید آن را در ماهواره آمریکا و برای صدها هزار بیننده بیان کرد. که البته طبق معمول! با نقل یک جوک دیگر در مورد سن آیت‌الله جنتی و ... و البته این بار تلفنی و به حقیر ـ موضوع را مستند ساخت!...

***

.... بعد از این مقدمه باید به مطلب جناب حجتی اشاره کنم که آقایان اعضاء شورای نگهبان، افراد معصومی نیستند و ممکن است در اجتهاد و برداشت خود اشتباه کنند، همانطور که در دو انتخابات مجلس شورا هم چند بار یک نفر را رد صلاحیت کردند و بعد رأی خود را تغییر دادند و در دو دور قبل ریاست جمهوری هم دچار این اشتباه عظیم شدند که نتایج آن را هم اکنون می‌بینند و لمس می‌کنند!

نقل شایعات و اکاذیب و اتهاماتی که هیچ کدام از آن‌ها درباره هیچ یک از افراد در هیچ دادگاهی مطرح و اثبات نشده بود، آنهم در یک برنامه تلویزیونی که میلیون‌ها بیننده دارد، بی‌تردید یک عمل غیر مشروعی بود، همان‌طور که در جریان اخیر مشابه، آنهم در مجلس شورای اسلامی، مقام معظم رهبری این گونه اعمال را غیر اخلاقی و خلاف شرع نامیدند(۱).... آنوقت، آقایان شورای نگهبان، با علم و آگاهی کامل بر آن اقدام نامشروع، ناگهان صلاحیت آن فرد را «احراز» و اعلام کردند و اکنون صلاحیت آیت‌الله رفسنجانی را احراز نمی‌کنند!

شوکی که بر عموم مردم ایران در این امر وارد شد، بر کسی مخفی نیست و متأسفانه باید گفت که اثر منفی بسیاری در جلوگیری از پیدایش حماسه سیاسی خواهد داشت. البته نمی‌گویم مردم مسلمان به تکلیف خود عمل نکرده و در انتخابات شرکت نخواهند کرد، ولی بی‌تردید از حماسه شگفت آن خواهد کاست...

و من نیز مانند برادرم آقای حجتی در حیرتم که چه باید کرد؟ و البته ایشان کاندیدای خود را یافته و انتخاب هم کرده و نامه او را در روزنامه نوشته‌اند، ولی من هنوز در حیرتم! که چه کنم؟ که به کدام یک از دوستان هشتگانه رأی بدهم؟ که البته این «تحیّر» تا آغاز انتخابات، انشاءالله رفع خواهد شد.

در این یادداشت، بی‌مناسبت نیست که به یکی دو خاطره مستند مربوط به آیت‌الله رفسنجانی هم اشارتی داشته باشیم!

خرید منزل

ایشان در یک زمین ۲۸۰ متری موقوفه آستانه حضرت معصومه(ع) منزل کوچکی ساخت که یکی از منسوبین ایشان بنائی آن را به عهده داشت... پارکینگ آن خیلی کوچک بود. به ایشان گفتم: در این پارکینگ هیچ ماشینی جا نمی‌گیرد؟ طبق معمول و با خنده گفت؟ من یک فولکس دارم که جا می‌گیرد!... اما بعدها که بنده آن منزل را خریدم، پیکان من با چندبار جلو و عقب رفتن می‌توانست وارد آن بشود، اما این بار خروج راننده از آنجا مشکل داشت!...

داستان خرید خانه هم از آنجا شروع شد که آقای هاشمی قصد داشت به تهران منتقل شود و من نیز قصد داشتم ازدواج کنم... منزل من در یخچال قاضی، متصل به بیت امام واقع شده بود که از جناب خیرالاخیار حاج محمود آقا لولاچیان به دوازده هزار تومان خریده بودم و پس از پرداخت چند هزار تومان، وقتی ایشان دید که تأمین تتمه! برایم مقدور نیست، بقیه مبلغ را نگرفت و خانه به نام بنده ثبت شد!... قبل از من هم شهید هاشمی نژاد و آقا سیدحسن ابطحی در آن منزل سکونت داشتند...

... بهرحال من آن منزل را به پانزده هزار تومان فروختم و قرار شد که منزل ایشان به قیمت ۲۸ هزار تومان به من واگذار شود. ایشان ۷ هزار تومان به بانک رهنی بدهی داشت که قرار شد من قسطهای آن را بپردازم و تتمه بدهی به ایشان را هم به تدریج پرداخت کنم در همان گفتگو بودیم که یکی از مراجع موحد که استاد بنده بودند، مشتری آن منزل شدند و پیشنهاد سی هزار تومان نقد را هم با ایشان مطرح کردند که آقای رفسنجانی نپذیرفته بود و آن مقام محترم فرموده بود که شما هنوز معامله نکرده و حتی قولنامه هم ننوشته‌اید، چه اشکالی دارد که با من معامله کنید؟... بعدها آن استاد بزرگوار (حفظه‌الله) به من گفتند که آقای هاشمی در پاسخ من گفت: [illegible]

... روزگار گذشت.... در دوران ریاست مجلس در دیداری با ایشان از من پرسید: شما آن منزل قم را چه کرده‌اید؟ گفتم هنوز هست! گفت ولی پس از بیست سال ظاهراً سند نزده‌اید و هنوز به نام من است؟ گفتم بلی! قولنامه که داریم!

آقای رفسنجانی گفت: این امر دو تا اشکال دارد اول اینکه مسئولین نظام باید لیست دارائی و املاک خود را اطلاع دهند و من آن منزل را که فروخته‌ام در لیست ذکر نکرده‌ام و اکنون ممکن است اشکال پیش بیاید!

دوم اینکه اگر حادثه‌ای برای من پیش بیاید با قولنامه شاید شما با وراث با مشکل روبرو شوید؟

این بود که رفتم و آن منزل در آستانه مقدسه، به نام خود منتقل کردم و تا سال قبل هم آن که تقریباً نزدیک حرم بود نگهداشته بودم، ولی برای تکمیل کتابخانه‌ای که در حوزه علمیه قم ساخته میشود، به مبلغ حدود چهارصد میلیون تومان فروختم و الحمدلله تا حدود زیادی گشایشی در امر پیشرفت ساختمان کتابخانه بعمل آمد!

آقای رفسنجانی در گفتگو با برادرمان صادق زیبا کلام گفته است که وجه دریافتی بابت آن منزل، گشایشی در امور ایشان ایجاد کرد و همراه دوستان، زمین‌هائی را خریداری و ساخت و ساز کردند که سودبخش بود... و حقیر هم که پس از سی و پنج سال، آن را فروختم، در امر تکمیل کتابخانه، از آن بهره‌مند شدم.

سفر به اروپا

مطلب دیگری هم آقای رفسنجانی اخیراً در مورد گذرنامه ایرانی و راحتی سفر با آن در بلاد اروپائی نقل کرده بود که بنده نیز با همان وضع روبرو شدم. یعنی به دعوت انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، با اتوبوس تی.بی.تی عازم آنکارا شدم و از آنجا به بعد هم با عبور از بلغارستان، یوگسلاوی، اطریش، آلمان‌غربی، فرانسه و اقامت کوتاه‌مدت در هر یک از آن کشورها و ایراد سخنرانی و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان، رهسپار انگلیس شدم.

هیچ یک از آن کشورها، ویزا نخواستند و با ارائه گذرنامه به راحتی به مسافرت ادامه دادیم تا اینکه با کشتی، از دریای مانش وارد ساحل لندن شدم!

در ساحل لندن، افسر پلیس گذرنامه‌ها را بررسی می‌کرد. نوبت من که رسید پرسید چرا ویزا نداری؟... بنده که انگلیسی نمی‌دانستم! گفتم: من از ایران می‌آیم، در ترکیه نوویزا، بلغارستان نوویزا، یوگسلاوی نوویزا، آلمان (نه جرمانی!) نوویزا و من فکر کردم که انگلیس هم نو ویزا... افسر پلیس خندید و پرسید شغل تو [illegible]

برتراند راسل فیلسوف معروف انگلیسی قرار بود دانشجویان اروپا یک تظاهرات عمومی در لندن، برای تقبیح جنگ انجام دهند و خود وی هم سخنرانی کند)...

گفتم: نه! من برای تظاهرات نیامده‌ام!

گفت کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم من میهمان جمعیت شیعیان در انگلستان هستم!

افسر کشیک تلفنی با جائی تماس گرفت و سپس گفت: ویزادادن در مرز، فقط در موارد غیرمشکوک برای ورود است، وقتی لندن مستقر شدی، باید کسی که از تو دعوت بعمل آورده با پلیس تماس بگیرد و اطلاع دهد و سپس اگر موافقت شد، می‌توانی سه ماه در انگلیس بمانی وگرنه باید تا یک هفته دیگر از انگلستان خارج شوی!... پس از تشکر، بیرون آمدم...

به راننده تاکسی گفتم که مرا به یک مسافرخانه ببرد!... او هم مرا در خیابانی نیمه تاریک به یک مسافرخانه رساند که یک لامپ بیشتر روشن نداشت... اطاقی به من داد که تاریک خانه بود! اجازه گرفتم که تلفنی بزنم!... و زنگ زدم به آقای سیدمهدی خراسانی که در آن دوران خود را مسئول جمعیت شیعیان لندن معرفی میکرد... آدرس مسافرخانه را صاحب آن به آقای خراسانی داد و یکساعت بعد خود وی به دنبال من آمد و مرا با خود برد و یک اطاق خوب، در خیابان «چرچ استریت»، منشعب از خیابان معروف «های استریت» ـ نزدیک پارک معروف لندن ـ هاید پارک ـ برای من گرفت که در مدت اقامت یک ماهه در لندن، در آنجا اقامت داشتم و کرایه آن هم برای هر شب یک پوند با صبحانه بود!

البته مسأله تمدید ویزا را آقای خراسانی انجام داد و من می‌توانستم سه ماه بمانم که با پایان یافتن پول!، مجبور شدم به ایران برگردم.

ماجرای سفارت

... بعد از پیروزی انقلاب، بنده با توجه به شناخت و لطف امام خمینی طی حکمی «نماینده امام در وزارت ارشاد ملی» ـ بعداً اسلامی ـ شدم و حدود دو ماه فعالیت خستگی‌ناپذیری در امر مطبوعات و تبلیغات خارج از کشور داشتم...

اما وزیر وقت کارشکنی می‌کرد و سه معاون او، بعدها معلوم شد که هر سه وابسته به سازمان ویژه‌ای هستند که هوادار «اسلام منهای آخوند»! بود و آنها هم که سابقه دوستی و رفاقت دیرینه با آنها داشتم «نماینده امام» را برنمی‌تابیدند... ولی ما تحمل می‌کردیم به امید اصلاح... و به خاطر انقلاب!

...ورق برگشت وزیری رفت و وزیری دیگر آمد که وزارت را «منحله» اعلام نمود. خواستم استعفا بدهم احمد آقا مانع شد و گفت: استعفا از نمایندگی امام سابقه ندارد و صلاح نیست. [illegible]

پس از یکی دو هفته مرحوم شهید رجائی گفت: شما برای سفارت واتیکان انتخاب شدید چون با مسیحیت آشنائی دارید و برای شناخت بهتر، بعضی از دوستان گفتند که به آنجا بروید. و آن شهید نام آن دوست را گفت: آقای هاشمی رفسنجانی! البته به نظرم آمد که هدف شناختن مسیحیت نیست! بلکه دوستان علاقه ندارند که یک سفارت مهم برای ایران را در «اختیار خود» نداشته باشند چون میدانستند که من در چهارچوب قانون و اختیارات سفیر، به «تشخیص خود عمل خواهم کرد»! و این را هم «این دوستان» برنمی‌تافتند!

البته با توجه به شناخت من از الجزائر و ارتباط وثیق با رهبری مجاهدین که در دوران مبارزه در خارج از الجزائر به سر می‌بردند، من می‌توانستم در آن برههٔ مفیدتر از برادرانی باشم که می‌خواستند به آنجا اعزام کنند. ولی پذیرفتم، چون بنابر «مقاومت» در آغاز انقلاب نبود که مبادا ضرری و صدمه‌ای به آن برسد. و صد البته من تاکنون این موضوع را به آقای رفسنجانی نگفته‌ام و گله‌ای هم ندارم و این اشاره، برای اینست که در داوری‌ها، مسائل شخصی و خاص مطرح نیست. گرچه فکر می‌کردم که در الجزائر، بیشتر می‌توانم به معرفی انقلاب بپردازم و خدمت کنم.

اما «عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم» و در اروپا، میدان عمل و ارتباط با حرکت‌های اسلامی بیشتر بود. و واتیکان مقر خوبی برای تلاش‌های من که تفصیل آن را در خاطرات مربوطه با اسناد مربوطه! آورده‌ام که انشاءالله روزی چاپ میشود.

خاتمه!

... بدین ترتیب حدود ۵۵ سال که من با آقای هاشمی رفسنجانی آشنایی دارم و شناخت من از ایشان ایجاب می‌کند که حداقل دفاع لازم را انجام دهم. و به صراحت بگویم که عدم احراز صلاحیت ایشان، به صلاح نظام و انقلاب و اسلام نبود و آقایان دوستان شورای نگهبان، این بار بطور معکوس دچار اشتباه و البته جبران‌ناپذیر شده‌اند...

به این نکته هم اشاره کنم که من در طول این مدت، هر وقت به دیدار آقای رفسنجانی رفتم، چه در دوره ریاست جمهوری، ریاست مجلس و یا مجمع تشخیص، هیچوقت و حتی برای یکبار هم ایشان در پشت میز خود ننشست، یعنی یا در صندلی، روبروی من، و یا در صندلی معمولی در کنار من نشستند و به گفتگو پرداختیم و این نیز نوع اخلاق انسانی ایشان را نشان می‌دهد.

***

... و اکنون مائیم همراه با تحیر و اندوه و افسوس... گرچه با انقلاب هرگز «قهر» نمی‌کنیم و بالاخره تا آخر وقت، یکی از برادران اصلح از مجموعه موجود و انشاءالله برای اعطاء «یک رای»، انتخاب می‌کنیم. به امید آنکه عندالله مقبول افتد.

و البته این فقط برای ادای «تکلیف» خواهد بود و از آن شوق و ذوقی که لازم بود، برخوردار نخواهد بود!

بقول آیت‌الله مصباح: «مؤمن همیشه تکلیف‌مدار است. اینکه نتیجه چه می‌شود به ما مربوط نیست. این را باید به خداوند واگذار کنیم و نسبت به هرچه پیش آمد رضایت داشته باشیم». البته این بیانات پس از آن صادر شد که «اصلح الناس فی الارض و تحت ظل السماء» از نظر ایشان، خود اعلام انصراف نمود!

و بقول علما عظام قدیم: والله العالم والعاقبة للمتقین

۱. متن بیانات معظم‌له چنین بود:

«... این قضیه به دو مناسبت بنده را نیز از دو جهت ناراحت و متأثر کرد. یکی از بابت اصل وقوع ماجرا و دیگری بابت ناراحتی مردم از این قضیه. در این ماجرا متأسفانه رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و حتی مطرح نشده در دادگاه، دو قوه دیگر، یعنی مجلس و قوه قضائیه را متهم ساخت. که کاری بد، غلط، نامناسب، خلاف شرع خلاف قانون و خلاف اخلاق بود این رفتار حقوق اساسی مردم را نیز تضییع کرد. چرا که زندگی در آرامش و امنیت روانی و اخلاقی جز حقوق اساسی ملت است...»

با این توصیف، اعلام صلاحیت یک فرد غیرمتشرع مخالف قانون و اخلاق و ... چه مفهومی می‌تواند داشته باشد.

نقش انتخابات در تنظیم رابطه دولت و مردم

دکتر فرج‌الله رهنورد و نعمت‌الله مهدوی راد

بخش دوم و پایانی

۵. حاکمیت خوب: مطابق مدل حاکمیت خوب که توسط بانک جهانی مورد پذیرش قرار گرفته و سالانه حاکمیت در کشورهای مختلف براساس شاخصهای آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، رابطه دولت و مردم به شرح زیر قابل تبیین است: کنترل فساد (رابطه نظارتی)؛ حاکمیت قانون (رابطه قانونی)؛ کیفیت مقررات (رابطه خدمتگزاری)؛ پاسخگویی و شنیدن ندای مردم (رابطه پاسخگویی و مشارکت)؛ اثربخشی دولت (رابطه شهروندگرایی)؛ و ثبات سیاسی (رابطه اعتماد متقابل).

۶. مشروعیت: از نگاه اندیشمندان شیعه مانند شهید مطهری، مشروعیت بر دو نوع است: مشروعیت الهی؛ و مشروعیت مردمی. مشروعیت حکومت امام معصوم(ع) الهی است؛ ولی مشروعیت حکومت در دوران غیبت مردمی است، و در هر یک از این دوره‌ها طبیعتاً الزامات خاصی میان دولت و مردم حکمفرماست. هرچند «مشروعیت حکومت ائمه معصومین(ع) با نصب الهی است»، ولی در تحقق بخشیدن به حکومت ائمه(ع) و فقها در زمان غیبت امام معصوم، بیعت و همراهی مردم نقش اساسی دارد. بسیاری از مکاتب جدید بشری ریشه مشروعیت حکومت را خواست مردم می‌دانند و معتقدند هر آنچه «اکثریت» مردم بخواهند و اراده کنند، باید بر کل جامعه حاکم گردد. مطابق این نظریه رابطه دولت و مردم یک رابطه نمایندگی است؛ یعنی دولت برای اداره جامعه باید بر مبنای خواست مردم عمل کند.

۷. سرمایه اجتماعی: منابع سرمایه اجتماعی همانند دیگر منابع در ساختار اجتماعی نهفته است. درحقیقت می‌توان سرمایه اجتماعی را از دیگر منابع با توجه به ابعاد خاص ساختار اجتماعی (که زیربنای آن را تشکیل می‌دهد) تمیز داد. سرمایه اجتماعی منبع در دسترس نقش آفرینان است که تابعی از محل آنان در روابط اجتماعی است. از طریق ارتباط با یکدیگر افراد قادرند به چیزهایی دست یابند که به تنهایی ممکن نیست و یا به سختی قابل حصول است. افراد از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم مرتبط می‌شوند و تمایل دارند با دیگر اعضای شبکه در ارزشهایی سهیم شوند. به میزانی که این شبکه‌ها منبعی را شکل می‌دهند، این شبکه‌ها را می‌توان نوعی سرمایه به‌حساب آورد. رابطه دولت و مردم دارای ابعاد مختلفی است و در آن سه عامل اساسی وجود دارد: دولت، مردم، نوع رابطه. برخی از ابعاد این رابطه به شرح زیر است:

۱. اعتماد متقابل: رابطه دولت و مردم باید مبتنی بر اعتماد باشد. بنابراین حداقل سطح اعتماد باید میان دولت و مردم باشد تا بتوان از رابطه صحبت کرد.

۲. نظارت متقابل: رابطه دولت و مردم زمانی سالم خواهد بود که نظارت همگانی مردم بر دولت و دولت بر مردم وجود داشته باشد.

۳. خدمتگزاری: اگر بپذیریم که دولت نماینده مردم برای ارائه خدمات به آنان است، باید گفت رابطه‌اش با مردم باید رابطه خادم و مخدوم باشد. دولت باید خود را در نقش خدمتگزار مردم ببیند، نه آنکه رابطه ارباب و رعیتی برقرار شود و رابطه خدمتگزاری مستلزم ارائه خدمات کیفی با هزینه پایین است.

۴. پاسخگویی: اگر شهروندان را ارباب واقعی در نظر بگیریم، دولت باید در مقابل آنها خود را ملزم به پاسخگویی بداند و سازوکارهای مناسبی را برای چنین پاسخگویی طراحی کند و به‌کار گیرد.

۵. مشارکت‌جویی: دولت در اداره امور عمومی لازم است ایده‌های شهروندان را مد نظر قرار دهد و پیشنهادهای ذی‌نفعان را پالایش و عملیاتی کند.

۶. اطلاع‌رسانی: در پرتو چشم‌انداز جامعه اطلاعاتی، ضروری است دولت از طریق طراحی و استقرار سازوکارهای مناسب، اطلاعات مورد نیاز را در اختیار شهروندان قرار دهد، به گونه‌ای که اصل شفافیت در عملکرد دولت کاملاً رعایت شود.

۷. قانون‌گرایی: دستگاههای دولتی در روابط خود با مردم باید از مقرراتی پیروی کنند که انعکاسی از انتظارات مردم باشد. نه تنها حاکمیت قانون در رابطه میان دولت و مردم ضروری است، بلکه کیفیت قوانین نیز در سالم‌سازی روابط بسیار تأثیر گذار است. به سخن دیگر، کیفیت قوانین را می‌توان بر مبنای درجه توجه به رعایت اصول عدالت، توسعه صادرات، ایجاد فضای رقابتی، و مانند اینها سنجید.

۸. احترام متقابل: بی‌شک رابطه سالم، رابطه‌ای است که بر احترام متقابل استوار باشد. برخورد محترمانه دستگاههای اجرایی به خصوص پلیس و نیروهای امنیتی با مردم مورد تأکید است.

۹. سهولت دسترسی: رابطه سالم نیازمند دسترسی آسان و به‌دور از تشریفات زائد است. مردم باید بتوانند به دولتمردان خود دسترسی آسان داشته و مسائل و مشکلات خود را به راحتی با آنان در میان بگذارند. برقراری ارتباطات الکترونیکی یکی از سازوکارهای مناسب است که می‌تواند رابطه دولت و شهروندان را دگرگون ساخته، امکان دسترسی آسان و سریع و به دور از تشریفات زائد به خدمات دولتی را فراهم سازد.

۱۰. اخلاق‌گرایی: تنظیم رابطه دولت و مردم بر مبنای رعایت اصول اخلاقی نیز نه یک گزینه، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. ارتباط مردم با دستگاههای اجرایی نباید با این ذهنیت صورت گیرد که برای پیشبرد کار قانونی خود باید به رابطه‌مداری یا پرداختهای اضافی متوسل شد.

تنظیم رابطه دولت و مردم در پرتو چشم‌انداز ۱۴۰۴

ترسیم رابطه مطلوب میان دولت و مردم با ویژگیهای آرمانی، نه مطلوب است و نه در کوتاه‌مدت دست‌یافتنی است؛ بنابراین باید چنان رابطه‌ای میان دو موجودیت دولت و مردم برقرار شود که به عنوان یکی از عوامل کلیدی توفیق زمینه‌ساز تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد. رویکرد اقتباس از خود چشم‌انداز برای تعریف رابطه دولت و مردم در تراز چشم‌انداز می‌تواند راهگشا باشد. در این رویکرد پیش‌فرض اساسی آن است که چشم‌انداز در حقیقت خود ترسیم آیندهٔ مطلوب است که با اقتباس از آن می‌توان ویژگیهای رابطه مطلوب میان دولت و مردم متناظر را نیز احصا کرد.

ویژگیهای رابطه دولت و مردم در پرتو چشم‌انداز ۱۴۰۴:

۱ـ توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردمسالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی. **رابطه متناظر (دولت و مردم):** خدمتگزاری (خادم و مخدوم)، دمکراتیک (مشارکتی، نمایندگی، و...)، قانونی، پاسخگویی.

۲ـ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فنّاوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. **رابطه متناظر:** اعتماد متقابل، توانمند سازی مردم، شراکت‌گرایی (میان دولت، جامعه مدنی، و بخش خصوصی).

۳ـ امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. **رابطه متناظر:** پیوستگی (مردم و حکومت)، اتحاد ملی، مشارکتی ـ نمایندگی.

۴ـ برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب. **رابطه متناظر:** خدمتگزاری ـ کارگزاری و مباشرت، نظارتی (کنترلی)، عدالت‌گرایی.

۵ـ فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. **رابطه متناظر:** مسئولیت متقابل، مشارکتی، اعتمادمتقابل، توانمندسازی.

۶ـ دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فنّاوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. **رابطه متناظر:** ارتباط الکترونیکی (دولت الکترونیکی)، خدمتگزاری، همکاری متقابل، اتحاد سرآمد گرا، کیفیت گرایی.

۷ـ الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردمسالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره). **رابطه متناظر:** اخلاق گرایی، دمکراتیک (شراکت گرایی، مشارکت‌جویی، حقوق مردم)، اتحاد تعالی گرا، برادری اسلامی.

۸ـ دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت. **رابطه متناظر:** جامعه مدنی تعامل گرا در روابط خارجی.

تعریف عملیاتی ابعاد رابطه دولت و مردم

رابطه مطلوب میان دولت و مردم یک مفهوم ایدئولوژیک است؛ زیرا اصول بنیادین آن می‌تواند ریشه در دکترین اقتصادی ـ اجتماعی متفاوتی داشته باشد. برای مثال، امام خمینی(ره) در یکی از سخنرانیهای خود می‌فرماید: «دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد.» چنین اظهاراتی نشان‌دهندهٔ آن است که دیدگاههای ایدئولوژیک در تبیین پایه‌های اصلی رابطه دولت و مردم بسیار تأثیر گذارند. برای شفافیت بیشتر، تعریف عملیاتی ویژگیهای شش‌گانه تنظیم رابطه دولت و مردم با امکان درنظر گرفتن اصول و مبانی اسلامی و قانون اساسی به شرح زیر است:

۱. مردمسالاری دینی: اگر بخواهیم مردمسالاری دینی را به صورت عملیاتی تعریف کنیم، ضروری است در درجه اول به ویژگیهای دمکراسی توجه کنیم. دال(۱۹۹۸) دمکراسی را با پنج معیار به شرح زیر معرفی می‌کند: مشارکت واقعی، رأی برابر، درک روشن (برای آشنایی با راهکارها / سیاستهای جایگزین، هر فرد باید فرصت برابر داشته باشد)، اعمال کنترل نهایی بر دستور کار، و انسجام بزرگسالان (هیچ گروه از بزرگسالان نباید قدرت حکومت بر خود را به دیگران محول کند و یا این حق از آنها سلب شود). دال برای برآورده کردن معیارهای دمکراسی، ضرورت نهادهای زیر را مطرح می‌سازد: نمایندگان منتخب؛ انتخابات آزاد، منصفانه و مکرر؛ آزادی بیان؛ اطلاع رسانی؛ تشکل‌های مستقل؛ و حق برابر شهروندی.

اگر این مدل را در پرتو ارزشهای اسلامی تعدیل و بومی سازی کنیم، آنگاه باید گفت ویژگیهای چهارگانه دمکراسی (انتخابات آزاد و عادلانه، دولت شفاف و پاسخگو، حقوق مدنی و سیاسی، جامعه دمکراتیک) تا جایی پذیرفته می‌شود که با اصول و مبانی اسلامی در تعارض قرار نگیرد؛ برای مثال، انتخابات آزاد و عادلانه نمی‌تواند گروههای غیر دینی را پوشش دهد؛ زیرا اساس قوانین اسلامی توحیدگرایی است و آزادی فراتر از قانون در هیچ جامعه‌ای پذیرفته‌نیست.

۲. خدمتگزاری

حکومت‌داری در اسلام نه یک امتیاز، بلکه عمل به تکلیف است. از نظر امام خمینی(ره) مهمترین وظیفه حکومت مطلوب این است که خود را خادم جامعه بداند و در راه تأمین نیازهای اجتماعی مردم بکوشد، نه اینکه به فکر تأمین منافع خود باشد. حکومت ابزاری است برای تأمین نیازهای مردم و خدمت به آنان، تربیت و هدایت آنان و تحقق عدالت و رساندن آدمیان به سعادت باقی و پایدار؛ بنابراین در اسلام، اساس حکومت را خدمت و خدمتگزاری به مردم تشکیل می‌دهد. موارد زیر نمونه‌ای است از بیانات امام خمینی(ره) در این زمینه: «دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد»، «ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. صرف حکومت برای آنان جز رنج و زحمت چیزی ندارد. منتهی چه بکنند؟ مأمورند انجام وظیفه کنند. موضوع ولایت فقیه مأموریت و انجام وظیفه است»، «اگر به من بگویید خدمتگزار، بهتر از این است که بگویید رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده است که خدمت کنیم.»

در نامه‌ای، امیر مؤمنان(ع) به عامل خود می‌نویسد: «مبادا گمان کنی حکومتی که به تو سپرده شده، یک شکار است که به دست آورده‌ای، بلکه امانتی است که بر گردنت گذاشته شده و مافوق تو رعایت و حفظ حقوق مردم را از تو می‌خواهد. تو را نرسد که به استبداد و دلخواه در میان مردم رفتار کنی.» (نهج‌البلاغه) ایشان در بخشنامه‌ای که برای مأموران جمع‌آوری مالیات نوشته‌اند، می‌فرمایند: «به عدل و انصاف رفتار کنید. در باره خودتان به مردم حق بدهید. پرحوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم کم‌حوصله مباشید. شما خزانه‌داران رعیت، نمایندگان ملت و سفیران حکومتید. در قلب خود، استشعار مهربانی، محبت و لطف به مردم را بیدار کنید. مبادا همچون درنده که دریدن و خوردن را غنیمت می‌شمارد، رفتار کنید؛ زیرا مردم یا مسلمانند و برادر دینی تو و یا غیر مسلمانند و انسانی مانند تو.» (نهج البلاغه)

ریاست طلبی از هواهای نفسانی است و چون حاکم از این جهت، بسیار در معرض خطر است، مورد سفارش حضرت علی(ع) می‌باشد. از این رو مالک اشتر را از اینکه با رسیدن به حکومت و به دست آوردن حق فرماندهی، ریاست‌طلبی کند و خیال نماید کار و شأنش فرمان دادن است، برحذر می‌دارد و به او از اینکه طبق این روحیه، فرمانهایی با عجله و بدون فکر صادر کند و روحیه عفو و گذشت را فراموش نماید، هشدار می‌دهد: «[در موارد خطا و لغزش] آنقدر عفو و گذشت پیشه گیر که دوست داری به همان مقدار از عفو و گذشت خداوند برخوردار شوی و به سرعت به کاری که راه چاره دارد، مشغول مشو و به آن فرمان مده و مگو: من حاکم هستم و فرمان می‌دهم و باید اطاعت شوم؛ زیرا این روحیه، باعث تباهی دل و نابودی دین و زوال حکومت می‌شود.» و بارها به کارگزاران تذکر می‌دهد مقام و حکومت، لقمه چربی نیست، بلکه امانتی است که باید جوابگوی آن بود: «**انّ عملک لیس لک بطعمه ولکنّه فی عنقک امانه**»، «خدا راه انداختن کارشان را از تو خواست و آنان را وسیله آزمایش تو ساخت.» (نهج‌البلاغه) با در نظر گرفتن مدل حاکمیت خوب، تعریف عملیاتی دولت خدمتگزار عبارت است از: کیفیت خدمات دولتی، و درجه استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین خط مشی و اجرای آن، و اعتبار تعهد دولت به چنین خط مشی هایی.

۳. نظارت متقابل

انتقادپذیری یکی دیگر از ویژگیهای حکومت مطلوب از نظر امام(ره) است و حکومتی که از پذیرش انتقاد رویگردان باشد، بنای خود را بر استبداد قرار داده است. به سخن دیگر، امام خمینی بر ضرورت آگاهی مردم و مشارکت آنان در حکومت و نظارتشان بر حکومت و همگامی آنها با حکومت تأکید می‌کند و این شیوه رفتار با حکومت را بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌داند؛ بنابراین حکومت مطلوب نظارت‌پذیر است و رابطه امر به معروف و نهی از منکر میان مردم و حکومت امر طبیعی است: «اگر مردم بخواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند، باید مواظب باشند که رئیس جمهور و وزرا و نمایندگان مجلس انحراف پیدا نکنند از حیث قدرت‌طلبی و مال‌طلبی. اگر رئیس جمهوری بخواهد قدرتمندی نشان دهد، آن روز بدانند علامت این است که شکست خوردیم؛ لذا خود مردم باید جلوشان را بگیرند.»

انتقاد، مطمئن‌ترین و سالم‌ترین و مؤثرترین عامل برای مهار قدرت، حضور پویا و آگاهانه همراه با احساس مسئولیت مردم در صحنه و مراقبت دائمی آنان از جریان حاکمیت و مدیریت جامعه و نقد و ارزیابی همیشگی و پیگیرانه آنان از اعمال و رفتار مدیران و مسئولان حکومت است. الگو بودن علی(ع) در تمامی ابعاد، به ویژه شیوه حکمرانی و سلوک حکومتی خود اقتضا می‌کند که آن حضرت، در عین معصوم بودن، عملاً نشان دهد که رفتار حاکم اسلامی و مناسباتش با مردم باید چگونه و بر چه اصولی استوار گردد تا دنیا بداند که تربیت‌یافتگان قرآن در عصری که روابط آدمیان جز بر پایه زور و ستم نبود، نظام حکومتی خود را بر مردمی‌ترین شکل آن پی می‌نهند و از شهروندان خود با اصرار می‌طلبند که خطاهای حکومت را گوشزد کنند؛ بنابراین نظارت‌پذیری و یا انتقادپذیری حکومت یکی از ویژگیهای حکومت علوی است. حضرت با صراحت اعلام می‌کند: «هیچ شخصی ـ گرچه در پیشگاه حق دارای منزلتی بزرگ و در دینداری پیشینه‌ای فضیلت‌بار باشد ـ برتر از این نیست که در ادای حقی که خدا بر دوشش نهاده یاری شود و هیچ کس ـ گرچه نزد دیگران خوار باشد و در نگاهها حقیر آید ـ کمتر از این نیست که حاکم را در این راه یاری دهد یا خود بر آن یاری شود!» (نهج البلاغه)

۴. قانون‌گرایی

دیگر ویژگی حکومت مطلوب از دیدگاه امام خمینی(ره) آن است که بر موازین و قوانین الهی و دینی بنا شده باشد. حکومت اسلامی حکومت قانون است، قوانین شرع که در قرآن و سنت مندرج است. قانون‌گرایی مبتنی بر وحی به کرات در بیانات و آثار حضرت امام با دقت و توجهی خاص مطرح شده است، از آن جمله است: «پیامبر(ص) هرچه داشت، تابع قانون بود، پیغمبر قرآن مجسم بود، پیغمبر قانون مجسم بود. ما حکومتی می‌خواهیم که تابع قانون باشد، نه یک حکومتی که تابع شیطان باشد»، «اسلام... دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد»، «حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم(ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم(ص) بیان شده است.» حضرت علی(ع) در اجرای قانون بین خود و توده مردم فرقی نمی‌گذاشت؛ چنان که زمانی با مردی مسیحی بر سر یک زره اختلاف پیدا می‌کند، با اینکه خلیفه جهان اسلام است، می‌کوشد از طریق قانون به حق خویش برسد. او را به نزد قاضی می‌برد و قاضی علیه او و به نفع مرد مسیحی حکم می‌کند. مرد مسیحی زره را می‌گیرد، ولی چند قدم بیشتر نرفته، برمی‌گردد و می‌گوید: «شهادت می‌دهم که این گونه داوریها از داوریهای پیامبران است، امیر مسلمانان مرا به نزد قاضی می‌آورد و قاضی برضد او حکم می‌کند! به خدا این زره از آن توست و من در ادعای خویش دروغگو بودم...»

۵. همکاری و مشارکت

نهادهای حاکمیتی (دولت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی) در حقیقت شرکای حاکمیتی هستند که هریک در نقش خاصی ظاهر می‌شوند. توسعه پایدار و اجتناب از تعارض نیازمند مشارکت میان منافع مختلف بر مبنای اعتماد متقابل و ارزشهای مشترک است. این چالش پیش روی دولتهاست که برای بهبود شبکه‌های زیرساختی و ارتقای کیفیت خدمات قابل ارائه به شهروندان، راهبردی و خلاقانه فکر کنند. اگرچه نیروی جلوبرنده اصلی در توسعه، دولت است، اما بسیاری از کشورها نه تنها نقش مردم را در توسعه مهم می‌بینند، بلکه در فرایندهای توسعه، مردم نقش‌آفرین اصلی هستند. به همین دلیل، مشارکت دیگر یک گزینه نیست، بلکه ضرورتی استراتژیک است. اصول بنیادین مشارکت عبارتند از: اهداف اجتماعی، نوآوری، تأسیس چندگانه، داوطلبانه بودن، منافع متقابل و سرمایه‌گذاری مشترک، و هم‌افزایی مبتنی بر هماهنگی.

۶. پاسخگویی

امام علی(ع) حق سؤال از تمامی ارکان حکومت را برای مردم به رسمیت شناخته و پاسخگویی در قبال سؤالات مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این زمینه خطاب به مالک اشتر فرموده است: «اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، آشکارا توضیح ده و عذر خود را نزدشان بیان کن و با این کار از بدگمانی شان درآور. اگر چنین کنی، این کار برای تو ریاضت (و تمرین اجرای عدالت) است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت، و صراحت‌گویی در بیان عذر، و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق.»

علی(ع) اجرای عدالت را نیز در گرو پاسخگو بودن حکومت می‌داند و از مردم می‌خواهد که مبادا گمان کنند که اگر او را درخصوص کارهایش مورد سؤال قرار دهند و یا حرف حقی را متذکر شوند و اجرای عدالت را از او بخواهند، موجب ناراحتی‌اش خواهد شد. از این رو می‌فرماید: «هرگز گمان مبرید که مطلب و سخن حقی که به من می‌گویید، برایم سنگین باشد و از آن ناراحت شوم و گمان مدارید که در فکر بزرگ جلوه دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن و عرضه حق و عدالت بر او دشوار باشد، عمل به آن برایش دشوارتر خواهد بود. بنابراین از گفتن حق و یا مشورت به عدل با من، خودداری مکنید؛ زیرا من خویش را مافوق آنکه اشتباه کنم نمی‌دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم، مگر اینکه خداوند که مالکیت او بر من از من بیشتر است، مرا حفظ کند.»

پاسخگویی را به عنوان یک دیدگاه امام خمینی نیز می‌توان در تبیین ویژگیهای حاکمیت مطلوب به‌حساب آورد: «همه مواظبت کنند خودشان [را]، مواظبت کنند در اینکه یک قدم کج نگذارند و اسلام را حفظ کنند. صورت اسلام را آن طوری که هست نشان بدهند. و اگر خدای نخواسته کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی؟ در صدر اسلام هست که عمر وقتی گفت که اگر من یک کاری کردم شماها چه می‌کنید؟ یک عربی شمشیرش را کشید، گفت: ما با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید این طور باشد.»

حضرت علی(ع) در ابتدای عهدنامه مالک اشتر به او گوشزد می‌کند که مردم به حکومت او می‌نگرند و درباره آن بحث و انتقاد می‌کنند، همان‌طور که او به حکومتهای قبل نگاه و نظر خویش را بیان می‌کند و احتمالاً از آنها انتقاد می‌نماید. آنگاه امام گفته‌هایی را که بر زبان بندگان صالح خداوند جاری می‌شود، معیار ارزشیابی حکومت معرفی می‌کند: «**انّما یستدل علی الصالحین بما یجری الله علی السن عباده**». سخن حضرت بر این امر دلالت دارد که مردم حق اظهارنظر در مورد حکومت را دارند و اظهارنظرها معیاری برای شناخت خوب و بد بودن حکومت است. (نهج‌البلاغه)

نقش انتخابات در تنظیم رابطه دولت و مردم

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یکی از سازوکارهای تنظیم رابطه دولت و مردم، مردمسالاری دینی است که با رابطه مطلوب دولت و مردم در تراز چشم انداز ۱۴۰۴ نیز مطابقت دارد. اشاره شد که «انتخابات آزاد و عادلانه» یکی از ابعاد کلیدی دمکراسی محسوب می‌شود؛ بنابراین برگزاری انتخابات به طور ادواری هم نوعی کسب مشروعیت برای حکومتی است که خود را نمایندهٔ مردم در اداره جامعه می‌داند و هم سنجش درجه اعتماد مردم به دولتمردان محسوب می‌شود. طبیعی است که انتخابات در جوامع امروزی که گروههای مختلفی از مردم برای مدیریت جامعه خود را سازماندهی کرده‌اند، ابزاری است که به جابجایی قدرت کمک می‌کند تا صالح‌ترین گروه برای مدیریت جامعه شناخته شده و زمام امور کشور را بر عهده گیرد.

چنین سازوکاری اجازه می‌دهد مردم مدیران سیاسی و عالی خود را به طور ادواری مورد ارزیابی قرار دهند و انتظارات خود را مطرح کنند و افرادی را به عنوان مدیران جامعه انتخاب کنند که خط‌مشی‌های مناسبی را برای برآوردن خواسته‌ها و انتظارات مردم مطرح می‌سازند. به سخن دیگر، انتخابات در سالم‌سازی روابط مردم و مباشران آنها بسیار کارساز است و فقدان آن ممکن است به شکل‌گیری و تداوم تعارض بین طرفین بینجامد.

معادن بزرگ قابل فروش و واگذاری نیستند

معادن بزرگ براساس قانون اساسی انفال محسوب شده و قابل واگذاری، فروش و خصوصی‌شدن نیستند و پروانه بهره‌برداری از این معادن برای همیشه در اختیار دولت باقی است. براین اساس دولت بعنوان مسئول حفظ حقوق بیت‌المال که معادن انفال هم بخش بزرگی از آن است، وظیفه دارد که برای بهره‌برداری و کسب منافع حداکثری از این معادن به نفع بیت‌المال اقدام کند که اتخاذ تدابیر و بکارگیری روش‌هایی مانند روش مزایده عمومی استخراج و فروش کانسنگ می‌تواند این حقوق حداکثری را حاصل کند.

موضوع استخراج و فروش از معادن روشی متداول و متعارف است که در چارچوب ضوابط و آیین‌نامه معاملات دولتی از طریق فراخوان عمومی و مزایده صورت می‌گیرد که استخراج و فروش کانسنگ برای دوره زمانی محدود، ولتاژ استخراجی مشخص و با نظارت کامل دولت و حفظ پروانه بهره‌برداری معادن برای صاحب پروانه انجام می‌شود و این روش دقیقا به لحاظ تعیین قیمت واقعی کانسنگ و جلوگیری از به هدر رفتن بیت المال مطرح شده است. لذا خصوصی‌سازی یا واگذاری انفال موضوعیت ندارد و اساسا تکذیب می‌شود.

همچنین جهت‌گیری سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران به منظور استفاده از رویه استخراج و فروش درخصوص دفاع از حقوق انفال و رسیدن به حقوق مالکانه و کشف قیمت کانسنگ در معادنی که مالکیت و پروانه بهره‌برداری آنها متعلق به این سازمان است، در گذشته هم انجام شده است.

شایان ذکر است چندی پیش وزیر صنعت، معدن و تجارت انتشار چنین اخبار را نادرست دانست و تأکید کرد که دولت قصد فروش معادن بزرگ را ندارد و جزء انفال بشمار می‌رود و مطرح‌شدن فروش معادن نادرست و معادن بزرگ در اختیار دولت است.

بیکاری جوانان چالش اتحادیه اروپا

رهبران اروپایی بیکاری جوانان و خطر فروپاشی اجتماعی را جزء جدی‌ترین چالش‌های پیش رو شناخته و یافتن راهکاری برای آنها رااولویت اصلی خود در ظرف ماههای آینده قرار دادند.

به گزارش ایسنا، هرمان ون رومپوی رییس شورای اروپا در یک نامه عمومی منتشره، اظهار کرد که بیکاری جوانان یکی از موضوعات فوری مورد بررسی برای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا است.وی افزود: نشست ژوئن شورای اروپا فرصتی برای به کار بستن اقدامات لازم در تمامی سطوح به منظور کمک به اشتغالزایی جوانان یا مهارت آموزی به آنها خواهد بود.

رومپوی تاکید کرد که باید به جوانان این تضمین داده شود که ظرف چهار ماه پس از اتمام تحصیلات، می‌توانند کارآموزی، آموزش بیشتری یا اشتغال داشته باشند.

وزیران اتحادیه اروپا در خصوص ابتکاری به ارزش ۶ میلیارد یورو، اوایل سال جاری در مورد تدابیری برای مهارت آموزی یا اشتغال جوانان پایین ۲۵ سال موافقت کردند.

رییس شورای اروپا در این نامه گفت: کار مقدماتی باید انجام گیرد تا طرح‌های کمک به اشتغال جوانان تا ژانویه سال آینده به مرحله اجرا برسند.سیاستگذاران در آلمان نسبت به نبود فوریت دراجرای این اقدامات ابراز نگرانی کرده و برای حل این مشکل مجموعه توافق‌های دوجانبه‌ای با کشورهای دیگر داشته‌اند. این کشور بر روی تجربه خود در مقابله بابیکاری حساب کرده و نشست سوم ژوئن را در برلین میزبانی می‌کند.

سطح بیکاری در سراسر اتحادیه اروپا متفاوت است.طبق آمار مارس که آخرین آمار موجود است،نرخ بیکاری کلی در اتحادیه اروپا ۱۰٫۹ درصد و در منطقه یورو ۱۲٫۱ درصد است. در میان اعضای اتحادیه اروپا، اتریش با ۴٫۷ درصد، آلمان با ۵٫۴ درصد و لوکزامبورگ با ۵٫۷درصد، پایین‌ترین نرخ بیکاری را دارند، در حالیکه بالاترین نرخ بیکاری متعلق به یونان با ۲۷٫۲ درصد، اسپانیا ۲۶٫۷ درصد و پرتغال با ۱۷٫۵ درصد است.

به گزارش رویترز، بحران بیکاری در اتحادیه اروپا به بحث‌های مربوط به چگونگی اجرای سیاست‌های اقتصادی سخت گیرانه برای ترمیم اقتصاد این بلوک دامن زده است.

تولید؛ چشم در راه حمایت

آیا دولت درحال حاضر حامی تولید است؟آیا دولت بصورت هدفمند از تولید حمایت می کند؟تسهیلات دولتی به کجا می روند؟اوضاع صنایع وبخش کشاورزی چگونه است؟تولید ملی به چه سمتی رفته است؟ تاثیر هدفمند سازی یارانه ها برتولیدات داخلی چه بوده است؟سیاست های دولت با تصمیمات مجلس شورای اسلامی درحوزه تولید چقدر منطبق است؟

دستگاههای اجرایی در حوزه تولید چه کرده اند؟دستگاههای اجرایی چقدر صلاحیت اجرای قوانین در حوزه تولید را دارند؟بورکراسی اداری موجود در حوزه تولید ناشی از چه مسایلی است؟نقش قوه قضائیه در احقاق حق متولیان حوزه تولید چه بوده است ؟ آیا اصلاً قوه قضائیه در این بین نقشی بر عهده دارد ؟

اینها سوالاتی است که در حال حاضر ذهن هرتولید کننده،فعال اقتصادی و مدیر مرتبطی را به خود مشغول کرده است. به دوراز هرگونه مصلحت اندیشی ومحافظه کاری باید گفت که تولید در کشور در حال حاضر بامشکلات اساسی وبنیادی مواجه است.

علیرغم تمامی تلاش های بعمل آمده، نتایج مطلوبی در این حوزه در کشور مشاهده نمی‌شود. در تمامی بخشهای تولید ازجمله صنایع ،معادن،کشاورزی شاهد رکود جّدی هستیم وتاکنون شعارهای زیادی برای بهبود این اوضاع شنیده ایم که هیچ کدام مشکلی از بخش تولید در کشور را نه تنها حل نکرده، بلکه ضربه‌ای دیگر برپیکر خسته فعالان این بخش وارد کرده است.

آری، شعارها و سخنرانی‌های غیرعلمی که شنیدن آن برای قشر فرهنگی وتحصیل کرده وفعالان حوزه تولید در کشور یادآور وعده نوشدارویی خواهد بود که به یقین پس از مرگ سهراب به آنان خواهد رسید.

در اینجا بی مناسبت نیست در قالب سوالات زیر راهکارهایی رابرای حل این بحران پیشنهاد کرد:

آیا بهتر نیست برای قانونگذاری در حوزه تولید وبازنگری قوانین مرتبط ، از مشاورین باتجربه وتحصیل کرده در این حوزه استفاده کرده وپس از بررسی های کارشناسی در قالب طرح یا لایحه راهکارهای مناسب در قالب قوانین جدید یا تبصره و متمم به مجلس شورای اسلامی ارائه شود؟

آیا نمایندگان مجلس شورای اسلامی علی الخصوص نمایندگان فعال در کمیسیون‌های تخصّصی مرتبط با تولید، تخصص وتجربه کافی برای بررسی ابعاد تصمیم گیریهای حیاتی در بخش تولید را دارند؟

آیا بهتر نیست برای آسیب‌شناسی بومی تاثیر قوانین، قبل از تصویب در مجلس شورای اسلامی اقدام به نظر سنجی از فعالان اقتصادی وتولیدی کرد؟

آیا بهتر نیست نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیم نگاهی به نحوه قانونگذاری کشورهای مترّقی وتوسعه یافته انداخته واقدام به بررسی تطبیقی ومقایسه ای بین قوانین حاکم با نمونه های خارجی کنند؟

آیا بهتر نیست تصّدی پست وزرا در وزارتخانه های مرتبط با تولید ،باکمی درنگ وتامل انجام شود وروسای جمهوری سعی در شایسته سالاری در این مهم داشته باشند؟آیا نیاز به بازنگری اصل۱۳۳ قانون اساسی هنوز توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی احساس نشده است ؟

آیا می توان از یک تحصیلکرده ابتدایی در حوزه غیر مرتبط انتظار داشت با تصدی پست وزارتخانه مرتبط با حوزه تولید بهبودی در روند تولید ایجاد کند؟ یا ساده اندیشی وصرف تعهّد می تواند مشکلی را حل کند؟

آیا بهتر نیست یک کنکور بزرگ و ماراتون واقعی برای تصدی پست وزارت ودستگاه‌های اجرائی در حوزه های مرتبط باتولید از بین واجدین شرایط که هم تحصیلات دانشگاهی مرتبط وهم تجربه کافی در این بخش دارند، برگزار شود یا واقعا در کشور ما قحط الرجال است ؟

آیا بهتر نیست مطالعه عمیقی در تجربه وتحصیلات وزرای سابق و حال حاضر کشور دربخش کشاورزی،صنعت،معدن وتجارت صورت پذیرد؛ شایدکه تلنگری برای ریاست جمهوری باشد ؟آیا میزان تجربه وتحصیلات مرتبط ایشان با وزرای کشورهایی مثل ترکیه،پاکستان وهندوستان مقایسه شده است؟آیا تا به حال از خود پرسیده ایم دلیل برکناری بسیاری از وزرا چه بوده؟آیا صرفا دلیل برکناری ها ناتوانی و نبود تجربه کافی بوده است ؟

آیا بهتر نیست عزل ونصب معاونین وزرا ومدیران در دستگاههای اجرائی ذیربط بدوراز هرگونه تعصب وبازی‌های سیاسی وصرف شایسته سالاری صورت پذیرد؟

آیا بهتر نیست دولت های محترم کمی از تعصبات خویش کاسته وبه تاثیر رکود اقتصادی در معیشت مردم بیاندیشد؟

آیا ارائه تسهیلات تکلیفی ودولتی به متقاضیان واقعی در بنگاههای تولیدی پویا وفعال تعلق گرفته است ؟

آیا بهتر نیست کمی بیاندیشم که ارائه تسهیلات بی هدف وبدون برنامه نه تنها مشکلی از تولید کنندگان و تولیددر کشور حل نمی کند، بلکه موج گرانی وتوّرم ناشی از افزایش نقدینگی برای معیشت قشر کم درآمد در کشور مهلک هم است؟

آیا بهتر نیست به جای دخالت دولت در تولید کشور،ابزارهای بسیار قدرتمند وعلمی برای نظارت برروند امور در اختیار دولت قرار داد؟

آیا بهتر نیست در سال حماسه آفرینی اقتصادی، حرکتی جهادی در جهت رفع مشکلات تولید ملّی صورت پذیرد؟آیا نمی توان از نیروهای علمی و دانشگاهی در جهت شناسایی آسیب های بومی تولید استفاده کرد؟

آیا بهتر نیست قوانین مرتبط با سیاست های تشویقی تولیدکنندگان بازنگری شده و مزایا ویارانه های تولیدی به این مهم تخصیص یابد؟

آیا بهتر نیست موانع سرمایه‌گذاری خارجی را در کشور مرتفع سازیم؟آیا در کشور در حال حاضر ثروت مشروع تولید می شود؟

آیا بهتر نیست کمی از تعصبات دولتمردان در سیاست‌های خارجی را کاست و به ایشان پیامد محدودیت‌های بین المللی در حوزه تولید کشور را یادآوری کرد ؟ آیا فقرو تنگدستی ایتام ،کهنسالان و سرپرستان ناشی ازفقدان ثبات اقتصادی کشور برمدیران پر واضح نیست؟

آیا بهتر نیست دولتمردان ومدیران عزیز بپذیرند که غیراز قوه مقننه وقوه مجّریه کسی در حوزه تعیین واجرای قوانین در کشور مسئول نیست؟ آیا فرافکنی‌ها و مسئولیت ناپذیری مدیران و بهانه جویی های بی مورد ایشان مورد قبول مردم است ؟

آیا بهتر نیست در حال حاضر با تمام محدودیت های بین المللی بوجود آمده سعی در گشایش امور داشته باشیم و خودمان باعث تحریم های بیشتر نشویم ؟آیا بهتر نیست با سیاست حساسیت زدایی در کشور و ایجاد اتفاق بین مدیران سعی در مدیریت بحران داشته باشیم ؟

آیا بهتر نیست کمی به سیستم نظارت بر عملکرد دولت و مجلس بیاندیشیم ؟آیا جای خالی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در کشور حس نمی‌شود؟

آیا بهتر نیست به جای ادغام وزارت خانه های موجود، با شعار کوچک سازی دولت، به فکر بازدهی و راندمان فعالیت کارمندان وزارتخانه ها باشیم؟ وآیا بهتر نیست کمی به فکر ارباب رجوع وزارتخانه ها باشیم و ابزارهای کنترلی در اختیار حراست وزارتخانه ها قراردهیم؟

آیا بهتر نیست عملکرد دولت ،مجلس و قوه قضائیه (سه‌قوه) را بصورت ماهانه مورد نظر سنجی همگانی قراردهیم و انتقادات و پیشنهادات مردمی را موشکافانه و با دیدگاه کارشناسی بررسی کنیم ؟

آیا بهتر نیست قوه قضائیه تیم های کارشناسی برای بررسی جرایم تخصصی و علمی در دستگاههای دولتی و عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی تشکیل داده و با قاطعیت و مستقل با متخلفین برخورد کند ؟

آیا بهتر نیست قبل از بروز اختلاس های میلیاردی به فکر پیشگیری مدبرانه و علمی باشیم؟آیا بروز اینگونه تخلفات بزرگ در کشور نشان دهنده سوء مدیریت و فقدان سیستم نظارتی نیست ؟

آیا بهتر نیست قوای سه‌گانه در کشور به رونق تولید به عنوان تنها راه نجات از بحران بیاندیشند؟آیا بهتر نیست به جای بداندیشی و تخریب یکدیگر به فکر عواقب این کوته اندیشی‌ها باشند؟ وآیا غیر از قوای سه گانه کسی در کشور مسئول این همه بی ثباتی اقتصادی و رکود است؟

مهندس سید محسن حسینی
قائم مقام مجمع متخصصین ایران

پرداخت بدهی ۸ میلیارد دلاری پارس جنوبی به اروپا در امسال

دوره بازپرداخت بدهی ۸ میلیارد دلاری ایران به شرکت‌های اروپایی در قالب قراردادهای بیع متقابل توسعه پارس جنوبی تا پایان امسال به اتمام می‌رسد.

به گزارش فارس، با طرح پیشنهاد قراردادهای شبه مشارکت در تولید به پیمانکاران داخلی و خارجی در میادین مشترک ایران برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیم نگاهی به وضع مالی بعضی قراردادهای مهم بیع متقابل که عملا نسل قبلی قراردادهای نفتی ایران محسوب می‌شوند، بی مناسبت نیست.

یکی از این قراردادهای مهم، توسعه فازهای اولیه پارس جنوبی در قالب قراردادهای بیع متقابل بوسیله پیمانکاران خارجی و عمدتا اروپایی بوده است.

ایران در قالب قراردادهای بیع متقابل برای توسعه میدان عظیم و مشترک پارس جنوبی به شرکت‌ها و پیمانکاران خارجی بدهی داشته است واین بدهی ازطریق برداشت و تحویل میعانات گازی با ارزش این میدان به پیمانکاران پرداخت می‌شود.

بر این اساس قراردادهای بیع متقابل برای توسعه فازهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ پارس جنوبی و به طرفیت شرکت‌های مهم نفتی اروپایی به کار گرفته شده است.

برای توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی شرکت‌های توتال فرانسه، گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی به رهبری شرکت توتال سرمایه‌گذاری کردند که رقم سرمایه‌گذاری آنها به همراه بازپرداخت و هزینه‌های بانکی به ۴ میلیارد دلار بالغ می‌شود. بازپرداخت بدهی نفتی ایران به این ۳ شرکت بر اساس قرارداد بیع متقابل سال گذشته به پایان رسید.

در فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی، بخش بزرگتر سرمایه‌گذاری به وسیله شرکت انی ایتالیا انجام شده است. در عین حال پتروپارس و نیکو هر یک ۲۰ درصد در این دو فاز سرمایه‌گذاری کرده‌اند که سهم ۲۰ درصدی پتروپارس به نیکو منتقل شده است.

در این دو فاز شرکت استات اویل نروژ هم به عنوان پیمانکار ثانوی حضور داشته است، اما طرف بازپرداخت شرکت‌های انی و نیکو هستند. رقم بازپرداخت سرمایه‌گذاری در این دو فاز قریب به ۴ میلیارد دلار برآورد می‌شود که تا پایان امسال بازپرداخت یا به عبارت دقیق‌تر بدهی ایران برای توسعه این دو فازپایان می‌رسد.

مبلغ کل بازپرداخت هر یک از دو فاز ۲ و ۳ و ۴ و ۵ به همراه سود و هزینه‌های بانکی و هزینه سرمایه‌گذاری ۴ میلیارد دلار بوده است که در مجموع ایران به این شرکت‌ها ۸ میلیارد دلار بابت توسعه این فازها بدهی داشته است وتا پایان امسال با به اتمام رسیدن زمان قرارداد بیع متقابل، ایران بازپرداختی به شرکت‌های نفتی در پارس جنوبی نخواهد داشت.

البته لازم به ذکر است که فازهای ۶ و ۷ و ۸ پارس جنوبی به وسیله نیکو(شرکت تامین مالی وابسته به شرکت ملی نفت) و در قالب بیع متقابل تأمین مالی شده است که بازپرداخت این سرمایه‌گذاری هنوز ادامه دارد.

بر اساس این گزارش ،در حال حاضر فازهای یک، ۲ و ۳ ، ۴ و ۵ ، ۶ و ۷و ۸ و ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در حال تولید هستند که فازهای اولیه این میدان مشترک در طرف ایرانی بوسیله شرکت‌های اروپایی و در قالب بیع متقابل به تولید رسیده است.

با این وجود به نظر می‌رسد نه کارشناسان ایرانی و نه شرکت‌های خارجی قراردادهای بیع متقابل را یک قرارداد برد-برد نمی‌دانند.

چنانکه شرکت‌های اروپایی پس از اجرای فازهای پارس جنوبی حاضر به سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت نفت ایران در قالب بیع متقابل نشدند و ادامه حضور خود را به تلویح و تصریح منوط به تغییر ترم‌های قرادادی دانستند و از سوی دیگر کارشناسان نفتی ایران هم این قراردادها را برای تولید صیانتی از مخازن بسیار نامطلوب ارزیابی می‌کنند.

متوسط قیمت به درآمد۳۵ صنعت بورسی

میانگین نسبت قیمت به درآمد (P/E) شرکت‌های بورسی که متغیر مهمی برای تصمیم‌گیری فعالان بازار سرمایه بوده و نشان دهنده بود و نبود حباب در بورس تهران است اعلام شد.

به گزارش ایسنا آخرین وضع نسبت قیمت به درآمد (P/E) شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد که این متغیر مهم بورسی در حال حاضر ۵،۶ مرتبه بوده و این میزان وجود هرگونه حبابی در کلیت بازار را رد می کند. به این ترتیب نسبت قیمت به درآمد شرکت‌های بورسی در پایان اردیبهشت نشان می دهد که اگرچه نسبت P/Eدر برخی شرکت‌های بورسی بسیار بیشتر از حد معمول بوده و احتمال وجود حباب را تایید می‌کند اما نسبت این عدد نشان می‌دهد که به طور میانگین P/E شرکت‌های بورسی معقول است.به این ترتیب در بین ۳۵ صنعت حاضر در بورس اوراق بهادار تهران، هشت صنعت متوسط قیمت به درآمدی کمتر از پنج مرتبه داشته و نسبت قیمت به درآمد چهار صنعت بیش از ۱۰ مرتبه است.در این میان از بین صنایع بورسی صنعت منسوجات میانگین P/E معادل ۳،۷ مرتبه دارد که پایین‌ترین میزان P/Eدر میان ۳۵ صنعت بورسی است اما در مقابل صنعت ساخت رادیو و تلویزیون بالاترین میزان P/Eرا در اختیار داشته و با۵۳۶ مرتبه در رتبه اول قرار دارد.

پس از صنعت منسوجات، بانک ها با ۴،۱۴ مرتبه، مخابرات با ۴،۱۹ مرتبه، سایر واسطه‌گری‌های مالی با ۴،۴۰ مرتبه، شرکت‌های چند رشته ای صنعتی با ۴،۴۱ مرتبه،کاشی و سرامیک با ۴،۶۱ مرتبه،استخراج نفت و گاز با ۴،۶۹ مرتبه،انبوه سازی املاک با ۴،۷۳ مرتبه کمترین نسبت های P/Eرا میان سایر صنایع بورسی دارا هستند. در عین حال، علاوه بر صنعت ساخت رادیو و تلویزیون و دباغی، محصولات چوبی با ۱۳،۱۰ مرتبه،حمل و نقل با ۱۱،۹ مرتبه،قند و شکر با ۹،۹ مرتبه و ساخت محصولات فلزی با ۸،۱ مرتبه دارای بیشترین نسبت P/Eدرمیان صنایع بورسی هستند.

از سوی دیگر با نزدیک شدن به فصل مجامع شرکت‌ها روند رفت و آمد نمادها به بورس تهران شدت گرفته است به طوری که در حال حاضر نمادهای ۷۱ شرکت غیر قابل معامله شده و نمادهای مطرحی مورد توقف نهاد ناظر بازار قرار گرفته است.

به این ترتیب علاوه بر توقف نمادهای پتروشیمی، سیمانی و دارویی در بورس تهران نماد لیدر بازار یعنی پالایشگاه بندرعباس از ۲۹ اردیبهشت تاکنون متوقف است و علی رغم شفاف سازی مدیر عامل شرکت در باره تعدیل ۵۰ درصدی سود سال ۹۱، هنوز اقدامی برای بازگشایی نماد آن از سوی سازمان بورس انجام نشده است.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٤٤١٠٧/٤	٤٤١٨٢/٢	٤٤٠١٣/٩	١٩٦/٧	٠/٤٥
شاخص۳۰شرکت بزرگ	٢١٥٩/٨	٢١٦٩	٢١٥٩/٨	(٥/٣)	(٠/٢٤)
شاخص آزادشناور	٥٠٣٩٣	٥٠٥٣٦/٨	٥٠٣٩٣	٦٢	٠/١٢
شاخص بازاراول	٣٣٤٥٣/٤	٣٣٥٦٧/٥	٣٣٤٥٣/٤	(٤٧/٢)	(٠/١٤)
شاخص بازاردوم	٨١٦٩٣/٥	٨١٦٩٩	٨٠٦٤٠/٢	١٣٥٠/١	١/٦٨
شاخص صنعت	٣٨٤٢٥/٤	٣٨٥٠٥/٧	٣٨٤١٧/٨	١٨٣/٥	٠/٤٨

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (دوشنبه ۹۲/۳/۶)

مجموع حجم معاملات	٣٢١/٣١٤/٥٢٢ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	١/٢٥١/٥٢٤ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	٣٥٤٨٧ معامله
ارزش بازار	٢/١٢٨/٠٢٨ میلیارد ریال

عرضه محصول در تالارهای بورس کالا

بیش از ۸۴ هزار تن انواع کالا در تالارهای داخلی و صادراتی بورس کالای ایران عرضه شد.

در تالار محصولات صنعتی و معدنی،۳۰ هزار تن تختال Cشرکت فولاد هرمزگان جنوب با قیمت پایه ۱۴ هزار و ۳۲۰ ریال و به صورت سلف عرضه شد. همچنین، این تالار شاهد عرضه، ۲۰۰ تن مس مفتول گروه صنایع کابل سازی افق البرز، ۸۰ تن مس مفتول صنایع مس کاوه، ۱۰۰ تن شمش هزارپوندی ۹۹،۷ شرکت ایرالکو، ۱۰۰ تن شمش روی ۹۹،۹۹ شرکت شمش و روی میهن و ۱۰ کیلوگرم انواع شمش طلای معدن موته بود.

در تالار صادراتی هم یک‌هزار تن قیر ۶۰۷۰ شرکت توسعه کروس انرژی با قیمت پایه ۵۴۹ دلار در هر تن روی تابلوی عرضه رفت. شرکت قیران پخش ستاره ایرانیان ۵۰۰ تن قیر ۴۰۵۰ و ۵۰۰ تن قیر ۸۵۲۵ را با قیمت پایه ۵۹۵ دلار در هر تن برای هر دو محصول راهی تالار معاملات کرد. شرکت بام گام عایق ارومیه از دیگر شرکت‌هایی بود که یک‌هزار تن قیر ۶۰۷۰ را برای صادرات به بازارهای جهانی عرضه کرد.در این میان تالار فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، شاهد عرضه بیش از ۴۵ هزار تن انواع پلی اتیلن، پلی استایرن، پلی پروپیلن، قیر، پلی بوتادین رابر و گوگرد گرانوله بود

در تالار محصولات کشاورزی هم۱۶۰۰ تن گندم دورم ایلام و ۱۸۰۰ تن گندم دورم فارس با قیمت پایه ۸۵۰۰ ریال برای هر دو محصول عرضه شد و۲۰۰ تن شکر سفید برزیل با قیمت ۱۳ هزار و ۱۰۰ ریال روی تابلوی عرضه رفت.

پیشنهاد تازه به سهامداران بورس در فصل مجامع




رئیس سازمان بورس و اوراق بهادارتقسیم سود کمتر و یا تبدیل سود به افزایش سرمایه را به مجامع شرکت‌های بورسی پیشنهاد کرد و گفت: در صورت تصویب مجلس بر اساس لایحه بودجه ۹۲، اسناد خزانه اسلامی در بازار سرمایه منتشر می‌شود.

علی صالح آبادی در گفتگو با مهر با اشاره به اینکه سال ۹۱ برای افزایش سرمایه شرکتها از طریق انتشار اوراق مشارکت، اوراق اجاره و اولین اوراق مرابحه مجوز صادر کردیم، گفت: ۱۲ هزار و ۶۵۰ میلیارد تومان از این طریق در بازار سرمایه تامین مالی شد.

رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار با اعلام اینکه در سال جاری هم انتشار اوراق و تامین مالی از طریق بازار سرمایه را ادامه خواهیم داد، تصریح کرد: بر اساس برنامه ریزی ها، میزان انتشار اوراق مشارکت و تامین مالی در سال جاری از سال ۹۱ بیشتر انجام خواهد شد.

وی با اشاره به نزدیک شدن به فصل مجامع شرکتها، خطاب به سهامداران پیشنهاد کرد: اگر تقسیم سود کمتر باشد بهتر است و یا اگر تقسیم سود انجام می دهند، این سود را بعدا به افزایش سرمایه تبدیل کنند تا به سرمایه گذاری ماندگار در شرکت ها تبدیل و منجر به توسعه بنگاه ها شود که البته این کار هم نوعی تامین مالی از طرق بازار سرمایه است.عضو شورای عالی بورس اضافه کرد: سهامداران بیشتر علاقمند هستند در زمان افزایش سرمایه به جای دریافت پول، سهم دریافت کنند تا بتوانند سهام را در بازار بفروشند.

صالح آبادی در مورد اسناد خزانه اسلامی گفت: اسناد خزانه اسلامی ابزاری است که در لایحه بودجه ۹۲ به مجلس ارائه شده و در صورتی که در مجلس به تصویب برسد، سازمان بورس آمادگی دارد انتشار آن را دارد.

وی افزود: کمیته فقهی بورس ابزار انتشار اسناد خزانه اسلامی را تدوین کرده است و می توان این اوراق را در بورس و فرابورس منتشر کرد، منتهی منوط به تصویب مجلس است.

رییس سازمان بورس همچنین به تعامل بانک‌ها و بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: بازار سرمایه با بانک‌ها رابطه خوبی داشته و با بانک مرکزی مشکلی ندارد فقط چند بخشنامه متعلق به بانک مرکزی است که باید اصلاح شود و سازمان بورس برای اصلاح این بخشنامه‌ها در تعامل با بانک مرکزی است.علی صالح آبادی در گفتگو با ایسنا در باره رقابت بازار پول و سرمایه و ترجیح سرمایه‌گذاران به تامین مالی از طریق بازار پول گفت: در حال حاضر بانک‌ها و بازار سرمایه تعامل خوبی با یکدیگر دارند به طوری که اکثر بانک‌های کشور در بورس یا فرابورس حضور داشته و سهام آنها در بازار سرمایه در حال معامله است.

وی ادامه داد:به این ترتیب بازار سرمایه با بانک‌ها رابطه خوبی داشته و با بانک مرکزی مشکل خاصی نداریم. فقط چند بخشنامه متعلق به بانک مرکزی است که باید اصلاح شود و ما هم با این نهاد برای اصلاح این بخشنامه‌ها تعامل داریم.

وی توضیح داد:یکی از این بخشنامه‌ها که با هدف تعامل بیشتر بانک‌ها و بازار سرمایه تصویب شده است ضمانت اوراق بهادار است به طوری که براساس این بخشنامه هر گونه اوراقی برای انتشار در بازار سرمایه باید از بانک مرکزی مجوز بگیرد.

به گفته رییس سازمان بورس بهتر است به جای این که برای هر موردی مجوز جداگانه با توجه به بوروکراسی زیاد و زمانبر اخذ شود، بانک مرکزی مصوبه‌ای را صادر کند که براساس آن هر بانکی قصد انتشار اوراق مشارکت دارد باید شرایط مشخصی را احراز کند.

صالح آبادی در باره اختلاف دو نهاد بازار پول و بازار سرمایه در زمینه افزایش سرمایه‌ها گفت: افزایش سرمایه‌ها معمولاً در کمترین زمان ممکن و حداکثر ظرف یک ماه در بورس انجام می‌شود.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح . کشت‌وصنعت‌پیاذر	۱,۸۲۶	۱۳۵	کربن ایران	۴,۷۰۲	۱۸۰	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۱,۷۸۶	۱۱۶
ح . عمران‌وتوسعه‌فارس	۳۹۰	۲۸	کاشی سعدی	۳,۰۰۵	۱۱۵	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳,۳۸۰	۳۰
تراکتورسازی‌ایران	۱,۹۲۴	۷۴	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۷۲۵	۶۶	پتروشیمی‌شیراز	۸,۱۸۴	۷۱
سیمان‌اصفهان	۱۴,۷۴۲	۵۶۷	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۷۹۱	۱۴۵	فولاد مبارکه اصفهان	۴,۳۵۹	۳۷
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹,۴۶۵	۳۶۴	مس شهیدباهنر	۱,۸۰۶	۶۹	سایپا	۹۲۲	۷
دارویی رازک	۱۷,۷۰۸	۶۸۱	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۲,۳۸۴	۹۱	صنعتی رنگین	۱,۵۵۰	۱۱
سیمان‌ارومیه	۶,۲۹۳	۲۴۲	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۴,۱۶۷	۱۵۹	ایران خودرو	۹۵۶	۶
گلوکوزان	۲۴,۲۹۰	۹۳۴	پلی‌اکریل	۸۱۳	۳۱	بانک انصار	۲,۳۱۰	۱۰
شهد	۱۶,۶۱۸	۶۳۹	شیشه و گاز	۲,۶۷۵	۱۰۲	ایران ترانسفو	۲,۱۰۰	۹
سیمان‌هگمتان	۴,۲۹۱	۱۶۵	سیمان فارس و خوزستان	۲,۰۷۲	۷۹	پارس مینو	۳,۱۹۱	۱۲
سیمان کردستان	۱۳,۳۶۸	۵۱۴	داروسازی سینا	۱۰,۹۳۸	۴۱۷	بانک ملت	۱,۳۲۷	۳
سیمان تهران	۴,۵۷۸	۱۷۶	پلاسکوکار	۱,۴۶۹	۵۶	افست	۳,۶۱۱	۶
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۳,۰۴۸	۸۸۶	لامیران	۲,۳۸۹	۹۱	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۴۶۸	۳
پست بانک ایران	۵,۲۰۳	۲۰۰	کاشی پارس	۱,۷۱۰	۶۵	قطعات اتومبیل ایران	۱,۰۳۰	۱
پشم‌شیشه‌ایران	۳,۴۸۶	۱۳۴	داروسازی کوثر	۱,۹۴۸	۷۴	سرما آفرین	۱,۷۱۳	۱
سیمان خزر	۲,۸۳۶	۱۰۹	ایرکا پارت صنعت	۱,۷۶۶	۶۷	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶,۲۴۰	۳
پارس دارو	۱۵,۱۴۴	۵۸۲	سخت آژند	۱,۴۲۴	۵۴	زامیاد	۶۰۶	۰
پارس‌سویچ	۲,۴۴۶	۹۴	بانک صادرات ایران	۱,۰۵۵	۴۰	گسترش نفت و گاز پارسیان	۸,۶۳۰	۰
صنایع آذرآب	۴,۱۱۲	۱۵۸	سیمان شرق	۱,۶۳۶	۶۲	پالایش نفت اصفهان	۲۶,۴۵۶	۰
سیمان دورود	۸,۴۰۶	۳۲۳	عمران‌وتوسعه‌فارس	۱,۲۶۷	۴۸	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۵,۰۵۰	(۳)
شهد ایران	۲,۸۳۷	۱۰۹	لیزینگ رایان سایپا	۱,۱۱۳	۴۲	پتروشیمی خارک	۲۶,۸۹۳	(۲۶)
لعابیران	۶,۸۹۸	۲۶۵	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۲۲۰	۴۶	ملی صنایع مس ایران	۵,۶۲۳	(۱۰)
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۶,۰۹۰	۶۱۸	کارخانجات قند قزوین	۷,۸۳۰	۲۹۳	سیمان بهبهان	۳۵,۰۰۰	(۱۳۴)
سازه پویش	۶,۸۲۴	۲۶۲	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۷,۸۳۹	۶۶۶	کالسیمین	۵,۱۰۵	(۳۱)
سیمان‌خاش	۴,۹۲۳	۱۸۹	قنداصفهان	۳۹,۹۸۲	۱,۴۹۱	فولاد خوزستان	۲۶,۵۰۰	(۲۰۹)
پتروشیمی آبادان	۱۱,۴۰۹	۴۳۸	کابل البرز	۱,۶۰۱	۵۹	تایدواترخاورمیانه	۳,۸۵۰	(۳۲)
نفت پارس	۱۰,۶۵۴	۴۰۹	تولیدتجهیزات‌سنگین‌هپکو	۸۷۵	۳۲	بانک سینا	۱,۲۹۰	(۱۱)
لامپ پارس شهاب	۴,۴۲۹	۱۷۰	سرمایه گذاری پردیس	۱,۳۵۱	۴۶	ماشین سازی اراک	۲,۷۵۶	(۲۵)
صنعتی آما	۷,۸۶۹	۳۰۲	آبسال	۱,۸۳۹	۵۸	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۳۰۱	(۱۲)
سیمان کرمان	۶,۲۵۵	۲۴۰	بهنوش ایران	۶,۴۳۹	۲۰۳	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۵,۵۵۲	(۵۳)
کارخانجات‌داروپخش	۹,۱۷۴	۳۵۲	سیمان شمال	۲,۷۷۹	۸۵	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۴۱۱	(۱۴)
بیمه دانا	۷,۸۱۹	۳۰۰	پارس پامچال	۱۰,۲۴۹	۳۰۶	معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۸۱۰	(۱۰۴)
فولاد امیرکبیرکاشان	۴,۷۱۸	۱۸۱	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۲۴۰	۳۵	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۸۳۰	(۴۴)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۴,۲۴۹	۱۶۳	قندنقش‌جهان	۹,۹۸۰	۲۷۹	بانک‌اقتصادنوین	۲,۳۹۸	(۲۸)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۳,۹۸۹	۱۵۳	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۵,۳۷۱	۱۴۳	قند نیشابور	۵,۶۵۰	(۶۸)
البرزدارو	۶,۰۲۳	۲۳۱	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۴۳۸	۳۶	حفاری شمال	۳,۹۲۹	(۵۴)
تهران شیمی	۵,۹۱۹	۲۲۷	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۷۳۴	۱۷	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۳,۹۹۹	(۶۲)
موتوژن	۵,۰۳۳	۱۹۳	قند لرستان	۳۷,۱۰۰	۸۵۹	لیزینگ‌خودروغدیر	۶۱۰	(۱۲)
سیمان‌غرب	۶,۵۹۸	۲۵۳	قند شیرین خراسان	۵,۴۵۰	۱۱۲	مخابرات ایران	۱,۹۴۰	(۴۱)
تولیدی‌مهرام	۵,۱۳۸	۱۹۷	قند مرودشت	۱۹,۸۳۰	۳۸۰	مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۳,۱۴۰	(۶۸)
سیمان ایلام	۴,۶۴۳	۱۷۸	باما	۸,۹۰۰	۱۵۷	بانک‌پارسیان	۱,۸۹۰	(۴۷)
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۱۰۴	۱۱۹	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۶,۶۲۰	۴۵۲	ایران خودرودیزل	۵۵۵	(۱۴)
فولادکاویان	۲,۱۱۳	۸۱	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۴۲۰	۲۳	دوده صنعتی پارس	۱۱,۰۰۸	(۲۹۹)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۴,۹۰۵	۱۸۸	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۱۵۰	۱۸	داروسازی اسوه	۱۳,۸۰۰	(۳۷۹)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۲۹۶	۸۸	توسعه معادن روی ایران	۲,۲۶۵	۳۴	داده‌پردازی‌ایران	۳,۰۲۰	(۸۵)
گروه دارویی سبحان	۳,۶۰۱	۱۳۸	ایران تایر	۴,۰۸۵	۵۹	گروه‌بهمن	۱,۴۷۰	(۴۶)
سیمان بجنورد	۲,۸۷۱	۱۱۰	تکنوتار	۳,۱۷۰	۴۵	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۴۸۳	(۵۳)
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۸۱۹	۱۰۸	بانک پاسارگاد	۱,۵۸۶	۲۲	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۹۸۴	(۳۷)
لبنیات‌کالبر	۴,۲۲۹	۱۶۲	سرمایه‌گذاری‌ملت	۴۳۸	۶	حمل‌ونقل‌توکا	۴,۳۳۰	(۱۷۵)
ایران‌دارو	۴,۵۶۹	۱۷۵	سرمایه‌گذاری سایپا	۸۷۸	۱۲	معادن بافق	۱۴,۰۶۱	(۵۷۰)
سیمان‌سپاهان	۱,۸۲۸	۷۰	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۹,۴۷۷	۳۶۴	کمباین سازی ایران	۸۲۱	(۳۴)
سیمان داراب	۴,۵۱۹	۱۷۳	تجارت الکترونیک پارسیان	۶,۴۹۰	۷۳	فیبر ایران	۳,۴۷۷	(۱۴۴)
جام‌دارو	۴,۴۹۳	۱۷۲	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۲۰۹	۲۳	خدمات‌انفورماتیک	۱۴,۴۳۸	(۶۰۱)

نیازمندیهای اطلاعات

نیازمندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۲۲۲۵۳۳۳-۰۲۱

شماره فاکس نیازمندیها ۲۲۲۲۴۸۸۶_۲۲۲۲۴۹۶۳

آگهی فقدان
آقای یوسف اعلائی فرزند محمد دارای شناسنامه به شماره ۶۷۵ صادره از مرند متولد ۱۳۵۰ اظهار می‌دارد که پروانه دائم به شماره ۸/۵۸۰۴/س ایشان مفقود گردیده است. لذا به موجب این آگهی پروانه مذکور ابطال می‌گردد. از یابنده خواهشمند است مدرک فوق را به دفتر نظارت بر امور درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تسلیم نمایند.
دانشگاه علوم پزشکی تبریز
مرند

کارت، سندکمپانی و شناسنامه مالکیت خودرو مزدا ۳ مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۱۲۲هـ۴۶ ایران ۲۲ و شماره موتور LF۱۰۵۹۷۲۱۵ و شماره شاسی NAGBSX۷CC۱۱C۰۴۲۶۰ به نام بابک ترکاشوند دهنو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندخودروسواری پژوROAمدل ۸۵ به‌رنگ نقره‌آبی به‌شماره پلاک ۸۴-۵۳۹ج۱۳ به‌شماره موتور ۱۱۶۸۵۰۱۵۱۹۸ بنام فریده عالی‌پور مفقودگردیده و از درجه اعتبار ساقط‌می‌باشد لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد به‌شرکت ایران‌خودرو مراجعه‌نماید.

کلیه‌مدارک بنچاق اسنادکارت سندکمپانی شناسنامه‌وبرگ فروش پراید سواری هاچ‌بک مدل ۱۳۷۷ برنگ‌سفید بشماره انتظامی ۶۱۵ط۳۹ -تهران ۱۱ شماره‌موتور ۰۰۰۰۵۹۳۵۶ شماره‌شاسی S۱۴۴۲۲۷۷۱۴۲۰۶۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان (نوبت اول)
پروانه‌بهره‌برداری‌مرکز درمان مصرف‌موادد‌کترحبیبی مورخ ۸۹/۱۱/۲۰ به‌شماره: ۸/۲۱۵۰۹/۵۱۳۱/س با استنادرأی مورخ ۸۶/۷/۷ واقع درگچساران مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

سندکمپانی سواری پراید مدل ۸۵ به‌شماره پلاک ۱۵-۴۱۴ق۶۹ وشماره‌موتور ۱۵۱۴۰۴۳ و شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۲۰۳۸۴۸ مفقودگردیده از درجه اعتبار ساقط‌می‌باشد.
ارومیه- امیرعلی احمدپور

شناسنامه‌مالکیت‌خودرو (برگ سبز) پرایدجی‌تی‌ایکس‌آی‌مدل ۱۳۸۷ رنگ نقره‌ای‌متالیک‌شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۵۴۵۹۵ شماره‌موتور ۲۶۳۲۰۹۴ شماره شهربانی ۴۴۶ و ۶۳ ایران ۱۹ بنام آقای‌عزیز کهراریان مفقودگردیده‌از درجه‌اعتبار ساقط‌می‌باشد.

کارت‌گارانتی‌به‌همراه‌سند کمپانی‌سواری‌پژوپارس مدل ۱۳۹۱ به‌شماره انتظامی ۷۴۱س۴۹ ایران ۷۹ باشماره موتور ۱۲۴۹۰۲۳۵۱۹۳ وشماره‌شاسی NAAN۲۱CA۶BK۱۳۳۸۴۶ مفقودگردیده‌و از درجه‌اعتبار ساقط‌می‌باشد.

سندکمپانی‌وفاکتور فروش‌وسیله نقلیه‌خودروسواری رنولوگان L۹۰ مدل ۱۳۸۸ رنگ‌سفیدروغنی شماره‌پلاک ۵۵-۳۶۶م۶۲ شماره موتور K۴MA۶۹۰W۰۲۵۲۳۹ شماره‌شاسی NAPLSRALD۹۱۰۵۵۸۵۰ به‌نام زهرا کسائی‌زاده‌فرزند رضامفقود گردیده‌و فاقد‌اعتبار است.

بناب
کلیه‌اسنادومدارک (سندکارخانه، تسلسل اسنادوبرگ‌سبز) کامیون‌باری‌چوبی‌بنزمدل ۸۱ به شماره‌های‌پلاک ۱۵*۶۱۴ع۸۷ و موتور ۳۳۴۹۱۰۱۰۱۵۷۷۲۹ و شاسی ۳۷۴۰۵۱۱۶۴۲۶۶۶۸ بنام‌غلامرضا گوزلی‌اصل مفقود و فاقد‌اعتبار است.

سند اراضی به‌شماره ۲۸۱۰۱ به‌تاریخ ۱۳۵۳/۷/۲۳ واقع‌در روستای‌چگا از توابع‌بخش چوار به‌نام‌عبداله‌مظفری مفقودگردیده‌از درجه اعتبار ساقط‌است.

سند اراضی به‌شماره ۲۵۴۷۴ واقع‌در روستای چنان از توابع بخش‌چوار بنام‌قاسم‌روشنی‌فرزند الکه‌مفقودگردیده از درجه اعتبار ساقط‌است.

سندکمپانی‌وشناسنامه (برگ‌سبز) خودروسواری‌پرایدجی‌ال‌ایکس‌مدل ۸۹ رنگ‌سفیدروغنی به‌شماره‌پلاک ۵۸-۷۴۶س۲۱ وشماره‌موتور ۳۷۸۳۹۲۱ وشماره‌شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۶۷۳۱۴۹ متعلق‌به‌آقای‌اسماعیل‌قاسمی‌فرزند غلامرضابه‌شماره‌شناسنامه ۲۶ صادره از اهرم‌مفقودگردیده‌و از درجه‌اعتبار ساقط‌می‌باشد.

آگهی‌مفقودی
کارت‌هوشمندناوگان‌حمل‌و نقل‌کامیون‌اسکانیا ۱۱۲ به رنگ‌نارنجی‌به‌شماره‌هوشمند ۲۲۲۲۶۷۶ متعلق‌به‌علی‌مرادی زاده‌دهشیری‌مفقود‌و از درجه اعتبار ساقط‌می‌باشد. «یزد»

دانشنامه‌کاردانی پرستاری اینجانب بهرام امامی‌فرزند جلال به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از اصفهان و شماره دانشنامه ۲۱۷۸ مورخ ۷۱/۸/۲۸ صادره از دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه اصفهان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه‌پژوآردی‌مدل ۸۵ به شماره‌شهربانی ۱۴۵ب۶۵ ایران ۲۹ بنام‌علی‌عباس‌یاری‌مفقود و از درجه اعتبار ساقط‌می‌باشد.

برگ‌سبزوسنداتومبیل‌سواری‌پژو ۲۰۶ سفیدروغنی‌مدل ۱۳۹۱ شماره موتور ۱۴۱۹۰۰۸۷۸۶۲ شماره‌شاسی NAAP۰۳ED۰CJ۵۶۷۵۸۶ شماره نیروی‌انتظامی‌ایران ۴۳-۱۹۵ن۲۷ بنام محمدرضاپیرحاجی‌فرزندلطف‌اله‌مفقود گردیده‌واز درجه‌اعتبار ساقط‌می‌باشد.
خمینی‌شهر

سندکارخانه‌وانت‌پیکان‌مدل ۸۶ شماره‌شاسی ۳۱۶۴۵۰۰۷ موتور ۱۱۴۸۶۰۵۰۹۸۱ پلاک ۳۷۳ ص۲۷ ایران ۶۵ مالکیت‌مهراب‌آفتابی‌مفقود و فاقد‌اعتبار است.

سندکارخانه‌سواری‌سپندPKمدل ۸۲ شاسی W۲۰۱۰۱۴۴ موتور M۱۱۱۱۰۰۲۹ پلاک ۹۳۴ هـ۳۲ ایران ۷۸ مالکیت‌سیده‌زیبافرمانبرمفقود‌و فاقد‌اعتبار است.

برگ‌سبزسواری‌پیکان‌مدل ۱۳۷۶ به‌رنگ‌سفیدبه‌شماره شهربانی ۴۳۸س۱۷ ایران ۴۳ موتور ۱۱۱۲۷۶۱۲۷۲۴ شاسی ۰۰۷۶۴۱۵۲۳۴ مفقود وفاقد‌اعتبار است.

سندکمپانی موتورسیکلت‌مهران مدل ۱۳۸۲ رنگ مشکی‌به‌شماره‌موتور ۳۰۲۶۷۱۱۳ وشماره تنه ۸۲۰۰۵۸۰ به‌نام عزیزالهشرافت‌نژاد مفقود و فاقد اعتبار است.

مجوزحمل‌ودفترچه‌مهمات‌مربوط به‌اسلحه‌شکار متفوفی‌ولی الیاسی‌سرزلی‌فرزندعبدالکریم مفقوداز این‌تاریخ‌به‌بعد‌فاقد اعتبار‌می‌باشد. از یابنده‌تقاضا می‌شود درصورت پیداکردن آن را به‌نزدیک‌ترین‌دایره‌سلاح‌و مهمات‌ارتش‌تحویل‌نماید.

سندکمپانی‌سواری‌پیکان ۱۶۰۰ سفیدمعمولی‌مدل ۸۰ شماره پلاک ۶۹-۱۱۷ق۱۲ شماره‌موتور ۹۱۱۲۷۹۰۶۰۱۵ شماره‌شاسی ۷۹۵۱۳۱۴۸ به‌نام‌حسین ریاحی‌فرزندشفیع ش‌ش ۸ کردکوی‌مفقود‌و از درجه‌اعتبار ساقط‌است. یابنده‌به‌کمپانی‌فوق تحویل‌دهد.

کارت‌هوشمندراننده‌شماره ۱۹۵۵۰۷۵ وشماره‌پرونده ۹۷۲۱۲۲۹۲۵ صادره‌ازحمل‌و نقل‌وپایانه‌های‌استان‌گلستان به‌نام‌مصطفی‌مومن‌یساقی فرزنداصغرش‌ش ۲ متولد ۱۳۶۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط‌است.

مفقودی
گواهی‌موقت‌فوق‌دیپلم‌اینجانب مناجانکی‌پورفرزندمهدی‌به‌ش ش ۸۶۶ صادره‌ازشیراز در رشته گرافیک‌صادره‌ازواحددانشگاه آزادآبادان‌مفقود و از درجه اعتبارساقط‌می‌باشد.
آبادان

برگ‌سبزپاترول‌استیشن ۴درمدل ۱۳۶۸ رنگ نقره‌ای‌متالیک‌به‌شماره پلاک ۷۶۳س۹۱ ایران ۱۱ به ش‌شاسی ۷۰۳۷۱۵ ش‌موتور ۶۰۱۱۳۲ به‌مالکیت‌علی‌اصغر رضایی‌مفقود و از درجه اعتبار ساقط‌است.

کارت‌دانشجویی‌اینجانب مطهره‌کیانی‌قلعه‌نوبه‌شماره دانشجویی ۹۰۰۳۸۹۹۷۱ رشته حقوق‌ازدانشگاه‌پیام‌نورمفقود واز درجه‌اعتبار ساقط‌می‌باشد.
زاهدان

سندکمپانی‌سواری سوزوکی «گرندویتارا» مدل ۸۷ به‌شماره‌های پلاک: ۵۹-۸۸۷ج۵۴ موتور: J۲OA-۴۶۶۴۲۴ شاسی: NAAS۱۹KE۴۸KOOO۳۶۷ مفقودگردیده‌وفاقد اعتبار می‌باشد. «آمل»

سندکمپانی‌ماشین‌کامیون کمپرسی‌سیستم‌بنزمدل ۱۳۵۰ به‌شماره انتظامی ۵۸۳ع۴۲ ایران ۴۷ وبه‌شماره موتور ۳۵۵۹۶۲۱۰۰۰۲۹۲۲ وشماره‌شاسی ۳۴۹۳۲۱۱۰۷۱۶۷۴۹ مفقود گردیده‌واز درجه‌اعتبار ساقط است. (ابهر)

برگ‌سبز(شناسنامه) خودروپرایدGTXIمدل ۱۳۸۶ به‌شماره انتظامی ۳۱۹ و۳۱ ایران ۶۳ وبه‌شماره‌موتور ۱۹۶۴۵۱۱ به‌شماره‌شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۳۳۵۹۴۴ به‌نام الهام‌فخرپورمفقودگردیده‌واز درجه‌اعتبار ساقط‌است.

گواهی‌موقت‌کارشناسی‌مترجمی‌زبان‌انگلیسی دانشگاه‌آزاداسلامی‌واحدتهران‌مرکزی‌شماره ۵۴۴۰۶۳ تاریخ ۸۹/۵/۱۷ به‌نام‌سیده‌زهرا دزفولی‌ش.ش ۲۸۴۱ صادره‌تهران‌مفقوداز یابنده‌تقاضامی‌گردد اصل مدرک را به‌دانشگاه آزاداسلامی‌واحدتهران‌مرکزی‌نشانی‌تهران‌خ آزادی،خ اسکندری‌شمالی،خ فرصت‌شیرازی،پلاک ۱۳۶ صندوق ۱۳۱۸۵/۷۶۸ ارسال‌نماید.

شناسنامه‌مالکیت(برگ سبز)سواری‌پرایدمدل ۱۳۸۷ به‌رنگ‌سفیدبه‌شماره شهربانی ۹۹۶ب۹۶ ایران ۲۳ موتور ۲۷۳۱۹۶۲ شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۸۲۴۴۴ مفقودو فاقداعتبار است.

سندکمپانی‌وبرگ‌سبز موتور سیکلت انرژی‌مدل ۱۳۹۰ به رنگ‌نقره‌ای‌به‌شماره‌پلاک ۴۶۶۳۱ ایران ۶۲۲ موتور ۹۰۰۲۶۹۶ تنه ۹۱۳۱۹۴۵۶ بنام‌صدیقه‌شادروان‌مفقودو فاقداعتبار است.

برگ‌سبز سمندسورن‌به‌شماره پلاک ۹۶۱س۳۸ ایران ۴۵ وموتورشماره ۱۲۴۸۸۳۰۸۵۶۲ وشاسی NAACC۱CF۷AF۴۲۶۸۶۵ مفقودو اعتبارندارد.

برگ‌سبزپراید ۱۱۱ مدل ۱۳۸۹ به‌شماره‌پلاک ۴۵-۴۷۱د۵۱ وشماره‌موتور ۳۷۱۷۳۴۷ وشماره‌شاسی S۵۴۳۰۰۸۹۰۳۰۹۵۳ به‌نام‌فرزانه‌معین‌الدینی‌مفقود گردیده‌واز درجهٔ اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی‌ماشین‌کامیون کمپرسی‌سیستم‌بنزمدل ۱۳۵۷ به‌شماره‌انتظامی ۱۵۷ع۳۲ ایران ۸۷ وبه‌شماره موتور ۱۰۰۱۲۲۴۸ وشماره‌شاسی ۳۵۳۰۰۲۱۴۳۲۱۹۵۴ مفقودگردیده‌واز درجه‌اعتبار ساقط‌است. (ابهر)

پروانه‌ساختمانی‌به شماره ۳۶-۱۸-۵-۱ به شماره‌پلاک ۱۸-۴-۵۹۲ به‌نام‌جبار سوخته‌زاری مفقودگردیده‌از درجه اعتبار ساقط‌می‌باشد.

نوبت‌اول
مجوزحمل‌سلاح‌اسلحه‌پران شکاری‌تک‌لول‌ساچمه‌زنی‌کالیبر ۱۲ ساخت‌روسیه‌به‌شماره ۰۳۰۴۴۵۶۳ بنام‌علی‌بهروزیان فرزندکریم‌مفقودگردیده‌از درجه‌اعتبار ساقط‌است.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب وحید میرزا احمدی، آبکنار فرزند ملک‌محمد بشماره شناسنامه ۲۶۵۴ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته سدوشبکه صادره از واحد دانشگاهی آزاد شوشتر با شماره ۱۰۵۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر بنشانی: شوشتر-بلوار دانشگاه ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب معصومه موسوی میرکلایی فرزند سیدمحمدصادق به شماره شناسنامه ۱۶۱۹ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته شیمی کاربردی صادره از تهران واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۹۷۹۱۸۰ و تاریخ ۷۶/۱۰/۱۲ مفقود گردیده است از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی تهران-خ آزادی-خ اسکندری شمالی-خ فرصت شیرازی -پلاک ۱۳۶ صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۷۶۸ ارسال نماید.

آگهی فقدان کارت بازرگانی
اصل کارت بازرگانی اینجانب علی محمودی فرزند محمد متولد ۱۳۴۸ ش ش ۳۰۴ کدملی ۳۸۴۸۹۹۸۹۲۰ به شماره ۲۱۰۴۹۲ استان کردستان-شهرستان بانه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بانه-حشمتی

برگ سبز (شناسنامه) موتورسیکلت ساوین CDI ۱۲۵ رنگ قرمز-زرشکی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۲۸۹۳۱-۴۶۲ شماره موتور ۰۵۰۷۲۹۷۸ و شماره شاسی ۸۷۹۰۱۶۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
بانه-حشمتی

شناسنامه مالکیت خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۴۵-۶۵۱د۱۹ و وکالتنامه تعویض پلاک شماره موتور ۱۱۴۸۶۰۰۳۹۹ شماره شاسی ۰۰۳۱۶۱۰۳ به نام رضا سالاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت کیشوند اینجانب امین لاکزاده به شماره ۱۳۸۳۸۱/۰۱ مفقوگردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پژو جی ال ایکس ۴۰۵ دوگانه‌سوز تیپ ۱۸۰۰ مدل ۱۳۸۹ ش موتور ۱۲۴۸۹۲۶۹۴۴۵ ش شاسی BR۴۶۳۳۴۴ پلاک ایران ۶۵-۵۱۵ط۵۱ مفقودگردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی وانت نیسان مدل ۱۳۶۵ به شماره شهربانی ایران ۶۲-۵۹۹ع۷۸ و شماره موتور ۱۷۴۲۵۸ مفقود و اعتبار ندارد. (ساری)

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پیکان مدل ۱۳۷۶ به شماره شهربانی ۶۲-۱۷۷ب۷۱ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۵۱۴۹۸ مفقود و اعتبار ندارد. (ساری)

سند موتور سیکلت ساوین به شماره پلاک ۸۹۶۲۳ تهران ۴۴ و شماره موتور ۰۵۰۶۸۰۰۵ و شماره تنه ۸۷۸۵۸۴۰ مفقود و اعتبار ندارد.

پروانه مطب خانم دکتر مریم باوریان با شماره نظام پزشکی ۴۶۹۴۰ و به شماره پروانهٔ ۱۳۵-۴۶۹۴۰-۲۲۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی خودرو پژو پارس مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۷۱-۲۷۵د۷۱-ایران ۷۹ دارای موتور شمارهٔ ۱۲۴۸۹۰۷۹۱۴۵ و شماره شاسی NAAN۰۱CA۹AK۷۷۸۵۳۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سمند LX مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۶۶۹ب۹۸ ایران ۵۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۹۷۱۹۷ و شماره شاسی NAACA۱CB۹AF۲۱۲۶۳۲ متعلق به علی اسلامی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سندکمپانی پیکان مدل ۸۱ به شماره پلاک ۵۱-۱۵۷ب۷۱ موتور ۱۱۱۲۸۱۱۳۹۵۲ شاسی ۸۱۴۰۹۱۶ به نام باقر فرجی مفقود و از اعتبار ساقط است.
سنندج

برگ سبز خودرو (شناسنامه) به شماره انتظامی ۴۵-۹۱۴ج۳۷ بنام محمدعلی ضمانتی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگه شناسایی خودرو «برگ سبز» سواری دوو ریسر جی تی آی به ش. پلاک انتظامی تهران ۱۱- ۹۷۲ب۲۶۱ به نام میلاد توحیدمهر فرزند هرمز گمشده و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

کارت کیشوند اینجانب محمدرضا ملک محمدی فرادنبه به شماره ۱۰۴۲۱۹/۰۱ مفقودگردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه ساختمانی به شماره ۱۸۷۴۰ مورخه ۷۹/۲/۲۴ متعلق به آقای غلامرضا منصوری فرزند محمد صادره از شهرداری کاکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و شناسنامه موتورسیکلت مدل ۹۰ CDI ۱۲۵ پلاک ۵۱۶-۷۳۵۳۳ به نام نادر مرادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند مالکیت راهور خودرو مگان سفید به نام «کتایون جلالی» با شماره پلاک ایران ۴۴-۵۱۸ج۹۸ شماره شاسی NAPLM۰۵۰EA۱۰۲۹۴۰۶ شماره موتور C۱۳۴۸۵۸ مفقود گشته و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی سند موتورسیکلت پاتک مدل ۱۳۸۶ شمارهٔ پلاک ۷۷۶۶ اهواز ۳۵ شماره موتور ۳۰۶۲۷۰۰ شماره تنه ۸۶۱۷۳۱۵ مفقود از درجهٔ اعتبار ساقط است.

سندکمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۸۱ مشکی روغنی بشماره: ۴۲۴ و ۴۴-ایران ۶۶ موتور: FSE۳۳۸۷۳۳۷۸ ۱۰ شاسی: ۸۱۶۰۷۹۷۴ مفقودگردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت دانشجویی به شماره ۹۰۲۷۲۳۹۲۰۲۶ اینجانب امین حسن‌وند صادره از مؤسسه غیر انتفاعی دارالفنون قزوین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه موتورسیکلت تیز تاز مدل ۸۳ به شماره پلاک ۸۴۳۳۳-تهران-۱۷ به شماره موتور ۳۱۱۰۳۴۶۲ و شماره تنه ۸۳۱۸۲۵ متعلق به رحمن نور معتاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (قبادی-مهاباد)

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب البرز شفیعی ثابت فرزند غفور به شماره شناسنامه ۸۳۷ صادره از آستانه اشرفیه مقطع کارشناسی رشته مکانیک سیالات صادره از واحد دانشگاهی آزاد کرج مفقود گردیده است که فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی کرج به نشانی رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید موذن و استقلال ص پ ۳۱۳-۳۱۴۸۵ ارسال نماید.

کارت هوشمند کامیون کمپرسی ده چرخ به شماره ۴۲۲۹۲۳۶ و شماره پلاک ۴۶۴ع۲۶ ایران-۱۹ و کارت هوشمند راننده به شماره ۴۱۲۱۳۱۰۰۱ و گواهی‌نامه شماره ۸۴۱۰۰۷۱۷۵۷ و کارت مشخصات کامیون شماره پلاک ۵۹۵ع۱۸ ایران ۷۳ کلیه مدارک مفقودی به نام ابراهیم جوکار فرزند کیامرز شماره شناسنامه ۱۶۷۵ صادره از مرودشت متولد ۱۳۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ضمناً محل صدور کارت‌های مفقودی سازمان پایانه‌های حمل و نقل شیراز می‌باشد.
۰۹۱۷۳۲۸۶۰۷۶
۰۷۲۸_۴۳۸۳۲۹۳

کارنامه تاکسیرانی پژو ۴۰۵ به شماره پلاک ۸۱۲ت۳۴ ایران ۳۳ بنام حمیدرضا رضایی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سندکمپانی سواری زانتیا سیتروئن به شماره موتور ۶۱۱۱۶۴ و شاسی S۱۵۱۲۲۸۵۱۴۶۶۷۱ و شهربانی ایران ۷۳-۹۸۷ل۶۶ به نام یاسین جیواد مفقود و فاقد اعتبار است.

شناسنامه پراید رنگ سفید مدل ۸۷ شماره انتظامی ۶۵-۶۱۲د۷۲ موتور: ۲۴۲۷۱۱۱ شاسی: S۱۴۱۲۲۸۷۷۶۴۲۶۴ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و کارت موتورسیکلت تیزکار ۱۲۵ مدل ۸۸ به ش پلاک ۲۵۷۹ اراک ۱۴ به ش شاسی ۸۸۰۱۰۳۴ و ش موتور ۲۰۰۹۸۶۱۳۰ بنام مرتضی موژنی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. خمین

مفقودی نوبت دوم سند موتورسیکلت نامی مدل ۱۳۸۴ شماره پلاک ۳۴۵۲ یاسوج ۵ شماره موتور ۱۶۹۵۴۷۰ شماره تنه ۱۲۵A۸۴۰۳۱۷۱ مفقود و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سندکمپانی موتورسیکلت نیما مدل ۹۰ به رنگ سبز به شماره پلاک ۹۴۴۸۳ ایران ۱۱۸ و به شماره موتور ۲۴۵۷۶۰ و شماره شاسی ۹۰۱۸۷۳۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت سواری رنو ۲۱ مدل ۱۹۹۰ به شماره انتظامی ۶۶۹ج۷۸ ایران ۱۶ به نام مهدی یعقوب لو مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه بهره‌برداری از چاه به شماره ۲۰/۵۲۹/۴۳۲ مورخ ۶۸/۲/۷ اینجانب حسین سلطانی عرب مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (تبریز)

کارت هوشمند ناوگان به شماره ۲۳۵۴۶۸ بنام رمضان جوان مرد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
خمین

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب سارا کریمی فرزند سیدعزت‌اله به شماره شناسنامه ۳۳۰۰۰۲۳۲۱۱ صادره از کنگاور در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی عمومی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی کرمانشاه با شماره ۱۲۱۷۷۱۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به نشانی شهرک ژاندارمری مجتمع امام خمینی(ره) دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه ارسال نماید.

کوتاه از چهار گوشه کشور

راهیابی دانش آموز تبریزی به مسابقات جهانی زیست‌شناسی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: امین آراسته دانش‌آموز تبریزی با عضویت در تیم دانش آموزی المپیاد زیست‌شناسی ایران به مسابقات جهانی اعزام می‌شود.

مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی گفت: المپیادجهانی زیست شناسی از ۲۳ تا ۳۰ تیر در شهر برن سوئیس برگزار می‌شود.

فیروز رضایی افزود: علاوه بر امین آراسته، امیر اشراف گنجویی از استان کرمان، بهار صابرزاده اردستانی از شهر تهران و ندا نیلفروشان از استان اصفهان در تیم ایران عضویت دارند.

به گفته وی امین آراسته دانش آموز پایه چهارم رشته علوم‌تجربی مرکز استعدادهای درخشان شهید مدنی شماره ۱ تبریز است.

توزیع ۱۴۰ تن شکر در رامهرمز

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۴۰ تن شکر بین مردم شهرستان رامهرمز با هدف کنترل بازار توزیع شد.

این کالا با قیمت دولتی بین مردم رامهرمز توزیع شده است.

ترانزیت ۳۵۴ تن پنبه از بندرلنگه

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: معاون دریایی و بندری اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه از بارگیری ۱۹۳۰ عدل پنبه به وزن ۳۵۴ تن، برای اولین بار از بندرلنگه به مقصد امارات متحده عربی خبرداد.

ایوب خادمی افزود: این میزان پنبه در ۸ مرحله ازکشور ترکمنستان واردکشور شد و از مسیر بندرلنگه به مقصد دوبی به صورت ترانزیت خارجی انتقال یافت. معاون دریایی و بندری اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه ادامه داد: به دلیل داشتن نزدیکترین مرز دریایی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، از لحاظ رویه ترانزیت خارجی خودرو پس از بندر شهید رجایی دومین بندر مهم ترانزیتی خودرو کشور محسوب می‌شود و این مهم می‌تواند زمینه ساز ترانزیت سایر کالاها از قبیل پنبه و مواد غذایی و غیره نیز باشد.

نجات ۳۹ مسافر یک شناور در هرمزگان

* مرکز جستجو و نجات اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان از نجات ۳۹ مسافر شناور مسافری آنامیس از غرق شدن خبر داد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان، شناور مسافری آنامیس در مسیر بندر شهیدحقانی به بندر شهید ذاکری قشم به دلیل نقص فنی در موتور به مرکز جستجو و نجات دریایی اداره‌کل اعلام اضطرار کرد که این مرکز یک فروند شناور (ناجی ۱۲) و یک فروند شناور مسافری کمکی آذرخش را به محل حادثه اعزام کرد.

۳۹ مسافر این شناور با کمک شناور ناجی و انتقال به شناور آذرخش ۹۰۱ در سلامت کامل به بندر ذاکری قشم منتقل شدند.

کشف ۳۳ درصد موادمخدر استان مرکزی در دلیجان

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: امسال ۳۶۱ کیلوگرم، انواع موادمخدر توسط پلیس، در دلیجان کشف شد.

سرهنگ محمد حسنی رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر استان مرکزی با بیان این مطلب افزود: ۳۳ درصد کشفیات موادمخدر استان مرکزی مربوط به گلوگاه دلیجان است. وی گفت: این مواد عمدتاً از استان‌های هرمزگان و فارس وارد می‌شوند و مقصد آنها تهران، البرز و گاهی هم استان مرکزی است.او اضافه کرد: در ۶ سال گذشته شاهد کاهش نیروی پلیس و افزایش کشفیات موادمخدر در این گلوگاه بوده‌ایم.

سرهنگ حسنی همچنین خواستار تقویت تجهیزات و نیروی آموزش دیده پلیس در دلیجان شد.

شبکه جاعلان بیمه نامه موتورسیکلت متلاشی شد

* اعضای یک شبکه جعل، که با دریافت مبلغ ناچیز از مالکان موتورسیکلت برای آنها بیمه‌نامه جعل می‌کردند؛ در اراک دستگیر شدند.

سرهنگ رضا احمدی رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: در تحقیقات اولیه، کارآگاهان تعدادی از بیمه نامه‌های جعلی را کشف و در ادامه تحقیقات عضو اصلی این شبکه جعل را شناسایی و دستگیر کردند.

وی اضافه کرد: فرد دستگیر شده، در بازجویی اعتراف کرد؛ با همکاری دو دوستش، اقدام به جعل اسناد می‌کنند. سرهنگ احمدی با بیان اینکه دو متهم دیگر دستگیر شدند؛ ادامه داد: از این شبکه، ۲۷ مهر جعلی مربوط به ادارات دولتی و چندین شرکت بیمه‌ای، اسناد و مدارک دولتی جعلی کشف شد.

به گفته رئیس پلیس آگاهی استان مرکزی، بیش از ۵۰ فقره بیمه‌نامه جعلی با قیمت‌های پایین توسط متهمان به فروش رسیده است و استفاده کنندگان از مدارک جعلی نیز شناسایی و احضار شدند.

بومی سازی در نیروگاه رامین اهواز

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی گفت: نیروگاه رامین اهواز الگویی برای سایر نیروگاه‌های کشور است. زیرا توانسته در چند سال اخیر به سطح بالایی از پایداری و راندمان برسد.

محمد بهزاد در بازدید از نیروگاه رامین اهواز در جلسه ای با مدیران صنعت برق خوزستان افزود: کسانی که در صنعت برق استان خدمت می‌کنند کارشان عبادت است. زیرا با تولید برق علاوه بر روشنایی خانه‌های مردم، چرخ صنعت و دیگر بخش‌های کشور را به حرکت در می‌آورند و خدمت در این حوزه بسیار مقدس و ارزشمند است.

وی گفت: استان خوزستان از لحاظ تولید برق در کشور دارای رتبه نخست و از لحاظ مصرف نیز دومین استان کشور به شمار می‌رود که این نشان از جایگاه ویژه خوزستان در چرخه صنعت برق کشور دارد.

بهزاد با اشاره به اهمیت نیروگاه رامین در تولید برق کشور افزود: نیروگاه رامین یکی از افتخارات صنعت برق کشور است که می‌تواند تا سالها انرژی مورد نیاز استان را تولید کند.وی با قدردانی از تامین تجهیزات مورد نیاز نیروگاه رامین اهواز توسط متخصصان داخلی خود نیروگاه گفت: بسیارخوشحالیم و مایه غرور است که قطعات مورد نیاز بخش‌های نیروگاه در داخل ساخته می‌شود و این نشانه توانمندی و توانایی متخصصان داخلی است.

معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی ادامه داد: از مدیرعامل و کارکنان نیروگاه می‌خواهیم رکورد تولید همزمان هر ۶ واحد را از ۱۲۰ روز به ۱۵۰ روز در سال ۹۲ افزایش دهند.

سرپرست نیروگاه رامین اهواز نیز در این جلسه گفت: رسالت نیروگاه تولید برق مطمئن و پایدار به خوزستان و کشور است که با تلاش گروهی سعی شده این وظیفه به خوبی انجام پذیرد.

علیرضا موسوی افزود: نیروگاه رامین در سال ۹۰ تعداد ۵۹ خروجی اضطراری در واحدهای خود داشت که با کاهش ۲۵ درصدی در سال ۹۱ به ۴۴ خروجی اضطراری رسیده که این موفقیتی بزرگ برای نیروگاه است.

وی ادامه داد: نیروگاه رامین نقش بسیارمهمی در تولید برق استان دارد به طوری که در سال گذشته ۶۵ درصد برق موردنیاز استان توسط این نیروگاه تولید شده است.

تکمیل سیستم اطلاعات جغرافیایی شبکه برق تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تبریز از اتمام کار برداشت و ورود اطلاعات شبکه ۲۰ کیلو ولت تمام امور محدوده تبریز در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) خبر داد.

افشین روشن میلانی با اشاره به اجرای عملیات GIS از سال ۸۸ اعلام کرد: ۱۰ کار در محدوده شرکت توزیع نیروی برق تبریز فعالیت دارند که عملیات استقرار سیستم اطلاعاتی شبکه ۲۰ کیلوولت هفت مورد در شهر تبریز به اتمام رسیده است.

وی افزود: ۳۳ درصد از اطلاعات شبکه فشار ضعیف هوایی و ۲۳ درصد از اطلاعات شبکه فشار ضعیف زمینی در محدوده برق تبریز برداشت شده است.

وی همچنین از تهیه کل نقشه جغرافیایی محدوده برق تبریز، آذرشهر و اسکو خبر داد و افزود: برای اجرای GIS در این شرکت تاکنون ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال هزینه شده است.

او گفت: هدف نهایی GIS، پشتیبانی برای تصمیم‌گیری‌های پایه‌گذاری شده براساس داده‌های مکانی است. به گفته وی این سیستم به عنوان یک بانک اطلاعاتی مطمئن و کارآمد امکان مدیریت منابع، کمک به کاهش تلفات و بسترسازی مناسب برای انجام مطالعات مهندسی در سطح شرکت توزیع را فراهم می‌کند.

روشن میلانی افزود: ایجاد امکان محاسبات مهندسی، طرح جامع، مدیریت آمار و اطلاعات، کاهش تلفات شبکه، مدلسازی و برآورد بار، افزایش کیفیت خدمات مشترکین، برنامه‌ریزی بهینه و خدمت‌رسانی هوشمند به مشترکین از دیگر مزایای این سیستم است.

با همت جوانان در علم و فناوری جزو ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار لنجان در دانشگاه پیام‌نور زرین‌شهر گفت: پیشرفت‌های علمی کشور از جمله سفینه‌های فضایی و فرستادن موجود زنده به فضا، نانو فناوری و انرژی هسته‌ای در شرایط دشوار تحریم‌ها قابل تقدیر و درخور توجه است و این توانمندی‌ها که به همت جوانان انجام گرفته ما را جزو ۱۰ کشور برتر دنیا کرده است.

عباس اقبال در ادامه با اشاره به فرا رسیدن انتخابات و تحولات منطقه گفت: دشمن بارها و بارها نقشه کشیده تا این نظام و ملت بزرگ ایران را به زانو دربیاورد که موفق نشده است و این آرزو را نیز به گور خواهد برد.

وی با اشاره به حضور پررنگ ملت ایران در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن پارسال، اینگونه حضورها و حضور در انتخابات را نشانه مقبولیت نظام بین مردم دانست.

او یادآور شد: بسیاری از معادلات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، مذاکرات هسته‌ای، تحولات سوریه و لبنان، انسجام و قدرت نظام و بسیاری موارد به حضور پررنگ مردم در عرصه انتخابات بستگی دارد. اقبال افزود: با پیروی از رهنمودهای ارزنده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و ایجاد زمینه مشارکت حداکثری و حضور پررنگ و بانشاط مردم در انتخابات پیش‌رو باید در رقم زدن حماسه‌ای سیاسی نقش خود را به خوبی ایفا کنیم.

تجهیز و توسعه ناوگان عملیاتی خدمات فنی در شرکت ملی حفاری ایران

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره آزمایش چاه شرکت ملی حفاری ایران از آمادگی این اداره برای ارائه خدمات لایه آزمایی به ۳۰ دکل به‌طور همزمان خبر داد.

افشین ابوالحسنی افزود: رضایت متقاضیان تجهیز و توسعه ناوگان خدمات فنی آزمایش چاه در دو بخش درون چاهی و برون چاهی براساس استانداردهای روز دنیا در دستور کار قرار گرفت.

وی اضافه کرد: در همین ارتباط به منظور ارائه خدمات همزمان فنی تخصصی آزمایش چاه به ۳۰ دستگاه حفاری، ۱۴ مجموعه ابزار ویژه RTTS (توپک بازگشت پذیر آزمایشگر) در سایزهای مختلف و سه مجموعه جدید ابزار لایه آزمایی با استفاده از توان سازندگان داخلی ساخته و در مدار عملیات قرار گرفت. او گفت: علاوه بر این در بخش آزمایش سطحی چاه مخازن مدرن و پیشرفته تحت فشار دبی سیالات با کاربرد دو منظوره به عنوان تفکیک گر ثانویه در دو بخش خشکی و دریا تامین و عملیاتی شد.

وی افزود: همچنین با ایجاد دو مجموعه بهره برداری زودهنگام انتقال نفت در راستای تولید بیشتر به ویژه میادین مشترک (دبی ۵۰۰۰ بشکه در روز) و انتقال آن به منابع داخلی محقق شد. رئیس اداره آزمایش چاه گفت: با تجهیز و آموزش نیروی انسانی و تامین امکانات مورد نیاز، مدیریت خدمات فنی شرکت آمادگی دارد خدمات لایه آزمایی و ابزار ویژه را در قالب ۳۰ گروه عملیاتی به ۱۱۷ دستگاه حفاری در اقصی نقاط میهن اسلامی ارائه دهد. ابوالحسنی درباره عملیات لایه آزمایی گفت: لایه آزمایی یکی از فنون تخصصی صنعت حفاری است که توسط آن می‌توان پتانسیل تولیدی یک مخزن را قبل از نصب رشته دائمی، محاسبه و برآورد کرد.

وی گفت: ابزار درون چاهی کلید اصلی این عملیات است، تجربه نشان داده که ابزار درون چاهی ایمن‌ترین و مطمئن‌ترین روش برای بررسی و کسب اطلاعات از یک مخزن است.

او ادامه داد: علاوه بر این شیرهای ایمنی کنترل (فوران) موجود در ابزار درون چاهی در کوتاهترین بازه زمانی مانع از فوران چاه و کنترل می‌شوند. ابزار آلات لایه آزمایی می‌توانند مهمترین اطلاعات مخازن نفتی و گازی و نمونه گیری درون چاهی، عملیات‌های پیش روی دکل را تعیین و با توجه به مکانیزم عملکردشان به عنوان یک ممیز، صحت تکمیل فرآیندهای انجام شده هنگام حفر یک چاه را بررسی و در صورت نیاز اصلاح کنند.

کشت برنج در پارس‌آباد مغان

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی پارس‌آباد از آغاز عملیات کاشت برنج در اراضی زراعی این شهرستان خبر داد.

حسن روحی افزود: در سال زراعی جاری ۲۰۰۰ هکتار از اراضی زراعی حاشیه رودخانه مرزی ارس به کشت اول و دوم برنج اختصاص داده شده است و پیش‌بینی می‌شود افزون بر ۶۰۰۰ تن محصول برنج در این شهرستان استحصال شود.

وی سطح زراعت برنج پارسال را ۱۸۵۰ هکتار اعلام کرد و گفت: برنج در این منطقه به دو روش مستقیم و نشاکاری و بیشتر در اراضی کناره‌های ارس موسوم به شامات کشت می‌شود.او افزود: متوسط عملکرد این محصول ۳ تن در هکتار است و آب مورد نیاز شالیزارهای پارس آباد به صورت مستقیم از رود ارس تامین می‌شود.او افزود: متوسط عملکرد این محصول ۳ تن در هکتار است و آب مورد نیاز شالیزارهای پارس‌آباد به صورت مستقیم از رود ارس تأمین می‌شود.وی با بیان این‌که برنج مغان از شهرت و جایگاه خاصی برخوردار است و مشتریان زیادی دارد، افزود: برنج تولیدی این شهرستان از پاک‌ترین، سالم‌ترین و نیز با کیفیت‌ترین برنج‌ها است.

انتشار کتاب «باز مانده» در حوزه هنری مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: کتاب «بازمانده» مجموعه خاطرات نور محمد کلبادی‌نژاد توسط انتشارات سوره مهر کشور منتشر شد.

مسئول دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری مازندران و تدوینگر این مجموعه خاطرات ضمن بیان مطلب بالا افزود: کتاب یاد شده که با حمایت حوزه هنری مازندران به مرحله انتشار رسیده است، شامل مجموعه خاطرات نورمحمد کلبادی‌نژاد از جانبازان مازندرانی ۸ سال دفاع مقدس است که وقایع و رخدادهای جبهه‌های جنگ را به زیبایی روایت می‌کند. ولی هاشمی گفت: این کتاب در ۱۲ فصل تدوین شده است و با ۲۲۰۰ نسخه بهار ۹۲ به چاپ رسید.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

قدردانی از نویسنده یک مقاله

از دکتر «مهدی فرمانیان» نویسنده مقاله «تاریخچه تفکر سلفی گری» که ۱۶ اردیبهشت ۹۲ در روزنامه اطلاعات منتشر شد، تشکر می‌کنم و درخواست دارم از این نویسنده مقالات دیگری چاپ شود.

خواننده روزنامه اطلاعات

تخریب فضای سبز و کارخانه سابق چیت‌سازی

در محدوده کارخانه سابق چیت‌سازی ری و در تقاطع خیابان‌های شهید رجایی و بهشت و بعثت درختان و فضای سبزی وجود دارد که افرادی شبانه و به دلایل نامعلومی آن‌ها را قطع و فضای سبز را تخریب می‌کنند. از شهرداری منطقه تقاضای رسیدگی داریم.

براتی

پرداخت هزینه ازدواج

از مسئولان آموزش و پرورش درخواست می‌شود نسبت به پرداخت کمک‌هزینه ازدواج کارکنان مجرد آموزش و پرورش در سال ۹۰ اقدام کنند.

تبریز ـ یک فرهنگی

مشکل کارکنان تبدیل وضعیت

چرا شرکت نفت فلات قاره، مشکل حقوقی کارکنان تبدیل وضعیت و قرارداد مدت موقت خود را حل نمی‌کند؟ این کارکنان دستمزد بسیار پایینی هم دارند.

از کارکنان قراردادی شرکت

درد دل هواداران پرسپولیس

حذف تیم فوتبال پرسپولیس از جام حذفی فوتبال باشگاه‌های کشور، باعث تأسف میلیون‌ها نفر از هواداران این تیم شد.

آیا می‌توان مسئولیت این تیم پرطرفدار را به افرادی سپرد که فقط در ۱۰ دقیقه آخر نمی‌توانند از گل زده و پیروزی‌بخش تیم دفاع کنند و با وجود داشتن بهترین بازیکنان، این چنین ناکام می‌مانند؟

از طرفداران پرسپولیس

دعوت از اقشار گوناگون بانوان

از دست‌اندرکاران دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی خواهشمندیم وقتی رهبر انقلاب با بانوان فرهیخته دیدار دارند، از تمامی سلایق دعوت به عمل آورند تا خانم‌های فعال در عرصه‌های گوناگون علم و دانش، موفق به دیدار با حضرت آقا شوند.

ایمیل به خط ارتباطی

هزاران درد دریغ...

براساس ماده ۲ قانون حمایت از حقوق معلولان، تمامی سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی انقلاب موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان و اماکن عمومی، معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای معلولان و جانبازان فراهم شود.

ولی متأسفانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی که بیشترین ارتباط مستقیم را با این عزیزان دارند، هیچ گونه اقدامی برای برطرف کردن موانع موجود نکرده‌اند و بسیاری از ساختمان‌های این دو نهاد فاقد معابر و وسایل خدماتی مورد نیاز برای امثال من است که از معلولیت‌های شدید رنج می‌برند، کما این که برای نمونه ساختمان اداره کار واقع در خیابان شهید رجایی، ابتدای بزرگراه و ساختمان بیمه تامین اجتماعی شعبه شهرری واقع در سه‌راه ورامین از این نمونه‌اند.

محمد سلیمی ـ ایمیل به خط ارتباطی

صرف غذا درست است

در ضمیمه خانواده روزنامه اطلاعات ۲۱ اردیبهشت ۹۲ در مطلب «چه بخوریم تا اضطراب نگیریم؟» چند بار «سرو غذا» نوشته شده، که «آماده کردن غذا» درست است.

عباس کوهی ـ ایمیل به خط ارتباطی

پارک آبخیز خلخال منطقه نمونه گردشگری می‌شود

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: پارک آبخیز خلخال به عنوان اولین و بزرگترین پارک استان، به یکی از مناطق نمونه گردشگری تبدیل می‌شود. اسدالله محسن زاده مدیرکل منابع طبیعی استان اردبیل در نشست با فرماندار خلخال گفت: با اجرای طرح‌های گردشگری در پارک آبخیزداری فینارود خلخال طرح مطالعات آبخیزداری خلخال در ۸۰ هزار هکتار و در ۹ حوزه آبخیزداری این شهرستان پایان یافته است. وی اضافه کرد: هفت حوزه آبخیزداری خلخال در حال مطالعه بوده که با پایان کار مطالعات و تامین اعتبار عملیات اجرایی آبخیزداری در این حوزه‌ها انجام خواهد شد.

محسن زاده گفت: در سال‌های گذشته برای اجرای یک سد خاکی و ۲۲ بند تاخیری آبخیزداری کوچک و بزرگ در پارک آبخیزداری فینارود خلخال افزون بر ۱۰ میلیارد ریال هزینه شده است و امسال نیز عملیات تاخیری بزرگ در این منطقه به پایان می‌رسد.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل در ادامه سخنانش از اجرای طرح جامع مرتعداری و واگذاری بیش از ۱۰۰۰ هکتار از مراتع به بهره برداران طرح مذکور در شهرستان خلخال خبر داد.

وی افزود: در راستای اجرای طرح جامع مرتعداری و استفاده بهتر از مراتع و پیشگیری از تخریب مراتع امسال ۱۲۰۷ هکتار از مراتع تحت مدیریت منابع طبیعی شهرستان خلخال در روستای یلوجه و کمردرق به بهره برداران دارای پروانه این روستا واگذار می‌شود.

محسن زاده همچنین از جذب هفت نفر نیروی انسانی در اداره منابع طبیعی خلخال خبر داد و افزود: با توجه به وسعت مراتع و جنگل‌های این شهرستان با جذب این نیرو از طریق آزمون در سال جاری مشکل کمبود نیروی انسانی این اداره رفع خواهد شد.

هوشنگ محمدی فرماندار خلخال نیز در این جلسه گفت: شرایط آب و هوایی و وجود بیش از ۸۰ درصد از جنگل‌های استان در این شهرستان برای اجرای طرح‌های آبخیزداری و مرتعداری مساعد است.

وی افزود: در کمیته برنامه ریزی امسال اعتبارات بیشتری برای ادامه مطالعه و اجرای طرح‌های آبخیز داری اختصاص داده می‌شود.

محمدی گفت: اجرای طرح‌های آبخیزداری تنها راه نجات خلخال از خطر سیلاب‌های ویرانگر است.

وی با اشاره به وجود ۱۲۰ کیلومتر مرتع در مرز مشترک بین شهرستان خلخال و شهرستان‌های همسایه استان گیلان خواستار مدیریت این مراتع در فصل چرا از سوی مسئولان منابع طبیعی شد.

او افزود: در این راستا با آغاز فصل چرا پاسگاه‌های تلفیقی انتظامی دو منظوره در دو منطقه آلش وار و تره تول تجهیز خواهد شد.

آزادی ۱۸ مددجو از زندان‌های استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۸ مددجوی جرائم غیرعمد نوروز امسال از زندان‌های استان کرمان آزاد شدند.

مدیرعامل ستاد دیه استان کرمان گفت: این مددجویان با صرف ۴ میلیارد و ۸۷ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال از محل کمک‌های نیکوکاران و ستاد دیه کشور آزاد شدند.

سید حجت‌الله موسوی قوام افزود: پارسال زمینهٔ آزادی ۲۴۶ مددجوی جرائم غیرعمد واجد شرایط با صرف ۴۳ میلیارد و ۴۷۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال فراهم شد. وی با اشاره به حضور ۱۷۴ مددجوی جرائم غیرعمد در زندان‌های استان کرمان، گفت: از این عده، ۳۳ نفر به دلیل تصادف، ۵۷ نفر به دلیل بدهی مالی، ۷۷ نفر به دلیل نداشتن توانایی در پرداخت مهریه و ۷ نفر به دلیل ندادن نفقه در زندان هستند.

موسوی قوام افزود: از مجموع مددجویان جرائم غیرعمد زندان‌های استان کرمان ۹ نفر ورودی سال ۹۰، ۱۳۹ نفر ورودی سال ۹۱ و ۲۶ نفر ورودی امسال هستند که برای آزادی آنها به ۴۵ میلیارد ریال نیاز است.

میز تجاری هند در اتاق بازرگانی شیراز تشکیل می‌شود

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: میز تجاری حیدرآباد هند در راستای توسعه فعالیت‌های تجاری فارس با ایالت‌های مختلف هند در اتاق بازرگانی شیراز تشکیل می‌شود.

فریدون فرقانی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی شیراز در دیدار هیات رئیسه اتاق شیراز با گروه تجاری و اقتصادی ایالت آندراپرادش کشور هند با اشاره به این مطلب که سالیان سال است بحث اقتصادی شیراز و بخش‌های مختلفی از کشور هند رونق دارد، گفت: شناخت متقابل میان دو گروه هندی و ایرانی به افزایش همکاری‌های تجاری و اقتصادی منجر می‌شود.

او با یادآوری این مطلب که خط لوله گاز فرصت خوبی برای توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران و هند فراهم می‌کند، افزود: در این راستا بازرگانان فارس نیز می‌توانند با وجود ظرفیت‌های فراوان در فارس افزایش مراودات را در نظر داشته باشند.

همچنین در این نشست پرم کومار، رئیس هیات تجاری، اقتصادی ایالت آندراپرادش با اشاره به جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی فارس گفت: ادبیات و فرهنگ فارس در هند و حیدرآباد دارای ریشه‌های قدیمی است و زبان اردو شعبه‌ای از زبان فارسی است.

او با تأکید بر این مطلب که وجود جاذبه‌های فراوان تاریخی در شیراز و حیدرآباد می‌تواند توسعه صنعت گردشگری را به همراه داشته باشد، افزود: هند با جمعیتی بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر به زودی به دومین کشور دنیا از لحاظ اقتصادی تبدیل خواهد شد.

رئیس هیات تجاری، اقتصادی ایالت آندراپرادش هند یادآور شد: به دلیل تحریم‌هایی که وجود دارد برای مبادلات پولی بین ایران و هند مشکلاتی ایجاد شده بود که در حال رایزنی برای رفع این مشکلات هستیم.

افتتاح تقاطع غیرهمسطح الهیه کرمانشاه

کرمانشاه ـ خبرنگار اطلاعات: تقاطع غیرهمسطح الهیه کرمانشاه افتتاح شد. پیمان قربانی شهردار کرمانشاه در مراسم افتتاح تقاطع غیرهمسطح الهیه گفت: ساخت تقاطع میدان امام حسین(ع) از دیگر طرح‌های منحصربه‌فرد عمرانی کرمانشاه است که در مسیر بزرگراه غربی واقع شده است. وی افزود: تقاطع غیرهمسطح میدان امام حسین با ۸۰درصد پیشرفت فیزیکی در نیمه نخست امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

شهردار کرمانشاه ادامه داد: ساخت این تقاطع‌ها باعث کاهش حجم ترافیک شهری شده و سفرهای درون شهری را آسان می‌کند و موجب صرفه‌جویی در وقت و انرژی مردم و همچنین صرفه‌جویی در مصرف سوخت می‌شود.

قربانی افزود: تقاطع بعدی که ساخت آن در دستور کار قرار دارد تقاطع «ده مجنون» است.

وی گفت: تقاطع «ده مجنون» باعث می‌شود شهروندان مسیر میدان امام حسین(ع) به میدان آزادگان را بدون توقف طی کنند.

ضرورت تدوین سند آمایش مدارس خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار خراسان رضوی تدوین سند آمایش مدارس استان را ضروری برشمرد.

محمدحسین فروزان مهر در جلسه شورای آموزش و پرورش استان گفت: با توجه به این که ماهیت این شورا سیاست گذاری، برنامه‌ریزی و پرداختن به مسایل کلان حوزه آموزش و پرورش است، باید برنامه‌های امسال متناسب با شرح وظایف، ماموریت‌ها، اهداف کمی و کیفی در سطوح مختلف و مطابق با جدول زمانبندی تدوین و مصوب شود.

وی با اشاره به ماموریت اصلی آموزش و پرورش مبنی بر نهادینه کردن فضایل و اخلاق حسنه در دانش آموزان متاثر از ماهیت اسلامی نظام گفت: باید به گونه‌ای برنامه ریزی کنیم تا زمینه برای تحکیم و تقویت مبانی اعتقادی و شکوفایی استعدادهای دانش آموزان فراهم شود. او یادآوری کرد: با توجه به وجود ابزارهای قانونی باید با شناسایی فضاهای مازاد در آموزش و پرورش و تغییر کاربری آن‌ها، از ارزش افزوده حاصله به عنوان منبعی برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام این حوزه استفاده کرد.

وی حضور خیرین مدرسه‌ساز استان در عرصه توسعه مدارس را با توجه به نقش تاثیرگذار آنان ظرفیتی در خور توجه دانست و بر استفاده از این ظرفیت برای ساخت فضاهای جدید آموزشی متناسب با برنامه‌های آموزش و پرورش تاکید کرد. فروزان مهر همچنین با اشاره به مصوبات قبلی شورا مبنی بر هوشمندسازی یک مدرسه توسط هر یک از دستگاه‌های اجرایی استان، مشارکت جدی دستگاه‌ها و تسریع در اجرایی شدن آن را ضروری دانست.

در ابتدای این جلسه مدیران کل آموزش و پرورش، نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس و همچنین چند تن از اعضای شورا ضمن ارایه گزارشی از اقدام‌های سال گذشته خود، پیشنهادهایی در زمینه روند فعالیت شورای آموزش و پرورش استان در سال جدید ارائه کردند.

انجمن‌ها در اولین گام خانواده زندانیان را سیر کنند

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: انجمن‌ها به عنوان اولین اولویت باید برای سیرکردن شکم خانواده زندانیان برنامه داشته باشند.

حمیدرضا علی‌اکبری مدیرکل دفتر اقدامات تامینی سازمان زندان‌ها این مطلب را در همایش مدیران عامل انجمن‌های حمایت از زندانیان کشور در ارومیه اعلام کرد و افزود: مسکن، بهداشت و درمان و حمایت‌های معنوی در درجه بعدی اهمیت قرار دارند.

وی گفت: مطالعات نشان می‌دهد که ۸ ماه بعد از اجرای طرح پرداخت نقدی یارانه‌ها هیچ فردی به خاطر جرائم خرد روانه زندان نشده است.

وی اضافه کرد: با گسترش دامنه گرانی‌ها و افزایش شدید قیمتها در کشور دوباره جرائم فرد بیشتر شد.

مدیرکل دفتر اقدامات تامین سازمان زندان‌ها ادامه داد این مطالعه نشان می‌دهد که درد اصلی جامعه ما مشکلات اقتصادی است.

علی‌اکبری همفکری برای ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات به مددجویان زیر پوشش و ارتقای عملکرد اقتصادی انجمن‌ها با بهره‌گیری از تجربیات انجمن‌های موفق در این زمینه را از مهمترین اهداف برگزاری نشست سراسری و هم‌اندیشی مدیران عامل انجمن‌های حمایت زندانیان اعلام کرد.

وی گفت: انجمن‌ها برای خدمت به خانواده‌های محروم و بی‌بضاعت مسئولیت جدی دارند.

مرمت ۴ مسجد جامع در خراسان شمالی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی از پایان اجرای طرح مرمت و بهسازی چهار مسجد جامع در استان خبر داد. علی کاظمی گفت: از ۶۰۰ مسجدی که به عنوان جامعه هدف برای مرمت و ساماندهی انتخاب شد؛ ۴ مسجد مرمت شد که شامل مسجد جامع جاجرم، مسجد جامع درق، مسجد جامع ایور و مسجد جامع استاد است. وی با تاکید بر این که این مساجد براساس ظرافت‌های خاص هنری و براساس معماری اصیل اسلامی ایران بنا شده‌اند، تاکید کرد که در مرمت این آثار ۱۴ میلیارد ریال برای مرمت، تجهیز، محوطه‌سازی و ... هزینه شده است.

وی از بازدید رایگان علاقه‌مندان از موزه‌های این استان به مناسبت روز جهانی موزه و هفته میراث فرهنگی در تاریخ ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت خبر داد و افزود: موزه‌های استان شامل عمارت مفخم مجموعه موزه بزرگ باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، آینه خانه مفخم اسناد و نسخ خطی، موزه گرمابه تاریخ شهر جاجرم و موزه قلعه جلال‌الدین گرمه است که از ساعت ۹ تا ۱۷ پذیرای عموم است.

بهره‌برداری از ۱۲ پروژهٔ عمرانی مسکن روستایی در فیروزکوه

فیروزکوه ـ خبرنگار اطلاعات: در آیینی با حضور مدیرکل بنیاد مسکن استان تهران، ابوالقاسم مهری فرماندار، حجت‌الاسلام اسیتری امام جمعه، مهندس حسین کیانی رئیس اداره بنیاد مسکن فیروزکوه و جمعی از مسئولان محلی ۱۲ پروژه عمرانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی فیروزکوه در روستای مرکزی و شهر ارجمند به بهره‌برداری رسید.

اجرای طرح‌های آماده‌سازی، اراضی قابل واگذاری زمین برای مسکن جوانان در روستاهای حصارین، ساخت پل ماهان در روستای مزداران و اجرای طرح هادی در روستای چلیزچند از بخش ارجمند و بازسازی مسکن روستایی، آماده‌سازی زمین در روستای اهُنر، سنگفرش معابر، اجرای طرح هادی و ساخت دیوار ساحلی و صدور ۳۷۵ جلد سند مالکیت در روستای گزدر از بخش ارجمند با اعتبار ۹۲۰ میلیون ریال از محل‌های استانی تملک دارائی درآمدها و ستاد حوادث غیرمترقبه این شهرستان از جمله طرح‌های به بهره‌برداری رسیده هستند.

افزایش سطح کشت پنبه در سبزوار

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: معاون سازمان و مدیر جهاد کشاورزی سبزوار از کاشت پنبه در این شهرستان خبر داد.

مهندس محمدجواد ایزدیان گفت: پیش‌بینی می‌شود امسال سطح زیرکشت پنبه اصلاح شده به ۸۰۰۰ هکتار برسد که این رقم نسبت به پارسال ۳۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. وی این افزایش را مربوط به افزایش قیمت پنبه برشمرد و افزود: سالانه حدود ۲۰۰۰ هکتار پنبه بومی هم در منطقه کشت می‌شود.

کارشناس مسئول زراعت جهادکشاورزی سبزوار هم فصل کاشت پنبه را از اوایل اردیبهشت تا اواسط خرداد اعلام کرد و گفت: در این رابطه ۱۳۰ تن بذر اصلاح شده، ۱۵۰۰ تن کود اُوره و ۱۸۰ تن کود فسفات بین پنبه‌کاران توزیع شده است. مهندس سیدمحمود علوی خوشحال به پنبه‌کاران منطقه توصیه کرد با رعایت تاریخ کشت، مبارزهٔ به موقع با آفات و بیماری‌های نباتی و سم‌پاشی‌های به موقع راندمان تولید را می‌توان افزایش داد. پارسال سبزوار به لحاظ سطح زیرکشت و میزان تولید پنبه رتبه اول را در استان خراسان رضوی به خود اختصاص داد.

اختصاص اعتبار برای اجرای طرح ساحل بندی رودخانه ارس

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰ میلیارد ریال در روزهای اخیر با هدف تسریع در روند اجرایی ساحل بندی و ساماندهی رودخانه ارس در روستای اولتان پارس آباد اختصاص یافت. اکبر نیکزاد استاندار اردبیل در بازدید از پروژه ساحل بندی رود ارس افزود: طرح ساحل بندی ارس با شتاب خوبی در حال اجرا است و تا یک ماه آینده ۲۰۰ متر از حوزه قلعه تاریخی اولتان ساحل بندی می‌شود. وی گفت: ساحل بندی و ساماندهی رود ارس موجب جلوگیری از پیشروی این رودخانه پرآب و نیز جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی و دیواره‌های قلعه اولتان، فرسایش خاک و نیز طغیان این رودخانه مرزی می‌شود.

استاندار اردبیل افزود: اجرا و تکمیل فاز بعدی این پروژه موجب آزادسازی قلعه اولتان خواهد شد. او همچنین با اشاره به ضرورت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های گردشگری و توسعه صنعت توریسم منطقه گفت: در صورت آزادسازی، مرمت و احیای قلعه تاریخی اولتان گردشگران زیادی از این مکان تاریخی دیدن خواهند کرد.

اخبار کوتاه شهرستان

اولین پالایشگاه گاز به مایع کشور (LNG) در فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: تفاهم نامه اولین پالایشگاه گاز به مایع کشور (LNG) در شیراز امضا شد. حسین صادق عابدین استاندار فارس با اشاره به این مطلب که ساخت پالایشگاه مذکور در سروستان گام بزرگی در تحقق حماسه اقتصادی است، گفت: راه‌اندازی این پالایشگاه با اعتبار ۹۰۰ میلیون دلار در طول ۳ سال انجام می‌شود که ۵۰ درصد از این سرمایه گذاری ایرانی و ۵۰ درصد دیگر نیز خارجی است. استاندار فارس با تاکید بر این مطلب که ظرفیت تولید پالایشگاه روزانه ۱۲ هزار و ۵۰۰ بشکه مایعات گازی با ورودی به این پالایشگاه نیز روزانه ۳/۲ میلیون مترمکعب گاز است، گفت: ۷۵ درصد از تجهیزات پالایشگاه تولیدات داخل کشور است و تنها ۲۵ درصد از تجهیزات پالایشگاه وارداتی بوده که این میزان نشان از بی‌تاثیر بودن تحریم‌ها است. صادق عابدین در پایان یادآور شد: در صورت تجاری‌سازی پالایشگاه در جاهای دیگر نیز می‌توانند از این پروژه استفاده کنند.

آبرسانی به دریاچه ارومیه از رودخانه ارس

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات اجرایی طرح آبرسانی از رودخانه ارس به دریاچه ارومیه آغاز شده است.

غلامرضا دیزج‌نژاد معاون برنامه‌ریزی استاندار آذربایجان غربی این مطلب را در جلسه شورای اداری استان اعلام کرد و گفت با توجه به اهمیت فصل آب در سال ۹۱ از محل اعتبارات عمرانی استان ۱۲۱۰ میلیارد ریال برای اجرای ۱۴۰ طرح توسعه‌ای در بخش آب اختصاص داده شد.

وی ادامه داد: ۲۳۶۴ پروژه استانی شامل ۱۲۳۰ پروژه احداثی، ۳۷ پروژه توسعه‌ای، ۴۴۳ پروژه تعمیراتی و ۶۵۴ پروژه مطالعاتی در آذربایجان غربی در دست اجرا است. وی گفت: از این پروژه‌ها ۱۱۷۱ مورد به صورت پیمانی و با ۱۹۴۰ میلیارد ریال اعتبار اجرا می‌شود. معاون برنامه‌ریزی استاندار آذربایجان غربی با اشاره به اینکه پارسال از مجموع ۶۰۴۰ میلیارد ریال بودجه مصوب عمرانی استان ۲۴۱۰ میلیارد ریال محقق شد، گفت: با تمهیدات دستگاه‌های اجرایی کسری بودجه نتوانست خللی در پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان ایجاد کند. وی ادامه داد: پارسال درآمد مصوب استان ۳۵۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی شده بود که از این رقم ۹۷ درصد (۳۴۰۰ میلیارد ریال) تحقق یافت.

به گفته دیزج‌نژاد، پارسال ۷۴۰ میلیارد ریال بودجه جاری استان به صورت صددرصد محقق شد.

۱۷ درصد مساحت آذربایجان غربی تحت مدیریت اداره کل محیط زیست است

* ۱۷ درصد مساحت آذربایجان غربی در قالب پارک ملی، اثر طبیعی ملی پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده زیر نظر اداره کل محیط زیست است. حسن عباس‌نژاد مدیرکل اداره محیط زیست آذربایجان غربی که به مناسبت روز تنوع زیستی سخن می‌گفت، با اعلام این مطلب افزود: دریاچه ارومیه از جمله مهمترین این مناطق است. وی گفت: چهار منطقه استان با ۵۷۴ هزار هکتار وسعت شامل دریاچه ارومیه، تالاب کانی برازان، یادگارلو، درگه سنگی، حسنلو و قوپی باباعلی در سایت رامسر و کنوانسیون‌های بین‌المللی ثبت شده‌اند.

وی اضافه کرد: استان دارای پنج منطقه شکار ممنوع شامل گروه قیط و میمند، زرآباد، آغ گل، منطقه بیان و تالاب حسنلو است که مجموعاً با ۲۱۶ هزار و ۷۵۵ هکتار ۳ درصد مساحت استان را تشکیل می‌دهد. او ادامه داد: از مجموع ۱۱۲۷ گونه جانوری کشور ۴۸۴ گونه اعم از پرندگان، خزندگان، دوزیستان و ماهی ها در این استان زیست می‌کنند. عباس‌نژاد گفت: در سطح استان ۱۴۷۸ گونه گیاهی شناسایی شده که از این تعداد ۵۰۰ گونه آن را گیاهان دارویی تشکیل می‌دهند. مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی اظهار امیدواری کرد که مردم و مسئولان، همانند گذشته در نگهداشت بهینه ذخایر طبیعی و تنوع زیستی اهتمام داشته باشند.

ایجاد پیست موتورسواری در مشکین‌شهر

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: پیست موتورسواری در مشکین‌شهر ایجاد می‌شود. محمدتقی آهنگری معاون فرماندار مشکین‌شهر با اعلام این مطلب، افزود: با توجه به رشد روزافزون آمار موتورسواران و افزایش تصادفات رانندگی این وسیله نقلیه ایجاد پیست موتورسواری می‌تواند در ایجاد نشاط اجتماعی، تخلیه انرژی جوانان و کاهش آمار تصادفات نقش مهمی داشته باشد.

وی همچنین با اشاره به علاقه زیاد اهالی شهرستان به ورزش سوارکاری خواستار مطالعه برای ایجاد پیست اسب سواری شد. آهنگری گفت: همزمان با اولین همایش ملی توسعه گردشگری در هفته آینده جشنواره بازی‌های بومی محلی نیز در جوار این همایش برگزار خواهد شد.

وی ایجاد صندوق حمایت از ورزشکاران، ایجاد تله سی‌یز شابیل و اختصاص بوستان لاله به بانوان را از دیگر اقدام‌های فرمانداری مشکین‌شهر در حوزه ورزش و جوانان بیان کرد.

دنیای کوچک ما

سلیمان قانونی!

نوروز امسال، در دید و بازدیدهای سال نو، دریافتم که موضوع مهم در گفتگوهای افرادی از طبقه متوسط در تهران نه مسئله تورم و تحریم پسته و آجیل گران، نه کشتار کودکان سوریه به دست خرابکاران، نه انتخابات ریاست جمهوری در خردادماه، بلکه یک سریال تاریخی ـ تخیّلی است که پیشتر نشنیده و ندیده بودم!این سریال سبک و تجارتی ساخت ترکیه که تاکنون بیش از یکصد قسمت آن پخش شده است، زیبا،جذاب، با دوبله مناسب به فارسی، شش روز در هفته بر صفحه تلویزیون دارندگان ماهواره در ایران ظاهرمی‌شود و گویا تماشاچی بسیاری هم در منطقه دارد.

داستان سریال که مخلوطی از تاریخ و تخیل است، حرمسرای یکی از خلفای مقتدر عثمانی را به نمایش می‌گذارد که خود را سلطان عالم می‌دانست و از شرق و غرب، مرزهای یک امپراتوری دینی ـ نظامی را گسترش می‌داد. دوستان تهرانی که به همراه آنان بعضی از بخش‌های سریال تلویزیونی «عصر پرشکوه» را با عنوان ایرانی‌پسند «حریم سلطان» تماشا می‌کردم، توجه چندانی به سابقه تاریخی دوران سلطنت «سلیمان اول» که در تاریخ به نام «سلیمان قانونی» ثبت شده است، نداشتند.

برای بعضی از آنها که در سال‌های پیش تماشاگر سریال‌های هالیوودی چون: «دالاس» بودند، این که آن سلطان مقتدر که مسیر تاریخ را در منطقه و در دنیای اسلام جابجا کرد، چگونه شخصی بود، اهمیتی نداشت، اما گمان نمی‌کنم که هموطنان اردبیلی ما هم که بازمانده مردم تاریخ‌ساز دوران سلیمان بودند، در برخورد با این رویداد تاریخی چندان بی‌اعتنا بمانند. آنها که هر روز مقبره با شکوه شیخ صفی را در اردبیل زیارت می‌کنند، بی‌شک از خود می‌پرسند که این شیخ گوشه‌گیر و آسان‌زیست چگونه توانست حرکت سیل بنیان‌شکن نیروهای امپراتوری عثمانی را به سوی شرق متوقف کند و قزلباش‌ها را در برابر آنان برافرازد و نام مردانی چون شاه‌اسمعیل و شاه‌عباس را بر تاریخ پرشکوه ایران بیافزاید؟ پیش از دیدن بخش‌هایی از سریال مورد نظر، تصویر دیگری از سلطان «سلیمان قانونی» در ذهن داشتم. اما آنچه دیدم، مردی اسیر حرمسرا و جبّار و بی‌تدبیر بود که جز به فتح سرزمین‌های بیشتر نمی‌اندیشید و از درک کم‌نظیر جامعه اسلامی آن زمان بی‌بهره بود.

به همین سبب وقتی شنیدم که بعضی از نمایندگان پارلمان ترکیه خواستار قطع این سریال شده‌اند و «رجب طیب اردوغان» هم با آنها هم صدا شده است، نظر آنها را تائید کردم. اما گمان نمی‌کنم که سود فراوان نمایش این سریال اجازه دهد که انتقادها به جایی برسد.

در این میان یکی از روزنامه‌های تهران فاش کرد: کتاب سریال مذکور هم ـ که گفته شده در گذشته مجوّز گرفته ـ امسال (۹۲) در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به فروش گذاشته شده و خریدار هم داشته است! باور کردن خبر بالا با توجه به همه آن صحنه‌های حرام در حریم خلیفه عثمانی دشوار بود، تا آنکه مسئول نمایشگاه اعلام کرد کتاب با اجازه مراکز قانونی چاپ شده است و فروش آن مانعی ندارد! به این ترتیب دریافتم که «سلیمان قانونی» هنوز پس از گذشت قرن‌ها قوانین کشور ما را می‌شناسد و می‌تواند بعضی مقررات را نادیده بگیرد!

قلمکار

از او آغاز کن...

وقتی که تنهای تنها می‌شوی، وقتی که دوستانت،آن‌ها که نیازمند یاری‌شان هستی، درست در حساس‌ترین نقطه رهایت می‌کنند، وقتی در دست همان‌ها که پشتوانه و پشت گرمی محسوب‌شان می‌کردی، خنجر می‌بینی، وقتی که هیچ تکیه‌گاهی برایت نمی‌ماند و هیچ دستی خالصانه به دوستی گشاده نمی‌گردد، یک ملجاء و امید و پناهگاه می‌ماند که هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند او را از تو بگیرد. او حتی در مقابل بدی‌های تو خوبی‌می‌آورد و بر روی زشتی های تو پرده اغماض می‌افکند. اگر بدانی که محبت و اشتیاق او به تو چقدر است. بند بند تنت از هم می‌گسلد. او به عیسی ابن مریم علیه السلام می‌فرماید:اگر آنها که به من پشت می‌کنند، میزان اشتیاق مرا نسبت به خویش بدانند، قالب تهی می‌کنند. حتماً دانسته‌ای که او کیست؟پس چرا در انتها به او برسی؟ از او آغاز کن.

پیش و بیش از همه خدا را دوست بگیر و هم او را ملاک و شاخص دوستی‌هایت قرار بده. هرکه به نزد خدا نزدیکتر و صفات خدائی در او متجلی‌تر، دوست‌تر و صمیمی‌تر.و تو که چنین دوستی و رفاقتی می‌طلبی، خود پیش از دیگران به خلق و خوی الهی متخلق می‌شوی. دلت همیشه گرم خدا باد!

سیدحسین سمن‌آبادی

دنیا بر اساس نظم و حکمت استوار است

جهان را هر کس به گونه‌ای می‌بیند و حساسیت‌ها و قضاوت‌های هر کس متناسب با تفکری است که درباره جهان دارد. جهان هرکس نه این دنیای مادی است که خورشید، دریا، کوه، زمین و آسمان دارد، بلکه دنیایی است که او در درون خود دارد و بر اساس آن، جهان بیرون را تفسیر می‌کند.

آنچه در جهان مادی اتفاق می‌افتد بر جهان درون افراد اثر می‌گذارد و به شکل‌های مختلف در رفتار و کردارها بازتاب می‌یابد. حس بویایی، بینائی، شنوایی، لامسه و چشایی هر یک دری برای ورود اطلاعات به دنیای درون است. محدود ساختن دنیا در آنچه می‌بینیم یا اعتقاد به دنیایی فراتر از آنچه حواس های ظاهری درک می‌کنند، بسته به نوع نگرش ما درباره جهان هستی دارد که آن هم تحت تاثیر دنیای درون ماست و اعتقادات شخصی بخشی از جهان درونی است.

تفاوت در رفتارها نشانگر تفاوت درونی است. بنابراین اصلاح رفتار از طریق اصلاح جهان درون باید صورت گیرد. اصرار بر تغییر رفتار بدون توجه به درون فردامکان‌پذیر نیست و در نهایت به ریاکاری منجر می‌شود و اظهار نارضایتی یا شگفتی بدون توجه به دلیل رفتارهای خاص، گاه مشکل‌ساز می‌شود.

تغییر در جهان درون

ابتدای تغییر رفتار، تغییر در جهان درون است. به همین دلیل اصرار بر چیزهایی که با فرهنگ‌مان تناسب ندارند، سعی در تغییر جهان درونی است. این خطری در کمین است. ابزارها و وسایل متعددی در تغییر رفتارها به ویژه در رفتار جوانان به‌کار گرفته شده است که سنخیتی با فرهنگ، ندارند اما به‌دنبال این هستند که آرام‌آرام ذهن‌ها را از داشته‌های خود منحرف سازند و به فرهنگ بیگانه امیدوار کنند.

سعی در تغییر فرهنگ دینی به دلیل دلسوزی یا علاقه‌مندی به مردم نیست و فقط می‌توان گفت منافع دنیوی، انگیزه این کار است که نشان از تفاوت در جهان‌های درون دارد.

نفوذ به جهان درونی از طریق راه‌های مختلف مثل بزرگ‌نمایی وقایع و کوچک شمردن همین وقایع در کشور مبلغین و انواع سایت‌ها با هزینه‌های سرسام آور و نشان دادن فیلم‌ها و برنامه‌هایی که با فرهنگ خودی هیچ تناسبی ندارند، نمونه‌ای از این کارهاست. اما انسان به دلیل تمایل فطری و داشتن اختیار، می‌تواند ایستادگی کند که اینجا اهمیت کارهای فرهنگی نمود پیدا می‌کند.

هر حرکتی می‌بایست در جهت این تمایلات فطری صورت گیرد تا با فرهنگ دینی تناسب پیدا کند و پذیرش اراده و اختیار نتایجی دارد که گریز از آنها قابل توجیه نیست. لازمه پذیرش اراده و اختیار، قبول، مسئولیت رفتارهاست. با اعتقاد به دنیای دیگر است که این مسئولیت معنا پیدا می‌کند و هرچه در دنیایی دیگر به دست آورد، محصول اراده و اختیار او در این دنیا است.

تفکر در موضوع خلقت انسان

یکی از راه‌هایی که دیدگاه انسان را راجع به زندگی عوض می‌کند و از وسوسه‌ها و ابهامات بیرون می‌آورد، تفکر در موضوع خلقت به ویژه خلقت انسان است و حتی گریز از این امر می‌تواند سؤال برانگیز و قابل تأمل باشد.چرا کسانی به صرف تفریح، به مشغولیت‌های متنوع و گذران وقت بها می‌دهند؟ چرا انسان از تفکر درباره خلقت به اشکال متفاوت گریز می‌زند؟مشغولیت‌های انسان امروز نسبت به گذشته فوق‌العاده بیشتر شده است.ساعت‌ها بدون هدف مشخص عقلانی به برنامه‌های گوناگون رادیو و تلویزیون مشغول شدن تا انواع تفریح‌ها و خوشگذرانی‌های بدون برنامه، که تنها به گذر روز و رسیدن به شب یا برعکس می‌انجامد، حکایت از تلاش برای فرار از عاقبت اندیشی دارد.

شاید به دلیل این است که از رسیدن به آنچه عقل می‌پذیرد، گریزان است. گرچه تاریخ و عملکرد کسانی که به نام دین و خداباوری مردم را مورد سوء استفاده قرار دادند، بی‌تاثیر نیست، ولی آیا فقط از دین و مذهب سوء استفاده شده است؟

بسیاری از متفکران درباره «مرگ» نظر داده‌اند و گاه به حسرت مناظر زیبایی نشستند که آنها نیستند و انسان‌های دیگر بی‌توجه به آنچه بر آنان گذشته است، از آن زیبایی‌ها لذت می‌برند. مثل انسان‌های فعلی که از پس میلیون‌ها سال وارث انسان‌هایی شده‌اند که نام و نشانی از آنها نیست و کسی از اضطراب‌ها، غم و غصه‌ها، مشکلات، وسواس‌ها و دلشوره‌های آنها نسبت به فرزندان و دیگر انسان‌ها خبر ندارد.

چه کاخ‌و کوخ نشین‌هایی که با همه لذت‌ها یا تلخی‌هایی که در زندگی داشتند، اکنون در این جهان نام و نشانی از آن‌ها باقی نمانده است و انسان‌های فعلی ساکن کره زمین هیچ‌گاه یادی هم از آنها نمی‌کنند.

بدون شک ما هم روزی به چنین وضعی خواهیم رسید. انسان‌هایی که وارث ما می‌شوند، خود در دنیای درونی خویش چنان مشکلات، دلواپسی‌ها یا خوشی‌هایی دارند که فرصت فکر کردن به ما و زندگی ما را ندارند. انسان‌های گذشته هم بر روی همین زمین و زیر همین آسمان زندگی می‌کرده‌اند، اما در دنیای درونی ما چه قدر جا دارند؟! مسیری میلیون ساله که «آمدن و رفتن» در آن اصل شده است، بر دوش‌ها سنگینی می‌کند. چرا این چنین آدم‌ها می‌آیند و می‌روند و این همه تلاش و درگیری، رنج و درد یا خوشی و شادی که با مرگ ظاهراً به انتها می‌رسد، برای چیست؟

چه جنگ‌ها و درگیری‌هایی که رخ نداده و میلیون‌ها نفر را به کام مرگ نفرستاده است. غرورها و مستی‌های پیروزمندانه و غصه‌های شکست خوردگان را اثری نیست یا در داستان‌ها به صورتی گنگ و سربسته سخن از آنها به میان می‌آید. ما نیز روزی به کاروان فراموش شدگان خواهیم پیوست، تا آیندگان بیایند و این راه ادامه یابد.

صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت
ناز کم‌کن که در این باغ بسی چون تو شکفت

آخر این رفت و شد به کجا می‌رسد؟! سؤالی که انسان‌های بسیاری را به خود مشغول کرده است و انسان‌های بسیاری برای فرار از آن به هر وسیله‌ای خود را مشغول می‌کنند. اما قرآن و متون اسلامی پاسخ‌های روشن و مطمئنی به این گونه سؤالات داده‌اند و پرورش یافتگان چنین مکتبی، با وقار و آرامشی گیرا زندگی را با هدف روشن دنبال کرده‌اند.

دوران جنینی

دوران جنینی دورانی است که بالاجبار باید طی شود تا مرحله دیگری از حیات مادی به وجود آید. در این دوره «استعداد» زندگی در مرحله بعدی فراهم می‌شود. ولی تفاوت‌ها همچنان وجود دارد. آیا خود جنین از طی چنین مراحلی آگاه است؟ امروزه با امکانات پزشکی می‌توان دوران مختلف ۹ ماهه جنین را بررسی کرد و وابستگان را از وجود انسانی که بعداً به وجود خواهد آمد، آگاهی داد. اما راهی هست تا به جنین این آگاهی را داد که او به مرحله‌ای از حیات می‌رسد که ویژگی‌های خود را دارد؟

چگونه درخشندگی خورشید، زیبایی مناظر و جنگل‌ها، خروش آب‌های رودخانه‌ها، وسعت اقیانوس‌ها، تغذیه از راه دهان، حرکت با پا و دویدن، خندیدن، حرف زدن و... را برای جنین می‌توان توصیف کرد؟! ما که دوران جنینی را گذرانده‌ایم، می‌دانیم این‌ها چه معنایی دارند و چه بسا آنقدر تکراری شده‌اند که گمان می‌کنیم حتی ارزش فکر کردن هم ندارند. ولی چون جنین ابزارهای لازم را برای درک این واقعیات ندارد، امکان فهم نیز ندارد.

امکان فهم نداشتن برابر با وجود نداشتن واقعیات نیست. جنین باید مراحلی را پشت سر نهد تا امکان درک مراحلی دیگر برای وی فراهم شود. این مراحل بالاجبار طی می‌شوند و اراده و اختیار جنینی نقشی در این مراحل ندارد. با پشت سر نهادن این مرحله و فراهم شدن ابزارها و امکانات جدید، امکان نفی دوره گذشته ممکن نیست.

باید بپذیریم در مرحله‌ای خاص امکان دریافت و درک برخی واقعیات وجود دارد. پس از اینکه مدت زمان لازم برای آمادگی جنین گذشت، او به این دنیا می‌آید. گریه نشانه حضور انسان تازه از راه رسیده است.

اطرافیان و وابستگان جنین بر خلاف او خندان و شادمان هستند، خداوند مقدمات را از پیش آماده کرده است. جنین گرسنه است. اما نمی‌توان از غذاهایی که آدم‌های بزرگ استفاده می‌کنند به او داد. شیر در سینه مادر از پیش آماده شده و همزمان با تولد جنین آماده تامین نیازهای بدن اوست.

یعنی در دنیا همه چیز بر اساس نظم و حکمت استوار است. در این دنیا هم مثل جنین امکانات لازم برای زندگی در دنیای دیگری فراهم می‌شود، با این تفاوت که در این دنیا «اراده و اختیار» شکل دهنده رفتارهاست. این دنیای درون رفتار خاصی نیز طلب می‌کند، کسی که به نیروی مافوق بشری معتقد است، نمی‌تواند هرگونه که خواست عمل کند. عمل او را جهان درون تعیین می‌کند.

او رفتاری را به انجام می‌رساند که آن نیروی برتر مجاز دانسته است و در غیر این صورت باید جهان درون او را به شکلی دیگر معنی کرد.

مسجد سلیمان ـ بهروز فرهادیان

احترام ناآگاهانه!

در مکالمات روزمره به کرات مشاهده می‌شود برخی افراد از روی خلوص نیت می‌خواهند کلمات مودبانه‌ای را به کار ببندند، تا به مخاطب خود احترام بگذارند، ولی آنها را ناآگاهانه به کار می‌بندند، به جای احترام به طرف مقابل، این احترام را به خودشان بر می‌گردانند، و به عنوان مثال می‌پرسند: چه ساعتی تشریف بیاورم؟!

که «تشریف آوردن» را شخص به خودش نمی‌گوید، بلکه منظورش به مخاطب است. که باید بگوید:

چه ساعتی شرفیاب شوم؟

و یا، چه ساعتی می‌توانم خدمت برسم؟

مورد دوم، « عرض کردن» است. متکلم در مقابل مخاطب محترم عرض می‌کند، نه اینکه می‌فرماید! که اینجا هم متکلم ناآگاهانه می‌گویند: همانطور که عرض کردید...!

در حالی که باید بگوید:همانطور که فرمودید.

همیشه این نوع مکالمه‌ها، خاص افراد بی‌سواد نیست، بلکه گاهی متکلم خیلی هم با سواد است!

مثلا در یکی از کنگره‌های بین‌المللی یک پروفسور ایرانی تبار از آمریکا آنقدر در ممالک راقیه مانده و به زبان خارجی سخنرانی کرده بود که فارسی حرف زدن از یادش رفته بود! از این رو از روی ادب و احترام به یکی از مخاطبان در تالار بزرگ سخنرانی برگشت و گفت:

آنچه که عرض کردید، من هم موافقم! هدف او مکالمهٔ مودبانه بود و منظورش هم این بودکه: من موافق فرمایش شما هستم!

فقط در یک مورد این گونه محاوره آگاهانه است و آن محاورهٔ سلاطین قاجار و فرمانفرمایان از این قبیل است که می‌گویند:

«دسته‌ای از رعایا آمدند و عرض کردند اعلیحضرتا ، ما دست‌مان به دهان‌مان نمی‌رسد، فرمودیم»...!

دکتر عبدالحمید حسین‌نیا

در گذرگاه زندگی

نه اعتماد کامل و نه بی‌اعتمادی مطلق!

در اعتماد، دو طرف وجود دارد. ضمن آنکه فردی می‌کوشد اعتماد دیگری را جلب کند، آن دیگری هم باید قدرت و ظرفیت اعتماد به دیگری را داشته باشد.

اعتماد کلی و یا بی‌اعتمادی کلی به دیگران گاهی وجهی از شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد و خیلی هم به طرف مقابل مربوط نیست. برخی افراد به همه اشخاص اعتماد می‌کنند، مگر آنکه تجربه عکس آن را اثبات کند و در مقابل برخی افراد همه کس را غیرقابل اعتماد می‌دانند، مگر آنکه خلافش ثابت شود.

کودکانی که در یک محیط گرم و پذیرنده که نیازهایشان را به‌طور کامل برآورده است بار آمده باشند، یعنی محیطی که در آن روابط محبت‌آمیز و انگیزه‌های رفتار خیرخواهانه است و بین حرف و عمل و انگیزه همسویی وجود دارد، طبعاً در بزرگسالی هم به دیگران اعتماد می‌کنند. آنان حس می‌کنند همانگونه که خود قابل اعتمادند، دیگران هم معتمد هستند. بدیهی است زمانی که کسی حس کند مورد اعتماد است، این موضوع نوعی الزام اخلاقی برای رفتار صحیح در او ایجاد می‌کند و طبعاً این افراد با اعتماد بیشتر از سوی دیگران هم مواجه می‌شوند.

اما کودکانی که در یک محیط سرد و خشک پرورش پیدا کرده‌اند که در آن نیازهای اولیه‌شان به صورت ناقص ارضاء شده است و یا انگیزه‌ها همیشه هم در رفتار دیگران با آنان مثبت نبوده است، یعنی محیطی که در آن بین محتوای ظاهری و محتوای واقعی پیام‌ها هماهنگی موجود نبوده و گفتارها طعنه‌آمیز ادا می‌شده است، طبعاً دچار بی‌اعتمادی می‌شوند که به بزرگسالی نیز تداوم پیدا می‌کند.

زمانی که به کودک قول و وعده‌ای داده می‌شود که ادا نشود نیز سبب رشد بی‌اعتمادی او به دیگران و به محیط اطراف می‌شود. از نظر این گروه، جهان جایی است که در آن دیگران شما را دوست ندارند و ممکن است هر لحظه به نوعی شما را مورد آزار و سوء استفاده قرار دهند.

بدیهی است که نه اعتماد کامل و نه بی‌اعتمادی مطلق را نمی‌توان به عنوان رویکرد مناسب توصیه کرد ؛و راه‌حل مناسب در این میانه قرار دارد، جایی که ضمن داشتن روحیهٔ پذیرش دیگران، گفتار و رفتار آنان نیز ارزیابی و بر مبنای نتایج آن، اقدام شود.

دکتر فربد فدایی ـ روانپزشک

اهمیت فضای سبز در زندگی انسان

از آنجایی‌که زیربنای تکامل حیات، نظم ناشی از آرامش آن است، فضای سبز که جزیی از مجموعه حیات است طبعاً در ایجاد نظم،نقش قابل ملاحظه‌ای دارد و در کنار تنوع و نظم قطعاً زیبایی می‌تواند خود را جلوه‌گر سازد و در کنار زیبایی کمال جلوه‌گر شود و انسان را از کمبودها و خود خواهی‌ها به‌دور سازد.

بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که فضای سبز می‌تواند انسان را به کمال برساند و از عقده‌ها و خودخواهی‌ها دور کند.

با مقایسه فضای سبز در گذشته و حال می‌توان گفت از گذشته‌های دور شاهد درختان سر به فلک کشیده هزار تا سه هزار و ۵۰۰ ساله مانند سرو ابرقو و چنار واقع در محله کمر بسته تویسرکان هستیم که قطر تنه آن به هفت متر می‌رسد، اما متاسفانه در سال‌های اخیر مشاهده می‌شود درختان چنار عمرشان پس از ۳۰ سال به پایان می‌رسد و خزان و زردی برگ‌های آن در سنین ۲۰ سالگی شروع می‌شود.

امروزه بر اثر رسوخ فرهنگ غربی، ساختار زندگیمان ازجمله معماری شهرهایمان دستخوش اخلال شده است و حتی در روستاهای دور افتاده صحبت از نقشه و الگوی وارداتی است و متاسفانه طرح‌هایی مطلوب بعضی از مردم است که از مکتب معماری فلان کشورغربی گرفته شده باشد و بادگیر و پایاب دیگر کمتر الگوی بعضی از مهندسان ما قرار می‌گیرد که ضرورت دارد در این مورد چاره اندیشی شود.

معماریان

ایمیل گفته‌ها و نوشته‌ها (ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

SPIES AGAINST ARMAGEDDON

■ نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری

۲۲۴

نیروهای دفاعی اسرائیل در مورد سابقه و انگیزه «کلینبرگ» سؤالی مطرح نکردند.

هیچ گونه بررسی دقیق امنیتی ضروری نبود ـ نیروهای دفاعی اسرائیل نیاز به افراد متخصص داشتند، لذا این طور فرض شده بود ـ یا صرفاً حرف «کلینبرگ» را قبول کرده بودند ـ که او واقعاً دکتری واجد شرایط و واگیرشناسی ماهر است. طولی نکشید که همسرش نیز به عنوان میکرب‌شناس در سپاه بهداشت کاری پیدا کرد.

«کلینبرگ» وضعیت بهداشتی نیروهای دفاعی اسرائیل را زیر نظر داشت و به نظامیان برای جلوگیری از ابتلای آن‌ها به مالاریا و سایر بیماری‌ها، واکسن می‌زد. ارتش اسرائیل به عنوان مظهری از تصویر کلی جامعه اسرائیل، گروهی صمیمی و مهرورز بود. برای این مهاجر برجسته لهستانی، آسان بود که با افراد بلندپایه اسرائیل مانند ژنرال «موشه دایان» و نخست‌وزیر «بن گوریون» ملاقات کند، با آن‌ها دمخور شود و طرح دوستی بریزد.

در سال ۱۹۵۳ بعد از برخورد با رئیس مستقیمش در سپاه بهداشت، «کلینبرگ» از مقام ریاست اداره کنترل بیماریها استعفا داد، اما در یک واحد پزشکی دیگر در لباس یونیفورم نظامی باقی ماند.

او به خاطر می‌آورد که: «آن سالی بود که برای اولین بار از زمان کودکی‌ام به بعد مثل یک بچه گریه کردم. وقتی که در زمان جنگ با والدینم و برادرم وداع کردم و حتی وقتی که اطلاع یافتم که آن‌ها در اردوگاه نازی‌ها کشته شدند گریه نکرده بودم.»

آنچه او و «واندا» را به گریه وا داشته بود، خبری بود که آن‌ها در پنجم ماه مارس ۱۹۵۳ از رادیو شنیدند: اینکه استالین فوت کرده بود. «کلینبرگ» می‌گفت: «اشکی که همسر آهنین اراده‌ام ریخت برای من به منزله تأکید دیگری بر عمق فاجعه بود.»

در سال ۱۹۵۷ کمبود بودجه به تعطیل واحدی که «کلینبرگ» در آنجا خدمت می‌کرد منجر شد. او را رسماً از خدمت در نیروهای دفاعی مرخص کردند، اما حتی یک روز هم بیکار نماند. او با خوشحالی سمت عالی رتبه‌ای را که در «مؤسسه اسرائیلی تحقیقات بیولوژیکی» به او پیشنهاد کرده بودند، پذیرفت. همسرش از قبل در این مؤسسه کار می‌کرد و دوره دکترایش را به پایان رسانیده بود.

قرار داشتن محل مؤسسه در «نس تزیونا»، در ایجاد دولت اسرائیل نقش قابل توجهی داشت. این محل یکی از اولین روستاهای کشاورزی یهودی بود که در زمان حکومت ترک‌ها بر فلسطین در سال ۱۸۸۳، با کمک یک یهودی خیّر فرانسوی بنام «بارون ادموند دو روتچیلد» تأسیس شده بود. یک ربع قرن قبل از آنکه تل‌آویو روی تپه‌های شنی در ۱۵ مایلی شمال غربی ساخته شود، مهاجران جوان یهودی در «نس تزیونا» سکونت اختیار کرده بودند. مهاجران ـ در جایی که بعداً سرزمین مرکزی اسرائیل شد ـ با مالاریا، گروه‌های تبهکار عرب و سایر بحرانها دست و پنجه نرم می‌کردند تا جای پای صهیونیسم را در سرزمین موعود انجیل که در زمانهای دور گذشته مقر پادشاهی یهودیان بود محکم کنند.

در اطراف این مؤسسه و دیوارهای باابهتش که بر فراز تپه‌ای بنا شده است، باغ‌هایی وجود دارد که میوه‌های گریپ‌فروت و پرتقال، درختان را مزین و رنگین کرده‌اند. زیبایی شکوفه‌های مرکبات در بهار و منظره و عطر مزارع توت‌فرنگی، اطراف مؤسسه را احاطه کرده است.

ساختمانهای اصلی مؤسسه قدیمی‌تر از آزمایشگاه‌های مخفی آن هستند. این ساختمانها که با طاق‌های قوسی و نقش و نگار به سبک معماری عربی تزیین شده‌اند، خانه یک ثروتمند زمین‌دار فلسطینی عرب بوده‌اند. بخاطر سردرگمی‌های جنگ در سالهای ۱۹۴۹–۱۹۴۸ عرب‌ها یا خودشان رفتند یا از آنجا بیرون رانده شدند و دولت اسرائیل مالک زمین‌ها شد.

ادامه دارد

جنگ در جنگ

چرا «اسد» سقوط نکرد؟ ■ بخش نهم

*** اشاره**

سرویس خارجی: واقعیت این است که تضاد میان طیف‌های مختلف معارضان در سوریه، اندک اندک، خود تبدیل به معارضه‌ای می‌شود که موضوع اصلی آنها، یعنی سرنگونی نظام اسد را به یک مسأله درجه دوم تبدیل خواهد کرد.

با مشاهده نشانه‌هایی که هم‌اکنون به روشنی قابل رصد است، درمی‌یابیم که اگر هرچه سریعتر، راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای حل بحران سوریه ارائه نشود، شاهد جنگی میان مخالفان حکومت سوریه بر سر کسب قدرت خواهیم بود که به مراتب از وضعیت کنونی دهشتبارتر است.

در بخش حاضر از مقاله، مروری بر این عارضه در صحنه پرآشوب سوریه خواهیم داشت.

***

«حسن عبد العظیم» بر این باور است که مردم سوریه خواهان پایان دادن به نظام استبداد و فسادوتشکیل نظامی ملی– دمکراتیک ودولت مدنی برای مردم سوریه هستند که همه شهروندان ازتمامی گروه‌ها،طبقات،طوایف ومذاهب درآن مشارکت داشته باشند.

بر هیچ کس پوشیده نیست که«کمیته هماهنگی» به شدت مخالف عملکرد «ائتلاف معارضان» و «شورای ملی معارضان»سوری است وعبد العظیم براین باور است که اخوان المسلمین برائتلاف معارضان سوری حاکم است وبه گزینه‌ای غیرازراه حل نظامی باورندارد،همانطور که نظام سوریه نیز به راه حل امنیتی نظامی معتقد است.

این معارض سوری دراین خصوص هشدار داد که ورود طرف‌ها وشخصیت‌های جدید مانند« معاذ الخطیب» ودیگران، تغییرچندانی به وجود نیاورد. عبد العظیم می‌افزاید: «هنگامی که معاذ الخطیب موضع خود درخصوص گفت‌وگو با نظام سوریه راکه به راه حل مورد نظر کمیته هماهنگی نزدیک است بیان کرد،مشاهده کردیم که تلاش کردند اورااز ائتلاف دورکنند.

تصمیم‌گیری‌های ائتلاف معارضان سوریه، وابسته به شروط ومیزان کمک‌های مالی ونظامی خارجی ها است. »عبدالعظیم به شدت با تشکیل دولت موقت ائتلاف معارضان سوری در شمال سوریه مخالف است و دراین ارتباط می گوید:« کمیته هماهنگی ملی معارضان وهمپیمانان ما در داخل و خارج، مخالف تشکیل دولت موقت در شمال سوریه هستند و این موضع ودیدگاه ما،اززمان تاسیس شورای ملی معارضان بود.

ما مخالف تشکیل دولت انتقالی که توافقنامه ژنو از آن سخن می گوید نیستیم و خواهان مذاکره بین معارضان ازیک سوونظام ازسوی دیگرهستیم».

دیدگاه‌های سیاسی نیروهای معارض ازهرطیف وجریانی را می‌شد در هر کشوری که درنزاع خونینی همچون سوریه درگیرنباشد مطرح کرد،نزاعی که تاکنون ده‌هاهزارقربانی ومیلیون‌ها آواره از خود برجای گذاشته است.

به همین دلیل کفه ترازوی نیروهایی که درخاک سوریه مبارزه می‌کنند، بر شخصیت‌ها واحزاب مقیم پایتخت‌های عربی و غربی سنگینی می‌کند. جنگجویان‌همواره این شخصیت‌هاواحزاب رامتهم می‌کنند که ازدردورنج مردم سوریه ومشکلاتی که با آن مواجه هستند، بی‌اطلاعند.

داده‌های موجود بر این نکته تاکید دارد که شکاف بین گروه‌های مسلح ومعارض،همچنان درحال تشدید وافزایش است.این موضوع حتی درصف ائتلاف معارضان وارتش آزاد سوریه نیز مشاهده می‌شود.این درحالی است که ارتش آزاد سوریه با معضل و چالشی به نام تعدد مسئولان وفرماندهان میدانی،نبودساختارسازمان یافته ومنسجم به دلیل کثرت اختلافات و درگیری‌های مسلحانه بین گروه‌های تشکیل دهنده مواجه است وهرروزسخنان بیشتری درباره تسویه حساب‌های داخلی آنها به گوش می‌رسد که شاید یکی ازبارزترین ومهمترین آنها، تلاش برای ترور سرهنگ «ریاض السعد»فرمانده ارتش آزاد سوریه در «دیر الزور» است.

به همین دلیل گروه‌های تکفیری موفق شدنددر مناطق متعدد،گروه‌های وابسته به ارتش آزاد سوریه راکه زمانی مناطق بی‌شماری در کنترل خودداشتند، ازپیش رو بردارند و این موضوع به شکلی ویژه درخصوص گروه تکفیری«جبهه النصره» که چندی پیش با سازمان تروریستی القاعده بیعت کرد، صدق می‌کند و این صرف نظر از گروه‌های مسلح و تروریستی دیگری است که از طرف‌های خارجی تبعیت می‌کنند. به همین دلیل عجیب نیست، اگر گفته شود که در حال حاضر معارضان سیاسی، صدایی در سوریه ندارند، چراکه هم اکنون اولویت، عرصه جنگ است وطرف‌های سیاسی معارض باید درانتظارتوافق طرف‌های خارجی برای دستیابی به راه حل سیاسی و مسالمت آمیزبحران سوریه بمانند، به ویژه آنکه هشدارهایی جدی نیزدرباره احتمال سرایت بحران به کشورهای همجوارسوریه داده شده است.

*** تروریست‌های تکفیری به مرور توانسته‌اند گروه‌های وابسته به ارتش آزاد سوریه را از پیش رو بردارند و این موضوع به شکلی ویژه در مورد «جبهه النصره» که با القاعده بیعت کرده است صدق می‌کند، پس عجیب نیست اگر گفته شود که اکنون معارضان سیاسی صدایی در سوریه ندارند و اکنون، اولویت، صحنه جنگ است و معارضان سیاسی صرفاً باید منتظر توافق طرف‌های خارجی برای دستیابی به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز باشند**

***بازیگران تحولات سوریه**

با آغاز بحران سوریه مواضع بین المللی ومنطقه‌ای درقبال این بحران به دوبخش مخالف وموافق تقسیم شد تا این شکاف مواضع، پیام‌آورشکل گیری نظام جدید چند قطبی درعرصه بین المللی باشد. مهمترین بازتاب‌های بحران سوریه را باید بروز شکاف در عرصه بین المللی در خصوص نحوه تعامل با این بحران به شمار آورد و این تداعی کننده جنگ سرد دراذهان وتعدد محورهای اختلاف بین شرق وغرب و سرمایه‌داری و کمونیسم بود.

این درحالی است که تا پیش ازآغاز بحران سوریه، برای دو دهه شاهد حاکمیت آمریکا برعرصه بین المللی بودیم وآغاز بحران سوریه عاملی شد تا بار دیگر موازنه‌ای بین قدرت‌های بزرگ درعرصه بین المللی حاصل شود.شکافی که هم اکنون عرصه بین المللی شاهد آن است، به این معنا نیست که آمریکا در آستانه عقب نشینی ازعرصه بین المللی وسپردن زمام امور به نیروهای دیگر است،اما بحران‌هایی که واشنگتن طی سال‌های اخیر درگیرآن بوده، ازجمله جنگ‌های افغانستان وعراق وبحران مالی جهانی،موجب شد دولت آمریکا ازبرخی برنامه‌های خود عقب نشینی کند و این به نیروها وقدرت‌های بین المللی و در راس آنها روسیه، چین وگروه«بریکس»اجازه داد تا درعرصه بین المللی بار دیگر خودموضع ودیدگاه خودراارائه وهشداردهند که جهان تغییرکرده وسیاست یک قطبی دیگر در عرصه بین الملل سیاست کارآمدی به شمار نمی‌آید و این موضوع رابه شکلی عیان وملموس دربحران سوریه می‌توان ملاحظه کرد.

این شکاف و تقسیم تنهامحدود به کشورهایی نمی‌شد که ذکر آنها رفت، بلکه چنین شکاف‌هایی رادرجهان عرب نیز شاهد بودیم که درقالب اتحادیه عرب با بحران سوریه با احتیاط برخورد کردند ودرخفا وآشکارسخنان بسیاری به گوش رسیدمبنی براین که برخی کشورهاتوان مخالفت وبافشارهای سازمان یافته وبرنامه‌ریزی شده ازسوی غرب ورژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس علیه نظام سوریه را ندارند.

این طرف‌هابه‌رهبری‌عربستان سعودی وقطر،سرانجام با تعلیق عضویت سوریه دراتحادیه عرب ودادن کرسی این کشوربه ائتلاف معارضان،سوریه رااز‌عرصه جهان عرب دورکردندوبا ارائه کمک‌های مالی و نظامی به گروه‌های تروریستی وافراد مسلح،خود را در بحران گرفتارکردند و به آن دامن زدند،اماتمامی تلاش‌های صورت گرفته ازسوی آنها برای بین المللی کردن جنگ و به طورمشخص کردن وارد کردن سازمان‌های بین المللی ازجمله سازمان ملل به عرصه بحران ازطریق کسب موافقت آنها بااشغال نظامی،با شکست مواجه شد.

«بازی‌بابزرگان»قواعدمتفاوتی دارد،به خصوص اگردرحوزه چنین بزرگانی،کشورهایی چون روسیه،چین،دیگراعضای بریکس وایرانقرارگرفته‌باشند.این‌کشورها درطول بحران سوریه باتاکید برگفت‌وگوی داخلی،به راه حل مسالمت‌آمیزبرای بحران سوریه توسل جستند وهرگونه دخالت خارجی وتحمیل خواسته‌های موردنظرکشورهای غربی وبرخی رژیم‌های منطقه‌ای بر دمشق رارد کرده ونسبت‌به تکرارسناریوی لیبی درسوریه، هشداردادند.

ادامه دارد

رویارویی و پنهانکاری

CONFRONT AND CONCEAL

OBAMA'S SECRET WARS AND SURPRISING USE OF AMERICAN POWER

DAVID E. SANGER

نوشته: ■ دیوید سَنگر

مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه

۴۴

لذا اکنون، حدوداً هر سه ماه یک بار، آمریکایی‌ها می‌کوشند تا جایی که ممکن است، محتاطانه با دستگاه ذیربط هسته‌ای پاکستان ملاقات کنند.

«توماس داگوستینو «Thomas D'Agostino»، رئیس امنیت ملی هسته‌ای و رابرت آینهورن «Robert Einhorn» از وزارت خارجه، آمریکا را نمایندگی می‌کنند؛ نمایندگان پاکستان ژنرال کدوی و کارکنانش هستند.

به علت حساسیت‌های فراوان پاکستان، این دیدارها هرگز اعلام نمی‌شوند و برای اجتناب از برملا شدن و سؤالاتی که ناگزیر به دنبال خواهد آمد، ملاقات‌ها در شهرهایی، از لندن تا دوبی صورت می‌گیرد، که شرکت‌کنندگان می‌توانند بدون جلب توجه وارد و خارج شوند.

یکی از مقامات دولت اوباما می‌گفت این روند کاخ سفید را از این لحاظ تحت تأثیر قرار داده است که، «پاکستانی‌ها ایمنی هسته‌ای را چقدر جدی تلقی می‌کنند، شاید جدی‌تر از هر کشور دیگری در دنیا.»

با این حال، مقام‌های ایالات‌متحده از آن بیم دارند که اگر زمانی پاکستان از درون فرو ریزد، زمام امور به سرعت از دست خارج شود. آن مقام دولتی افزود چنین واقعه‌ای را «نمی‌توان با آموزش و تجهیزات بهتر مهار کرد.»

فصل چهارم

شکار بن‌لادن، از دست دادن پاکستان

«جرونیمو، ایکیا» Geronimo,EKIA

ـ مخابره از تیم سیل در ابوت‌آباد، پاکستان، اولین تاییدیه به کاخ سفید مخابره شد، که اسامه‌بن‌لادن، بعد از یک دهه فرار، «دشمن در عملیات کشته شد»

در بهار سال ۲۰۰۸، درست وقتی که باراک اوباما در نامزدی دموکرات‌ها برای ریاست جمهوری، هیلاری کلینتون را پشت سر می‌گذاشت، دو مقام بلندپایه اطلاعاتی آمریکا، مایکل لایتر Michael Leiter و استیفن کاپس «Stephen kappes» در درون جامعهٔ جاسوسی آمریکا یک سلول ویژه فوق سری تشکیل دادند. آنها عزم جزم داشتند که ناگوارترین ناکامی اطلاعاتی یک دهه را حل کنند: عجز دولت بوش از یافتن اسامه‌بن‌لادن و معاونش ایمن‌الظواهری. لایتر کمی پس از آنکه پست ریاست مرکز ملی ضد تروریسم را، که خود مخلوق شکست اطلاعاتی یازدهم سپتامبر بود، ترک کرد، به من گفت: «آخرین حس ما دربارهٔ محل اختفای او «تورابورا» Tora Bora،بود». منظورش فرار مشهور بن‌لادن از این ناحیه بود، پس از خطای عظیم دولت بوش در دادن کمک به رزمندگان اتحاد شمال افغانستان به وسیلهٔ نیروهای عملیاتی ویژه آمریکا، برای انجام مسئولیت تعقیب بن لادن در یکی از دشوارترین نقاط کوهستانی جهان، از آن پس، شایعات، سرنخ‌های امید بخش، بن‌بست‌های بی‌شمار، صرف میلیونها دلار بود، بی‌آنکه هیچ نتیجه‌ای حاصل شود. بوش در اواخر دوران ریاست جمهوری خود به ندرت در علن از بن لادن نام می‌برد، زیرا به دنیا یادآور می‌شد که آگهی «تحت تعقیب: مرده یا زنده» رئیس جمهوری به ناکامی انجامیده است.

لایتر و کاپس، باهم، زوج غریب دنیای اطلاعاتی بودند. لایتر، که از انگیزه حرکت شبکه‌های ترور به هیجان می‌آید، هنوز هیکل تراشیده افسران نیرو دریایی را دارد و یک فرهیخته روشنفکر فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق هاروارد و منشی سابق دادگاه عالی است. لایتر پس از منشیگری در ستاد کمیسیون WMD ـ عمو زاده کمتر معروف کمیسیون ۱۱ سپتامبر خدمت می‌کرد ـ کمیسیونی که گزارشی گزنده درباره اینکه ایالات متحده چگونه دستگاه اطلاعاتی را در عراق منهدم کرد، نوشت و نتیجه گیری آن عده زیادی را در کاخ سفید تلخکام و خشمگین گردانید. (وی یک بار ناچار شد مقابل بوش اقرار کند که هرگز به او رأی نداده است ـ اقراری که احیاناً باعث یکه خوردن چهل و سومین رئیس جمهوری آمریکا شد، که در امور روزانه به لایتر متکی بود.)

ادامه دارد

یادداشت

مرثیه‌ای بر پارک پردیسان

دکتر محمدرضا سلمانی ندوشن

چندی پیش فرصتی دست داد تا بعد از چند سال سری به پارک پردیسان بزنم: پارکی که اکنون نماد واقعی رهاشدگی و سوء مدیریت است. زباله تمام باغچه‌ها و فضای پارک را پوشانده است، سنگفرش پیاده‌روها در حال اضمحلال است، سنگ‌های نما یکی یکی در حال افتادن و تخریب است، سیستم آبیاری چمن‌ها و فضای سبز در جای جای پارک خراب شده و هنگام آبیاری باتلاقی ایجاد می‌شود که نتیجه آن خرابی چمن و درختان و ایجاد مامنی مناسب برای حشرات موذی و ایجاد بوی تعفن است.

بخش وسیعی از پارک رها شده و جنگلی است که قطعا محیط مناسبی برای تجمع افراد خلافکار خواهد بود البته نمی‌دانم این مدل جنگلی، بخشی از رسالت این پارک است یا حاصل بی توجهی؛ ولی در فضاهای دست کاشت هم گیاهان خودرو کم کم دارند جای گل و گیاه موجود را می‌گیرند.

پارکینگ‌های پارک به مرور به سمت ویرانی می‌روند و هزاران نکته دیگر که تا خودتان قدم رنجه نکنید و سری به این پارک ۲۷۵ هکتاری در یکی از بهترین نقاط پایتخت نزنید، عمق آن را درک نخواهید کرد.

اما طنز واقعی این پارک، ساعت کار موزه حیات وحش آن است. همانطور که همگی می‌دانیم موزه‌ها و فضای گردشی برای اوقات فراغت مردم طراحی می‌شوند و اصولا باید در ساعت عصر و روزهای تعطیل فعال باشند تا مردم فارغ از خستگی کار سری به موزه بزنند و رفع خستگی کنند، ساعت کار موزه این پارک ۸ صبح تا ۱۴:۳۰ روزهای شنبه تا چهارشنبه است که بعید می‌دانم به جز کارکنان موزه کسی در این ساعت بتواند به آنجا مراجعه کند.

با نیم نگاهی به وضع این پارک که تحت مدیریت سازمان محیط زیست قرار دارد، با خود اندیشیدم که اگر وضع حفاظت از محیط زیست در بهترین نقاط ام‌القرای ایران اسلامی چنین است، چرا گاهی از وضع حفاظت محیط زیست دریاچه ارومیه و بختگان و مناطق حفاظت‌شده دور و نزدیک کشور گلایه‌مندیم؟

آخر مشت نمونه خروار است، به عبارتی از قدیم گفته‌اند دم باغ که بایستی ته آن پیداست! امیدوارم مسئولان محیط زیست استان تهران به خود آیند و فکری به حال این منبع ملی بکنند، چرا که بعید می‌دانم اگر این روند نگهداری ادامه داشته باشد، چند ماه دیگر اثری از این فضای تفریحی بماند.

یا اگر درخود توان مدیریت و نگهداری پردیسان را نمی‌بینند، براساس اصل ۴۴ قانون اساسی مدیریت آن را به شهرداری یا بخش خصوصی واگذار کنند.

اخبار کوتاه

تشییع پیکر پدر ۳ شهید و یک آزاده در کاشان

کاشان: پیکر پاک پدر شهیدان علی اصغر، حسین و محمد و آزاده سرافراز اکبر باغ میرانی درکاشان تشییع و به خاک سپرده شد.

حاج ماشاءالله باغ میرانی به علت کهولت سن و بیماری در سن هفتادوپنج سالگی دار فانی را وداع گفت و صبح دیروز پیکرپاکش برروی دستان مردم شهید پرور کاشان تشییع و در گلزار شهدای دارالسلام در کنار مزار دو پسر شهیدش به خاک سپرده شد.

شهید علی اصغر باغ میرانی فرمانده دسته طریق القدس بود و حسین فرماندهی دسته کربلای ۵ را برعهده داشت.

خانواده باغ میرانی ها در شهرستان کاشان بیش از ۳۵ شهید تقدیم انقلاب کرده‌اند.

تیراندازی‌های مرگبار در آمریکا

آمریکا- خشونت‌های مسلحانه سه روز گذشته در شیکاگو پنج کشته برجاگذاشت.

پلیس شیکاگو درباره مرگ مرد چهل و دو ساله‌ای که صبح یکشنبه به ضرب گلوله کشته شد، تحقیق می‌کند. چهار نفر دیگر نیز در تیراندازی‌های جداگانه کشته شدند.

مقامات ایالت تگزاس گفتند: در تیراندازی یک فرد مسلح، یک نفر کشته شد و پنج نفر دیگر از جمله کلانتر منطقه‌ای زخمی شدند. عامل تیر اندازی یک فرد مسلح بیست و سه ساله اهل کارولینای شمالی بود که او نیز پس از تعقیب و گریز به ضرب گلوله نیروهای پلیس بزرگراه کشته شد.

رئیس جمهوری: هیچ طرح ناتمامی برای دولت بعدی نمی‌ماند

گرگان - خبرنگار اطلاعات: رئیس جمهوری با بیان این که دولت تصمیم گرفته است هیچ طرحی برای دولت بعدی برزمین نماند، گفت: بیش از ۹۰۰ پروژه بزرگ جزو لیست پروژه‌های نیمه تمام بود که اجرای آن بار سنگینی را از دوش نظام اسلامی بر می‌داشت و سبب ایجاد نشاط اجتماعی می‌شد که تا کنون نزدیک به ۵۰۰ پروژه به اتمام رسیده است و بخش بزرگی از این پروژه‌ها نیز تا پایان دولت دهم به اتمام خواهد رسید.

دکتر احمدی‌نژاد که در مراسم افتتاح راه آهن بین‌المللی گرگان - اینچه برون و سد مخزنی کبودوال در استان گلستان سخن می گفت، افزود: ایران امروز به عنوان پرچمدار ارزش‌های الهی، توحید، عدالت و انسانیت شناخته شده و معتقدم تنها ملتی که می‌تواند پرچمدار توحید و عدالت در جهان باشد ملت ایران است، این تعصب نیست، احساس ناسیونالیسمی هم نیست چرا که ایران یک قوم یا یک نژاد نبوده و یک جغرافیا نیست، بلکه ایران یک فرهنگ بزرگ است. وی با بیان این که ایران دارای اقوام متعددی است، افزود: در ایران همه به دنبال خط پیامبر (ص) هستند، لذا این کشور باید قدرتمند، پیشرفته، عزیز و آباد باشد که این با همت و تلاش شدنی است. وی در بخش دیگر سخنان خود با بیان این که مشکلات در همه جای دنیا وجود دارد و مختص ایران نیست، افزود: اقتصاد اروپا با وجودی که با تحریم مواجه نبود، رشد منفی داشت، اما ایران به رغم قرارگرفتن فشارهای سیاسی و اقتصادی از داخل و خارج، حرکت رو به جلویی داشته و دارد.

افتتاح طرح‌ها

رئیس جمهوری در سفر دیروز خود به استان گلستان دو طرح بزرگ عمرانی و ۱۴ هزار و ۱۳۰ واحدمسکن مهر را افتتاح کرد.

خط آهن بین‌المللی گرگان - اینچه برون از جمله طرح‌هایی بودکه با حضور رئیس جمهوری، وزیر راه و شهرسازی و تنی چند از مسئولان کشوری و استانی در سالن گمرک اینچه برون در شمال شهرستان گنبدکاووس به بهره‌برداری رسید. با بهره برداری از این خط آهن، اتصال ریلی کشورهای آسیای میانه (کشورهای حاشیه دریای خزر و CIS) به آب‌های دریای عمان و خلیج‌فارس ازطریق جمهوری اسلامی ایران و در نهایت کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرق فراهم شده است. جابه جایی ۴۰۰۰ مسافر و ترانزیت یک میلیون تن کالا از شمال به جنوب کشور و انتقال آنها به کشورهای آسیای میانه و کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی از اهداف دیگر اجرای این پروژه است.

خط آهن مهم و استراتژیک گرگان - اینچه برون از مهم‌ترین خطوط ترانزیتی و پروژه‌های مهر ماندگار کشور بوده که ساخت آن با توافق روسای جمهوری سه‌کشور قزاقستان، ترکمنستان و ایران صورت گرفته است. طول این پروژه در سه‌کشور ایران، ترکمنستان و قزاقستان حدود ۹۶۰ کیلومتر است که ۸۰ کیلومتر آن درخاک ایران واقع شده است و با ایستگاه‌های مجاور به ۱۱۰ کیلومتر می‌رسد و برای اجرای بخش ایرانی آن ۱۳۰۰ میلیارد ریال اعتبار صرف شده است.

سد مخزنی کبودوال نیز دیروز با حضور رئیس جمهوری در شهرستان علی آبادکتول به بهره‌برداری رسید. این سد مخزنی با حجم مفید ۱۷ میلیون مترمکعب و طول تاج ۱۳۷۲ متر قابلیت تنظیم سالانه حدود ۵۰ میلیون مترمکعب آب را دارد و اعتبار صرف شده برای پروژه نیز حدود ۵۱۰ میلیارد ریال است.

سدکبودوال یکی از هشت پروژه مهر ماندگار شرکت آب منطقه‌ای گلستان است که در ۵/۱ کیلومتری جنوب شهر علی‌آبادکتول قراردارد.

کشف اسناد جدید تخلفات گمرکی در پرونده فساد ۳هزار میلیاردی

سرویس خبر: تشکیل ۱۱ پرونده تخلف برای کاندیداهابه دلیل تبلیغات زودهنگام، تعقیب قضایی ۷۹۱مجرم خاص در سال گذشته، مطرح بودن پرونده همراهی رئیس‌جمهوری درکنار یکی از نامزدهای انتخاباتی درزمان ثبت نام در دستگاه قضا، آغاز محاکمه بیش از ۴۰ تروریست درتهران و شناسایی ۸۲۲معوقه‌دار بانکی وهشدار به بانک‌ها برای اعلام گزارش تسویه خود با آنان از جمله موضوع‌هایی بود که در چهل و هفتمین نشست سخنگوی قوه قضائیه مطرح شد.

حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور در ابتدای این جلسه از تشکیل پنج جلسه مرکزی، ۱۱۷ جلسه استانی و بیش از ۵۴۰ جلسه شهرستانی ستاد پیشگیری از وقوع جرائم انتخاباتی خبر داد.

وی افزود: با تشکیل ستادهای پیشگیری از جرائم انتخاباتی گام مهمی در برگزاری هرچه سالمتر انتخابات برداشته‌ایم.

***تعقیب ۷۹۱ مجرم خاص**

سخنگوی قوه قضائیه گفت: یکی دیگر از اقداماتی که از سوی دستگاه قضایی کشور پارسال به طور جدی مورد پیگیری قرار گرفت ستاد پیگیری جرائم خاص بود که باتشکیل ۷۴۷ پرونده ۷۹۱ نفر مجرم تحت تعقیب قرار گرفتند. سخنگوی قوه قضائیه به برخورد دستگاه قضایی با عوامل سرویس‌های جاسوسی بیگانه اشاره کرد و گفت: در سال‌های گذشته چندتن از دانشمندان هسته‌ای کشور توسط عوامل جاسوسی سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه به شهادت رسیدند ووزارت اطلاعات با جمع آوری اطلاعات دقیق و همکاری دستگاه قضاموفق به شناسایی بیش از ۴۰نفراز این جاسوسان ودستگیری آنها شدکه پرونده این متهمان به دادگاه ارسال و با شروع محاکمه تاکنون دفاع یکی از آنها اخذ شده است و رسیدگی به اتهام سایر متهمان نیز ادامه دارد.

***شناسایی ۸۲۲ معوقه‌دار بانکی**

وی از شناسایی ۸۲۲ معوقه‌دار بانکی خبر داد و گفت: این افراد بیش از ۱۰ میلیارد تومان تسهیلات از بانک دریافت کرده و پس نداده اند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با اشاره به برگزاری جلسات با مسئولان بانک مرکزی و برخی از بانک‌ها گفت: این اقدامات برای مقابله با بروز مفاسد اقتصادی بود. در نوبت اول در نامه‌ای از بانک مرکزی خواستیم تا کسانی که بیش از یک میلیارد تومان معوقه بانکی دارند به ما معرفی کنند. بانک مرکزی افراد بالای ۱۰ میلیارد تومان را به ما معرفی کرد. ما در گام دوم از خود بانک‌ها نیز همین لیست را مطالبه کردیم که با مقایسه دو لیست موجود به برخی تناقضات رسیدیم و متوجه شدیم برخی آمار با یکدیگر همخوانی ندارند.

***رسیدگی به پرونده همراهی رئیس‌جمهوری**

سخنگوی قوه قضائیه گفت: پرونده همراهی رئیس‌جمهوری با اسفندیار رحیم مشایی هنگام ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری به قوه قضائیه منتقل شده است، و مطرح و درحال رسیدگی است.

دادستان کل کشور درباره پرونده مهدی هاشمی افزود: متهم و وکیل این پرونده مدعی شده‌اند که نتوانسته‌اند به صورت کامل پرونده را مطالعه کنند به این دلیل درخواست مهلت کرده‌اند که درخواستشان پذیرفته شد. ضمن این‌که قاضی نیز نقایصی در ذهنش بود و برای رفع نقص پرونده را به دادسرا ارجاع داد. سخنان وکیل مهدی هاشمی که گفته است پرونده گم شده است، صحت ندارد و پرونده در دادسرای انقلاب تهران است.

***دادگاه کهریزک**

سخنگوی دستگاه قضا در باره برگزاری دادگاه کهریزک گفت: بخشی از این پرونده در دادسرای نظامی مورد رسیدگی قرار گرفت و حتی برای چند نفر حکم قصاص صادر شد، ولی با بخشش اولیای دم این احکام اجرا نشد. آن بخشی از پرونده که مربوط به تعلیق چند قاضی بود با معلق شدن قضات تشکیل و ۱۱ جلسه رسیدگی به این پرونده ادامه یافت. شکات و متهمان همگی فرصت بسیار وسیعی داشتند برای آنکه از خود دفاع کنند که این امر محقق شد. او درباره پرونده بانک آریا گفت: افراد دیگری در پرونده فساد مالی متهم هستند که به تناوب کیفرخواست آنها ارائه شده و موضوع در حال رسیدگی است.

***دستگیری مخلان امنیت**

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در باره دستگیری افرادی که قصد بر هم زدن امنیت انتخابات راداشتند گفت: دشمن در این ۳۴ سال انتخابات، درس نگرفته و همواره به دنبال این بوده که مردم را به حضور نیافتن در انتخابات تشویق کند. این بار هم همین تلاش را دارد، اما کشور ما آرام است و نیروهای امنیتی، انتظامی، اطلاعاتی و دستگاه قضایی به طور کامل فعالیت‌ها را رصد می‌کنند و اگر دشمن نقشه‌ای داشته باشد با آن برخورد می‌شود. وی گفت: عده‌ای از سوی وزارت اطلاعات به دلیل اخلال در امنیت دستگیر شده‌اند و باید منتظر ثابت شدن اتهامات آنها بمانیم.

***کشف اسناد جدید**

سخنگوی قوه قضائیه از کشف اسناد جدید تخلفات گمرکی در پرونده فساد ۳ هزار میلیاردی خبر داد و گفت: با توجه به این اسناد و مدارک احتمالاً مه‌آفرید مجدداً باید محاکمه شود. محسنی اژه‌ای درباره اجرا نشدن احکام چهارمتهم ردیف اول پرونده فساد ۳ هزار میلیاردی گفت: این افراد به بانکها و افراد عادی بدهی دارند و تا تکلیف آن بدهی‌ها مشخص نشود، نمی‌توان حکم اعدام این افراد را اجرا کرد.

فرمانده ناجا تأکید کرد:

دخالت پلیس راهور در بحث امنیت اخلاقی

سرویس خبر: پلیس راهور نباید عنصر بی‌تفاوت در بحث امنیت اخلاقی باشد و فقط به‌دلیل تخصصی کردن کارها در پلیس، با جرم مشهود برخورد نکند و متخلفان هم نباید احساس کنند که ماموران راهور فقط با جرائم رانندگی برخورد می‌کنند.

سردار اسماعیل احمدی‌مقدم فرمانده ناجادر همایش تخصصی روسای پلیس راهور استان‌ها با اشاره به این مطلب تاکید کرد: برخورد با هنجارشکنی، بی‌نزاکتی، مزاحمت نوامیس، کشف حجاب و آلودگی صوتی در صورتی که مامور پلیس راهور حضور داشته باشد، باید انجام شود و مامور راهور می‌تواند خودرو فرد متخلف را متوقف کند و به بخش مربوطه ارجاع دهد.

فرمانده ناجا با اشاره به این‌که الزاماً جریمه کردن بازدارنده نیست، گفت: با تورم موجود ارزش جرائم رانندگی در مقایسه با سال گذشته نصف شده است.

وی با اشاره به این‌که الزاما ورود خودروهای خارجی نمی‌تواند رقابت ایجاد کند، افزود: بدترین خودرو خارجی بیش از ۴۰ میلیون تومان قیمت دارد که این رقم در توان خرید عموم مردم نیست و عمدتاً افرادی آنها را می‌خرند که کار تجاری انجام می‌دهند.

او با تأکید بر این‌که نباید بر سر صنعت خودرو بزنیم، گفت: صنعت خودرو پیچیده‌تر از بیوتکنولوژی و غیره نیست، بنابراین همه باید تلاش کنند تا فاصله‌ها در این زمینه کم شود.

فرمانده ناجا با تأکید بر این‌که ارتقای شخصیت پلیس راهور در نزد مردم به چشم می‌خورد گفت: پلیس راهور نماد قانونگرایی است و باید نماد اخلاق هم باشد.

وی به سفرهای تابستانی اشاره کرد و افزود: قطعاً افزایش حضور و قاطعیت در برخورد با متخلفان باید در دستور کار ماموران پلیس راهنمایی و رانندگی قرار بگیرد.

رئیس پلیس کشور با اشاره به این‌که پارسال ۵/۶ درصد کاهش کشته‌های تصادفات رانندگی داشتیم گفت: امیدواریم این روند امسال نیز ادامه پیدا کند و تا پایان سال شمار کشته‌های تصادفات رانندگی به زیر ۱۷ هزار تن برسد.

فرمانده ناجا در حاشیه نشست تخصصی روسای پلیس راهنمایی و رانندگی و راه کشور گفت: ۶۰ درصد تصادفات و تلفات جاده‌ای سالانه مربوط به نیمه نخست سال است، بنابراین اگر بتوانیم این آمار را کنترل کنیم، قطعاً شاهد کاهش کشته‌های تصادفات تا پایان سال خواهیم بود.

او درباره مراسم ارتحال حضرت امام خمینی (ره) گفت: پیش‌بینی می‌شود شمار زائران در مراسم امسال ۲۰ درصد افزایش یابد و تلاش می‌کنیم تا تدابیر لازم برای انتقال زائران به حرم‌مطهر فراهم شود و تا حد ممکن پارکینگ‌های در نظر گرفته به حرم نزدیک باشد تا زائران مجبور نشوند مسافت زیادی را برای رسیدن به محل پیاده طی کنند.

وی درباره انتظار پلیس از خودروسازان، گفت: انتظار داریم از ظرفیت‌های علمی و فنی کشور در زمینه خودروسازی استفاده شود و خودروسازان نیز تلاش کنند تا با اتکای داخلی، تکنولوژی ساخت خودرو را ارتقا دهند و نیاز به خودروهای خارجی کاهش یابد.

فرمانده ناجا اضافه کرد: سال گذشته در شدیدترین موقعیت تحریم‌ها، بخش قابل توجهی از خودروهای ما داخلی شد و توانستیم استاندارد یورو ۴ را اجرایی و نصب دو کیسه هوا را برای خودروها را الزامی کنیم.

سردار اسکندر مؤمنی در حاشیه همایش تخصصی روسای پلیس راهور استان‌ها با اشاره به این‌که در دو ماهه امسال کاهش قابل توجه کشته‌ها و تصادفات رانندگی را شاهد بودیم، افزود: در ایام ارتحال امام خمینی (ره) دو موضوع اجرای مراسم و انتقال زائران در دستور کار پلیس راهور قرار دارد.

وی تاکید کرد: بر اساس هماهنگی انجام شده تمام کاروان‌هایی که برای مراسم می‌آیند، باید از خودروهای عمومی دارای برگ معاینه فنی و مجوزدار استفاده کنند.

سردار مؤمنی به طرح تابستانه پلیس راهور اشاره کرد و گفت: توان دستگاه‌های اجرایی در طرح تابستانه ۲۰ درصد افزایش داشته است. از سوی دیگر نسبت به سال گذشته نیز تعداد روزهای تعطیلی بیشتر خواهد بود.

وی از افتتاح سامانه نظارت مردمی پلیس راهور ناجا پیش از تابستان امسال خبر داد و گفت: بر اساس قانون جدید، پلیس اجازه دارد از گزارش‌های مردمی در بحث تخلفات رانندگی اعم از فیلم و عکس استفاده کند که در این سامانه شهروندان می‌توانند هر گونه تخلف رانندگی را به صورت فیلم و عکس برای ما ارسال کنند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

یکی شدن همه دست‌ها!

با وجود همه شکایت‌ها از مشکلات ناشی از گرانی، ما می‌توانیم به یاری یکدیگر مشکلات و موانع را از سر راه برداریم و نعمت‌ها را بزرگ ببینیم. هنر ما ایرانیان، توانایی مقاومت در برابر قدرت‌های زورگو است و ای کاش همه دست‌ها در این مقاومت، یکی شود!

یزد ـ خانم هموطن

تشکر از چاپ یک مقاله

از خانم دکتر غنچه راهب به دلیل نگارش مقاله پرنکته و خواندنی «مشارکت اجتماعی زنان ایرانی» و از روزنامه اطلاعات به دلیل چاپ این مقاله سپاسگزارم.

کرج ـ ایمیل به خط ارتباطی

رسیدگی به مشکل داوطلبان آزمون کارشناسی ارشد

مسئولان سازمان سنجش کشور در روز اول اعلام نتایج نمرات آزمون سال ۹۲ کارشناسی ارشد بدون بررسی‌های لازم اعلام کردند که ۹۹ درصد اعتراضات به نمرات نادرست است، چون اوراق آزمون را ماشین تصحیح می‌کند. در صورتی که اگر به داوطلبی پرسشنامه‌ای داده شود که بر اثر اشتباه اولیه انسانی به هنگام دادن اطلاعات به ماشین و بسته‌بندی پکیج‌های مختلف، پرسشنامه برای تصحیح با کلید اشتباه برای ماشین تعریف شود، ماشین نیز پاسخنامه را به اشتباه تصحیح می‌کند و قادر به تشخیص خطای انسانی نخواهد بود.

از مسئولان سازمان سنجش تقاضا داریم به شکایت داوطلبان آزمون رسیدگی کند تا صرفاً به این دلیل که پول نداریم برویم خارج درس بخوانیم، حقمان ضایع نشود!

مشهد مقدس ـ ایمیل به خط ارتباطی

تشکر از مسئولان خط اتوبوسرانی

در پی اعتراض مسافری به راننده اتوبوس بخش خصوصی خط میدان انقلاب ـ میدان راه‌آهن به دلیل روشن نکردن کولر، کار آنان به مشاجره و شکایت به رئیس ناحیه مربوطه اتوبوسرانی کشید که وی نیز با شنیدن سخنان دو طرف، با ارائه توضیحات لازم بین مسافر و راننده اتوبوس صلح و صفا برقرار کرد که از توجه و بردباری این مسئول محترم سپاسگزاری می‌شود.

راننده اتوبوس شرکت واحد

تأخیر در پرداخت حقوق

بازنشسته شرکت ذغال‌سنگ البرز مرکزی وابسته به شرکت ملی فولاد هستم، از ابتدای سال ۹۲ تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده‌ایم و منتظر دریافت آن هستیم.

بازنشسته شرکت البرز مرکزی

وعده‌های عمرانی دولت در لرستان

رئیس محترم دولت در سفر اول خود به خرم‌آباد به مردم این شهر قول داد که بیل و کلنگ در دست می گیرد و در جهت محرومیت‌زدایی و عمران و آبادانی استان لرستان تلاش می‌کند، ولی متأسفانه در این مورد آن طور که باید و شاید اقدام نشده است.

خرم‌آباد ـ یک شهروند

ضرورت چاپ نشانی و شماره حساب بنیاد خیریه

در گزارشی که از بنیاد خیریه سپهر در صفحه ۵ روزنامه اطلاعات ۲۳ اردیبهشت منتشر شد، نشانی و شماره حسابی از این بنیاد خیریه درج نشد. لطفاً آن را چاپ کنید تا نیکوکاران بتوانند به این بنیاد کمک کنند.

تلفن‌هایی به خط ارتباطی

خط ارتباطی: نیکوکاران محترم می‌توانند با شماره تلفن‌های ۲۳و۲۶۲۰۴۳۲۲ تماس بگیرند و یا به نشانی الکترونیکی www.sepehrcharity.com مراجعه کنند.

هزینه سفر استانی به لرستان

سفر توأم با تبلیغات زودرس انتخاباتی اخیر دولت محترم به استان لرستان هزینه‌های هنگفتی به همراه داشت. ای کاش دولت این پول را بین اقشار محروم و حاشیه‌نشین خرم‌آباد توزیع می‌کرد!

خرم‌آباد ـ دبیر بازنشسته

هیچ زوجی از مشاوره بی‌نیاز نیست

به عقیده من به جای تیتر گزارش «هیچ زوجی به مشاوره بی‌نیاز نیست» روزنامه اطلاعات، بهتر بود می‌نوشتید «هیچ زوجی از مشاوره بی‌نیاز نیست».

خواننده روزنامه اطلاعات

قدردانی از زحمات یک نامه‌رسان

از حسن اخلاق و زحمات صادقانه آقای معصومی نامه‌رسان منطقه ۷ ناحیه ۴ شهرداری تهران قدردانی می‌کنم.

حکیمیان

پرداخت مطالبات معوقه بازنشستگان کشوری

از رئیس جمهوری تقاضا می‌شود دستور دهد از منابع دولتی طلب معوقه بازنشستگان کشوری پرداخت شود، تا همیشه دعاگوی ایشان باشند.

بازنشسته کشوری

مشکل تلفن‌های زندان اوین

سیستم تلفن‌های زندان اوین را طوری طراحی کرده‌اند که در طول هر تماس، هر ۳۰ ثانیه یک بار اعلام می‌کند که این تماس از زندان اوین است. از مسئولان زندان درخواست می‌شود به خاطر زندانیان و آرامش روحی آنان در طول یک تماس تلفنی، این مورد را حذف کنند.

زندانی زندان اوین

محاسبه برق به قیمت واقعی

اخیراً وزیر محترم نیرو اعلام کرده است که قیمت برق باید به قیمت واقعی هر کیلووات ۱۰۰۰ ریال محاسبه شود. از قدیم گفته‌اند سیر از گرسنه خبر ندارد و سواره از پیاده! این همه گرانی‌های ناشی از سوء مدیریت کم نیست که شما هم می‌خواهید نمک بر زخم مردم بپاشید!

تلفن به خط ارتباطی

پاسخ مسئولان

پاسخ وزارت آموزش و پرورش در خصوص رسیدگی به برکناری معلمان استان کردستان

باسلام و احترام، عطف به مطلب مندرج در آن روزنامه مورخ ۹۲/۲/۲۳ با عنوان «استمداد از رئیس جمهوری و وزیر آموزش و پرورش درخصوص رسیدگی به برکناری معلمان استان کردستان» عین جوابیه اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان به اطلاع می‌رساند:

در اجرای نامه تقدیم شده به مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و هیأت محترم دولت، پرونده کلیه افراد موصوف جمع آوری و درحال بررسی و انجام است.

خواهشمند است طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در آن رسانه اقدام لازم صورت گیرد.

علی فرهادی- رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی

پاسخ شرکت مترو تهران پیرامون توسعه خطوط مترو به شهران و جنت آباد

با سلام، احتراماً بازگشت به مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات، مورخ ۹۲/۲/۲۵، صفحه۱۳با عنوان «توسعه خطوط مترو به شهران و جنت آباد» به اطلاع می‌رساند با توجه به برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده و در صورت بهره‌برداری فاز سوم خط ۶ متروی تهران، مناطق شمال‌غربی شهر تهران از جمله شهران، کن و سولقان پوشش داده خواهد شد.

روابط عمومی و بین‌المللی شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو)

پاسخ شهرداری منطقه یک درباره دیوار درحال ریزش

با سلام و احترام، عطف به پیام مندرج در آن روزنامه مورخ ۹۲/۲/۹ با موضوع «دیوار منزلمان درحال ریزش است» بدینوسیله ضمن تشکر از این شهروند گرامی، توضیحات ذیل جهت استحضار و درج در روزنامه ارسال می‌گردد:

طبق گزارش شهرداری ناحیه۷ این منطقه محل مورد نظر این شهروند گرامی مربوط به دیوار ساختمان مجاور مجموعه شهربانو ویژه بانوان است که نسبت به احداث دیوار و نرده اقدام شده و در حال حاضر مشکلی وجود ندارد.

کاظم داودی- مدیر روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

پایان تور بین‌المللی دوچرخه‌سواری ایران با قهرمانی قادر میزبانی و پتروشیمی تبریز

مرحله ششم و پایانی تور بین‌المللی دوچرخه‌سواری ایران (آذربایجان) در حالی به پایان رسید که تیم پتروشیمی تبریز و قادر میزبانی، عنوان قهرمانی این دوره را به خود اختصاص دادند.

مرحله ششم و پایانی بیست‌وهشتمین دوره تور دوچرخه‌سواری بین‌المللی ایران (آذربایجان) صبح دیروز برگزار شد و در این مرحله از تور، دوچرخه‌سواران مسیر ۱۰۰ کیلومتری داخل تبریز را به صورت کریتریوم (دور زدن در یک مسیر معین) طی کردند و در پایان نفرات برتر به این شرح معرفی شدند:

۱. میلان کلادچ از تیم دوکلاپرای چک با زمان ۲ ساعت و ۳۱ دقیقه و ۵۷ ثانیه
۲. آلویس کنکوفسکی از تیم دوکلاپرای چک با زمان ۲ ساعت و ۳۲ دقیقه و ٤ ثانیه ۳. آلکساندر آلکسیو از تیم بریسا اسپور ترکیه با زمان ۲ ساعت و ۳۲ دقیقه و ٦ ثانیه

در مرحله ششم و پایانی تور ایران، قادر میزبانی از تیم پتروشیمی تبریز، صاحب پیراهن‌های طلایی، بهترین رکابزن آسیا و کوهستان شد.

الویس کنکوفسکی از تیم دوکلاپرای چک در پایان مرحله ششم، پیراهن امتیازی را به دست آورد.

رده‌بندی تیمی دوچرخه‌سواران در مرحله ششم:
۱. تیم ملی هنگ‌کنگ
۲. بیرسا اسپور ترکیه
۳. تیم ملی امید ایران

رده‌بندی کلی و پایانی مجموع انفرادی شش مرحله تور:
۱. قادرمیزبانی از تیم پتروشیمی تبریز با زمان ۱۸ ساعت و ٤۳ دقیقه ۲۰ ثانیه
۲. میلان کادلچ از تیم دوکلاپرای چک با زمان ۱۸ ساعت و ٤۳ دقیقه و ۳٦ثانیه
۳. امیر کلاهدوز از تیم پتروشیمی تبریز با زمان ۱۸ ساعت و ٤۳ دقیقه و ٤۳ ثانیه

رده‌بندی کلی و پایانی تیم‌های شرکت کننده شش مرحله تور:
۱. پتروشیمی تبریز با زمان ٥٦ ساعت و ۱۱ دقیقه و ۳٥ ثانیه
۲. تیم ملی امید ایران با زمان ٥٦ ساعت و ۱۳ دقیقه و ۳۱ ثانیه
۳. دوکلاپرای چک با زمان ٥٦ ساعت و ۲۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه

تیم پتروشیمی تبریز با کسب این عنوان، هفتمین قهرمانی خود را در تور بین‌المللی دوچرخه سواری ایران رقم زد. بیست و هشتمین دوره تور بین‌المللی دوچرخه سواری ایران با جایزه ٥٠ هزار یورویی، از یکم تا ششم خرداد با حضور ۱۹ تیم داخلی و خارجی در مسیرها و جاده‌های دو استان آذربایجان شرقی و غربی برگزار شد.

تعیین حریفان تیم ملی والیبال ایران در رقابت های قهرمانی آسیا

رقابت های والیبال قهرمانی مردان آسیا با حضور مقامات AVC در دوبی امارات قرعه کشی شد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون والیبال، قرعه کشی هفدهمین دوره رقابت های قهرمانی مردان آسیا با حضور نمایندگان کنفدراسیون والیبال آسیا و مسئولان فدراسیون والیبال امارت در دوبی برگزار شد که تیم ملی ایران با کویت و قزاقستان همگروه شد. دور مقدماتی این رقابت ها با حضور ۲٤ تیم در هشت گروه سه تیمی از ۹ تا ۱۹ مهر امسال در سالن شیخ حمدان بن محمد بن راشد دوبی برگزار می‌شود. تیم های اول هر گروه به دور بعدی راه می یابند. گروه بندی تیم ها بر اساس قرعه کشی انجام شده به این قرار است:

۱– هند – قطر – ازبکستان
۲– امارات – اردن – اندونزی
۳– ایران – کویت – قزاقستان
٤– کره – عراق – افغانستان
٥– عمان – ژاپن – سریلانکا
٦– پاکستان – لبنان – تایلند
۷– استرالیا – بحرین – میانمار
۸– عربستان – چین – چین تایپه

برپایی اردوی آسیایی تیم ملی بسکتبال از امروز

۲٦ بسکتبالیست دعوت شده به اردوی تیم ملی، از صبح امروز تمرینات خود را زیر نظر بچیرورویچ، آغاز می کنند تا پیراهن تیم ملی را در رقابت های قهرمانی آسیا بپوشند؛ رقابتی که سه ماه دیگر در فیلیپین برگزار می شود.

ملی پوشان بسکتبال ایران، دیروز وارد اردوی تیم ملی شدند و از صبح امروز زیر نظر بچیرورویچ، کارشان را آغاز خواهند کرد. ۲٦ بسکتبالیست مورد نظر سرمربی اسلوونیایی تیم ملی ایران، باید از امروز توپ به دست بگیرند و آماده شوند؛ آماده قهرمانی آسیا و کسب جام جهانی ۲۰۱٤ اسپانیا.

ارباب حلقه‌ها

سنتر ۲۱۸ سانتی متری بسکتبال ایران که در لیگ NBA عملکرد خوبی داشته، پس از دو سال به ایران آمده است و در فهرست بچیرورویچ قرار دارد. بهترین سنتر ایران که در فصل اخیر لیگ آمریکا از ممفیس به فینیکس سانز رفت در تیم جدیدش درخشید و حالا با آمادگی کامل به ایران برگشته است. ارباب حلقه های بسکتبال ایران که این روزها در اهواز، کنار خانوده اش به سر می برد، از جمله ملی پوشانی است که برای قهرمانی آسیا، انگیزه بالایی دارد تا دوباره قهرمانی در قاره کهن را تجربه کند و برای دومین بار به جام جهانی برود.

پسر آسیا

صمد نیکخواه بهرامی، کاپیتان تیم ملی بسکتبال ایران که به تازگی با پیراهن ماهان اصفهان، سهمیه باشگاه های آسیا را کسب کرد در سال های اخیر، بدون توقف مسابقه داده و درخشیده است. شماره ۱٤ مهرام و تیم ملی ایران، پس از پنج سال دستش از قهرمانی لیگ برتر کوتاه ماند، ولی همچنان انگیزه دارد و می درخشد. با اینکه در این فصل، تحت تاثیر اتفاقات قرار گرفت، لیکن در میدان نبرد، یکه تاز است. او در قهرمانی تیم ملی در غرب آسیا، نقش پررنگی داشت و حالا با آغاز اردوهای ملی، باید کنار دیگران باشد. وظیفه صمد، از دو سال پیش بیشتر شده است. پس از شکست مقابل اردن در قهرمانی آسیا، کاپیتان تیم ملی باید وظیفه مدیریتی اش را در تیم بیشتر کند و بدون هیچ تفکری، فقط در اندیشه هدایت آسمان خراش های ایران در فیلیپین باشد.

پلنگ آسیا

مهدی کامرانی، گارد راس شماره یک ایران که شنیده می شد، شاید در اردوی تیم ملی نباشد، آنقدر در لیگ برتر، قهرمانی غرب آسیا و باشگاه‌های غرب آسیا درخشید که نشان داد، هنوز بهترین گارد راس بسکتبال ایران است. مهار مهدی کامرانی در روزی که بخواهد، همه کاره باشد، دشوار است و بچیرورویچ، پس از اینکه سال گذشته استراحت خوبی به او داد، انتظار بالایی از او دارد.

دست های ۳ امتیازی

حامد آفاق، بسکتبالیست پست دو ایران که با پیراهن پتروشیمی، قهرمان لیگ برتر شد، همانند فصل های گذشته بدون حاشیه به کارش ادامه داد و فقط بازی کرد. آفاق در این فصل از لیگ برتر، از دو راس مثلث خود یعنی صمد و مهدی دور بود، ولی در ماهشهر به قهرمانی رسید. اما در باشگاه های غرب آسیا، ناکام بود. حامد آفاق که از بهترین شوت زن‌های آسیاست در قهرمانی غرب آسیا نیز موثر بود و نشان داد که هنوز ملی پوشان ایرانی، جزو بهترین هاهستند.

بازگشت به اوج

ملی پوش بسکتبال ایران که در این فصل از لیگ برتر بسکتبال، درخشید و به عنوان کاپیتان پتروشیمی، جام قهرمانی لیگ برتر را بالای سر برد به همه ثابت کرد که می تواند، موثر باشد. او در فصل های اخیر نقد می شد، ولی دوباره به اوج برگشته است. سهراب نژاد، بعد از بازی‌های آسیایی گوانگجو از بازی های ملی خداحافظی کرد، ولی قبل از قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۱ دوباره پیراهن ملی را به تن کرد و وارد کار شد. اگر چه او، در چین زمان زیادی برای مسابقه بدست نیاورد، ولی مهره ای تاثیرگذار بود. بچیرورویچ، او را به عنوان پست چهار در فهرست ملی پوشان قرار داد.

آماده ریباند

ملی پوش ارمنی بسکتبال ایران که در این فصل با پیراهن ماهان به مقام سومی لیگ رسید در باشگاه‌های غرب آسیا موفق بود و سهمیه باشگاه‌های آسیا را گرفت. در طول فصل آمادگی کاملش را نداشت، ولی اندک اندک به مرز آمادگی رسید و در باشگاه های غرب آسیا، عملکرد خوبی داشت. اوشین ساهاکیان، از دوره گذشته قهرمانی آسیا خاطره خوبی ندارد و با انگیزه مضاعف اردوی تیم ملی را آغاز می کند تا با قدرت راهی فیلیپین شود. او که از بهترین ریباندرهای ایران است، وظیفه سنگینی در پست چهار تیم ملی دارد و انتظارها از او، بالا است.

بازیکن مصدوم

گارد راس تیم بسکتبال ماهان در این فصل از رقابت ها با مصدومیت زیادی دست و پنجه نرم کرد. برای باشگاه های غرب آسیا، به میدان رفت و تیمش نتیجه گرفت. جواد داوری، کاپیتان ماهان بود و حالا باید در باشگاه های آسیا با پیراهن این تیم به میدان برود. اصلی ترین نگرانی درباره او، مصدومیتش است.

ماشاالله آرن

آرن داوودی، گارد راس ارمنی تیم ملی بسکتبال ایران با درخششی که در کاپ آسیا داشت، نشان داد که مهره ای موثر در تیم ملی است. بچیرورویچ نیز علاقه زیادی به او دارد. حتی در بسکتبال سه نفره آسیا شرکت نکرد تا استراحت کند و بدون مصدومیت وارد اردوهای ملی شود. هیچکس پرتاب ۳ امتیازی او به ژاپن را در ثانیه های پایانی فینال آسیا فراموش نمی کند؛ پرتابی که باعث قهرمانی تیم ملی شد. همان زمان بود که سایت کنفدراسیون بسکتبال آسیا با تمجید از او «ماشاالله آرن» گفت و اعلام کرد که شوت ۳ امتیازی داودی، قهرمانی را به ایران داد.

پادشاه اسلم دانک

ارسلان کاظمی، پادشاه اسلم دانک آسیا که فصلی درخشان در لیگ NCAA آمریکا داشت با اینکه برای حضور در اردوهای ملی مشکل دارد، ولی به اردو دعوت شده است. ارسلان که در آمریکا به سر می برد و برای درفت NBA آماده می شود به دلیل مشکل سربازی نمی تواند به ایران بیاید و از طرف دیگر باید برای NBA مبارزه کند. او، اعلام آمادگی کرده که می تواند به تیم ملی در فیلیپین اضافه شود، ولی بچیرورویچ، بازیکنی که در اردوهایش حاضر نباشد را نمی خواهد. ارسلان به عنوان بازیکن پست سه و چهار، آنقدر در لیگ کالج های آمریکا درخشیده است که کمتر کسی می تواند قبول کند در تیم ملی نباشد. اما اینکه چه سرنوشتی برایش رقم خواهد بخورد، معلوم نیست.

پاسور هنرمند

ملی پوش بسکتبال ایران که برای دوره گذشته قهرمانی آسیا، آماده می شد در رقابت های ویلیام جونز، دچار آسیب دیدگی شد و انتخابی المپیک را از دست داد. سامان ویسی در کنار توانایی فنی –که در پاسکاری و توپ رسانی منحصر به فرد است– شخصیتی محبوب بین ملی پوشان داشت که پس از ناکامی در چین، خیلی ها از جای خالی او در کنار تیم یاد کردند. سامان ویسی، پس از یکسال مصدومیت، دوباره در فهرست ملی قرار گرفته و انگیزه زیادی دارد. او می خواهد در بین ۱۲ نفر اصلی باشد و غیبتش در دوره گذشته را جبران کند.

پشتوانه زیر سبد

سنتر تیم ماهان با عملکردی که در لیگ داشت، تجربه حضور در لیگ لبنان را نیز بدست آورد. او، برای یک ماه لژیونر شد و عملکرد خوبی با تیم شانفیل لبنان داشت. او با پیراهن ماهان، این تیم را مغلوب کرد و سهمیه باشگاه های آسیا را گرفت. اصغر کاردوست به عنوان سنتر تیم ملی، پشتوانه ای برای حامد حدادی محسوب می شود. انتظارها از او، بالا است و باید در کنار حدادی، برای قهرمانی ایران بجنگد. اصغر کاردوست در رقابت های کاپ آسیا که با قهرمانی ایران همراه بود به عنوان بهترین سنتر انتخاب شد و نشان داد که می تواند جایگزینی قابل اعتماد باشد.

آماده نبرد

روزبه ارغوان، ملی پوش جوان بسکتبال ایران که در کاپ آسیا و قهرمانی غرب آسیا درخشید و به تیم ملی کمک کرد. او، از نظر فیزیکی بسیار قدرتمند و از نظر فنی در این سالها رشد چشمگیری داشته است. او در قهرمانی پتروشیمی، نقش بزرگی ایفا کرد و با حضور در ترکیب اولیه بچیرورویچ، شانس کسب تجربه در رقابت های قهرمانی آسیا را دارد. او، باید با بازیکنان قدرتمند، آماده و با تجربه در پست خود رقابت کند.

امیدوار به بازگشت

سعید داورپناه، پس از سه اردو به همراه تیم ملی سه نفره به مدال برنز آسیا رسید و دوباره در فهرست تیم ملی بزرگسالان قرار گرفت. با اینکه در این فصل مصدوم بود، عملکرد خوبی برای همیاری داشت. او در چند اردوی ملی نبود، ولی بالاخره توانست نام خود را وارد فهرست مورد نظر سرمربی تیم ملی کند و حالا این شانس دارد که در قهرمانی آسیا حاضر شود. او در دوره گذشته نیز پیراهن ملی را به تن کرده بود. داورپناه با توجه به نفرات دعوت شده به اردو، شانس خوبی برای قرار گرفتن در ترکیب ۱۲ نفره دارد.

در پی روزهای طلایی

فرید اصلانی، گارد راس ملی پوش مهرام بود که در این فصل، افول کرد و نتوانست همانند سال گذشته برای تیمش بدرخشد. او با عملکرد نامناسبش در ابتدای فصل، باعث شد تا از ترکیب ثابت مهرام خارج شود، ولی در انتهای فصل، شرایط خوبش را بدست آورد و بازی کرد. اصلانی در کاپ آسیا با تیم ملی بود، ولی در غرب آسیا دعوت نشد و از تیم ملی سه نفره نیز خارج شد. او، دوباره فرصت دارد تا وارد ترکیب تیم ملی شود و رقابت های قهرمانی آسیا را تجربه کند. البته خودش هم می داند که کار دشواری دارد.

اثبات داشته ها

محمد جمشیدی، ملی پوش ۲۲ ساله بسکتبال ایران در این فصل با تیم دانشگاه آزاد فصل خوبی را از نظر فنی پشت سر گذاشت. او که از فصل گذشته لیگ با مهران شاهین طبع، سیر صعودی بدست آورد، در کاپ آسیا به همراه تیم ملی قهرمان شد. پیش از آغاز قهرمانی غرب آسیا مصدوم شد و نتوانست در ایران به میدان برود اما دوباره با حفظ آمادگی اش در قهرمانی سه نفره آسیا حاضر شد و به مدال برنز رسید. محمد جمشیدی، از جمله آینده داران بسکتبال ایران است.

جنگ برای پست ٤

محمد حسن زاده، دیگر بازیکن جوان بسکتبال ایران است که به همراه تیم ملی ۳ نفره به مدال برنز آسیا رسید. او در پست چهار، حریفان قدرتمندی را در اردوی تیم ملی دارد و برای رسیدن به پیراهن ملی باید بجنگد. او، برای گرفتن پیراهن ملی باید با بزرگانی چون ساهاکیان و سهراب نژاد رقابت کند؛ البته ارسلان کاظمی را نباید فراموش کند.

هیولایی در کنار صمد

امیر صدیقی، از جمله جوانانی است که در دو فصل گذشته لیگ، رشد چشمگیری داشته است. او، جایگزین خوبی برای کاپیتان تیم ملی است که با قامت ۲۰۲ سانتی متری به هیولایی مهار نشدنی تبدیل شده است. البته اگر نقاط ضعف باقی مانده در بسکتبالش را برطرف کند. امیر صدیقی در کاپ آسیا و قهرمانی غرب آسیا به مدال طلا رسید و با مهرام، عناوین مختلفی را بدست آورد. شوت ۳ امتیازی او در فینال باشگاه های غرب آسیا به الریاضی لبنان، نشان داد که امیر صدیقی آینده دار است و می تواند در قهرمانی آسیا نیز به میدان برود.

تازه واردها

در فهرست ۲٦ نفره بچیرورویچ، برخی بازیکنان هستند که از تیم ملی جوانان سابق ایران محسوب می شوند که پس از مدت ها به اردوی تیم ملی دعوت شده اند. مهدی شیرچنگ، عماد سلمانی، سورن دیربوغوسیان و حامد حسین زاده از جمله بازیکنان جوانی هستند که در لیگ رشد کردند و حالا فرصت دارند تا به پیراهن تیم ملی برسند. حسین زاده و سلمانی، کار بسیار دشواری دارند و شیرچنگ نیز باید کمی خود را تکان دهد تا به پیراهن تیم ملی برسد.

جوانان

در اردوی تیم ملی، سه بازیکن از تیم ملی جوانان حضور دارند. سجاد مشایخی، بهنام یخچالی و صالح فروتن، ملی پوشانی هستند که باید در جام جهانی مبارزه کنند و با نظر بچیرورویچ، چند روزی با بزرگان تمرین خواهند کرد و شاید بعد از جام جهانی به قهرمانی آسیا نیز اعزام شوند.

کار دشوار بچیرورویچ

مهمد بچیرورویچ، سرمربی تیم ملی بسکتبال ایران که تا کنون یک نایب قهرمانی و یک قهرمانی در غرب آسیا و یک قهرمانی در کاپ آسیا را در کارنامه خود و ایران ثبت کرده است، برای قهرمانی آسیا کار دشواری دارد. انتخاب ۱۲ نفر از بین این بازیکنان، بسیار دشوار است. شاید تا هشت بازیکن تیم ملی مشخص باشد، ولی بچیرورویچ برای انتخاب چند بازیکن، کار بسیار دشواری خواهد داشت.

سه تیم نخست آسیا به جام جهانی می رسند و بچیرورویچ، تیم پنجم آسیا را راهی فیلیپین می کند. او، به بهترین ها در قاره کهن نگاه دارد. نفرات اصلی سرمربی تیم ملی، بهترین های آسیا هستند که بدن هر حریفی را به لرزه در می اندازند، البته آنان نیاز به مدیریت دارند. بیست و هفتمین دوره رقابت های بسکتبال قهرمانی آسیا، از ۱۰ تا ۲۰ مرداد در شهر مانیل پایتخت کشور فیلیپین برگزار می شود.

لغو بازی تدارکاتی تیم ملی فوتبال پیش از بازی با قطر

برگزاری بازی تدارکاتی تیم ملی فوتبال، پیش از بازی با قطر، منتفی شد.

پس از لغو بازی تدارکاتی تیم ملی فوتبال مقابل عراق، از سوی کادرفنی تیم ملی عنوان شده بود که ممکن است، تیم ملی در اردوی امارات یک مسابقه تدارکاتی جایگزین داشته باشد و بعد از آن هم گفته شد، شاید این تیم پشت درهای بسته، مسابقه‌ای را انجام دهد، ولی با توجه به اضافه شدن تدریجی لژیونرهای تیم ملی، فرصت کم بازی با قطر و احتمال هرگونه مصدومیت برای بازیکنان، برگزاری بازی تدارکاتی، کاملا منتفی شد.

ملی‌پوشان در تمرینات و به ویژه در برنامه‌هایی که پشت درهای بسته خواهد بود، در قالب دو تیم با هم بازی می‌کنند تا مهیای بازی با قطر شوند.

همچنین بر اساس آخرین خبرها از اردوی تیم ملی، علیرضا منصوریان با نظر کارلوس کی‌روش، دو روز قبل از سفر تیم ایران از امارات به قطر، عازم دوحه می‌شود تا آخرین شرایط پیش از برگزاری بازی تیم‌های ایران و قطر را بررسی کند. او، سپس به درخواست کی‌روش به بیروت می‌رود تا از نزدیک بازی تیم‌های کره‌جنوبی و لبنان را آنالیز کند.

تیم ملی فوتبال ایران که از یکشنبه، اردوی تدارکاتی خود را در دوبی آغاز کرده است، از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ دیروز در سالن و از ساعت ۱۹:۱۵ در زمین چمن باشگاه ایرانیان، تمرین کرد.

از اردوی تیم ملی فوتبال، خبر می‌رسد که علیرضا حقیقی، دیشب و رضا قوچان‌نژاد، صبح امروز به جمع ملی‌پوشان اضافه شدند. تیم ملی فوتبال ایران، سه‌شنبه هفته آینده در دوحه به مصاف تیم ملی فوتبال قطر خواهد رفت.

هماهنگی تمرینات با زمان بازی

تیم ملی فوتبال کشورمان که خود را برای دیدار حساس با قطر آماده می کند، دور جدید تمریناتش را در زمین باشگاه ایرانیان دبی آغاز کرد. این تمرینات طوری برنامه‌ریزی شده که با زمان برگزاری دیدار ایران با قطر هماهنگی دارد. با توجه به زمان دیدار تیم ملی کشورمان با قطر، زمان تمرین ملی پوشان فوتبال، عصرها در نظر گرفته شده است. در تمرینات تاکتیکی، بازیکنان به دو گروه قرمز و سیاه تقسیم می شوند و زیر نظر سرمربی تیم ملی تمرین می کنند.

زمانبندی تمرینات

زمانبندی تمرین تیم ملی و برنامه‌هایی که تا بازی قطر در دستور تمرینی بازیکنان قرار دارد، از سوی کادر فنی اعلام شد.

بر این اساس، ملی پوشان فوتبال کشورمان، بعد از صرف صبحانه (۹:۳۰) به وقت تهران، به استراحتی کوتاه پرداخته و ساعت ۱۲ در سالن بدنسازی باشگاه ایرانیان تمرینات خود را انجام می‌دهند. آنان پس از صرف نهار در ساعت ۱٤، استراحت می کنند. ساعت ۱۸:۳۰ هر روز کادر فنی با ملی پوشان جلسه فنی برگزار می کند و ساعت ۱۹:۱۵ تمرینات خود را برگزار می‌کنند. تیم ملی فوتبال ایران، برای دیدار با قطر در هفته هشتم از مرحله انتخابی رقابتهای جام جهانی ۲۰۱٤ برزیل آماده می‌شود، دیداری که سه شنبه هفته آینده (۱٤ خرداد) در دوحه قطر برگزار می‌شود.

تمرین ویژه ملی‌پوشان

بازیکنان حاضر در اردوی آماده‌سازی تیم ملی فوتبال، ظهر دیروز در سالن چند منظوره باشگاه ایرانیان، تمرین ویژه‌ای را برگزار کردند.

در این تمرین، ملی پوشان زیر نظر کادر فنی و پزشکان حاضر در اردوی آماده‌سازی امارات، تمرینات ریکاوری، کششی و بدنسازی خود را پیگیری کردند. طبق اعلام فدراسیون فوتبال، در این تمرین بازیکنان ریکاوری کرده و پس از آن، تمرینات کششی و تمرینات بدنسازی خود را انجام دادند و در نهایت با توپ‌های سبک در دو گروه به کار با توپ پرداختند. همه بازیکنان پس از این تمرین به استخر رفتند.

وینگادا، دستیار کی‌روش شد

نلو وینگادا، پس از توافق با کارلوس کی‌روش، امروز به کادر فنی تیم ملی فوتبال ایران اضافه می‌شود.

نلو وینگادا، سرمربی اسبق پرسپولیس که سابقه هدایت تیم ملی فوتبال عربستان را نیز دارد، امروز به کادر فنی تیم ملی ملحق می‌شود. وینگادای پرتغالی که آخرین حضورش در چین بوده است، پس از توافق با کی‌روش دیشب عازم دوبی شد و امروز صبح در جمع ملی‌پوشان خواهد بود. او در تمرین‌های عصر امروز حضور دارد.

کی‌روش به خاطر محرومیت دو جلسه‌ای از سوی فیفا که یک جلسه از آن در بازی با ازبکستان سپری شده است، برای بازی با قطر نمی تواند روی نیمکت تیم ملی بنشیند.

مزار حجربن عدی(ع) توسط ایران بازسازی می شود

رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات گفت: مزار حجربن عدی (ع) که مدتی پیش توسط دشمنان اسلام مورد تعرض قرار گرفته بود، توسط این ستاد بازسازی می‌شود.

حسن پلارک دیروز در گفتگو با ایرنا افزود: از زمان تعرض به مزار حجربن عدی (ع) تاکنون، تقاضاهای بسیاری برای بازسازی و ساخت ضریح آن بزرگوار به ستاد بازسازی عتبات عالیات ارسال شد.

به گفته رئیس ستاد بازسازی عتبات عالیات، به زودی عملیات بازسازی مزار حجربن عدی (ع) در سوریه آغاز می شود.

پلارک همچنین درباره اتمام عملیات ساخت ضریح جدید حرم حضرت مسلم (ع) و ارسال آن به عراق افزود: بر اساس برنامه ریزی های صورت گرفته، دو ضریح حضرت مسلم (ع) و هانیه بن عروه پایان ماه شعبان درعراق رونمایی خواهند شد.

به گفته پلارک، هم‌اکنون شهروندان تهرانی می توانند با مراجعه به فرهنگسرای خاوران از ضریح رونمایی شده حرم حضرت مسلم (ع) که به احتمال زیاد بیش از ۱۰ روز میهمان شهروندان تهرانی خواهد بود، بازدید کنند. ازسوی دیگر مدیر کل عتبات و عالیات سازمان حج و زیارت هم از مردم خواست از سفرهای انفرادی و گروهی بدون مجوز این سازمان به عتبات عالیات خودداری کنند.

مسعود اخوان در پی انفجار تروریستی روزشنبه گذشته به یک دستگاه اتوبوس حامل زائران ایرانی به ایرنا گفت: این انفجار در مسیر اتوبوس زائران گروه انصارالمهدی از اصفهان، اتفاق افتاد.

وی با بیان این که این گروه بدون مجوز از سازمان حج و زیارت به این سفر عزیمت کردند و تحت پوشش سازمان حج و زیارت نیستند گفت: ساعت ۱۷:۳۰ روزشنبه به یک دستگاه اتوبوس حامل زائران ایرانی حمله شد و در پی این عمل تروریستی که در مسیر 'سامرا به سیدمحمد' اتفاق افتاد، پنج نفر از زائران شهید و ۱۷نفر مجروح شدند.

اخوان گفت: هانیه سبیلی، محمدعلی مختاری، آسیه شعرباف، فرزانه سادات قاضی عسکر و فردوس هادیان از زائرانی هستند که در این حادثه تروریستی به شهادت رسیدند.

معاون عتبات سازمان حج و زیارت تصریح کرد که به دلیل انفجارهای صورت گرفته در سامرا اعزام زائران به سامرا مورد بررسی مجدد قرار می گیرد.

دکتر فاضل: وضع دارو و درمان در کشور با مشکلات جدی روبه رو است

رئیس جامعه جراحان ایران در ارزیابی عملکرد دولت نهم ودهم گفت: حوزه سلامت وبهداشت ودرمان همانند سایر حوزه های کشور سیر نزولی داشته وعملکرد دولت بسیار منفی بوده است.

دکتر ایراج فاضل در گفتگو با شفاآنلاین ضمن اعلام این مطلب گفت: متاسفانه دولت وضعیت بسیار نامطلوبی برای نظام سلامت وحوزه بهداشت ودرمان بوجود آورد که یک نمونه آن منحل کردن دانشگاه های علوم پزشکی ایران دریک تصمیم عجولانه وبه اصطلاح یک شبه بود. وزیر اسبق بهداشت و درمان افزود: دوباره برگرداندن دانشگاه و راه اندازی مجدد آن تاثیر بسیار بدی برجا گذاشت که سرنوشت هزاران دانشجو، استاد دانشگاه وکارمندان آنجا به بازی گرفته شد ومتاسفانه هیچکس هم توضیح قابل قبولی در این باره ارایه نکرد.

رییس اسبق فرهنگستان علوم پزشکی ایران در ادامه گفت: در دولت نهم ودهم تصمیمات نادرستی گرفته واجرا شد که پس از مدتی خودشان به اشتباه بودن آن پی بردند اما دراین میان فقط زندگی وسلامت وسرنوشت مردم به بازی گرفته شد.

دکتر فاضل درپاسخ به این سوال که به عملکرد دولت آقای احمدی نژاد درحوزه سلامت چه نمره‌ای می دهید گفت: متاسفانه اقدام های صورت گرفته دردولت ایشان قابل نمره دادن نیست چرا که نمره قابل قبولی نمیتوان برای عملکرد این دولت درنظر گرفت.

وزیر اسبق علوم اضافه کرد: آموزش وسلامت دو رکن اساسی واصلی توسعه پایدار است که متاسفانه در دولت آقای احمدی نژاد نادیده گرفته شد. اما به عقیده من ریاست جمهوری آینده برای حل مشکلات مردم دراین دوحوزه باید عمل گرا باشد نه اینکه فقط شعار بدهد. وی افزود: سلامت وآموزش درحال حاضر فقیرترین وزارتخانه های مملکت هستند درحالی که فرد فرد مردم با این دوبخش کار دارند وباید به آن توجه ویژه‌ای شود.

دکتر فاضل بااشاره به وضعیت نابسامان سلامت مردم گفت: متاسفانه تخصیص بودجه‌ای اندک به مهمترین وزارتخانه کشور که با جان وسلامت مردم سروکار دارد نهایت بی توجهی است. چرا که همین تصمیم های غیرکارشناسی باعث شده وضعیت دارو ودرمان درکشور با مشکلات جدی روبه روشود که البته دراین میان همه ضرر می‌کنند وبدون شک بیشتر از همه نیزمردم.

سی امین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم ۱۰ خرداد در تهران آغاز می شود

سرویس سیاسی –اجتماعی: ۱۱۱قاری و حافظ قرآن کریم از ۷۵ کشور از ۱۰ تا ۱۷ خرداد با شرکت در سی امین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر رقابت می کنند.

به گزارش خبرنگار ما، این مطلب را حجت‌الاسلام علی محمدی نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه در جمع خبرنگاران اعلام کرد و افزود: ۹ داور خارجی وهشت داور ایرانی کار داوری این دوره از مسابقات قرآن را بر عهده خواهند داشت.

وی گفت از قاره آسیا ۲۷ کشور با ٤۷ نفر، آفریقا ۲۷ کشور با ٤۳ نفر، اروپا ۱٦ کشور با ۱۸ نفر و از قاره آمریکا پنج کشور با پنج نفر و از ایران هم دو نفر شامل یک قاری و یک حافظ قرآن در مسابقات حضور خواهند داشت.

محمدی مطرح کردن قرآن در جهان به عنوان یک امر مهم دینی، سیاسی و مذهبی، استفاده از تجربیات استادان قرآن و ایجاد فضای قرآنی در جامعه رابه عنوان اهداف برگزاری این مسابقات اشاره مورد اشاره قرارداد و گفت: همزمان با این دوره از مسابقات قرآن، چهارمین همایش تجلیل از بانوان فعال عرصه قرآنی، هفتمین همایش پژوهش‌های قرآنی با موضوعات روز بازدید از مراکز مهم کشور و برگزاری نشست صمیمی با شرکت کنندگان را خواهیم داشت.

وی اعلام کرد: در حاشیه مسابقات نمایشگاهی از محصولات قرآنی و فرهنگی برپا می شود.

سی امین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم ایران در سالن اجلاس سران کشور های اسلامی در تهران برگزار خواهد شد.

ارائه خدمات مددکاری نیازمند روش‌های علمی نوین است

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: سازمان بهزیستی به ٥٥٠ هزار خانوار، در قالب «c.b.r» (توان‌بخشی مبتنی بر جامعه) خدمات مددکاری ارائه می‌کند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی کشور دیروز در همایش مددکاری اجتماعی نشاط اجتماعی اعلام کرد و افزود: در گذشته، به گواهی قدیمی‌ترین مددکاران، نیازهای مددجویان بسیار ساده و ابتدایی بود، اما اکنون با ظهور آسیب‌های نوین، نیازمند به روزرسانی و باز تعریف علم مددکاری اجتماعی هستیم.

او ادامه داد: نمی‌توان در حوزه خدمات اجتماعی، به مددجویان همان خدماتی را ارائه کنیم که در سال ٥۷ تعریف شده است و همچنان تداوم دارد، بنابراین از تمامی کسانی که برای نوسازی مددکاری اجتماعی گام بردارند باید تقدیر کرد. به گفته او، اکنون بسیاری از مددکاران تبدیل به کارمندان ساده شده‌اند که این موضوع بسیار تأسف‌انگیز است، زیرا نباید به این نوع خدمات‌رسانی به عنوان شغل نگاه کرد.

هاشمی همچنین اظهار داشت: پارسال ۱۲۰ هزار نفر را با کوشش مددکاران اجتماعی از چرخه خدمات‌رسانی خارج کردیم و این افراد به دلیل دانش و مبانی اعتقادی خود در این حوزه بسیار موفق عمل کردند.

در ادامه همایش دیروز، اعلایی، معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به موضوع نشاط اجتماعی اشاره کرد و افزود: براساس نظریه شادکامی پایدار، عوامل اقتصادی و معیشتی، فقط تا ۱۰ درصد در بروز شادی و نشاط اثر دارند و ٥۰ درصد علل شادکامی را عوامل ژنتیکی و ٤۰ درصد دیگر را فعالیت‌های ارادی و هدفمند تشکیل می‌دهند.

به گفته او باید نوع نگاه به خدمات مددکاری در جامعه تغییر یابد و از پرداخت مستمری فراتر رود که این امر، مورد تأیید دانشمندان و همچنین دین اسلام است.

مترو خط ۳ به چهارراه ولی‌عصر می‌رسد

سرویس سیاسی – اجتماعی: اولویت توسعه مترو در خط ۳ تعریف شد و به زودی فاز دوم این خط، که از بزرگراه آزادگان تا چهارراه ولی‌عصر ادامه می‌یابد، بهره‌برداری می‌شود.

به گزارش روابط عمومی شرکت مترو تهران وحومه، این مطلب را هابیل درویش مدیرعامل این شرکت اعلام کرد و توضیح داد: فاز اول مترو خط۳ به بهره‌برداری رسیده است و در کل، این خط از بزرگراه آزادگان در جنوب‌غربی تهران تا محله ازگل در شمال‌شرقی شهر گسترده می‌شود.

به گفته او، خطوط ٦ و۷ هم براساس برنامه در مسیرهای کن تا جنوب شهرری و میدان صنعت تا قصر فیروزه با سرعت مناسب، در حال ساخت است و اکنون سه دستگاه حفار مکانیزه در این دو خط مشغول کار است که هر کدام روزانه ۱٥ متر تونل حفاری می کند.

عملکرد نامناسب بیمه دی و سرگردانی بازنشستگان تامین اجتماعی

بازنشستگان تامین اجتماعی مدت زیادی است که خدمات مناسبی از بیمه تکمیلی دی دریافت نمی کنند و نسبت به این موضوع ناراضی و معترض هستند اما طی این مدت هیچ نهادی نسبت به رفع مشکلات آنان اقدام نکرده است

به گزارش خبرنگار مهر، حدود ۲۰ ماه است که بازنشستگان تحت پوشش بیمه تکمیلی دی قرار گرفته‌اند اما طی این مدت آنان از خدمات ارائه شده توسط سازمان بیمه گر رضایت نداشته و خواستار رفع مشکلات و کاهش زمان بازپرداخت هزینه ها بودند که متاسفانه وضعیت ارائه خدمات بهتر که نشده بلکه هر روز نیز بدتر شده است.

بازنشستگان در سال گذشته ماهیانه ٦ هزار و ۷۰۰ تومان برای بیمه تکمیلی هزینه می کردند اما با اتمام قرارداد بیمه دی با افزایش ٤٥ درصدی، ماهیانه بیش از ۱۰ هزار و ٤٥۰ تومان از حقوق آنان کسر می‌شود. با وجود افزایش سرانه حق بیمه تکمیلی اما خدماتی که از سوی این بیمه به بازنشستگان ارائه می شود بهتر نشده است بطوری که بیمارستان‌های طرف قرارداد این بیمه از ارائه خدمات درمانی به بازنشستگان سرباز می زنند. در این میان مسئولان تامین اجتماعی اعلام می کنند که نقشی در بیمه تکمیلی بازنشستگان ندارند و مسئول این اقدام کانون بازنشستگان و مستمری بگیران است اما کارشناسان معتقدند براساس قانون مسئول درمان و ارائه خدمات تکمیلی به این افراد تامین اجتماعی است.

باوجود افزایش ٤٥درصدی حق بیمه تکمیلی پرداختی، این بیمه از ارائه خدمات ضروری مانند ویزیت، عینک، سمعک و دندانپزشکی و ... که بیش از موارد دیگر بازنشستگان به آنها نیاز دارند سر باز می زند و اعلام می کند که جزء قرار داد آنان نیست و شامل بسته بیمه تکمیلی بازنشستگان نمی شود.

در این میان علی اکبر خبازها رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی از سرگردانی بازنشستگان تحت پوشش این سازمان در بیمارستانها بدلیل کوتاهی بیمه دی خبر داد و گفت: بیمه دی ۸۰ میلیارد تومان به بیمارستانهای طرف قرار داد بدهکار است به همین دلیل آنها نیز خدمات درمانی به بازنشستگان ارائه نمی دهند.

ترحیم

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف درگذشت مادری مهربان و بانویی با ایمان، دوستدار اهل بیت خانم **ارونقی(کلاهی)** همسر شادروان حاج محمد کلاهی اول را به اطلاع بستگان و آشنایان می‌رساند.

جهت شادی روح آن مرحومه مجلس ترحیمی روز چهارشنبه ۸ خرداد ماه ۱۳۹۲ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد منعقد می‌گردد.

حضور شما عزیزان موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

کلاهی‌اول-ارونقی-دستمالچیان-خادم‌حسینی-کاظمی علی‌اکبر- نیک نفس- لباف- انصارین- همایونیه- رفیع‌زاده- علومی یزدی و سایر بستگان و اقوام

انالله و انا الیه راجعون

به مناسبت درگذشت آقای **سید عدنان العسکری** فرزند مرحوم علامه سید مرتضی العسکری مجلس شب هفت آنمرحوم روز پنجشنبه ۹۲/۳/۹ در هیئت قائم آل‌محمد(عج) واقع در خیابان پیروزی روبروی خیابان بیمارستان فجر کوچه عباس قلی‌زاده بن‌بست شهید سیدحسن موسوی شوشتری بعد از نماز مغرب و عشاء منعقد می‌گردد.

شرکت شما سروران گرامی موجب شادی روح آنمرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

از طرف بیت مرحوم علامه العسکری

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت همکار گرامی جناب آقای **عزت‌اله آقارخ** کارشناس محترم رسمی دادگستری رشته امور وسائط نقلیه موتوری زمینی را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند.

به همین مناسبت مجلس ترحیمی از ساعت ۱۱/۱۵ الی ۱۲/۴۵ صبح روز جمعه ۹۲/۳/۱۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر (آپادانا)ـ خیابان نیلوفرـ میدان نیلوفر منعقد می‌باشد.

حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۵ـ امور وسائط نقلیه

هو

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت خانم **مخدومه نوروزی** را به اطلاع خویشاوندان، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مجلس ترحیم آن مرحومه روز سه‌شنبه ۹۲/۳/۷ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجد جامع شهرک قدس برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف بازماندگان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **غلامحسین مردانی** را به اطلاع می‌رساند. مجلس ختم آن مرحوم روز سه‌شنبه ۹۲/۳/۷ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر(آپادانا) خیابان شهید عشقیار میدان نیلوفر برگزار می‌گردد.

فرزندان به سوگ نشسته

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی شادروان جانباز ناخدا **مصطفی مجیدی** را به آگاهی می‌رساند.

مجلس ختم آن عزیز از دست رفته روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۳/۸ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد حضرت ولیعصر(عج) واقع در خیابان خالد اسلامبولی (وزراء) برگزار می‌گردد.

خانواده‌های: مجیدی ـ رادفر و سایر وابستگان

یادبود

در کنارت روزگارم خوب بود
فصل، فصل زندگی مطلوب بود
در نگاهت خستگی معنا نداشت
وسعت پاک ترا دریا نداشت
آه ای جاری‌تر از خورشید خوب
کاشکی هرگز نمی کردی غروب

هفتم خرداد ۱۴ سال از عروج ملکوتی پدر و پدربزرگ عزیزمان شادروان **حاج محمود جاویدان** را گرامی می‌داریم.

روانش شاد و یادش گرامی باد.

دلسوختگان همیشگی‌ات: دخترت شهناز جاویدان، حبیب، محمد و ساناز پرنیانی و ادریس کریمی

تسلیت

جناب آقای مهندس محسن ریوندی

با کمال تاسف درگذشت پدرگرامیتان را تسلیت عرض نموده آمرزش و غفران برای آنمرحوم و صبر و شکیبایی برای جنابعالی و سایر بازماندگان از ایزد متعال مسئلت دارد.

از طرف همکاران مرکز مخابرات شهید کلانتری
داریوش دیزانی

جناب آقای مهندس فریدون بهکیش

با کمال تأسف درگذشت خواهر عزیزتان را به شما تسلیت عرض می‌نماییم از خداوند بزرگ برای آن مرحومه آمرزش و پاداش اخروی و برای بازماندگان سلامتی و شکیبایی آرزومندیم.

ایرج ملازاده صادقیون ـ احمد دربانی ـ احمد آل‌محمد ـ محمود آل محمد ـ سید عباس شاهمرادی

جناب آقای مهندس رحمن تقوی اکرامی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده درگذشت شادروان **رامین سینائیان** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال آمرزش و غفران برای آن مرحوم و صبر و اجر و شکیبائی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نمائیم.

مدیران و کارکنان شرکت پرلیت

همکاران محترم و گرامی
جناب آقای حسن عظیمی و جناب آقای احمد برزگر

با غم و اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای شما صبر و برای آن مرحوم غفران الهی مسئلت داریم.

سیدعلی محمدهاشمی ـ حمیدرضا بهرام‌بیگی ـ محمد کنعانی‌زاده ـ محمدرضا مرتضی‌زاده ـ اسماعیل عودباشی ـ احمد سلیمانی ـ رضا ایمانی ـ رضا دلخوش ـ احمد عودباشی ـ محمد سلیمانی ـ مسعود زهیری ـ احمد عابدی ـ غلامرضا رحمت‌اله ـ محسن دینی ـ سیدسعید سرفراز امینی ـ محمدرضا عطائی ـ قیاس مشهدی ـ محمد پورمهانی خامنه‌ای ـ محمدتقی اسماعیلی ـ حسن پرتوی ـ ابراهیم یزدانی ـ علیرضا افشار ـ سیدحیدر تقوی ـ علیرضا فرج‌الهی ـ مصطفی بشیری ـ جواد مقدسی ـ میلاد حاج ملک ـ امید بذلی ـ سید امیر شهابی ـ مهدی سلیمانی ـ علی اصغری‌نژاد ـ حمید شریفی ـ شهرام صومعه‌نشین ـ جعفر سیدی ـ احسان احمدپور ـ محمدرضا پورموسی ـ داود رمضانی ـ سید میثم کوچک‌میر

خانم‌ها: جهانشاهی ـ حلوائی ـ شیخ‌علی ـ نعمت‌پور ـ مکرمی ـ شعبانی ـ حیدرزاده ـ زکالوند ـ حیدری ـ شجاعی ـ شریفی ـ بیگی ـ سیری

همکار محترم و گرامی جناب آقای حسن عظیمی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را از صمیم قلب به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

سازمان پخش

جناب آقای دکتر کامبیز رادفر دوست گرامی
خانواده محترم مجیدی

مصیبت وارده را از طرف خود و خانواده حضور شما و کلیه بازماندگان تسلیت عرض نموده خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

دکتر غلامعلی عکاشه- مریم سالک

جناب آقای دکتر سعید اکبری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

انجمن علمی طب هوا فضای ایران

همکار عزیز
جناب آقای دکتر داود یادگاری

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانم.

دکتر فرزین برزویه

مهندس حسین خدای‌فر

بزرگ مردی از گروه‌یاران دعوت حق را لبیک گفت و به دیاریار شتافت.

یادش گرامی‌باد و خاطرش جاویدان

مهندس عبدالحسین پرویز نوای- مهندس منوچهر احتشامی- عبدالرحیم جعفری- احمد فیض- محسن باقرزاده- علی‌اکبر رفوگران

سرکار خانم منیر همایونی
دبیر اجرایی کانون توسعه فرهنگی کودکان

اکنون که اندوه از دست دادن برادر بر شانه‌هایتان سنگینی می‌کند، ما را نیز در غم خود شریک بدانید.

امید که دعای خیر کودکانی که از مهر و محبت شما بهره‌گرفته‌اند، موجب تسلی خاطر شما و آمرزش روح بلند برادر عزیزتان باشد.

منیر سامی‌نیا، فرمهر منجزی، سپیده سعادت لاجوردی، صدیقه افشار، رویا رضوانی، رضا خاکی‌نژاد، بهروز قطبی

جناب آقای دکتر مسعود مردانی

بدینوسیله مصیبت وارده را خدمت جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان صبر و شکیبایی برای بازماندگان مسئلت داریم.

از طرف: دکتر محمدمهدی گویا ـ دکتر سینا شاهسوارانی

همکار محترم آقای حسن عظیمی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

شعبه حمل و نقل- حسن صبائی و خانواده

همکار گرامی جناب آقای دکتر مسعود مردانی

با نهایت تأسف و تألم درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی و طول عمر و برای آن مرحوم علو درجات مسئلت می‌نماییم.

هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان مهر

همکار گرامی جناب آقای دکتر مسعود مردانی

با نهایت تأسف درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند سبحان برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی و علو درجات برای آن مرحوم خواستاریم.

دکتر احد عاطف وحید و بانو

همکار گرامی جناب آقای دکتر مسعود مردانی

با نهایت تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند سبحان صبر و شکیبایی برای جنابعالی و خانواده محترم خواستاریم.

دکتر اخوتیان و بانو

همکار گرامی جناب آقای دکتر مسعود مردانی

با اندوه فراوان درگذشت مادر و پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای جنابعالی و خانواده محترم سلامت و سعادت مسئلت می‌نماییم.

دکتر مسعود مظلومی ـ دکتر فرامرز بیرقدار

با نهایت تأسف از فوت ناگهانی جناب آقای **دکتر فرخ حسین خانلی**، از خداوند متعال رحمت و غفران الهی برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای خانواده محترمشان را آرزومندیم.

پزشکان بیمارستان دی
پزشکان اورژانس بیمارستان دی
کادر پرستاری بیمارستان دی

سپاسگزاری

تشکر و قدردانی

با احترام فراوان بدینوسیله از یکایک سروران، آشنایان، دوستان، بستگان نسبی و سببی، همکاران، مراکز و انجمنهای علمی، پژوهشی و فرهنگی خصوصاً مسئولین وکارکنان موسسه خیریه محک که با شرکت در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم و با ارسال پیام تسلیت، ارسال گل و به شیوه‌های گوناگون به مناسبت درگذشت شادروان پروفسور پروانه وثوق ابراز همدردی نمودند و موجب تسلی خاطرمان شدند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماییم.

خانواده خانم دکتر پروانه وثوق

تشکر و قدردانی

با نهایت احترام و ادب، بدینوسیله از یکایک شما سروران ارجمند، بستگان، دوستان و آشنایان و همکاران سازمان میراث فرهنگی که در لحظه لحظه روزهای سخت فقدان عزیز از دست رفته‌مان مرحوم **هدایت اله(پرویز) زرنانی** همراهمان بوده و با حضور گرم و صمیمانه خود در مراسم تشییع، تدفین، ترحیم و یاد بود شب هفت آن مرحوم در تحمل این گران سوگ یاریمان بودید و از طریق ارسال پیام تسلیت و اهدای تاج گل ابراز محبت و همدردی نموده‌اید صمیمانه سپاسگزاری میکنیم و از اینکه بعلت تألمات روحی امکان تشکر حضوری میسر نشد قبلاً پوزش می‌طلبیم، باشد که در گردش ایام تهنیت گوی شادیهایتان باشیم.

از طرف همسر و فرزندان

آگهی تأسیس شرکت نسیم تجارت البرز سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ تحت شماره ۴۳۱۷۶۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۵۹۵۰ دراین اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود. ۱ـ موضوع شرکت: تولید و خرید و فروش واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، انجام کلیه فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی و بازرگانی مجاز و شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی، اخذ وام و اعتبار از کلیه بانک‌های دولتی و خصوصی [illegible]

آگهی تغییرات شرکت تدبیر آتیه الوند سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۸۶۴۵۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۶۵۰۹۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
شرکت تدبیر سلامت کیمیا سهامی خاص با نمایندگی آقای عباس قنادرضائی به سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت پژوهش و مشاور تدبیر آرا سهامی خاص با نمایندگی آقای غلامحسین [illegible]

آگهی تغییرات شرکت سپهر خرد ایرانیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۹۶۹۵۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۷۷۱۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ سمت اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
آقای یوسف تقی‌پور به شماره ملی ۰۳۲۲۹۶۵۶۲۴ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و آقای محمودرضا خسروداد به شماره ملی ۰۰۵۴۷۵۹۶۳۳ به سمت نائب‌رئیس هیئت مدیره و آقای [illegible]

آگهی تغییرات شرکت امین‌پویای عدالت با مسئولیت محدود
به شماره ثبت ۳۷۰۸۹۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۹۶۲۴۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکا مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ نوع شرکت از با مسئولیت محدود به سهامی خاص تبدیل گردید. ۱ـ۱ اساسنامه شرکت مشتمل بر ۶۴ ماده به تصویب رسید. ۲ـ۱ـ سرمایه شرکت مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ده میلیون سهم ۱/۰۰۰ ریالی که تعداد نه میلیون و نهصد و نود و نه هزار و نهصد ونود و هشت سهم بانام، تعداد دو سهم بی‌نام می‌باشد [illegible]

آگهی تغییرات شرکت پارس سرمایه هم‌افزا دانا سهامی‌خاص
به شماره ثبت ۳۳۶۳۷۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۲۵۰۴۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۸۹/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ آقای امیرحسین فراهانی به شماره ملی ۰۰۶۸۸۷۴۵۳۷ به عنوان بازرس اصلی، آقای عباسعلی بیگوند به شماره ملی ۳۳۵۸۷۹۱۰۷۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲ ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه [illegible]

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد وهفتم

تقویم اطلاعات

سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۲
۱۷ رجب ۱۴۳۴ ـ ۲۸ مه ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۲ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۱ دقیقه

اعمال فشار اقتصادی آمریکا بر فلسطین برای بازگشت به مذاکرات صلح

سرویس خارجی: وزیر امور خارجه آمریکا کلیات یک طرح سرمایه‌گذاری بین‌المللی به ارزش چهار میلیارد دلار را برای تقویت اقتصاد فلسطینی‌ها در کرانه باختری اعلام کرد اما اجرای این طرح را به پیشرفت مذاکرات صلح مشروط کرد. جان کری اعلام کرد این سرمایه‌گذاری می‌تواند ظرف سه سال آتی اقتصاد متزلزل کرانه باختری را متحول کند. وی در نشست مجمع جهانی اقتصاد در اردن گفت این طرح می‌تواند تولید ناخالص داخلی در کرانه باختری را طی سه سال آینده ۵۰ درصد افزایش دهد. وزیر خارجه آمریکا درعین حال تاکید کرد اجرای این طرح به پیشرفت در روند صلح میان اسرائیل و فلسطینی‌ها بستگی خواهد داشت.

محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین و شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی نیز در این نشست حضور داشتند و با کری دیدار کردند. عبدالله دوم شاه اردن نیز در حاشیه مجمع جهانی اقتصاد با محمود عباس، شیمون پرز، جان کری و شیخ عبدالله بن زاید وزیر خارجه امارات دیدار و گفتگو [illegible]

در حال حاضر در بوته [illegible] محمود عباس را دوست [illegible] خواند. پرز گفت: فلسطینی‌ها [illegible] اسرائیل هستند و [illegible]

[illegible]

شماری از سران صهیونیست و تاجران و روزنامه نگاران آن را در این کنفرانس محکوم و از اوضاع جاری تحت عنوان تشویق مستقیم عادی سازی روابط با اسرائیل یاد کرد. ازسویی سخنگوی جنبش حماس تاکید کرد اظهارات محمودعباس مبنی بر مخالفت با اسارت نظامیان رژیم صهیونیستی به منظور مبادله با اسرای فلسطینی، رای و نظر شخصی وی است و به هیچ وجه بیانگر باور و اعتقاد ملت فلسطین نخواهد بود. سامی ابو زهری گفت تمامی گروه‌ها و جریان‌های فلسطینی سیاست اسارت نظامیان رژیم صهیونیستی به منظور مبادله آنها با اسرای فلسطینی را قبول دارند.

درتحولی دیگر در درگیری میان فلسطینیان و نیروهای رژیم صهیونیستی که برای دستگیری یک شهروند فلسطینی از طریق دروازه‌های اسباط و حطه وارد محوطه مسجد الاقصی شده بودند، دو تن از نگهبانان قبله نخست مسلمانان زخمی شدند.

این در حالی است که نیروهای اشغالگر چهار شهروند بیت المقدس را به شدت کتک زده و بازداشت کردند و به منظور مقابله با جوانان فلسطینی و کنترل درگیری‌های خشونت بار، به تعدادی از منازل شهروندان فلسطینی حمله کرده و در پشت بام آنها مستقر شدند.

ازسویی «زیپی حوتبولی» از نمایندگان پارلمان رژیم صهیونیستی همراه با شماری از شهرک نشینان صهیونیست به منظور فراهم کردن مقدمات برگزاری مراسم ازدواج خود در محوطه مسجد مبارک الاقصی وارد این مسجد شد. این نماینده صهیونیست قصد دارد امروز مراسم ازدواج خود را در محوطه مسجد الاقصی برگزار کند.

دیدار سه جانبه محمود عباس، کری و پرز درحاشیه مجمع اقتصاد جهانی در اردن

یادداشت

انقلاب معکوس

آرش میری خانی

اعتراضات در یمن اوج گرفت، عبدالله صالح به سایر دیکتاتورهای قربانی بهار عربی پیوست، دولت انتقالی تشکیل شد، «عبدربه منصور هادی»، قدرت را در دست گرفت، ساختار ارتش و دیگر نهادهای امنیتی، تغییر را تجربه کردند، اما مشکلات و نابسامانی در این کشور فقیر عربی همچنان ادامه دارد. به باور آگاهان، اگرچه اعتراضات منسجم یمنی‌ها دست آخر به کناره‌گیری عبدالله صالح، دیکتاتور این کشور منجر شد، اما متأسفانه خیانت حزب حاکم کنگره ملی و دخالت‌های بی‌پایان برخی کشورهای عربی به همراهی غرب، موجب پدیدار شدن نوعی انقلاب معکوس در یمن شد. هنوز معاون دیکتاتور تن به برگزاری انتخابات نداده، مشکلات اقتصادی پا برجا مانده و بدنه ارتش به حکومت تمکین نمی‌کند.

در این میان، ظهور برخی معادلات جدید در صحنه سیاسی یمن، دولتمردان صنعا و مردم این کشور را نیز با چالش‌های عمده و بعضاً خطرناکی روبه‌رو کرده است. در همین رابطه می‌توان به تلاش جدی یمنی‌های ساکن جنوب به منظور جدایی از یمن شمالی و تجزیه مجدد این کشور اشاره کرد. چند ماهی است که جنوبی‌ها با برگزاری تظاهرات‌های گسترده تلاش دارند حکومت مرکزی را به منظور پذیرش جدایی، تحت فشار بگذارند. از طرفی، سیاستمداران عضو حزب «رأی» یمن تمامی تمرکز خود را روی مجاب کردن نهادهای بین‌المللی برای تن دادن به جدایی یمن جنوبی از یمن شمالی معطوف کرده‌اند. اخیراً نیز نامه‌ای به «جمال بن عمر» فرستاده ویژه سازمان ملل به یمن تحویل داده شده که در آن رسماً از مجامع بین‌المللی درخواست شده تا برای استقلال جنوب یمن تلاش کنند.

در عین حال، نمی‌توان به آسانی از کنار موضعگیری‌های غرب و حتی سازمان ملل در قبال یمن گذشت. به تازگی جمال بن عمر در اظهاراتی عجیب اعلام کرد که عبدالله صالح مجدداً می‌تواند خود را برای ریاست جمهوری یمن کاندیدا کند و هیچ منع بین‌المللی در این زمینه وجود ندارد. سخنان و اعلام مواضعی از این دست را می‌توان دخالت آشکار در امور یمن و تلاشی برای تحت تأثیر قرار دادن سرنوشت یمنی‌ها ارزیابی کرد. در این میان نباید این نکته را از یاد برد که غرب نیز از نبود یک دولت منسجم و مقتدر در یمن می‌هراسد و منافع خود را در یکی از حساس‌ترین نقاط دنیا در خطر می‌بیند. بروز هرگونه تنش در یمن، مستقیماً بر سیستم عرضه و تقاضای جهانی انرژی تأثیر می‌گذارد چون بخش اعظمی از نقل و انتقالات نفتی جهان از تنگه «باب‌المندب» یمن انجام می‌شود.

این در حالی است که عملکرد ناقص حکومت یمنی، موجبات بروز ناامنی و عدم ثبات در منطقه مغرب عربی را فراهم می‌آورد. در همین راستا می‌توان به تحرکات تازه القاعده در مناطق جنوب شرقی یمن اشاره کرد. شبه [illegible]

[illegible] عبور محموله‌های صادراتی نفتی خود را تضمین کند. این در حالی است که غرب و علی‌الخصوص آمریکا نیز جبهه‌ای جدید را روبروی خود خواهند دید که هر نوع ورودی در آن، سرنوشتی نامعلوم خواهد داشت.

با توجه به شرایط حاکم بر یمن و منطقه مغرب عربی، یگانه راه‌حلی که می‌تواند راهگشای بن‌بست کنونی سیاسی ـ امنیتی در این کشور باشد، تکمیل شدن فرآیند انقلاب یمنی‌ها و مشارکت گسترده مردم این کشور در سرنوشتشان است، که هنوز نشانه‌های روشنی از تحقق آن به چشم نمی‌خورد.

تجمع ده‌ها هزار تن از مخالفان همجنس‌گرایی در پاریس

سرویس خارجی: قانونی شدن ازدواج همجنس گرایان در فرانسه، دهها هزارنفر از مردم فرانسه را به خیابان‌های پاریس کشاند. در پی فراخوان برای برگزاری تظاهرات گسترده مخالفان با قانونی شدن ازدواج همجنس گرایان، پلیس فرانسه نیز به صورت گسترده در پاریس مستقر شد. این تظاهرات در سه میدان اصلی مرکز پاریس برگزار شد. رئیس جمهور فرانسه، سنا و شورای ملی، ماه گذشته پس از بحث‌ها و انتقادهای فراوان، به قانونی شدن ازدواج همجنس گرایان رای مثبت دادند. پلیس فرانسه دهها تن از تظاهرکنندگان معترض به قانون ازدواج همجنس گرایان را که به گروه‌های ملی گرا و هویت گرا نسبت داده شد، بازداشت کرد. نیروهای پلیس و ژاندارمری تدابیر امنیتی شدیدی را در خیابان‌های مجاور محل برگزاری تظاهرات در مرکز پاریس به اجرا درآورده بودند. تظاهرکنندگان بازداشتی، معترضانی بودند که قصد ایجاد آشوب و برهم زدن نظم عمومی را داشتند. وزیر کشور و شماری از مسئولان فرانسه، ضمن هشدار به تظاهرکنندگان در حفظ آرامش و نظم عمومی، ده‌ها هزار نیروی پلیس و ژاندارم مجهز به تجهیزات ضد شورش را از بیم درگیری و آشوب در سطح شهر پاریس مستقر کردند. «هارلم دزیر» دبیر اول حزب سوسیالیست فرانسه در واکنش به تلاش گروه‌های ملی گرا و هویت گرا وابسته به جبهه ملی (راست افراطی) این کشور برای برهم زدن نظم عمومی، اعتراض به قانونی شدن ازدواج همجنس گرایان را مغایر با اصل دمکراسی و ارزش‌های لائیسیته در فرانسه عنوان کرد.

انفجار نزدیک مرقد مطهر امام موسی کاظم (ع)

سرویس خارجی: یک مقام مسئول پلیس عراق [illegible] مرقد مطهر امام موسی کاظم (ع) [illegible] مختلف عراق ۱۲ کشته و ۱۶ زخمی بر جای گذاشت. ستوان یکم اسلام الجبوری در پلیس موصل واقع در ۳۵۰ کیلومتری شمال بغداد اعلام کرد که سه نفر از نیروهای پلیس در انفجار یک خودروی بمب گذاری شده کشته شده و ۱۵ نفر دیگر نیز زخمی شدند که دو نفر از آنها زن و سه نفر دیگر کودک هستند.

وی افزود که این انفجار در داخل منزلی در ناحیه الشوری و در جریان تفتیش این خودرو [illegible] از سوی گشت [illegible]

[illegible] هیت در غرب بغداد دو نیروی ارتش را کشته و سه نفر دیگر را زخمی کردند.

در انفجار بمب دست ساز در جنوب فلوجه نیز یک پلیس کشته و سه نفر دیگر زخمی شدند. از سویی، منابع امنیتی عراق اعلام کردند که یکی از فرماندهان عالی رتبه پلیس موصل توسط افراد ناشناس ترور شد. یک منبع آگاه در پلیس استان نینوا اعلام کرد که فاضل الجبوری، فرمانده هنگ یکم پلیس موصل در انفجاری که در جنوب این شهر رخ داد کشته شد. در این حال، رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق اعلام کرد، گفتگو و تفاهم به دور از طایفه‌گری میان تمامی گروه‌های سیاسی کشورش ضروری است.

سیدعمار حکیم، رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق بر گفتگو و تفاهم میان تمامی گروه‌های عراقی تاکید کرد و گفت: وجود یک جریان سیاسی که از موضوع فرقه و قومیت فراتر رفته و حضور گروه سیاسی دیگری در برابر آن که آن هم از موضوع فرقه و قومیت فراتر رفته باشد، ضروری است.

رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق در جمع شماری از رهبران سیاسی این کشور در کنفرانس خبری که در حاشیه کنفرانس اقتصاد جهانی در اردن برگزار شد، اظهار داشت: گفتگو و تفاهم میان تمامی گروه‌های عراقی تنها راهکار برای عبور از مشکلات و اداره کشور عراق است.

خبر دیگر اینکه، عراق و سازمان ملل توافقنامه‌ای منعقد کردند که براساس آن به افرادی که به دلیل ترسیم مرز میان عراق و کویت متضرر شده‌اند، غرامت پرداخته می‌شود.

تشییع پیکرهای ٤ شهید حزب‌الله لبنان

سرویس خارجی: پیکرهای مطهر چهار شهید حزب‌الله لبنان با حضور گسترده مردمی و شخصیت‌های دینی در مراسمی باشکوه در لبنان تشییع و خاکسپاری شد. حزب الله و اهالی بخش‌های مختلف لبنان پیکرهای این چهار شهید را که در مأموریت‌های جهادی به شهادت رسیده بودند، تشییع کردند. در منطقه الاوزاعی پیکر شهید «مصطفی حسنی عساف» در میان حضور انبوه مردم و مقامات محلی و علمای دینی تشییع شد. شرکت کنندگان در این مراسم پلاکاردها و تصاویری از شهید را به همراه پرچم‌های حزب‌الله لبنان در دست داشتند. پیکر این شهید در قبرستان منطقه الاوزاعی به خاک سپرده شد. در منطقه گیفون نیز مردم لبنان با حضور گسترده خود پیکر مجاهد شهید «جعفر یوسف داغر» را تشییع کردند. این مراسم نیز با حضور گسترده مردم و شخصیت‌های سیاسی و دینی برگزار شد. «اسماعیل علی زعیتر» سومین شهید مقاومت بود که تشییع شد. مراسم تشییع وی در زادگاهش در الکنیسه واقع در بقاع با حضور علمای دینی و حضور گسترده مردمی برگزار شد. مردم لبنان و اعضای حزب‌الله همچنین پیکر شهید مجاهد «اسماعیل طالب حبیب» را با حضور گسترده و باشکوه در منطقه الغبیری تشییع کرده و در روضه الشهدای بیروت به خاک سپردند. خبر دیگر اینکه در پی سخنرانی اخیر دبیرکل حزب‌الله لبنان به مناسبت سیزدهمین سالروز پیروزی مقاومت و آزادسازی جنوب لبنان، جمعی از مقامات کشورهای عربی و طرفداران مخالفان نظام سوریه و در راس آنها آمریکا واکنش‌های منفی به این اظهارات نشان دادند. جاش ارنست، معاون سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد: اظهارات اخیر دبیرکل حزب‌الله لبنان مبنی بر مداخله در درگیری‌های سوریه تاکیدی است بر اینکه سوریه نیاز شدیدی به گذار سیاسی و دموکراتیک دارد. وی ادعا کرد این مشخص است که اظهارات علنی حزب‌الله مبنی بر مداخله در ناآرامی‌های سوریه باعث بیشتر شدن قربانیان است. در همین راستا خالد بن احمد آل خلیفه، وزیر خارجه بحرین نیز در واکنش به اظهارات اخیر سید حسن نصرالله، این سخنان را اعلان جنگ توصیف کرد. بکر بوزداغ، معاون نخست وزیر ترکیه نیز ضمن انتقاد شدید از مشارکت حزب‌الله لبنان در درگیری‌های سوریه گفت: حزب‌الله لبنان باید نامش را تغییر دهد؛ کسانی که با نظام اسد در یک موضع ایستاده‌اند نباید برای توجیح کارهایشان به اسلام و قرآن پناه ببرند. نبیل العربی دبیرکل اتحادیه عرب نیز با صدور بیانیه‌ای ضمن انتقاد شدید از اظهارات اخیر نصرالله و مداخله حزب‌الله در درگیری‌های سوریه اعلام کرد: اتحادیه عرب به شدت نسبت به افزایش درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در سوریه و همچنین درگیری‌های اخیر در شمال لبنان میان حامیان و مخالفان نظام سوریه نگران است. سعد حریری رهبر جریان المستقبل لبنان نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: سید حسن نصرالله پایان مقاومت را در اظهاراتش اعلام کرد. اخوان المسلمین اردن نیز از حزب‌الله لبنان خواست به دخالت در سوریه پایان دهد.

شلیک موشک به اسرائیل

پرتاب یک موشک از جنوب لبنان به سوی اسرائیل از سوی عوامل ناشناس، بخش‌های امدادی و نظامی صهیونیست‌ها را مجبور به اعلام آماده‌باش کرد. برخی منابع اعلام کردند موشکی از منطقه مرجعیون در جنوب لبنان به سمت اسرائیل شلیک شد. این منابع اعلام کردند بعد از پرتاب این موشک و فرود آن در شهرک صهیونیست نشین «المطله» صدای آژیرها در سرزمین‌های اشغالی به گوش رسید. درپی این اقدام، هواپیماهای بدون سرنشین شناسایی اسرائیل وارد حریم هوایی لبنان شدند و در منطقه‌ای که مشکوک به پرتاب این موشک بود، به پرواز درآمدند. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این اقدام را بر عهده نگرفته است.

این درحالی است که در ادامه برگزاری بزرگترین رزمایش دفاعی رژیم صهیونیستی در مواجهه با موشک‌های مقاومت، ارتش این رژیم از صهیونیستها خواست در پناهگاههای زیرزمینی مخفی شوند. از جمله سناریوهای این رزمایش نظامی پرتاب موشک‌های غیرکلاسیک بسوی اسرائیل از سوریه، لبنان و نوارغزه است. ازسویی «امیر ایشل» فرمانده نیروی هوایی رژیم صهیونیستی اذعان کرد سامانه دفاعی گنبد آهنین این رژیم نمی‌تواند حامی سرزمین های اشغالی در صورت جنگ با لبنان یا سوریه باشد. عاموس یادلین، از مقامات سابق رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرد اگر اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران حمله کند، با حمله موشکی شدید این کشور مواجه می شود.

عمرو موسی خواستار انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در مصر شد

سرویس خارجی: رئیس حزب کنگره و از رهبران جبهه نجات ملی معارض مصر برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری را خواستار شد.

عمرو موسی در مصاحبه با خبرگزاری الشرق الاوسط گفت که اوضاع داخلی مصر آنگونه که باید باشد، نیست. وی اشاره کرد که خواسته‌های جنبش «شورش» برای برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری «مشروع» است زیرا در چارچوب دموکراسی عمل می‌کند و سعی دارد بر روند دموکراسی تاکید کند.

موسی درباره طرح‌های آینده جبهه نجات ملی در خصوص انتخابات پارلمانی آینده نیز اظهار داشت: ما تلاش می‌کنیم تا در یک جبهه واحد باشیم. در تحولی دیگر، فرمانده ارتش دوم میدانی مصر تاکید کرد که نیروهای ارتش در سینا باقی خواهد ماند تا این منطقه را از جنایتکاران پاکسازی کنند. سرلشگر «احمد وصفی» تاکید کرد که نیروهای مسلح تا زمان دستگیری عاملان ربایش سربازان و پاکسازی همه کانون‌های جنایتکاران در سینا باقی خواهند ماند.

وصفی طی سخنانی در دیدار با شیوخ قبایل و عشایر سینا در شهر العریش گفت: نیروهای مسلح در سینا باقی خواهند ماند تا ماموریت خود در پاکسازی کانون‌های جنایتکاران را تکمیل کرده و عاملان ربایش سربازان و افراد متخلف و قانون‌شکن را دستگیر و ثبات و امنیت را به سینا بازگردانند.

معرفی نامزدهای احزاب پیروز پاکستان برای نخست‌وزیری

سرویس خارجی: دو حزب بزرگ پاکستان که در انتخابات عمومی این کشور توانستند بیشترین آراء را از آن خود کنند، نامزدهای پیشنهادی خود برای پست نخست‌وزیری را معرفی کردند.

بر همین اساس، حزب مسلم لیگ به رهبری «نواز شریف» که اکثریت آراء را در انتخابات پارلمانی کسب کرد، محمد نواز شریف را به عنوان نامزد پیشنهادی پست نخست‌وزیری معرفی کرد. تصمیم نهایی در این باره در جلسه هیئت پارلمانی این حزب که برگزار می‌شود اتخاذ خواهد شد.

همچنین این حزب، «شهباز شریف» برادر نواز شریف را به عنوان نامزد پست سروزیری ایالت «پنجاب» معرفی کرده است. این در حالی است که حزب تحریک انصاف پاکستان به رهبری عمران خان، «مخدوم جاوید هاشمی» را به عنوان نامزد حزب خود برای تصدی پست نخست‌وزیری معرفی کرد. همچنین نامزدهای پست سخنگو و معاون سخنگوی حزب تحریک انصاف در مجلس ملی نیز در این جلسه معرفی شدند.

بر همین اساس، «شهریار آفریدی» نماینده منتخب این حزب از منطقه «کوهات» و «خانم منزه حسن» رهبر شاخه زنان تحریک انصاف به ترتیب به عنوان سخنگو و معاون سخنگوی این حزب در مجلس ملی پیشنهاد شدند.

«شاه محمود قریشی»، معاون عمران خان پس از این جلسه در گفتگو با خبرنگاران گفت که این حزب تلاش دارد به عنوان یک اپوزیسیون مسئول و موثر در مجلس ملی ظاهر شده و نامزدهای خود برای تصدی همه پست‌های مجلس ملی را به میدان بفرستد. دراین میان، طالبان پاکستان مجددا تهدید کرد، پرویز مشرف را که در حال حاضر در بازداشت خانگی به سر می‌برد، ترور خواهد کرد.

احسان الله احسان، سخنگوی طالبان پاکستان طی یک پیام ویدئویی مجددا هشدار داد و گفت: به زودی ما این "شیطان" را به دلیل اعمال شرورانه‌اش خواهیم کشت.

کوتاه از سراسر جهان

رای اعتماد پارلمان لیبی به وزیر کشور جدید

فارس: کنگره ملی لیبی به «محمد الشیخ» برای تصدی مقام وزیر کشور جدید این کشور رای اعتماد داد تا جانشین «عاشور شوایل» شود که از سه هفته پیش استعفا داده بود. ۱۲٤ نماینده پارلمان لیبی به الشیخ برای تصدی مقام وزیر کشور لیبی رای مثبت و شش نماینده رای ممتنع دادند. الشیخ در جلسه رای گیری پارلمان طرح خود را برای استحکام امنیت در لیبی ارائه و تاکید کرد: برخی دستگاه های امنیتی کنونی در لیبی باید پابرجا بمانند تا خلاامنیتی ایجاد نشود. وزارت کشور لیبی اعلام کرد که طرح امنیتی ویژه‌ای را به منظور حفاظت از هیأت‌های دیپلماتیک در این کشور به اجرا گذاشته است.

گام های «فارک» و دولت کلمبیا به سوی صلح

ایسنا: دولت کلمبیا و گروه چپ‌گرای فارک پس از شش ماه گفتگو بر سر اصلاحات ارضی به توافق رسیدند. اصلاحات ارضی یکی از جنجالی ترین موضوع‌ها در گفتگوهایی بود که به پنج دهه مناقشه در کلمبیا پایان می دهد. «اومبرتو دلا کال»، رئیس تیم مذاکره کننده دولت کلمبیا گفت: امروز ما فرصتی واقعی برای دستیابی به صلح از طریق گفتگو داریم و حمایت از این فرآیند یعنی ایمان داشتن به کلمبیا.

اعمال محدودیت علیه مسلمانان در میانمار

ایرنا: مقام های استان غربی میانمار در ادامه فشار و اذیت مسلمانان، قانون محدودیت دو بچه را برای خانواده های مسلمانان روهینگیا به اجرا درآورده‌اند. این سیاست برای ساکنان راخین، استان مرزی میانمار، به اجرا درمی آید که بیشترین تعداد مسلمانان را دارد. بخش های بوتیدائونگ و منداو در این ایالت حدود ۹۵ درصد مسلمان دارند. رشد جمعیت مسلمانان روهینگیا ۱۰ برابر بیشتر از بودایيان راکهینه است و همین جمعیت مازاد یکی از دلایل تنش محسوب می شود.

درگیری بی سابقه پلیس با تظاهر کنندگان در پایتخت سوییس

ایرنا: بزرگترین تجمع خیابانی مردم سوئیس در ۲۰ سال گذشته به درگیری با نیروهای پلیس و دستگیری دهها نفر انجامید. پلیس ضدشورش سوئیس در «برن» پایتخت این کشور از گاز اشک آور و ماشین های آب‌پاش استفاده کرد تا تجمع مردم را متفرق کند. این تجمع خیابانی با دخالت نیروهای امنیتی و درگیری میان مردم و این نیروها به خشونت انجامید و اعضای گروه نقابدار موسوم به «بلک بلوک» سعی کردند از حصارهای امنیتی اطراف ساختمان پارلمان این کشور عبور کنند.

تهران میزبان ٤٠ کشور برای حل بحران سوریه

معاون وزیر خارجه ایران گفت: سوریه نیازمند کمک ایران یا هیچ کشور دیگری نیست، ادعای برخی رسانه‌ها درباره حضور نیروهای ایران و حزب الله در سوریه دروغ و فرافکنی است.

به گزارش فارس، "حسین امیرعبداللهیان " در گفتگو با شبکه العالم بابیان این که اکنون در پایتخت سوریه مساله جدی و ناامنی جدی وجود ندارد و تنزل در عملیات انفجاری از خودرو به دوچرخه در این شهر نشان دهنده تقویت و استحکام حلقه امنیتی از سوی مردم و حکومت است

گفت: براساس اخباری که از مقام های ذیربط در سوریه دریافت کرده ایم، نبرد در القصیر به زودی به نفع مردم و دولت و با پیروزی به پایان خواهد رسید.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران از مردم، حکومت سوریه و معارضان معتقد به راهکار سیاسی حمایت جدی به عمل آورده و این حمایت ها ادامه خواهد داشت و هیچ تغییری در مواضع تهران در حمایت از سوریه روی نداده و نخواهد داد، لذا حزب الله چنین راهبردی و استراتژی را دنبال می کند.

امیرعبداللهیان گفت: نمی توان تصور کرد که به عنوان نمونه در کشوری مانند بحرین نیروهای یک کشور خارجی با دهها و صدها قبضه تانک و توپ و نیروی مسلح وارد این کشور بشوند و از این اقدام به عنوان حفاظت از تاسیسات عمومی در بحرین یاد کنند؛ اما اعتبات عالیات و اماکن متبرکه درسوریه مورد هدف تروریستها قرار گیرد و جهان تشیع به آن بی تفاوت باشد؛ لذا حتما تدابیری در حمایت و صیانت از این مراکز در سطح جهان اسلام و جهان تشیع اتخاذ خواهد شد. معاون وزیر خارجه ادامه داد: سوریه نیازمند کمک ایران یا هیچ کشور دیگری نیست، ادعای برخی رسانه ها درباره حضور نیروهای ایران و حزب الله در سوریه دروغ و فرافکنی است، چون ادعا می کنند سوریه ضعیف است و ارتش قدرت مبارزه را از دست داده است در حالی که آنچه در سوریه شاهدیم نشانه انسجام حکومت، ارتش و قوای مردمی است؛ لذا سوریه تاکنون نه درخواستی از ما برای کمک نظامی کرده و نه ما کمک نظامی به سوریه ارائه داده ایم. معتقدیم سوریه بیش از کمک های ایران در زمینه حمایتهای سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی نیازمند کمک دیگری نبوده و نیست.

نشست سوریه در تهران

امیر عبداللهیان درباره کنفرانس سوریه در تهران گفت: رایزنی هایی با طرف های منطقه ای داشته ایم که آخرین آن سفر آقای صالحی وزیر خارجه به اردن، سوریه و عربستان بود؛ در رایزنی مستمر با برخی کشورهای اروپایی و منطقه ای به این جمع بندی رسیدیم که تمام طرفها در سوریه به دنبال راهکار سیاسی هستند. لذا تصمیم گرفته شد نشست بین المللی سوریه در تهران با شعار راه حل سیاسی و ثبات منطقه ای برگزار شود. راه حل سیاسی تاکید به استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات در سوریه، بحرین، یمن و دیگر منطقه است چون معتقد به گفتگوی ملی در تمام این کشورها، توقف خشونت، عدم مداخله خارجی و توافق سیاسی هستیم. ثبات منطقه‌ای به این دلیل مطرح شد که کشورهای همسایه سوریه، ظرفیت تحمل سرایت ناامنی به خود را ندارند، لذا شاهدیم در اردن، ترکیه و عراق تعداد زیادی از آوارگان سوری حضور دارند و حضور آنها بحرانهای مختلف امنیتی و اجتماعی برای این کشورها ایجاد کرده است.

معاون وزیر خارجه گفت: همایش تهران برای کمک به حل بحران سوریه فردا برگزار می شود، احتمالا بیش از ٤٠ کشور در آن شرکت می کنند و نماینده کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد پیام وی را در این اجلاس ابلاغ می کند؛ امیدواریم این نشست به یافتن راهکار سیاسی مناسب در قبال سوریه کمک کند و نشست ژنو ۲ که پس از آن برگزار می شود، زمینه مناسبی فراهم کند که مورد انتظار و توقع مردم سوریه باشد.

وی ادامه داد: آنچه ما در تهران و طرف های بین المللی در ژنو ۲ انجام خواهند داد باید به گونه ای باشد که فرصتی فراهم کنیم تا مردم سوریه درباره آینده کشورشان تصمیم بگیرند، در تهران کسی به جای مردم سوریه تصمیم نمی گیرد و در ژنو نیز کسی در جایگاه تصمیم گیری به جای این مردم نیست، باید بستر را فراهم کنیم تا خشونت متوقف شود و کمک کنیم به برگزاری انتخابات با نظارت بین المللی و مردم سوریه حرف نهایی را درباره سرنوشت کشورشان بزنند.

امیر عبداللهیان درباره کنفرانس ژنو گفت: هنوز مقدمات کنفرانس به خوبی فراهم نشده است، البته در سطحی از مقامات روسیه و آمریکا توافق درباره موضوع حاصل شده است اما آمریکا و همپیماناش که در ژنو یک خواستار برکناری اسد بودند در ژنو ۲ تلاش می کنند اسد از قدرت کناره گیری کند اما ایران و روسیه معتقدند بر اساس ژنو یک باید در ژنو ۲ به توافقی برسیم که بر مبنای آن خشونت متوقف و آرامش در سوریه برقرار شود. سپس تشکیل دولت انتقالی یا هر راهکار سیاسی که باید مورد تایید مردم سوریه قرار بگیرد، انجام شود. باید زمینه حضور نمایندگان حکومت سوریه و مخالفان فراهم شود.

حمله تروریست‌های سوریه به زندان حلب با ۱۳۰ کشته و زخمی

سرویس خارجی: تروریست‌های مسلح با موشک باران زندان مرکزی حلب ۳۰ نفر از جمله محکومان این زندان را کشته و ۱۰۰ نفر دیگر را زخمی کردند. این کشتار جمعی هنگامی روی داد که افراد مسلح که این زندان را به محاصره خود درآورده بودند، با توپ و تانک آنجا را هدف قرار دادند. یکی از ساکنان روستاهای اطراف این زندان اعلام کرد این زندان قریب به ٤۵۰۰ زندانی دارد که در میان آنها افراد سالخورده و زنان نیز هستند و کودکانی نیز به همراه مادران خود در این زندان حضور دارند. گفته می شود افراد مسلح به دنبال آزاد کردن نزدیکان خود از زندان هستند که بیشتر آنها محکومان جنایی هستند. آنها می‌خواهند با آزاد کردن این افراد، آنان را به مبارزه علیه دولت بشار اسد تشویق کنند. خبر دیگر اینکه تروریست ها یک دستگاه خودرو بمبگذاری شده را نزدیک بیمارستان الکسوه در حومه دمشق منفجر کردند که بر اثر آن شش نفر کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شدند. همچنین افراد مسلح وابسته به ارتش آزاد سوریه به روستای مسیحی نشین «الدویر» در ریف حمص حمله کرده و دست به کشتار غیر نظامیان ساکن روستا از جمله زنان و کودکان زدند. درتحولی دیگر درگیری میان تروریست های مسلح با کردهای شمال سوریه، ده‌ها کشته و زخمی برجا گذاشت. این درگیری نزدیک روستای «عقیبه» واقع در منطقه عفرین از مناطق روستایی شهر حلب رخ داد که به کشته شدن ۱۱ تن و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ تن از اعضای گردان التوحید از گروه‌های اصلی مخالفان سوریه در شمال این کشور، انجامید. هنوز اطلاعاتی از میزان تلفات کردها در دست نیست. یکی از اعضای کمیته مردمی کردهای شمال سوریه گفت: این درگیری بعد از آن روی داد که گروهی مسلح از گردان التوحید به منطقه تحت کنترل ما حمله کرد و خواهان تسلط بر ایست بازرسی ما شد. در این درگیری فرمانده گروه مهاجم نیز کشته شد. ازسویی ارتش سوریه با کمک نیروهای حزب‌الله لبنان توانست کنترل ۸۰ درصد از شهر استراتژیک القصیر را در اختیار گیرد. درگیری‌ها میان ارتش و گروهی از شبه نظامیان مخالف دولت در داخل فرودگاه الضبعه شهر القصیر ادامه دارد و ارتش توانسته ارتباط این گروه را که در داخل فرودگاه محاصره شده‌اند با دیگر مخالفان در شمال القصیر قطع کند. با وجود مقاومت مخالفان و خسارت‌هایی که به نیروهای سوریه و حزب‌الله وارد شده اما در درگیری‌های اخیر پیروزی‌های چشمگیری برای نظام سوریه به دست آمده است. همچنین شبکه الاخباریه سوریه گزارش داد که «یارا عباس» خبرنگار زن این شبکه هنگامی که در حال پوشش اخبار مربوط به عملیات ارتش سوریه در شهر مرزی القصیر بود به دست تروریست‌ها کشته شد. درچنین شرایطی رئیس دفتر دیدبان حقوق بشر در سوریه گفت: جنگجویان لبنانی سنی مذهب از طریق طرابلس و صیدا عازم القصیر می شوند تا در کنار گروههای مسلح علیه دولت سوریه بجنگند. رامی عبد الرحمان با بیان اینکه جبهه النصره در همه نقاط سوریه در حال جنگ است، افزود: از حضور اعضای جبهه النصره در القصیر آگاهیم ولی از شمار آنها اطلاعی در دست نیست. دراین حال ارتش آزاد سوریه مسئولیت پرتاب موشک به حومه جنوبی بیروت را برعهده گرفت. عمار الواوی مسئول ارتش آزاد سوریه گفت: ما گفته بودیم که لبنان نیز از اتفاقات سوریه در امان نخواهد بود و دخالت حزب‌الله در سوریه پیامدهای بزرگی خواهد داشت. دراین حال یک مقام ارشد حزب الله لبنان گفت حمله موشکی به حومه جنوبی بیروت در راستای اقدامات تروریستی است و می‌خواهد اهداف اسرائیل را محقق کند. شیخ نبیل قاووق افزود: آنها اگر به دنبال ترساندن ما و فشار بر مقاومت هستند، در این هدف شکست خورده‌اند، چرا که مقاومت اجازه نمی‌دهد کسی از آن باج‌خواهی کند. ازسویی بان کی مون دبیرکل سازمان ملل نسبت به سرایت بحران سوریه به کشورهای منطقه به ویژه لبنان ابراز نگرانی کرد.

بان کی مون گفت عمیقا نگران افزایش حضور مبارزان حزب الله لبنان در سوریه و سرایت این بحران به داخل مرزهای لبنان است. خبر دیگر اینکه مجله «لوکال» چاپ آلمان نوشت: دولت آلمان کمک‌های خود به گروه‌های مسلح سوری را از سر خواهد گرفت. بر اساس این گزارش، دولت آلمان خود را برای ارسال تجهیزات پزشکی و همچنین صدها جلیقه ضد گلوله برای مخالفان سوری آماده می‌کند. مذاکرات دولت آلمان و مخالفان سوری برای دریافت کمک‌های این کشور در مراحل پایانی قرار دارد و در مقابل، دولت آلمان امیدوار است اطلاعاتی در مورد وضعیت ارتش سوریه از شورشیان این کشور دریافت کند. درتحولی دیگر سوریه خواهان انجام تحقیقات بین‌المللی برای پرده برداشتن از نقش قطر در ربودن نیروهای سازمان ملل در بلندی‌های اشغالی جولان شد. بشار الجعفری گفت: مشخص شده شخصی با استفاده از خطوط تلفن قطر با ربایندگان نیروهای سازمان ملل تماس گرفته و توضیح داده چه کار کنند، کجا بروند و با ربوده شدگان چه کنند. الجعفری خاطر نشان کرد: ایمیلی که یکی از اعضای هیات سازمان ملل در دمشق به مقر این سازمان فرستاد، تاکیدی بر صحت این مساله است. وی تصریح کرد: محتوای این ایمیل در اختیار سازمان ملل و بان کی مون گذاشته شده است. خبر دیگر اینکه با توجه به حملات پی در پی تروریست‌ها به مناطق صنعتی و کارخانه‌ها، وزارت صنایع سوریه با درخواست صاحبان صنایع برای انتقال تجهیزات خود به مناطق امن موافقت کرد. ازسویی کاردار سفارت مصر در دمشق اعلام کرد از امروز سفرهای زمینی و هوایی برای خارج کردن اتباع مصری از سوریه آغاز می‌شود. درتحولی دیگر نیروهای مسلح عراقی پس از چند روز درگیری با گروه‌های تروریستی سوریه کنترل منطقه مرزی این کشور با سوریه را به دست گرفتند و چند تن از اعضا و هوادارن گروهک تروریستی القاعده را دستگیر کردند. در این عملیات ۳۲ تروریست عضو القاعده کشته و ۵۱ تن از اعضا و هواداران آن از جمله هفت زن دستگیر شدند.

رایزنی های سیاسی

وزیران امور خارجه روسیه، آمریکا و فرانسه در پاریس با هم دیدار کردند تا در خصوص آخرین جزئیات مربوط به برگزاری کنفرانس بین‌المللی «ژنو۲» در مورد سوریه به توافق برسند. سرگئی لاوروف، جان کری و لورن فابیوس در پاریس ملاقات کردند. کنفرانس «ژنو۲» احتمالا اواسط ژوئن در ژنو برگزار خواهد شد. دراین حال شورای عالی کردهای سوریه که اصلی ترین حزب سیاسی کردهای این کشور به شمار می‌آید خواستار مشارکت در کنفرانس «ژنو ۲» در قالب معارضان داخلی یا خارجی شده است. «محمد علی» نماینده شورای عالی کردها که برای مشارکت در نشست ائتلاف معارضان خارج نشین سوریه در استانبول حضور داشت تأکید کرد این مسأله را به اطلاع آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان رسانده‌اند. این درحالی است که معارضان سوری در چهارمین روز از نشست استانبول اعلام کردند در نشست «ژنو ۲» شرکت نمی کنند. ازسویی نخست وزیر چین اعلام کرد، پکن برای هرگونه راه‌حلی در خصوص از میان بردن بحران سوریه که از جانب تمامی احزاب پذیرفته شود، آماده است. لی کچیانگ در کنفرانس خبری مشترک با آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در برلین گفت وضعیت سوریه در حال حاضر بسیار پیچیده و بغرنج است و درعین حال نگران‌کننده و هشداردهنده است. دراین حال وزیر امور خارجه ترکیه تاکید کرد آنکارا به دنبال شتاب بخشیدن به فعالیت‌های دیپلماتیک بین‌المللی درخصوص بحران سوریه است. احمد داود اوغلو گفت: آنکارا در حال انجام تلاش های فوق العاده برای ایجاد یک روند مناسب به منظور دستیابی به توافق صلح در سوریه پیش از برگزاری کنفرانس بین‌المللی «ژنو۲» است. همچنین دبیرکل اتحادیه عرب برای بررسی تحولات سوریه راهی ترکیه شد تا از آنجا به روسیه برود. محور مذاکرات نبیل العربی تحولات سوریه اعلام شده است. درچنین شرایطی نشست وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا با هدف بررسی مساله ارسال سلاح برای مخالفان سوری و قرار دادن نام حزب الله لبنان در فهرست گروه‌های تروریستی این اتحادیه، برگزار شد.

انفجار نزدیک بیمارستان «الکسوه» دمشق با ۶۰ کشته

تظاهرات گسترده جدایی طلبان جنوب یمن

سرویس خارجی: در درگیری میان تظاهرکنندگان جدایی طلب یمن با پلیس این کشور در عدن، دست کم پنج تن زخمی شدند. تظاهرکنندگان مقابل هتل محل برگزاری نشست‌های مذاکرات ملی در عدن تجمع کردند و خواهان جدایی جنوب یمن شدند. شاهدان عینی اعلام کردند، تظاهرکنندگان پرچم‌های کشور سابق یمن جنوبی را برافراشتند و تلاش کردند تا وارد هتل شوند.

یکی از تظاهرکنندگان گفت که پلیس یمن برای متفرق کردن تظاهرات به شلیک گلوله و پرتاب گاز اشک‌آور متوسل شد و دو تن بر اثر اصابت گلوله و سه تن دیگر بر اثر استنشاق گاز اشک‌آور آسیب دیدند. در همین حال منابع امنیتی اعلام کردند: دهها تن از حامیان علی سالم البیض، رئیس جمهوری سابق یمن جنوبی تلاش کردند که به هتل یورش ببرند و ما برای حفاظت از مسئولان شرکت کننده در این نشست تظاهر کنندگان را متفرق کردیم. از طرفی، افراد مسلح، فرمانده نیروهای ویژه امنیتی را در استان حضرموت ترور کردند. «ماجد مطیر» فرمانده نیروهای ویژه امنیتی در منطقه «القطن» در استان «حضرموت» ترور شد.

روزنامه «الحیات» به نقل از یک منبع نظامی یمنی، عاملان ترور ماجد مطیر را عناصر شبکه تروریستی القاعده اعلام کرده است. از دیگر سو، دولت قطر در ادامه تلاش خود برای دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه، جذب ۱۰ هزار نفر از نیروهای گارد ریاست جمهوری منحل شده یمن را برای به خدمت گرفتن آنها جهت تامین منافع خود در منطقه آغاز کرد.

شماری از سربازان گارد ریاست جمهوری سابق یمن در گفتگو با پایگاه خبری «براقش نت» فاش کردند که آنها پیشنهادهای اغوا کننده‌ای برای جذب در قطر دریافت کرده‌اند و سفارت قطر از طریق دفاتر ویژه خود در شهر صنعا پایتخت یمن و شخصیت‌های نظامی و قبیله‌ای کار جذب سربازان گارد ریاست جمهوری منحل شده یمن خصوصا سربازان تیپ سوم پیاده که اخیرا در مارب منحل و به سربازان آنها مرخصی نامحدود داده شد، آغاز کرد.

منابع بلندپایه گفتند که قطر در تلاش برای جذب حدود ۱۰ هزار نفر از نیروهای گارد ریاست جمهوری است و این اقدام قطر بعد از شکست ایده سابقش برای جذب جنگجویان گروه اخوان المسلمین و گروه‌های قبیله‌ای برای اعزام آنها به جنگ در سوریه صورت می‌گیرد.

*بحرین

سازمان عفو بین‌الملل با تهیه گزارشی، ادامه سرکوب مخالفان از سوی رژیم آل خلیفه و استفاده مفرط نیروهای پلیس از زور علیه معترضان بحرینی را محکوم کرد.

عفو بین‌الملل در این گزارش ضمن انتقاد از اوضاع حقوق بشر بحرین، اعلام کرده است که مقامات بحرینی به توصیه‌های اساسی کمیته مستقل تحقیقات عمل نکرده است و نیروهای بحرینی تاکنون دهها تن را به دلیل مخالفت با دولت، بازداشت و زندانی کرده‌اند که زندانیان آزادی بیان جزئی از این زندانیان هستند. از سویی، گروهی از مخالفان و فعالان سیاسی بحرین با ابراز نگرانی از اقدام نظام آل خلیفه در تشکیل شبه نظامیان، اعلام داشتند که این اقدام کشور را در معرض جنگ داخلی قرار خواهد داد.

معاون دبیرکل جمعیت وعد بحرین نیز هدف آل‌خلیفه از وقت‌کشی در گفتگو با مخالفان را تحمیل قانون اساسی به مردم و خالی کردن عرصه از مخالفان دانست. در این حال، نماینده پیشین مجلس بحرین برگزاری گفتگوی ملی از سوی رژیم را تلاش برای خروج از تنگنا دانست و گفت: مخالفان به زودی شیوه برخورد با آل خلیفه را تغییر می دهند. خبر دیگر اینکه، دادگاه رژیم آل خلیفه مجازات مامور پلیس بحرینی که قاتل یک تظاهرکننده شیعه در این کشور بود را از هفت سال به شش ماه کاهش داد.

*عربستان

یک روزنامه یمنی به نقل از یکی از خبرنگاران روزنامه «الشرق الاوسط» نوشت که شاه عربستان دو روز است که دچار مرگ بالینی شده است. روزنامه یمنی «الحدث» به نقل از یکی از روزنامه‌نگاران فعال در روزنامه سعودی «الشرق الاوسط»، نوشت که «عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه عربستان دست‌کم دو روز است که دچار مرگ بالینی شده است.

بر اساس این گزارش، بر اساس اطلاعات [illegible] پزشکی، شاه سعودی اعضای اصلی بدنش به ویژه قلب، ریه‌ها و کلیه‌هایش را از دست داده است و حتی شوک‌های الکتر یکی پزشکان نیز نتوانسته او را به زندگی باز گرداند.

از طرفی، گروه المناصرون در فراخوان خود از مردم عربستان خواست تا بار دیگر با برگزاری مراسم مختلف با بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی اعلام همبستگی کنند. این در حالی است که، منابع خبری عربستانی از اقدام شاهزاده «فهد بن خالد آل سعود» یکی از اعضای خاندان حاکم سعودی به تهدید مسلحانه و ربودن یک دختر عربستانی و تجاوز به وی خبر می‌دهند. از دیگر سو، در سایه افزایش موج اعتراضات و نارضایتی‌ها در عربستان، رژیم سعودی گارد ملی خود را تا سطح وزارتخانه ارتقا داد و متعب بن عبدالله را به عنوان اولین وزیر آن تعیین کرد.

*کویت

روزنامه کویتی القبس اعلام کرد، وزیر نفت کویت پیش از استیضاح در پارلمان از مقام خود استعفا کرد. «هانی حسین» وزیر نفت کویت پیش از استیضاح در پارلمان از مقام خود استعفا داد. روزنامه کویتی القبس اعلام کرد که وزیر نفت قرار بود درباره غرامت ۲٫۲ میلیارد دلاری به کمپانی «داو کمیکال» و برخی تخلف‌های دیگر در پارلمان کویت استیضاح شود.

*اردن

سخنگوی دولت اردن اعلام کرد اسرائیل در مانور شیر در کمین که در هفته‌های آینده در اردن برگزار خواهد شد، حضور نخواهد داشت. «محمد المومنی» وزیر کشور در امور رسانه‌ای، وزیر امور سیاسی و پارلمانی و سخنگوی دولت اردن تأکید کرد که اسرائیل در مانور «شیر در کمین» سال ۲۰۱۳ حضور نخواهد داشت.

مومنی افزود: مسئولان برگزاری این مانور به صورت رسمی نام کشورهای شرکت کننده را اعلام خواهند کرد. از سویی، دولت اردن اعلام کرد که مایل است سامانه دفاع موشکی پاتریوت در خاک این کشور برای حفاظت از حریم هوایی آن نصب شود. در تحولی دیگر، معاون نخست‌وزیر عراق اعلام کرد این کشور در آینده‌ای نزدیک نیاز نفتی اردن را تامین می‌کند.

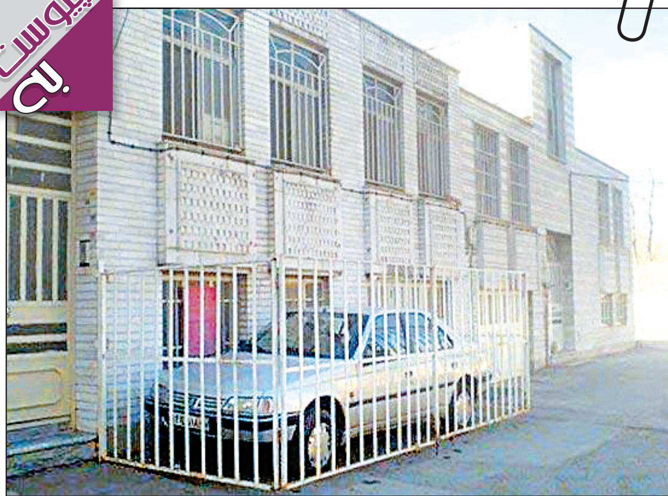
۲۲۸

ادب و هنر

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۷ خرداد ۱۳۹۲
شماره ۲۵۶۰۳

پوست بلا


پارکینگ خودجوش!

خشت اول

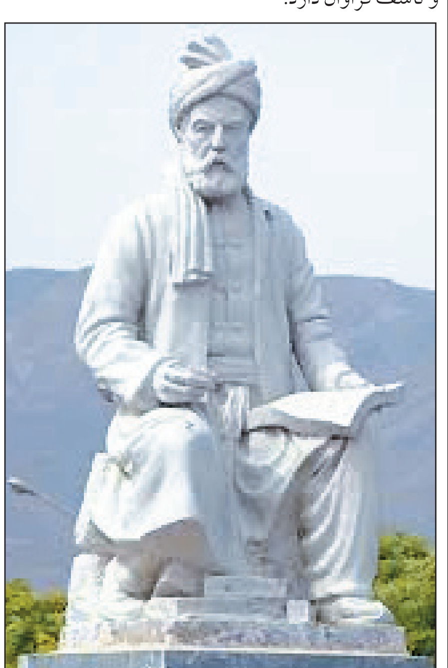
دکتر ابوالقاسم فردوسی!


رضا اسماعیلی

گر تـو جامی و انوری باشـی
یـا کـه علامه جعفری باشـی
حافظ و شـهریار و فردوسـی
یـا خدای سـخنوری باشـی
مدرکـت دکتـرا نباشـد گـر
درصف شـعر، آخری باشـی!

شـنیدم که در مراسم خاک سـپاری استاد محمد قهرمان، مجری برنامه با تأسـف و تأثر فراوان گفته اسـت:«امروز استاد قهرمان را در کنار شاعر ارجمند جناب«دکتر ابوالقاسم فردوسی» به خاک می سپاریم!»

شنیدن اخباری از این دست برای ما که پیشانی نوشته مان شعر است و جهانیان ما را با شاعران بزرگی چون فردوسی و عطار و مولانا و حافظ و سعدی می شناسند، جای دریغ و تأسف فراوان دارد.



البته پیش از این نیز بارها شاهد چنین اتفاقات شگفتی بوده ایم. بسـیار شنیده ایم که برخی رایزنان فرهنگی برای رونق بخشیدن به همایش های ادبی –سیاسی خویش، طی مکاتبات اداری خواسـتار شرکت«عطار و مولوی و بیدل» در مراسم شعرخوانی شده اند! و یا از «سپهری و سلمان و اوستا» برای شـرکت در کنگره های فرهنگی دعوت کرده اند که این امر نشـانگر دانش و بینش ادبی گسترده این بزرگواران است!

واقعیت این اسـت که علیرغم همه تعریف و تمجیدها، شـعر و ادب هنوز همان طفل یتیمی اسـت که هر از گاهی مسـئولین محترم با برگزاری همایش های کم خاصیتی که بیشتر به درد ارائه بیلان کار و گزارش عملکرد برای جذب بودجه های میلیاردی می خورد؛ از سـر ترحم و دلسوزی، دست نوازشی بر سرش می کشند و کارنامه درخشان خود را پروارتر می کنند.

سکوت، بی ادعایی و نجابت جماعت شاعران نیز بر گستاخی این بندبازان حرفه ای می افزاید و آنان را در استفاده ابزاری از شعر و شاعران، روز به روز جسورتر می کند. نتیجه آن می شـود که همایش هایی از این دسـت به نام شاعران و به کام مدیران تمام می شـود و قبیله شاعران با مظلومیت تمام همچنان می سـوزند و می سازند و صورت خود را با سیلی سرخ می کنند.

دریـغ از زبان پارسـی، دریـغ. لا حول ولا قوة الا بالله. بگذریم ...

از درد سـخن گفتن و از درد شـنیدن
با مردم بی درد، ندانی که چه دردی است

یادداشت هایی برای بزرگمرد کیهان بچه ها

اشـاره: چهـل روز از کـوچ ابدی نویسـندهٔ کودکان و نوجوانان و مدیرمسـؤول خوب و آرام مجلهٔ خواندنی «کیهان بچه ها» می گذرد. **امیرحسین فردی**، بزرگمرد مهربانی بود که تمام هنر نویسـندگی خود را در خدمت کشف و شناسایی و رشد و پرورش جوانه های نورسته در عرصهٔ ادبیات کودک و نوجـوان قـرار داده بـود تا دسـت آنها را بگیـرد و پا به پای شماره های هفته نامه اش، تا قلمروهای جدی تر و فراتر نوشتن و سرودن پیش ببرد.

اکنون در آستانهٔ چهلمین روز درگذشت این نویسندهٔ نام آشنای کودکان و نوجوانان این سرزمین، جمعی از دوستان و شاگردان وی، یادداشت هایی در یادکرد و پاسداشت نام و یاد وی به رشتهٔ تحریر درآورده اند که به لطف دوست همکارمان آقای امیرحسین انبارداران، در اختیار ضمیمهٔ ادب و هنر قرار گرفته اسـت. ما نیز برای آن عزیز از دسـت رفته، علوّ درجات را در سـاحت لبخند آسـمانی حضرت دوسـت خواهانیم و آرزومندیم که چراغ نامش هماره در دل و جان کودکان دیروز و امروز و فردای کشورمان نورافشان باشد.

***

برای مرد به این بزرگی چه بنویسم؟

مهناز فتاحی

نمی‌دانم برای مرد بزرگی مثل آقای فردی چه باید بنویسم که در خور شأن و شخصیتش باشد؟...فقط می توانم خاطراتم را مرور کنم.....

سـال ۱۳٦۲ حال خوشـی ندارم. هواپیماها هرروز شهر را بمباران می کنند. باید حرف‌هایم را به کسـی بگویم. کیهان بچه‌ها را می گیرم و ورق می زنم. آن را بو می کنم. می‌بینم بچه‌ها برایش مطلب نوشـته‌اند و کیهان مطالب بچه‌ها را چاپ کرده است. یک لحظه فکری به ذهنم می آید؛ چرا من ننویسم؟ بعد به خودم می گویم آنها وقتی نوشته مرا ببینند، به من می خندند. نوشته من پراز اشکال است....اما نیرویی دوباره به من می گوید بنویس!

خـودکارم را برمی‌دارم و می‌نویسـم. تمبر را روی نامه می‌چسـبانم و پسـت می کنم. چند بار نشـانی را می‌خوانم... خیابان فردوسـی، مجله کیهان بچه‌ها...دسـت خطم قشنگ نیست. خجالت می کشم اما.....

صدای موتور نامه‌رسـان کـه توی کوچه می‌پیچد، قلبم تاپ تـاپ صدا می‌دهد. زنگ می‌زند. با خوشـحالی می‌دوم. نامه مال من اسـت. آب دهانم را قورت می‌دهم و نامه را باز می‌کنم....نوشته تو را برای چاپ سپرده‌ایم. نوشته‌ات به زودی چاپ می‌شود.

سـرم گیج می‌رود. از خوشـحالی فریاد می‌کشم تا خبر را بـه مادرم بدهم. باورم نمی‌شـود.....چند روز بعد مجله را می‌خـرم. ورق می‌زنم و نوشـته خـودم را که می‌بینم تا خانه می‌دوم و با شـادی فریاد می‌زنم...نگاه کنید داستان من چاپ شده. نگاه کنید..



توی دلم همه‌اش می گویم خدا نگهدارت باشـد کیهان بچه‌ها. خدا نگهدارت باشد مدیر کیهان بچه‌ها......

سال ۱۳٦٤ پدرم تازه فوت کرده است. دنیا برایم غمگین است. برای کیهان‌بچه‌ها نامه می‌نویسم و از غمهایم می گویم.... وقتی جواب به دسـتم می‌رسد، دلم آرام می‌شود. آقای فردی آن‌قـدر خوب با من همدردی می کنـد که انگار بر زخم‌هایم مرهم گذاشـته. در نوشـته‌اش سـعی کرده به من امید بدهد. لحنش آن‌قدر مهربان اسـت که اشـک از چشـمم می‌ریزد. حرف‌هایش خیلی صمیمی و ساده است.

سـال ۱۳٦۷ همراه خانواده به مسـافرت می‌رویم. خانه عمه‌ام تهران است و من با خوشحالی با خانواده همراه می‌شوم. تـوی راه به خواهر بزرگتـرم می گویم:«باید کمکم کنی بروم کیهـان بچه‌هـا. می‌خواهم کسـانی را که به مـن کمک و مرا راهنمایی می کنند ببینم.» خواهرم می خندد و می گوید:«باشد. بگذار برسیم.»

......بـا خواهرم در مؤسسـه کیهان بچه ها ایسـتاده‌ایم. می گویـد بـرو و بیا. من اینجا هسـتم....قلبم تند می‌زند. آب دهانم را قورت می‌دهم و در اتاقی را که می گویند اتاق کیهان بچه‌ها است باز می کنم. چند نفر مشغول کارند. سلام می کنم. خجالـت می کشـم. جواب سـلامم را با مهربانـی می‌دهند. خوشـحال می‌شـوم. بعد خودم را که معرفی می کنند، لبخند می‌زنند و با شادی مرا دعوت می کنند که بنشینم. از خوشحالی اشک توی چشمم حلقه می‌زند.

یکی از مردهایی که توی اتاق اسـت می گوید من فردی هستم. و مرد دیگر می گوید من هم فتاحی هستم...

هردو چهره‌های مهربانی دارند. روبه‌رویم می‌نشـینند و با من حرف می‌زنند. آقای فردی آنقدر سـاده و راحت حرف می‌زند که یک لحظه او را شبیه پدرم می‌بینم. چشم‌هایش مثل چشم‌های پدرم مهربان و صمیمی و ساده است.

آنقـدر گرم صحبت شـده‌ایم که یادم مـی‌رود خواهرم پایین ایسـتاده اسـت. می گویم باید بروم. آقای فردی تعارف می کند که بمان. اگر کاری هم هسـت بگو ما انجام می‌دهیم. اما خداحافظی می کنم و می گویم باید بروم. بلند می‌شـوند و تا دم در بدرقه‌ام می کنند. فکر نمی کردم که این همه مهربان و صمیمی و ساده باشند.

سـال ۱۳۷۱ هرچنـد وقت یک بـار به آقـای فردی و کیهان‌بچه‌هـا سـر می‌زنم. حالا هم آمده‌ام که با شـادی خبر فارغ‌التحصیلی‌ام را از دانشگاه را به آقای فردی بدهم. می خندد و با خوشحالی چند جلد کتاب به من هدیه می‌دهد.

راستی خانم فتاحی، اگر خواستید می توانید با ما همکاری کنید. حتی اینجا مشـغول به کار شـوید. مجله متعلق به همه شماست.

از خوشـحالی چشـم‌هایم برق می‌زند. تشکر می کنم و می گویم خیلی افتخار می کنم، اما حیف که من در شهرسـتان زندگی می کنم. آقای فردی سـرش را تکان می‌دهد. می گوید ما روی شـما حسـاب می کنیم. امیدواریم روزی کتاب‌های خـوب زیادی برای بچه‌ها بنویسـی. می گویم به امید خدا و با راهنمایی های شـما تلاش خودم را می کنم. باز همان نگاه پدرانـه‌اش را می‌بینم و از این که شـاگرد او هسـتم به خودم افتخار می کنم.

سـال ۱۳۸۵ تصادف کرده‌ام. حال خوشی ندارم. گردن و جمجمه‌ام شکسته. فک و تمام صورتم خرد و داغان است. ناله می کنم. اشک می‌ریزم. تمام سرو صورتم باند پیچی است.

بقیه در صفحه ۲

همراه با مجسمه‌سازان سمپوزیوم بین المللی چوب در تهران

چـوب
هنرمند، مخاطب

در خنکای هوای روحنواز بهار و از ۱٤ تا ۲۵ اردیبهشت که به بوستان تازه تأسیس «نوروز» پا می گذاشتی، با غرفه‌هایی با چادرهای آبی رنگ بر گرد دریاچه زیبای این بوسـتان مواجه می‌شـدی که در آنها مجسمه‌سازانی به کار مشغول بودند و صدای ارّه و فرز و مته در آنجا گوش فلک را کر کرده بود.

ایـن همه هیاهـو را برگزاری پنجمین سـمپوزیوم بین‌المللی مجسمه‌سـازی تهـران بـه راه انداخته بـود. در این سـمپوزیوم ٦ مجسمه‌ساز خارجی، ۱۳ هنرمند ایرانی و ۲۰ هنرجو به عنوان دستیار به سـاخت مجسـمه‌های چوبی از تنه درختان راش مشغول بودند. سمپوزیوم پنجم مجسمه‌سازی تهران بنا به خواست شرکت‌کنندگان در سمپوزیوم‌های پیشین، برای اولین بار به صورت غیررقابتی برگزار می‌شد.

قرار است مجسمه‌های ساخته شده، به دلیل چوبی و آسیب‌پذیر بودن آنها پس از پایان سمپوزیوم به فضاهای بسته و مسقف عمومی در سـطح شـهر انتقال یابند. در این دوره سـمپوزیوم همچنین از دو استاد در زمینه هنر مجسمه‌سازی با چوب، یعنی «محمدحسین عماد» و «جمشید مرادیان» دعوت شده بود تا در کنار هنرمندان بخش اصلی و دانشجویی، تجربیاتشان را با ساخت مجسمه‌های مورد نظر خویش به نمایش بگذارند.

۲۳ اردیبهشت، دو روز مانده به پایان رسمی سمپوزیوم، برای گفت و گو با تعدادی از مجسمه‌سازان این رویداد به بوستان «نوروز» رفتم. در این مقطع زمانی، آثار مجسمه‌سـازان از شـکل تنهٔ درخت بیـرون آمده و شـکلی به خود گرفته بـود. در ادامه، این گفت و گوها تقدیم حضورتان می‌شود.

***

جمشید مرادیان (هنرمند مدعو)

❊ نظرتان را درباره سطح و کیفیت این سمپوزیوم بفرمایید.

ـبـه نظـر من در مقایسـه با سـمپوزیوم‌های قبلی، مـا داریم به اسـتانداردهای بین‌المللـی نزدیک می‌شـویم. میهمان‌هـای خارجی سـمپوزیوم از پذیرایی و امکانات سمپوزیوم و از مدیریت سایت بسیار راضی‌اند و آن را مطابق با دیگر سمپوزیوم‌ها می‌دانند. در اینجا ما میهمانی داریم که نزدیک به ۷۰ سمپوزیوم شرکت کرده است و راضی است. خود من هم همینطور. البته این سمپوزیوم یک ایراد دارد و آن اینکه مخاطبش خیلی کم است. دلیلش هم این است که خیلی‌ها این پارک را نمی‌شناسند. در واقع ما در این دوره، سمپوزیوم را خرج معرفی پارک نوروز کرده‌ایم و اگر این سـمپوزیوم به لحاظ این که با چوب اجرا می‌شـود و آلودگی محیطی ندارد، در پارک ملت برگزار می‌شـد، بیشترین دیدارکنندگان را داشت و در آن صورت بود که من به شما می گفتم این سمپوزیوم به یکی از بهترین اهدافش که ارتباط با مخاطب است، دست یافته است.

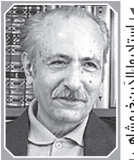
بقیه در صفحه ۵





مقاله

کژتابی‌های ذهن و زبان



استاد بهاءالدین خرمشاهی

۷۳

در مقاله‌ای هم در مورد شـادروان بیژن جلالی نوشـته بودم: «او در شـعرش همواره به شـکار پروانه می‌پردازد، بی‌آن‌که پروانهٔ شکار داشته باشد.»

باری؛ یکی خوب کار می‌کند، یکی کار خوب. چرا که ممکن است کار خوب را خوب انجام داد یا بد. یا کار بد را خوب انجام داد که شعرش را ایرج‌میرزا گفته است. یک جمله هم انگلیسی بلغور کنم، با یکی از خارجکی‌ها بحث بود و حرف به اینجا کشید که از من پرسید:

-Am I good ?

من هم سر ضرب جواب دادم:

- Why not, you are good, but good for nothing

ترجمه‌اش به آسـانی که همان معنی را برسـاند مقدور نیست، و همان عاقلان دانند!

یک نوع قلب‌سازی هم هست که معکوس خوانده شدن کلمات در عین معنی داشتن است. اخیراً کتابی در همین زمینه با عنوان «فرهنگ کلمات معکوس» یا چیزی شبیه به این به بازار آمده است که زبان‌بازان را به کار آید و متقلبان را تقلب افزاید. در آنجا آمده که مقلوب یا معکوس کلمه «سـگ مگس» عیناً همان می‌شود یا کلمات دیگری مثل: «داماد»، «شاباش» و «مادام».

جوانان قدیم که به یاد دارند، برای جوانان زیر ۷۰ـ ۸۰ سال عرض می‌کنم که در بازی‌های زبانی زمان نوجوانی و نوزبانی، این شـعر که اثر طبع ریاضت‌کش یک شـاعر فارسیِ سرای هندی است، معروف بود:

شـکر به ترازوی وزارت برکش

شو همره بلبل به لب هر مهوش

که قابلیت دوسـویه‌خوانی دارد و دربارهٔ معنایش هم از بس که ماهرانه ساخته شده، زیاد سختگیری نفرمایید.

کلمهٔ «مانی» را درنظر بگیرید. از درهم ریختگی حروف آن چندیـن کلمه با معنا درمی‌آید: ۱) مانی ۲) نیما ۳) مینا ٤) امین ۵) نامی ٦) نیام ۷) ایمن. واقعاً حیرت‌آور است.

نـام یکـی از کتاب‌های من جهـان غیب و غیب جهان اسـت. و در پیشـگفتار کتابی نوشته بودم: کمال ادعای ما این است که ادعای کمال نداریم. یک نوع قلب هم هست که سـخت‌تر از همه اسـت و بسیار نایاب و آن این است کـه دو کلمه به صورت مضاف و مضافٌ‌الیه بسـازیم که عکسش همان معنا را بدهد. موارد ناکامی و شکست بسیار زیاد است.

لب حوض – حوض لب که معنایی ندارد.

حلقهٔ گل – گل حلقه که ایضاً معنایی ندارد.

زن پدر – پدرزن،

مادر برادرم – برادر مادرم

و همین طور ممکن اسـت سـاعت‌ها سرِ کار گذاشته شـوید! بنده فقط دو تا که در واقع یک سـاختار دارد یافته یا ساخته‌ام:

مادر مادربزرگ – مادربزرگ مادر.

چنان‌که ملاحظه می‌کنید، موفق اسـت. همتای ژنریک آن پـدر پدربـزرگ – پدربزرگ پدر نیا هم بر گونهٔ نمونهٔ پیشین ساخته شده و درست است.

یک راهنمایی: اگر به جای ترکیب اضافی یعنی مضاف و مضاف‌الیـه، ترکیب وصفی یعنی موصوف و صفت یا دو صفت به کار ببریم، نمونه‌های موفق از ۹۰ درصد هم بیشتر می‌شود:

زیبای شهر آشوب – شهر آشوب زیبا،

قاتل سنگدل – سنگدل قاتل،

خوش‌قلب مهربان – مهربان خوش قلب،

پیر ضعیف‌البنیه – ضعیف‌البنیهٔ پیر

... و الی ماشاءالله.

در تشویق بنده این مصرع حافظ را بخوانید: یا رب این قلب‌شناسی ز که آموخته بود؟ ...

*

از دوست صاحبدلی شنیدم که این جملهٔ کژتاب را که بر دیواری با خط خوش نوشته بوده‌اند، خوانده است: «کار برای خدا خستگی ندارد».

الـف) خداوند که فعال ما یشـاء و دایم در کار اسـت خستگی را نمی‌شناسـد و این امر بالصراحه تأیید قرآنی دارد که: «آسـمان‌ها و زمیـن و مابین آنها را آفریدیم و به ما خسـتگی نرسـید». (سـورهٔ «ق»، ۳۸ نیز آیهٔ ۳۵ سورهٔ فاطر).

ب) کار کردن/ خدمت کردن در راه خدا برای خدمتگر خستگی و ماندگی و دلزدگی ندارد.

*

یک نفر که چندان آداب‌دان نبوده و سـر و زبان نداشته، در مجلسی به خانمی از افراد فامیل برمی‌خورد و می‌گوید: «هزار ماشالاً، بزنم به تخته چقدر شما پیر شده‌اید!»

ادامه دارد

ویژه دوست

یادداشت‌هایی برای بزرگمرد کیهان بچه‌ها



بقیه از صفحه اول

تلفـن زنـگ می‌زند. صدایی مهربان و آشـنا را از پشـت خط می‌شنوم. وقتی می‌فهمم آقای فردی است، اشک از چشمم می‌ریزد. تمام حادثه را برایش تعریف می‌کنم. صدایش می‌لرزد و برایم آرزوی سلامتی می‌کند. می‌گوید داستان «طعم تلخ خرما»یت توی مجله چاپ شـده اسـت. بگیر و بخوان. آرزو می‌کند که زندگی‌ات شیرین باشد. تلفـن را کـه قطع می‌کنم، حال خوبی دارم. انگار صدایش مرهمی بر زخم‌هایم بوده.

سـال ۱۳۹۰ بـاز توی دفتـر مجله کیهان بچه‌ها هسـتم. آقای فـلاح پـور و خانم کاوه و بقیه همکاران مجله مثل همیشـه با روی خوش با من حرف می‌زنند. بعد که آقای فردی می‌آید، مرا به اتاقش دعوت می‌کند. پشت میزش می‌نشیند. من هم با شادی منتظر می‌مانم تا با من حرف بزند.

در مورد پسـرم سپهر حرف می‌زنیم. می‌گوید الان حال سپهر خوب اسـت؟ می‌گویم خدا را شـکر. سؤال می‌کند که دیگر مشکل قلبش حل شده یا نه؟ و برایش توضیح می‌دهم که الان خیلی خوب اسـت. دست نوشته‌های «قلب کوچک سپهر» را دستش می‌گیرد و ورق می‌زند. لبخند می‌زند و می‌گوید: «خیلی خوب نوشته‌ای. احساس مادرانه‌ات را به خوبی نشان داده‌ای. امیدوارم روزی چاپش کنی.»

بعد از من تعریف می‌کند. این‌که زن مقاومی هسـتم و....وقتی از مـن تعریف می‌کند نگاهش دوباره مثل پدرم می‌شـود. مهربان و دوسـت داشتنی. حرف می‌زند و گوش می‌دهم...کاش وقت داشتم و بیش‌تر می‌ماندم اما...

شـنیده‌ام که آقای فردی مشکل قلبی پیدا کرده...با اشک و ناله زنگ می‌زنم به موبایلش...گوشی را خودش برمی‌دارد. هق هق گریه امانم نمی‌دهد. با همان لحن مهربان می‌گوید: «نگران نباشید من خوبم... خدا را شکر عمل شده‌ام و حالا مشغول استراحتم.»

بعد در همان حال، احوال سـپهر را می‌پرسـد. سعی دارد آرامم کند. برایش آرزوی سلامتی می‌کنم.

سـال ۱۳۹۱ باز هم به تهران آمده‌ام. مثل همیشه می‌روم کیهان بچه‌ها. آقای فردی پشت میزش نشسته است و تا مرا می‌بیند، لبخند می‌زند. با شادی به اتاقش می‌روم.

طرح داستان را به آقای فردی می‌دهم. نگاهی به طرح می‌اندازد و مرا راهنمایی می‌کند. حرف‌هایش درست است. با خودم می‌گویم چقدر خوب به مسائل توجه دارد. خسته هستم. دلم می‌خواهد برای بابای کیهان بچه‌ها حرف بزنم. از مشـکلاتم برایش می‌گویم. گوش می‌دهد و راهنمایی‌ام می‌کند. می‌گذارم تا اشـک‌هایم راحت روی صورتم بریزد. دلم می‌خواهد نصیحتم کند. پدرانه...حس می‌کنم همان نوجوانی هستم که برای اولین بار برایش نامه نوشته‌ام...

نوروز ۱۳۹۲ پیامک تبریک نوروز را چند بار می‌خوانم و بعد برای آقای فردی می‌فرستم. پیامک تحویل می‌شود و من خیالم راحت می‌شود که تبریک نوروزم به دست آقای فردی رسیده است.

سـه شنبه سـوم اردیبهشت سـال ۱۳۹۲ به آقای فردی زنگ می‌زنم. گوشـی را که برمی‌دارد حس می‌کنم صدایش خسته است. سـاعت دو بعدازظهر است و تازه از جلسه برگشته. از این‌که جواب پیام نوروزی مرا به علت مشغله کاری نداده عذر می‌خواهد. با خودم می‌گویم خدایا، چقدر خوب به یادش مانده.

با خنده می‌گویم همین که به دسـتتان رسـیده کافی است. بعد می‌پرسم حالتان چطور است؟ برای اولین بار می‌گوید: «اصلاً خوب نیستم.» وقتی این را می‌شنوم دلم می‌لرزد. بعد انگار که حس می‌کند ناراحت شـده‌ام، می‌گوید البته خب بعضی وقت‌ها خوب نیسـتم و بعضی وقت‌ها خوبم. این طبیعی است....با این حرف‌هایش می‌خواهد بگوید مشکلی نیست.

صدایش پراز شادی می‌شود و می‌گوید راستی مجله این هفته را دیده‌اید؟ تصویر شما و مطلبی در مورد شما چاپ شده که خیلی خوب شـده. می‌خندم و می‌گویم: «آقای فردی، هرچه دارم به‌خاطر زحمات شماست.» می‌گوید شما زحمت کشیدید و به اینجا رسیدید، ما هم خوشحالیم.....

مثل همیشـه راهنمایی‌ام می‌کند. صحبتمان طولانی می‌شود. آخـر حرف‌هایش می‌گوید شـنبه به من یـاد آوری کن که کارت را پیگیری کنم.

گوشی را که قطع می‌کنم، دلم کمی می‌گیرد. هنوز حرف‌هایش توی گوشـم اسـت. به این دلخوش می‌شوم که شنبه قرار است با هم حرف بزنیم و.....

جمعه صبح ششم اردیبهشت

موبایلم را برمی‌دارم و به پیامکی که تازه رسیده نگاه می‌کنم. سرم گیج می‌رود. نمی‌توانم خوب بخوانم. حس می‌کنم اشـتباه می‌کنم. حس می‌کنم. دوباره می‌خوانم. کلمه‌ها و جمله‌ها چقدر سـنگین و سیاهند.... امیرحسین فردی، پدر کیهان بچه‌ها از دنیا رفت.... .

با صدای گریه‌ام بچه‌هایم سراسیمه به طرف من می‌آیند...مامان چه شـده؟ با هق هق می‌گویم آقای فردی فـوت کرده....گریه امانم نمی‌دهد. نمی‌دانم باید به من تسـلیت بگویند یا این‌که باید تسـلیت بگویم. از جایم بلند می‌شوم. دوباره می‌نشینم. نفسم بند آمده است. شاید دروغ باشد. نه نمی‌تواند درست باشد. باید به کسی زنگ بزنم و بپرسم. باید.....یاد آقای فلاح پور می‌افتم. او که دوست صمیمی آقای فردی است. زنگ می‌زنم....

آقای فلاح پور؟ بگویید که دروغ است.

آقای فلاح پور سکوت می‌کند و من با صدای بلند گریه می‌کنم. مـن به آقای فلاح پور تسـلیت می‌گویم.........آقای فلاح پور به من تسلیت می‌گوید...........آه آقای فلاح پور چقدر خوب مرا و احساس مرا درک می‌کند. چقدر درست....می‌دانم که باید دیگران به من تسلیت بگویند. آقای فردی مثل پدرم بود.... .

دوباره گریه...دوباره ناله...هیچ چیز آرامم نمی‌کند. می‌روم رایانه را روشـن می‌کنم و توی سـایت‌ها را می‌گردم. همه جا عکس آقای فردی است...همه جا خبر مربوط به آقای فردی.......بعضی از مطالب را که می‌خوانم می‌بینم که خیلی از نویسنده‌ها و افرادی که آقای فردی را می‌شناختند، احساسشان مثل من است.

پریشـان و گریان هستم. می‌روم و توی وبلاگم پیام می‌گذارم، اما نه هیچ چیز مرا آرام نمی‌کند. این بار به آقای حسـین فتاحی زنگ می‌زنـم. همـان که وقتی برای اولین بار به کیهان بچه‌ها رفتم، در کنار آقای فردی نشسته بود و با من حرف زد. کسی که برای نویسنده شدنم زحمت کشید....

آقای فتاحی که گوشـی را برمی‌دارد، از غم‌هایمان می‌گوییم... او هم احساسـش مثل من اسـت...همه همین طور هستیم......طاقتم نمی‌گیـرد. گوشـی موبایلم را برمـی‌دارم و برای آقـای فردی پیام می‌فرستم:

ــ آقای فردی عزیز، باورم نمی‌شـود که نیسـتی. تو هسـتی. همیشه خواهی بود. استاد عزیز، ببین که شاگرد کوچکت برایت گریه می‌کند....مهناز فتاحی.

چند لحظه که می‌گذرد، پیامک تحویل داده می‌شود. می‌فهمم که موبایل آقای فردی هنوز روشن است. های های گریه می‌کنم. بعد می‌نشینم و به فکر فرو می‌روم. به آخرین صحبتمان با همدیگر. سعی می‌کنم جملاتش را درست به خاطر بیاورم. آخرین شماره مجله در زمان زندگی او مطلبی در مورد من داشت. انگار خدا می‌خواست به من بفهماند آنچه داشـتی، اول از لطف خدا و بعد به خاطر زحمات او بود...

هنوز هم آرام نشده‌ام....هنوز هم گریه می‌کنم. شما به من بگویید. حـالا این بـار که به تهران بروم، چطور وقتی کـه وارد کیهان بچه‌ها می‌شوم، به اتاق آقای فردی و میز و صندلی‌اش نگاه کنم؟ شما به من بگویید چه کار کنم که قلبم آرام بشود. شما بچه‌ها که مهربانید و ساده. شما به من بگویید برای این مرد بزرگ که دست مرا از کودکی تا حالا گرفت، چه چیزی باید بنویسم؟

برای نوشتن رمان، باید زحمت کشید

مرتضی حاتمی

در اتاق زنده یاد آقای فردی نشسته ام، بعد سلام واحوالپرسی و تعارف های معمول، اول کمی از ادبیات منطقه کرمانشاه با هم حرف می‌زنیم. از استعدادها و قابلیت‌های ادبی یی که در غرب کشور و در مناطق کردزبان وجود دارد، می‌گویم. از توانمندی‌های داستان‌نویسی و قدمت تاریخی ادبیات داسـتانی استان کرمانشاه که کمی از ادبیات داستانی معاصر، قدیمی‌تر است می‌گویم. از انتشار اولین رمان تاریخی «شمس و طغرا» در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در کرمانشاه. ایشان از چند داستان‌نویس کرد و آثارشان نشان از شناخت کافی ایشان از آن افراد و آثارشان دارد.

در ادامه از رمان «فرار فرار» می‌گویم... با دقت وعمیق وبا همان نگاه مهربانش به من خیره شده و خوب گوش می‌دهد. از بخش‌هایی از آن می‌پرسـد. از شـخصیت‌های نوجوان آن و فصل‌ها و روایت و حوادث آن می‌گویم. از ایلام می‌گویم واز قابلیت‌های ادبیات داستانی این استان که هنوز در ابتدای راه است و سابقه طولانی در این عرصه ندارد و تازه از دو دهه گذشته است. از پتانسیل های ادبیات پایداری ودفاع مقدس که به آموزش و توجه بسیار و تأکید برای نوشتن رمان‌های جنگ نیاز دارد، می‌گویم و ضرورت‌های توجه بیشتر و سرمایه گذاری مطلوب‌تر به ادبیات پایداری در مناطق غرب کشور....

در ادامـه، آقای فـردی از مقاومت‌های جانانه و ایثارگرانه مردم غرب کشـور در مقابل دشـمنان به نیکی می گوید. از رشـادت‌ها و پایمردی‌هـای زنان و مردان و کودکان و نوجوانان دلیر و جسـور ...با نگاه جدی و عمیق به من خیره می‌شـود و با تأکید می‌گوید: «از شـما می‌خواهم که رمان جنگ را با توان و قدرت بنویسید. برخی نویسنده‌ها شـروع کرده‌اند...از شما می‌خواهم که حتماً در این عرصه، کار داشته باشید. نوشتن رمان، وقت می‌خواهد و بایستی برای نوشتن آن زحمت کشید. ادبیات به جدیت و زحمت نیاز دارد. می‌توانید از قابلیت هایی که در ایلام وجود دارد کار کنید. باید حداقل یک سال وقت گذاشت و نوشت...»

چه دقیق و پر تجربه...وقتی از ایشان خداحافظی کردم، احساس کردم که بار سنگینی بر دوشم قرار گرفته. با این که نوشته اول «فرار فرار» را کـه بـه پایان برده بودم؛ اما نیرو وانرژی یی تازه در ذهن واندیشـه ودست هایم جریان پیدا کرده بود. دلم می‌خواست زودتر به خانه برسم وبنشینم پای رمان و...سبکبال از ایشان و آقای فلاح پور وسایر دوستان مجله، خداحافظی می‌کنم. مدتی بعد در مهرماه سال ۱۳۹۰ جشنواره کشوری «ایلام، مهد پایداری» در پارک جنگلی «چغاسبز ایلام»، ایشان را دیدم...با همان کیف ساده. قیافه مهربان و دوست داشتنی وجدی... سلام و احترام و عرض ادب...چند دقیقه‌ای با هم صحبت کردیم...گفتم که بازنویسی رمان را به پایان برده‌ام و او خوشحال شد و تشویقم کرد و خواست که آن را برای آفرینش‌های ادبی حوزه هنری بفرستم و چقدر افسوس می‌خورم که فرصت نشد که رمان را به ایشان بدهم وهر چند بخش‌هایی از آن در مجله به چاپ رسید....

گاهـی اوقات که با خودم خلوت می‌کنم، می‌گویم که او حتماً کارهای قوی و «سالم» و «درست» نویسندگان را می‌خواند. او همچنان دلش برای ادبیات راستین می‌تپد. نویسنده‌های درست اندیشه و متعهد و «مسئول» را دوست دارد. آثار و گفته‌هایش، فانوسی روشن وپر نور بر مسـیر ابری راه نوشـتن است. می‌بایسـت مواظب ادبیات بود. او مواظب نوشـته‌ها و آثار نویسنده هاست...اونوشته‌ها و داستان‌ها را با دقت می‌خواند و بررسی می‌کند. با همان دلسوزی و دقت مطالب مجله را می‌خواند و تأیید می‌کند برای چاپ. او در کنار ماسـت، حتی اگر در میانمان نباشد. او نمرده است؛ بلکه از کوچه‌ای به کوچه ای دیگر رفته است.

برای دوست عزیزم امیرحسین خان فردی

عبدالرحمان اونق (رمان نویس ترکمن)

وقتی صحبت از مجله کیهان‌بچه‌ها و مدیر مسئول مهربان آن امیرحسین فـردی می‌شود، خاطرات زیادی در ذهن من رژه می‌روند که به اندک صفحه رضایت نمی‌دهند، امـا نمی‌توانم از تأثیری که کیهان‌بچه‌ها در میان نویسندگان ترکمن گذاشته حرفی نزنم.

اگر امروز نویسندگانی چون عبدالرحمن دیه جی، عبدالصالح پاک... نامی برای خود دست و پا کردند؛ از برکت وجود همین مجله دوسـت داشتنی است. مخصوصاً شخص آقای امیرحسین فردی که با مهربانی دسـت ما را گرفت و کمکمان کرد. با چاپ قصه هایمان و اعزام نویسـندگان پایتخت نشـین به ترکمن صحرا از طرف مجله، اینها همه ایجاد انگیزه می‌کرد تا با دلگرمی بیشتر به قصه‌نویسی ادامه بدهیم. گرچه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در رشـد و شکوفایی نویسندگان بندر ترکمنی نقش بسزایی داشت، اما اولین جرقه را کیهان‌بچه‌ها زد.

دیه‌جی، وقتی فهمید که من دارم برای خودم قصه می‌نویسـم، پیشنهاد نشست ادبی داد تا این‌طوری بتوانیم از نظر کیفی رشد کنیم. من هم از خدا خواسـته موافقت کردم. نشسـت یا در خانه ما برگزار می‌شد یا خانه دیه‌جی. گاهی هم میان راه روستایمان «آغیزلی اوبه» تا بندر ترکمن، آن‌قدر بحثمان داغ می‌شد که پانزده کیلومتر راه را بی آن‌که خسته شویم، به بندر ترکمن می‌رسیدیم.

بعدها که بحث چاپ قصه پیش آمد، دیه‌جی با توجه به شناخت قبلی که با آقای فردی داشـت، کیهان‌بچه‌ها را پیشـنهاد کرد. من هم معطل نکرده، بلافاصله اولین قصه را به نشانی مجله پست کردم. هنوز یک‌ماه نگذشـته بود که قصه «یلمیک» چاپ شـد. بعد قصه دیگر و قصه‌های دیگر... همین طور چاپ می‌شدند و چاپ می‌شدند. دیه‌جی که قبلش بیشتر شعر می‌گفت تا قصه، با چاپ قصه‌های من قصه‌نویسی را جدی‌تر گرفت. همین طور بقیه دوسـتان نویسنده که بعداً به جمع ما اضافه شدند. دو سال تمام فقط با کیهان‌بچه‌ها کار می‌کردم. هرچند بعدها با مجلات دیگری هم همکاری داشـتم، اما از دلبسـتگی‌ام به کیهان‌بچه‌ها چیزی کم نمی‌شـد. هر وقت هم تهران می‌آمدم، اولین جایی که سر می‌زدم، کیهان‌بچه‌ها بود و دیدار با دوست و برادر نازنینم آقای امیرحسین فردی.

با این‌که چند سـال بعد از دنیای کودک و نوجوان دور شـدم و بیشتر وقتم را به نوشتن رمان بزرگسالان گذراندم؛ اما کیهان‌بچه‌ها هرگز از ذهن من دور نمی‌شد. اکنون که باز به دنیای نوجوانان بازگشتم، دلم می‌خواهد دوباره بروم سراغ کیهان‌بچه‌ها؛ چون معتقدم اگر نبود این مجله فاخر، شاید نویسندگی من هم تا این حد تداوم نمی‌یافت. نمی‌دانم شاید هم اغراق می‌کنم. اما قطعاً تاثیر کیهان‌بچه‌ها در تداوم نوشتن من غیرقابل انکار است. کاشکی امیرخان هنوز زنده بود.

شوخی بامزه امیرخان با ما

کیوان امجدیان

محمدآقا که زنگ زد، پیش حمید محمدی بودم. خبرگزاری مهر. داشت مطلب حمیدرضا شاه آبادی را نشانم می‌داد و عکس هایی که رضا امیرخانی فرستاده بود. مطلب حمیدآقا را که خواندم حالم بد شد. بغض کردم. گیج شدم و به هم ریختم.

انـگار دوباره خبر را از نـو داده بودند به من. که امیرخان دیگر نیسـت. حمیدآقا نوشـته بود: توی صف تسـت سـلامتی بودیم. چنـد نفـر جلویمان بودنـد. امیرخان حوصله‌اش سـر رفت. رفت تا بخوابد.

خواب؟ امیرخان و خواب؟ می‌دانستم کاسه‌ای زیر نیم کاسه بوده. احتمالاً باز امیرخان از آن شوخی های بامزه و شیرین کرده با بچه‌ها. و این بار با حمیدآقا ...خواندن مطلب تمام شد که محمدشجاعی زنگ زد. گفت: «درباره امیرخان چیزی بنویس. برای کیهان‌بچه‌ها.» سکوت که طولانی شد، محمدآقا گفت: «هنوز هستی؟ پشت خطی؟»

گفتم: «محمدآقـا، باورت می‌شـود از من می‌خواهی چه کنم؟ باورت می‌شـود. می‌خواهی درباره امیرخان چیزی بنویسـم. درباره مر...مر...» و این گاف لعنتی نیامد که نیامد....مرگ را نمی‌شد کامل کنم. بغضم ترکید و آخرین حرف تکمیل کننده مرگ نیامد. محمدآقا را بگو که بنده خدا ناچار شد با وجود همه غصه‌های خودش و دلتنگی اش برای امیرخان، تازه مرا هم دلداری بدهد و بعد هم با یک خداحافظی بی‌مقدمه گفت‌وگو را تمام کند. اما تلفن که قطع شد، دوباره فکر کردم. به تلفن محمدآقا و مطلب آقا حمید. دیدم اصلاً نمی‌شـود. اصلاً راه ندارد که مرگ به نام مهربان و شیرین امیرخان بچسبد. اصلاً نمی‌شود امیرخـان خوابش بگیرد. امیرخانی که قدر لحظه لحظهٔ اوقاتش را به معنای کامل کلمه می‌شناسد. چطور ممکن است پرونده همه کارها را ببندد و برود که بخوابد؟

چطور امکان دارد امیرخان چشمش را روی این همه دغدغه و کار و هدف و برنامه ببندد و برود که تخت تخت بخوابد؟ نمی‌شود. باور کردنش سخت است. یا نه؛ اصلاً ممکن نیست.

یاد سـال گذشـته افتادم. یاد ایلام. جشـنواره مهد پایداری. با امیرخان بودیم آنجا...و چه پرشور بود آنجا.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت هایی برای بزرگمرد کیهان بچه ها

بقیه از صفحه ۲

دیگر ذره‌ای شک در وجودم نماند که امیرخان سر به سر آقا حمید شاه آبادی گذاشته و رفته تا در غفلت او کار دیگری را به سرانجام برساند. می دانسته اگر بگوید می روم فلان کار را انجام دهم، حمیدآقا ناراحت می‌شده که: سلامتی تان مهمتر است و الان دیگر وقت کار نیست و یک ساعت را به خودتان آرامش بدهید و از این حرف‌ها.

امیرخان توی ایلام چنان با وجود بیماری و کم‌توانی بدنی کار می‌کرد و این‌طرف و آن‌طرف می‌رفت که خجالت می کشیدیم ما. درس می‌داد. درباره کتاب‌ها و داستان‌ها صحبت می‌کرد. با قصه نویس‌های جوان حرف می زد و تشویقشان می کرد. از رمان آقای قاسمی و بلوط‌هایش می گفت و در این میان هر وقت جای خالی کوچکی پیدا می‌کرد، می‌رفت به نفس کشیدن. به بو کشیدن. به دست کشیدن روی برگ‌ها و نوازش شاخه درخت‌ها...

هرچه بیشتر فکر می کردم، بیشتر خنده‌ام می گرفت به شوخی بامزه امیرخان با حمیدآقای شاه آبادی...فکرش را بکن. چه رودستی زده امیرخان: تو بمان؛ من خوابم می آید.

حمید را بگو...چه ساده بوده. خیال کرده امیرخان به این راحتی دراز می‌کشد و می خوابد. بی خبر از این که امیرخان مگر به این راحتی به تن و بدنش آرامش می‌دهد.

نمی‌دانم آن‌روز حمیدآقا چه کرده و کجا رفته؛ اما شک ندارم روزی آقای شاه آبادی متوجه می‌شود که سر به سرش گذاشته امیرخان!

ساکت و کم حرف

حسن احمدی

امیرخان طبق معمول در کنج اتاق پشت میزش نشسته است. ساکت است و تنها. هنوز از حسن جعفر بیگلو خبری نیست. حسن می آید. کم حرف است. سن زیادی ندارد. شاید هجده. در اتاق، من هستم و امیرخان و نقی سلیمانی و حسن جعفر بیگلو و مصطفی خرامان که اغلب بعد از ظهرها می آید. من عاشق کارم هستم. کتاب‌های سوره بچه‌های مسجد تقریباً گل کرده است. نامه‌های زیادی از سراسر ایران به بخش داستان می‌رسد. کار اصلی من سر و کله زدن با این نامه‌هاست. نوشته‌های زیادی به دستمان می‌رسد. با عشق و علاقه داستان‌ها و شعرها را بررسی می کنیم و با شور زیاد جوابشان را به نشانی صاحبان آثار می‌فرستیم.

بخش ادبیات، یکی از بخش‌های فعال حوزه اندیشه و هنر اسلامی است. حوزه هم خانه‌ی ماست، هم محل کارمان. ساعت کاری در این جا معنا ندارد. هرچند بچه‌ها ساعت ورود و خروجشان را در دفتری ثبت می‌کنند. همه‌ی بچه‌ها عاشق کارشان هستند. بخش‌های تئاتر، تجسمی، گرافیک و عکاسی فعالیت خوبی دارند. ظهرها حضور بچه‌ها در انتهای سالن که چند پله به ناهارخوری دارد، جالب توجه است. لحظه های شیرینی را دور میزهای ناهار و کنار هم داریم. ناهار را مادر یکی از کارکنان حوزه می‌پزد و می‌آورند. لطیفه های شیرینی موقع ناهار می‌شنویم.

شب‌های شعر حوزه هر هفته پنج‌شنبه‌ها در کنجی از سالن بزرگ حوزه برگزار می‌شود. من هم در این جلسه‌ها شرکت می‌کنم. سلمان هراتی هر هفته با کیسه‌هایی پر از نارنگی و پرتقال از مزردشت تنکابن به این جا می آید. جمع بچه‌ها جمع است.

سه‌شنبه‌ها بعد از ظهر جلسه‌های داستان تشکیل می‌شود. نویسنده‌ها، داستان‌هایشان را می خوانند. پای ثابت نقد جلسه‌ها خیلی ها هستند. مخصوصاً قاسمعلی فراست. امیرخان باز مثل همیشه ساکت و کم‌حرف حضور دارد. بودنش دلگرمی بزرگی برای همه‌ی ماست. او، استعداد عجیبی در کشف استعدادها دارد. قرار است حوزه جایگاهی باشد برای هنر اسلامی و...

امروز هفتم اردیبهشت ۹۲ است. مقابل در ورودی حوزه هنری هستم. پاهایم کنار در بزرگ حوزه، خیابان حافظ، سست و سنگین است. دلم نمی‌خواهد جلوتر بروم. دوست دارم برگردم به سال‌های گذشته. به سی و دو، سه سال پیش.

بچه‌ها باشند. اولین کسی که آن روزها از بین ما رفت و به خدا رسید. نویسنده خوب کودکان، خانم فریبا کاظمی بود. حسن جعفر بیگلو همان سال‌ها در جبهه شهید شد. یادش به خیر وقتی شهید حبیب غني پور را از حوزه تشییع می کردیم، من و مجید ریاضی کنار جنازه‌اش در آمبولانس تا بهشت زهرا با حبیب خیلی حرف‌ها زدیم. حبیب، ساکت و کم حرف و دوست داشتنی بود. همیشه ته لبخندی در کنج لبش بود. بعد سلمان هراتی، از شاعران خوب حوزه به آسمان‌ها رفت. کتاب از آسمان سبز او در محل زادگاهش در زمان تشییع اش با آن همه درختان سبز و با صفا برایم معنا پیدا کرد. ابوالفضل عالی، گرافیست، بیست و هفتم دی ماه سال شصت و هفت از همین حوزه تشییع شد. سفر سید حسن حسینی شاعر، داغ قیصرامین پور نازنین، همه برای ما سنگین بودند. ما در بهترین ایام سال‌های زندگیمان با هم بودیم.

امروز، امیرخان مرا به آن سال‌ها برد. به گذشته‌هایی که مثل برق آمدند و گذشتند. سال‌هایی که امیرخان از حوزه به کیهان‌بچه‌ها کوچ کرد. شد پدر دوست داشتنی کیهان‌بچه‌ها. عاشق فوتبال بود. همه در کنارش آرامش داشتند. یادگارهای بسیاری از خود باقی گذاشت. خیلی ها در کنارش رشد یافتند و امروز در عرصه ادبیات کودک و نوجوان از بهترین ها هستند.

اکنون امیرخان روی دست‌های دوستانش تشییع می‌شود. من، به همراه سه حمید، سه دوست خوبم: حمید باباوند، حمید محمدی محمدی، حمیدرضا داداشی به بهشت زهرا می‌رویم. می خواهیم آرام گرفتن امیرخان را در خانه‌ی جدیدش ببینیم.

امیرخان فردی در ابتدای ورودی قطعه هنرمندان آرام می گیرد. امیرخان برای همیشه در قلب ماست و هرگز فراموشش نمی کنیم.

دستم بگرفت و پابه پا برد!

بهناز ضرابی زاده

مگر می شود کودک یا نوجوان دهۀ شصتی باشی و اسم امیرحسین فردی را نشنیده باشی؟ اسمش را زیاد شنیده بودم. هم آن‌موقع که مجله کیهان‌بچه‌ها می خواندم و هم زمانی که طرفدار پر و پا قرص بچه‌های مسجد بودم. نوجوان دهه شصتی بودم و عشق کتاب و حفظ کردن نام نویسندگان و شعرایی که کتاب‌هایشان را می‌خواندم (بنا بر آموزشی که آن دوره مربیان امور تربیتی به ما می‌دادند.) تا رسیدم به دهه هشتاد و وارد معرکه شدم و دست‌ها را بر این گلستان زدم.

مدتی بود برای کیهان‌بچه‌ها می‌نوشتم. داستان، خاطره، متن و هرچه که دل تنگم می خواست. باز شده بودم همان نوجوان دهه شصتی. منتظر بودم هر هفته سه‌شنبه از راه برسد و به دکه روزنامه فروشی نزدیک اداره بروم. مجله را با اشتیاق از روی پیشخوان برمی داشتم و شروع می کردم به خواندن. از همان «ب» بسم‌الله و شناسنامه مجله، نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول که امیرحسین فردی بود و سردبیر رسول فلاح پور و پایین‌تر می آمدم و می‌رسیدم به سایر همکاران. آقای فلاح‌پور را دیده بودم و بارها تلفنی صدای گرمشان را شنیده و طعم تواضع و فروتنی‌شان را چشیده بودم.

با کبری بابایی و همسرش عباس قدیرمحسنی و عبدالمجید نجفی، حمید محمدی محمدی و پاک هم به دلیل همکار بودن و مأموریت‌های اداری، بسیار دیدار داشتم؛ اما آقای فردی را ندیده بودم، هرچند اسمشان جزو همان اسم‌های همیشه آشنای پستوی ذهنم بود تا این‌که یک روز از همدان به مقصد تهران و دفتر مجله سوار اتوبوس شدم.

ظهر رسیدم. نشسته بودیم توی دفتر مجله و با آقای فلاح‌پور درباره کارها صحبت می کردیم. پشت میزی بزرگ که ده دوازده تا صندلی داشت و رویش پر از روزنامه‌های صبح بود. اتاق روبه‌رویی، تنها اتاق دفتر بود. و درش نیمه باز. نیم‌ساعتی از گپ و گفت ما گذشت. در اتاق باز شد و مردی میانسال بیرون آمد. کشوی فایل طوسی رنگ را باز کرد و یک قاشق و چنگال و لیوان برداشت و همان‌طور که به طرف در خروجی دفتر می‌رفت، نگاهی به من و آقای فلاح‌پور کرد.

آقای فلاح پور بلند شد و به طرفشان رفت و چیزی به هم گفتند که من نشنیدم. سرم پایین بود و تیترهای روزنامه‌های صبح پایتخت را می‌خواندم. کمی بعد، آقای فلاح‌پور با همان تواضع و آرامش همیشگی برگشتند و با صدایی آرام که به سختی شنیده می‌شد و لحن صحبت کردنشان بود و هست؛ گفتند: «خانم ضرابی‌زاده، آقای فردی سلام رساندند.»

ناگهان از جا پریدم و به مرد میانسالی که داشت به در خروجی نزدیک می‌شد نگاه کردم و ناباورانه پرسیدم: «آقای فردی بودند؟!»

آقای فلاح پور لبخندی زدند و من بدون فوت وقت با صدای بلند گفتم: «سلام آقای فردی!» آقای فردی برگشتند و لبخندی زدند. از



پشت میز خودم را به ایشان رساندم و گفتم: «ببخشید آقای فردی که شما رانشناختم.»

ایشان باز لبخندی زدند و جای چند دندان خالی را توی دهانشان دیدم. با آرامش خاصی حرف می‌زدند. با طمأنینه؛ اما لبخند از لبانشان نمی‌افتاد. احوالم را پرسیدند و گفتند کارهایم را در مجله دنبال می کنند و در چند جمله کوتاه اما امیدبخش تشویقم کردند. تشویق‌هایی که دلگرم کننده بود و دلنشین، مثل صحبت‌هایی که یک پدر از روی رضایت به فرزندش بگوید. باز هم پرسیدند که ناهار خورده‌ای؟ و من مثل تمام شهرستانی های دنیا شروع به تعارف کردم.

آقای فردی دوباره لبخندی زدند و لیوان و قاشق و چنگالشان را گرفتند طرفم و با همان لبخند و آرامش درونی گفتند: «آبگوشت کیهان‌بچه‌ها به شما هم می‌رسد.»

آقای فلاح‌پور جلو آمدند و به آقای فردی اطمینان دادند که حتماً مرا برای ناهار نگه می‌دارند. بعد از همان کشوی فایل طوسی رنگ، قاشق و لیوانی درآوردند و به من دادند و بعد هم نشانی آشپزخانه که خیلی هم سرراست نبود. برایم سخت بود در جمع غریبه‌ای بنشینم و آبگوشت بخورم، اما مگر می‌شد آن لیوان و قاشق را نگرفت.

از آن روز به بعد دیدارهای مکرری با آقای مدیر مسئول داشتم. حالا دیگر همدیگر را می‌شناختیم و چقدر خوشحال می‌شدم وقتی می‌شنیدم در جلسه‌ای نام مرا برده و به عنوان نویسنده فعال همدانی از من یاد کرده. پر و بال می گرفتم و در راهی که قدم گذاشته بودم، مصمم‌تر می‌شدم.

اگر در جلسه یا همایشی او را می‌دیدم، مثل بچه‌های کوچکی که به تشویق پدرانه‌ای نیاز دارد، به طرفشان می‌دویدم و ایشان هم از تشویق و ترغیب هیچ‌وقت کم نمی‌گذاشت. اینها گذشت. حالا دیگر سالی چندبار به دفتر مجله می‌روم و ناهار مهمان مجله می‌شوم، اما هیچ غذایی آن آبگوشت لذیذی که اولین بار و به تنهایی خوردم، نمی‌شود. همه‌چیز به خاطره پیوست؛ حتی آن کاغذهای کاهی روی میز که بعدها فهمیدم حکم دستمال کاغذی را دارد. روزها از پی هم رفتند. حتی فردی عزیز. همه چیز به خاطره پیوست. حتی اولین دیدار یک نویسنده نوپای شهرستانی با یک نویسنده صاحبنام و پرآوازه شهرستانی الاصل و مدیر مسئول مجله همه کودکان و نوجوانان ایران زمین.

او دست خیلی ها را گرفت تا بایستند و قد بکشند.

درختی که خودش را به نشنیدن زده!

ابراهیم زاهدی مطلق

دیروز سفر خاطره انگیز و به یاد ماندنی علی متولی تمام شد و او از اردبیل به تهران برگشت. او برای دیدن روستایی که آقای فردی در آنجا به دنیا آمده و زندگی کرده، به این شهر رفته بود؛ روستای قره‌تپه. علی متولی از نویسندگان خوبی است که سال‌ها قبل در مجله کیهان بچه ها برای کودکان داستان یا خاطره می‌نوشت. علی همراه خودش حرف‌ها و دیدنی‌های زیادی آورده است. او قرار است زندگی آقای امیرحسین فردی را بنویسد تا دوستدارانش بخوانند. زندگی کسی که سی و یک سال در این مجله برای بچه‌ها کار کرد و زحمت کشید. سی و یک سال نویسنده‌ها و شاعرها را به مجله دعوت کرد تا برای کودکان داستان بنویسند و شعر بگویند. کسی که حالا با ما خداحافظی کرده و رفته است. دیگر ما او را نداریم. کیهان‌بچه‌ها هم او را ندارد. علی کیفش را پر از خاطرات کرده و به تهران برگشته تا آنها را خالی کند در یک کتاب خوب به نام «زندگی آقای فردی».

علی از روستای آقای فردی عکس های زیادی گرفته است. من از یکی از عکس‌هایش بیشتر خوشم آمد. کاش می‌شد آن عکس را همین جا برای شما بگذارم تا ببینید. عکس یک درخت نیم متری. درخت سر بریده‌ای که تنهای تنها در کنار یک نهر آب نشسته و معلوم نیست به کجا نگاه می‌کند. عکس، طوری گرفته شده است که آن درخت در یک دشت زیبا کنار چند درخت دیگر دیده می‌شود. (حالا که عکس نداریم، شما خودتان به مغزتان فشار بیاورید و در ذهنتان آن را بسازید). نمی‌دانم چرا دلم برای این درخت سربریده، سوخت. احساس کردم او بیشتر از ما تنها شده است. درختی که تقریباً نیم متر آن در زمین باقی مانده است. علی می گفت: «این درختی است که آقای فردی هر وقت به روستا می‌آمد، روی آن می‌نشست و داستان می‌نوشت یا کتاب می‌خواند.»

علی می گفت رفتیم و کنار او نشستیم. جرأت نکردیم رویش بنشینیم. کمی دست دست کردیم. یکی از بچه‌ها گفت که خبر درگذشت آقای فردی را به درخت بدهیم. یکی دیگر گفت نه؛ ما نباید درخت را ناراحت کنیم. اما علی می گفت من گفتم آقای فردی هر وقت به یک بوستان سر می‌زد، حتماً موقع برگشتن با گل‌ها هم خداحافظی می کرد. پس اینجا هم حتماً وقت برگشتن به تهران با این درخت خداحافظی می‌کرده است. ما باید به او خبر بدهیم. وگرنه مدتی بعد که آقای فردی به دیدنش نیامد، از او دلگیر می‌شود. ناراحت می‌شود که چرا او به درختش سر نمی‌زند. علی می گفت من گفتم درخت از کجا خبردار می‌شود آقای فردی فوت کرده است؟ خوب معلوم است که خبردار نمی‌شود. پس ما وظیفه داریم درخت را خبردار کنیم تا بداند آقای فردی دیگر در این دنیا نیست. دیگر کسی روی او نمی‌نشیند تا کتاب بخواند یا برای بچه‌ها داستان بنویسد.

علی می گفت بچه‌ها قبول کردند و من دهانم را نزدیک کردم و آرام خبر را به او گفتم. درخت نیم‌متری هیچ حرکتی نکرد. انگار حرف مرا نشنیده گرفت. یک بار دیگر سرم را نزدیک او کردم. این بار یکی از بچه‌ها گفت: «بیشتر از این ناراحتش نکن. شاید نمی‌خواهد پیش ما گریه کند.» فقط خداحافظی کنیم و برگردیم.

اما من مطمئن بودم که درخت خودش را به نشنیدن زده است. مثل ما.

حکومت بر دل‌ها

علی‌اکبر والایی

وقتی یکی از نزدیکانتان، پدر، عمو، برادر و یا یک دوست صمیمی شما به سفری دور می‌رود و شما خیلی او را دوست می‌دارید؛ تنها چیزی که فکرتان را در بارۀ او به خود مشغول می کند، خاطرات خوب و خوشی است که با هم داشته‌اید. هر چه خوبی‌های او، رفتار و گفتار و اخلاق نیکش، بیشتر بوده باشد؛ خاطرات بیشتر و خوش‌تری از او به یاد خواهید داشت. البته، به همان نسبت دلتنگی‌تان هم بیشتر خواهد بود و در تمام مدتی که او نیست و در سفر است، فکر او و تمام خوبی‌هایش، بیشتر ذهن شما را به خود مشغول خواهد کرد.

امیرحسین فردی، برای همکارانش، دوستانش و تمام نویسندگانی که با او در ارتباط بودند، چنین تأثیری گذارده است. او اکنون به یک سفر طولانی رفته است؛ به سفری که مشهور به سفر آخرت است. این سفر چون مدتش بی‌بازگشت است، دلتنگی‌اش هم خیلی بی‌تر است.

مرحوم فردی هیچ وقت از یاد ما نخواهد رفت. چرا که او قبل از آن‌که سردبیر و مدیرمسئول کیهان‌بچه‌ها و یا نویسنده‌ای باسابقه بسیار باشد؛ برای همه همکارانش، دوستان و نویسندگان معاصری که او را می‌شناختند، یک پدر، برادر و دوستی مهربان بود. آقای فردی، در مهربانی منحصر به فرد بود. این یعنی این‌که او بیش از هر چیز با اخلاق خوب و مهرورزی‌اش، بر قلب‌های هنرمندان و نویسندگان حکومت می‌کرد. برای همین است که هیچگاه از یادها نمی‌رود و این بهترین حکومتی است که در دنیا یک فرد می‌تواند داشته باشد. حکومتی که خداوند به وسیله آن بندگان خوبش را به همه می‌شناساند.

یار مهربان

یکی از شاگردان

دوست عزیز، لابد می‌دانی که زندگی چون دایره‌ای در حال حرکت است. حرکت از نقطه آغاز و مبدأ. در این حرکت، رسیدن به کمال، نهایت تلاش انسان‌ها برای رسیدن به مقصد است. و مقصد، بازگشت به همان نقطه مبدأیی است که از آن حرکت کرده است. در واقع همه ما به سوی نقطه‌ای در حرکتیم که از آن حرکت را شروع کرده‌ایم. به همین دلیل است که می گویند بازگشت همه به سوی اوست. می گویند همه از خداییم و به سوی خدا باز می گردیم. می گویند فلانی به لقاء الله پیوست.

دوست نازنین «امیرحسین فردی» پدر مهربان و دلسوز کیهان بچه‌هایی‌ها - همانی که به همت چندین و چند ساله‌اش، کیهان‌بچه‌ها را می خوانند - هم به همان سویی رفت که از آن آمده بود. به سوی خداوند بزرگ. تنها معبود مشترک همه انسان‌ها.

با درگذشت این انسان وارسته و متواضع، یار مهربان یکی از دلسوزترین دوستانش را از دست داد. این کمبود را به همه شما کیهان‌بچه‌هایی ها و کارکنان این نشریه تسلیت می گویم.

مرگ، آغاز راه قصه بوده...

رامین جهان پور

تمام بچه‌های نسل قدیم‌تر که به دانش‌آموزان دهه شصتی معروف‌اند، نام کیهان‌بچه‌ها را با امیرحسین فردی می‌شناسند. آن زمان‌های پر از حسرت را کسی از یاد نمی‌برد.

وقتی هفته‌ای یک‌بار کیهان‌بچه‌ها را از دکه‌های مطبوعاتی می‌خریدیم که با کاغذ کاهی چاپ شده بود و در طول یک هفته به بهترین نحو ما را سرگرم می‌ساخت. و چه لذتی داشت خواندن کیهان‌بچه‌ها در دوره‌ای که هنوز خبری از غول رایانه و زندگی مجازی نبود. مگر ما چند تا مثل امیرحسین فردی در ادبیات‌مان داریم؟ مدیر پرسابقه‌ای که اگر در چهره‌اش دقیق می‌شدی، هیچ نشانی از کبر و غرور و خود خواهی نبود.

امیرحسین فردی به خیلی از نویسندگان و شاعران تازه کار کودک در دهه ۱۳۶۰ میدان داد و نشریه کیهان‌بچه‌ها را سکوی پرتاب آنها کرد و شاگردان او خوب می‌دانند که چقدر در پیشرفت‌های خود مدیون او هستند. در هر حال این بزرگوار زمانی از میان ما رفت که ادبیات کودک و نوجوان ما وضعیت مناسبی ندارد.

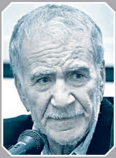
ای کاش بیشتر می‌ماند تا حداقل وجودش باعث دلگرمی خیلی از نویسندگان جوان‌تر می‌شد تا قلم را زمین نگذارند. نکته‌ای که نمی‌توان در آن تأمل نداشت این که رفتن آقای فردی اگر چه برای دوستدارانش بسیار تلخ و اندوهناک بود، اما فکر نمی‌کنم کسی بیشتر از رسول فلاح پور از این واقعه متأثر گردد. رسول فلاح پور، سالیان سال بود که در کسوت دبیر و سردبیر کیهان‌بچه‌ها، یار و یاور نزدیک امیرحسین فردی بود.

گفتگو

بخش هجدهم

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

رازِ راز



گفتگو از: کریم فیضی

بازگشت هستی به حق

*** شاید در این قبیل بحث‌ها، صواب و صحیح این باشد که منطق دین و لسان آیات و روایات را در تفسیر جهان ملاک قرار بدهیم.**

* در این صورت، باید به آیات و روایاتی استناد کنید که در آنها بحث رجوع و بازگشت به حق مطرح است. قرآن می فرماید: اناالله و اناالیه راجعون. در این تلقی، هستی، از هستی حق آغاز می‌شود و به هستی حق باز می گردد که همان پایان است و پایان هم، همان اغاز است. مکرر در مکرر در آیات و روایات بحث بازگشت هستی به حق مطرح شده است.

*** بنابر این، قاعده‌ای شکل می گیرد به این صورت که: چون هستی از حق آغاز شده است، لزوماً هم باید به حق بازگردد.**

* معنای این حرف، این است که آغاز هستی، همان انجام آن است و اگر پایان هستی، منتهی می‌شود به جایی که از همان آغاز شده است، حرکت باید به صورت دایره‌ای باشد. بنابر این، کل عالم ـ یا ماسوی الله ـ در دو قوس حرکت می کند. عرفا، قوس اول را «قوس نزول» می‌خوانند که خمیده است و رو به پایین. قوس دوم را قوس صعود معرفی می کنند که آنهم خمیده است و رو به بالا. به طور کلی، حرکت خمیده است و دایره‌وار. شاید در خارج هم حرکت مستقیم نداشته باشیم.

*** گفته شده است که حرکت مستقیم تنها در ذهن وجود دارد و روی می‌دهد و در خارج نیست یا وجود خارجی ندارد. برگردیم به بیت مورد تفسیر که مصراع دوم آن، بعد از تصور و فرض یک خط دارای اول و آخر، این است که: بر او خلق جهان گشته مسافر!**

* سخن شیخ شبستری این است که خلق جهان یا به فرض ما، عالمیان یا ماسوی الله، مسافر این خط دارای اول و آخر هستند، یعنی در این دایره حرکت می کنند. بنابر این، خلق خدا که در دایره سیر می کنند، دارای دو سیر هستند: سیر نزولی و سیر صعودی. از طرف خدا می آیند و سیر نزولی را طی می کنند و می رسد به انحنای این قوس و بعد از آن سیر صعودی‌شان آغاز می‌شود.

*** به نظر می‌رسد، در همین فضاست که قضایایی از نوع صادر اول یا مخلوق اول یا تجلی نخستین طرح می‌شود.**

* نمونه‌هایی که اشاره کردید، تعابیری است که در این مورد به کار رفته و اشاره آن به آغاز آفرینش در عالم ماده است. در این فرض، آفرینش مانند فرو افتادن قطره باران از آسمان است یا نزول نور که از بالا به پایین می آید و هر اندازه بیشتر پایین می آید، انحنا پیدا می کند و دایره‌اش محدودتر می‌شود و می‌رسد به پایان نیم دایرۀ نزولی.

*** این مرحله، در واقع مرحلۀ ماده است و هیولی یا مادۀ اولی که انتهای قوس نزول است.**

* همین‌طور است. در فرض حکمای مقاله، پایین‌تر از مادۀ اولی، خروج از حریم وجود است و می‌رسد به عدم. مادۀ اولی، همانطور که می‌دانید، وجود خارجی ندارد و حالت بالفعل هم ندارد، بلکه همان بالقوه بودن است و بالفعل نبودن. هیولی ناظر است به پتانسیل و بالقوه بودن و بالفعل نبودن.

*** اگر خاطرتان باشد، شما از اصطلاح «نی هنوز» استفاده می کردید در بیان این موضوع.**

* نی هنوز یعنی هنوز نه، یعنی دور از فعلیت ولی در مقام فعلیت. نی هنوز آیا معنایش این است که اصلاً نیست یا هست، هنوز نیست؟ چیزی بین وجود و عدم.

*** البته استحضار دارید که بین وجود و عدم چیزی واسطه نیست!**

* درست است. این هستی است که فقط در قوه بودن هست است و هستی دارد. هیچ فعلیتی ندارد ولی آمادگی برای شدن دارد. اجازه بدهید از شما بپرسم که این آمادگی برای شدن، معدوم است یا موجود؟

*** روشن است که موجود است و از سنخ وجود.**

* بله موجود است ولی ضعیف‌ترین نوع و نحوه وجود. عملاً چیزی ندارد، فقط آماده است برای شدن. در یک کلمه می‌توانیم بگوییم: برای شدن است.

*** به عبارت دیگر: بودن نیست، برای بودن است.**

* بودن نیست، نبود هم نیست. پس چیست؟ برای بود است.

*** یک امکان به اصطلاح فلسفی.**

* یک امکان است ولی امکان استعدادی است، نه امکان ذهنی. امکانی است که در بیرون از ذهن هم هست. این همان امکان استعدادی است که فرنگی‌های به آن پتانسیل می گویند؛ یعنی آمادگی برای بودن، بدون اینکه هنوز به مرحله بودن رسیده باشد. این پایان نزول است و چون آماده است برای شدن، شروع می کند به شدن و می‌شود و می‌شود و می‌شود...

* و در واقع همان راهی را که آمده است، برمی گردد ولی این بار نه بالقوه، بلکه بالفعل و در کسوت شدن.

ادامه دارد

پژوهش ادبی

گفتاری گذرا پیرامون شعر متعهدانه ایران

شعر فریاد شعر اعتراض



سید محمود سجادی

۴۴

همه ما به یاد داریم که در اعتصابات دانشجویی زمان حکومت شــاه، یکی از شــعرهایی که با آب و تاب تمام خوانده می‌شد، این فراز از شعر بلند حمید مصدق بود:

من اگر بنشینم، / تو اگر بنشینی / چه کسی برخیزد؟/ چه کسی با دشمن بستیزد؟/... چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟

«جعفر کوش آبادی» شــاعر در آن سالها جوان با یک تعهد همیشگی انقلابی در مجلات مخصوص ادبیات ملی و مردمی شعرهای انسانگرایانه و اجتماعی خود را منتشر می‌کرد. علاوه بر آن منظومه‌ای نیز به نام «کوچک‌خان» به چاپ رساند که طی آن مقاومت دلیرانهٔ میرزا کوچک‌خان جنگلی را در مقابل نیروهای متجاوز بیگانه و دسیسه‌های نوکران داخلیشــان باز نمایاند. جلال سرفراز، بیژن جزئی و... نیز در همین راستا گام بر می‌داشتند.

«محمود گیانوش» متولد ۱۳۱۳ مشــهد، لیسانســیه زبان و ادبیات انگلیســی شاعر و داستان نویس و مترجم و متخصص ادبیات کودکان، در بســیاری از شعرهایش و در طول چهار دهه از فعالیت‌های ادبی همیشه در یکی از سالمترین و زلالترین رودخانه‌های شعر و ادب و فرهنگ معاصر شــناکرده است. شعر او ساده و بی‌پیرایه و شفاف و آرامش‌بخــش اســت. راه شــعر او راه آزادی و صبح و روشنایی است:

خوشا آن مرغ خوشخوان سحرخیز
کــه آوازش نویــد آفتــاب اســت
ندایش از گلوی صبح گوید:
«سحرگاه آمد و پایان خواب است»

«محمــد حقوقــی» شــاعر اصفهانی مقیــم تهران، شعرشــناس پرکار از شاعرانی است که همواره مخاطبین خاص خود را جســتجو کرده و بــا زبان پرایما و نمادین و در عیــن حال دلپذیر بــا خوانندگان خود ارتباط برقرار کرده. او را نیز نمی‌توان در حســاب شاعرانی قرار داد که مسئولیت سنگین سیاسی و اجتماعی برای خود قائلند. او به سمبولیسم شعرش و به ساختار کلامی آن از اشتمالش بر مفاهیم اجتماعی و سیاسی بیشتر توجه دارد.

«منصور اوجی» و «عبدالعلی دستغیب» نیز دو شاعر قریب العهدند که در عرصهٔ رنگین و پرطیف شعر فارسی همیشــه مطرح بوده‌اند. من با این دو شاعر عزیز شیرازی در سال تحصیلی ۴۲ـ۱۳۴۱ در دانشگاه شیراز، زمانی که مرحوم «دکتر لطفعلی صورتگر» ریاست دانشکدهٔ ادبیات را به عهده داشــت، هم‌دانشکده‌ای بوده‌ام. آنها شعر قدیم و جدید را می‌شناســند و همواره با مردم و در کنار مردم بوده‌انــد. بخصوص اوجی، شــعری اجتماعی را با حفظ رگه‌های ملت‌گرایی و جامعه‌پردازی ارائه نموده اســت. دستغیب در چند سال گذشته کمتر به شاعری و بیشتر به شعر و نقد آن و نیز ادبیات داستانی پرداخته است.

گرایش افراط‌آمیز گروه متعددی از شــاعران به شعر سپید و شعر حجم و شعر فرمالیستی شکافی وسیع و عمیق میان توده مردم و شــاعران به وجود آورد. «یدالله رؤیایی» شــاعر فرمالیست و گاه اروتیست به زبانی شعر می‌گفت که ابداً نمی‌توان پیامی انسانی، اجتماعی و سیاسی برایش قائل شد.

اسماعیل نوری علا، احمد رضا احمدی، بیژن الهی، بهرام اردبیلی، فیروز ناجی، محسن الهامی، مجید نفیسی و به‌طور کلی شاعران اصحاب جزوهٔ شعر و جنگ، طرفه شاعران هنر برای هنر بودند. در بسیاری از موارد شعر آنها از پتانسیل‌های نیرومند هنری لبریز اما از علائق، تمنیات، رنج‌هــا، آرزوها و تلاش‌های آزادیخواهانهٔ مردم بســیار دور.

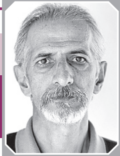
شعر «فرخ تمیمی» را نیز ضمن این‌که جزو شاعران حجم و فرم نیست، باید شعری غیرمسئول دانست. در این میان در شعر شاعرگان پس از فروغ اگر اعتراضی هست ـ که البته هست ـ بیشتر به شرایط زندگی زنان در لایه‌های اجتماعی و بیان محرومیت‌های گوناگون جسمی و روحی آنها می‌پردازد. تعدادی از آنها به شــدت تحت تأثیر فروغ و حتــی مقلد اویند. اما هرگز به خط فکری فروغ در قبال مسائل اجتماعی و طیف پراحساس او در قبال مردم فقیر و مظلوم نمی‌پردازند. آنها تا حدی شاعرانی زودرنج، نازک نارنجی و بسیار حساس‌اند.

ادامه دارد

ادبیات جهان

در حاشیهٔ رونمایی کتاب «آوازهای کوچکی برای ماه؛ نامه‌نگاری گوستاو فلوبر و ژرژ ساند»

قصهٔ نامه نگاری های دو نویسنده



محمد رضا حیدرزاده

نامه نگاری های دو نویســنده، پس از گذشــت بیش از ۱۵۱ سال، حالا تبدیل به یک قصه رمانتیک شده تا جایی که به اکثر زبان ها ترجمه و در کشورهای مختلف منتشر شده است.

نامــه نگاری های گوســتاو فلوبر و ژرژســاند در کتابی با عنوان «آوازهای کوچکی برای ماه» اخیراً با ترجمه خوب گلاره جمشیدی، به بازار کتاب عرضه و با استقبال خوبی هم مواجه شده است.

در ســال ۱۸٦۲ وقتی مکاتبات این دو نویســنده بزرگ آغاز شد، گوســتاو فلوبر مردی ٤۰ ســاله، کم رو، مغرور، بد خلق، اما پر کار و در عین حال گوشــه گیر بود. از نظر گوســتاو فلوبر، ادبیات، خیابانی است برای فرار از هرج و مرج بی معنی هستی و اعتراض زیرکانه به دنیا. اما از نظر ژرژساند، ادبیات وسیله ای است برای رستگاری اجتماعی، اسبابی برای لمس دنیا با آرمان ها و عشق و آرزوهایش.

گوســتاو فلوبــر در ۲ فوریــه ۱۸٦۹ در نامه اش به ســاند چنین می نویسد:

«در من، مردی از پای افتاده می بینی. یک هفته در پاریس بودم به دنبال اطلاعات خسته کننده.طرحم را دوباره خوانی کردم. حجم بالای آنچه هنوز باید بنویسم، وحشت زده یا حتی منزجرم می کند. آن قدر که می خواهم بالا بیاورم. همیشه وقت شروع کار چنین است. آن وقت است که بی حوصله می شوم. اما این بار از همیشه بدتر است. به همین دلیل از وقفه هایی که در کار یکنواخت روزانه پیش می آید، به شدت هراس دارم. گرچه کار دیگری هم از دستم بر نمی آید. خودم را به زور کشاندم. خلاصــه در حال حاضر برای چهــار یا پنج ماه موضوع کافی در اختیار دارم. وقتی کار تمام شود و دیگر در شرایط خلق دوباره بورژوازی نباشم، چه هورای بلندی خواهم کشید... در نامه ات از نقد ادبی حرف زدی و گفتی به زودی محو و نابود خواهد شد. برعکس، من فکر می کنم تازه آغاز طلوعش است. منتقدان از مدت ها پیش خط مشی های متفاوتی را دنبال می کنند. تو یک نقد ادبی را چگونه می شناسی؟ چه کسی مشتاق کار جدی و عمیق روی آن است؟ بیان شاعرانه خلسه وار از کجا ناشی می شود؟ نحوه سرایش آن؟ سبک و سیاق آن؟ دیدگاه نویسنده؟ آنچه مرا همه روزه آزار می دهد این است که می بینم یک شاهکار و یک افتضاح، همردیف هم قرار می گیرند. از حقیرها تجلیل شــده و والاها را تحقیر می کنند. هیچ چیز حماقت بارتر و غیر اخلاقی تر از این نیست...»

در ۱۱ فوریــه ۱۸۹٦ ژرژســاند، پاســخ گوســتاو فلوبر را چنین می دهد:

«همــان موقع که تو برای به دســت آوردن موضوعات مربوط به رمانت این طرف و آن طرف می روی، من برای ننوشتن رمانم در حال اختراع انواع عذر و بهانه هستم. به خودم اجازه می دهم با خیالات واهی حواسم پرت شود. چیزی که می خوانم مجذوبم می کند اما می نشینم به خرچنگ و قورباغه نوشتن بر تکه کاغذی که روی میزم خواهد ماند و دیگر به آن رجوع نمی کنم. این کار مرا درگیر کرده است. چرا که ستیز با این هوس ها برایم کار بیهوده ای اســت. به ناچار رشــته کلام از دستم در می رود و در کارم وقفه ایجاد می شــود. می بینی که آن نیروی ذهنی را کــه گمان می کنی نــدارم. نکات خوبی را در مورد نقد مطرح کردی. اما برای آن که بتوان مطابق گفته تو عمل کرد، باید هنرمند بود و هنرمند آنقدر مشــغول کارهای شــخصی خود است که اهمیتی به برآورد و نقد آثار دیگران نمی دهد...»

گوستاو فلوبر، یکی از بزرگترین نویسندگان قرن نوزدهم فرانسه اســت. ســفری به دوزخ، رؤیایی از دوزخ، خاطرات یک دیوانه، اسمار، نوامبر، مادام بوواری، سالامبو، تربیت احساسات، نامه‌هایی به شهرداری



روآن، داوطلب، وسوسه سن آنتوآن، سه قصه، بووار و پکوشه، به همراه داستان مرد جوان، عناوین داستان‌های فلوبر هستند.

آمانتین ارر لوســیل دوپن که با نام مســتعار «ژرژ ســاند» شناخته شده، رمان‌نویس رمانتیک، نمایشنامه‌نویس و خاطره‌نگار فرانسوی بود. کتاب های ســفر به اورن، همسفر فرانســه، فادت کوچولو، قلعه‌ای در بیابان، داســتان زندگی من، به همراه کتاب نامه های یک مسافر، برخی از آثای وی می باشد.

گلاره جمشیدی، مترجم «آوازهای کوچکی برای ماه؛ نامه‌نگاری گوســتاو فلوبر و ژرژ ســاند»، متولد ۱۳۵۸ تهران و فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی مهندسی برق-الکترونیک است.

این کتاب شامل بیش از ۳۰۰ نامه از این دو نویسنده فرانسوی قرن نوزدهم است که در ٤۸۰ صفحه از سوی نشر افق منتشر شده است.

به مناسبت رونمایی و بررسی کتاب «آوازهای کوچکی برای ماه؛ نامه‌نگاری گوستاو فلوبر و ژرژ ساند» نشستی با حضور گلاره جمشیدی مترجم اثر، اســدالله امرایی منتقد و امیرحسین خورشیدفر دبیر نشست، در محل کتابفروشی افق برگزار شد. در ابتدای این نشست، خورشیدفر به ارائه توضیحاتی درباره کتاب پرداخت و آن را شامل مکاتبات فلوبر و ساند، این دو نویسندگان فرانسوی معرفی کرد و افزود: «در این کتاب، نامه‌هــا و مقالات انتقادی ســاند خطاب به فلوبر آورده شــده و در این نوشــته‌ها می توان به دیدگاه ساند و فلوبر نسبت به طبقه عوام و شرایط جامعه پی برد.»

وی ساند را نویسنده، شاعر و ادیبی خواند که در بین هم عصرانش شیفتگان بسیاری داشت و تابوشکنی‌های زیادی هم در دوران حیاتش انجام داد که ســبب شــد بیش از نویسندگی‌اش، در مقام یک روشنفکر شــناخته شــود. در واقع او بود که نخســتین فعالیت را برای کاســتن از اختلافات جنسیتی و طبقاتی انجام داد.

خورشیدفر درباره ملاقات این دو نویسنده گفت: «سال ۱۸٦٦ زمان ملاقات فلوبر و ســاند بود، در حالی که ســه سال قبل از این دیدار، ساند نقد مثبتی بر یکی از آثار فلوبر نوشــت. این ملاقات به دوســتی عمیقی میان این دو تبدیل شد و نامه‌های این مجموعه در دوران ۱۰ ساله دوستی این دو نوشته شد.»

عنوان «دوستی شورانگیز» توصیفی بود که خورشیدفر برای رابطه میان این دو نویســنده ارایه داد و افزود: «علاوه بر جنبه احساســی این نامه‌نگاری‌ها، می‌توان آنها را از وجه استنادی و تاریخی با اهمیت دانست. از ســوی دیگر این نامه‌ها منســجم هستند و با وجود استقلالی که دارند شــکل رمان را به خود می گیرند و نویســندگان در آنها درباره اجتماع، سیاست، مشــکلات اقتصادی و خصوصی خود می‌نویسند. همچنین با خواندن نامه‌ها می‌توان چگونگی شــکل‌گیری این دوســتی را درک کرد.»

نگاه متفاوت ســاند و فلوبر به مســائل ،موضوع دیگری بود که خورشیدفر به آن اشاره کرد: «در نوشته‌های ساند می توان دفاع از حقوق اقلیت‌های مختلف را حس کرد و فلوبر به دلیل دوری‌اش از عوام، اغلب همدلی چندانی با این گروه نداشت و در میان نامه‌ها می توان این تفاوت دیدگاه را احساس کرد.»

**

سپس اسدالله امرایی، صداقت موجود در کلام و نوشتار نویسندگان غربی را ســتود و آن را یکی از ویژگی‌های بارز نامه‌های فلوبر و ســاند دانســت. وی در این‌باره توضیح داد: «با خوانــدن چنین آثاری می توان پی برد که نظر نویســنده درباره جامعه، شــرایط حاکم بر آن، سیاســت و حتی نزدیکان و همکارانش چه بوده اســت؛ در حالی که در فرهنگ شــرقی، تعارفات موجــود، مانع از این امر می‌شــود و نقدگریزی را به همراه دارد.» وی با تأکید بر تأثیر منفی پایین بودن انتقادپذیری در شرق گفت: «صراحت کلام به شــناخت بهتر کمک می‌کنــد و در ادبیات نیز این موضوع مصداق دارد. با خواندن چنین نامه‌هایی که از نویســندگان غربی به جا مانده، با اعتماد می توان به رویدادهای گذشــته پی برد و به نوشته‌ها تکیه کرد.»

این مترجم، فلوبر را از تأثیرگذارترین شخصیت‌های ادیب غرب معرفی کرد و درباره کتاب «آوازهای کوچکی برای ماه» گفت: «جملات ایــن کتاب، مانند آجرهایی هســتند که در نمای یک ســاختمان به کار رفته‌اند و اگر یک آجر برداشته شود، نمای کل ساختمان به هم می‌ریزد.»

امرایی یکی از علت‌های عقب‌ماندگی ادبیــات ایران را دوری از نوشــتن خاطــرات و نامه‌نگاری دانســت: «رویکرد ما، رویکرد پنهان‌کاری اســت و همواره در حال نشــان دادن چهره‌ای منزه و روتوش شــده از خود هســتیم؛ در حالی که با خواندن نامه‌های فلوبر و ساند می‌توانیم بــه تاریخ ادبیات آن دوره پی ببریم.»

آوازهای کوچکی برای ماه
نامه‌نگاری‌های گوستاو فلوبر و ژرژساند

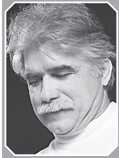
توصیفات دقیق و تصویری فلوبر از اشخاص و مکان‌های مختلف مبحث دیگری بود که امرایی به آن پرداخت: «صراحت کلام و توصیفات فلوبــر، انتقــاد برخی هم عصــران وی را نیز موجب شــد؛ زیرا برخی هم عصران او، صراحت فلوبر را برنمی‌تافتند اما آنها که در برابر کلام او مقاومت نکردند و اجازه ثبت ذهنیاتش را به او دادند، گرچه امروز زنده نیستند، اما در برابر تاریخ سربلندند.»

وی ترجمه این کتاب را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «این کتاب از روی ترجمه انگلیسی آن به فارسی برگردانده شده و شاید اگر ترجمه‌ای از زبان اصلی صورت بگیرد، اثر بهتری به جا بماند؛ اما همین ترجمه نیز حق مطلب را ادا کرده و می‌توان آن را ترجمه‌ای کم ایراد خواند؛ چنانچه هیچ ترجمه‌ای وجود ندارد که نتوان انتقادی را بر آن وارد دانست.»

در این نشســت، گلاره جمشــیدی، بخش‌هایی از کتاب را برای حاضران خواند ودر پایان هم عنوان کرد که در ترجمهٔ این اثر، جمله یا نامه‌ای حذف نشده است.

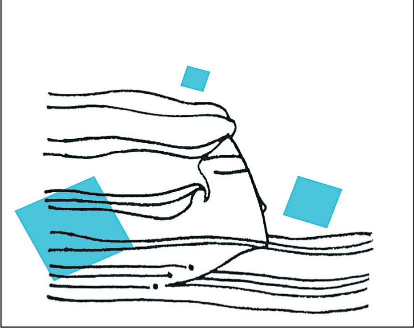
نگاهی به مجموعه شعر «آستارا؛ تنها بندر بی‌کشتی»/ داوود ملکزاده/ انتشارات نگاه/ ۱۳۹۲

آبی و آفتابی مثل شعر



اکبر اکسیر





کاش شــعر و شــاعری در ایران زیر پوشش ادارهٔ شیلات قرار می‌گرفت و متخصصین دلســوز و کاربلد شیلات، دفتری به نام اداره شعرات داشت و مثل تکثیر و پرورش بچه‌ماهی‌های شاعران جوان، مــا را تحــت حمایت خود قرار می‌داد و از ایــن همه نیروی جوان و خوش‌فکر اســتفاده می‌نمود و دریای شــعر ما را سرشــار از ماهیان گوناگون می‌کرد.

ادارهٔ شــیلات وقتی که فهمید کشــتی‌های صیادی بنادر خزر، ماهیــان نقــره‌ای ریزنقش کیلکا را قتل‌عام کردنــد ـ که غذای اصلی ماهیان خاویاری بود ـ وقتی فهمید صید بی‌رویه، نسل ماهیان خزر را نابود کرد و از این خاویار، این طلای سیاه دریای خزر خبری نیست؛ به تأسیس حوضچه‌های پرورش ماهی پرداخت و با حفظ و حراست گارد ساحلی، آنها را روانهٔ دریا کرد تا خزر از نعمت خدادادی بی‌نصیب نماند.

شاعران جوان، سرمایه‌های ادبی ـ فرهنگی ایران عزیز هستند. انصــاف نیســت تلاش ایــن همه شــاعر در انزوای شهرســتان‌ها با یــأس و نومیــدی گره بخورد و به مرور زمان فراموش شــود یا بر اثر بی‌توجهی نهادهای فرهنگی، این بچه‌ماهی‌ها به جای رسیدن به دریا، در مرداب‌هــای راکد به قورباغه بدل می‌شــوند و به آوازهای ذوزنقه دل‌خوش کنند.

کاش شعر و شاعری در این مرز پرگهر، زیر پوشش سازمان‌های بیمه‌ای خاص و بهزیستی بود و هر شهر، یتیم‌خانه‌ای داشت و آنها را تحت سرپرستی خود قرار می‌داد و با انواع کمک‌های مادی و معنوی، ایشــان را می‌نواخت و در چاپ و پخش شعرهای نابشان می‌کوشید و بــرای هر کتاب موفق آنها، مســتمری خاصی در نظر می‌گرفت، تا سرزمین حافظ و سعدی و فردوسی و مولوی و خیام و... جانشینان برتر خود را می‌شناخت؛ خانواده‌ها به شاعران جوانشان افتخار می‌کردند و هر محله‌ای به نام یک شاعر شناخته می‌شد.

شعر، نماد شعور ایرانی است و شاعران جوان اگر شناخته شوند و معرفی همه‌جانبه‌ای از آنها به عمل آید، شــعور فرهنگی ایرانیان را به اقصی نقاط جهان می‌پراکند. هنوز هم دیر نشــده اســت؛ می‌توان بدون خط‌کشــی‌های محفلی، برای شناساندن این صداهای نجیب، برنامه‌ریزی کرد. در بین تمام هنرها و مشــاغل، تنها شــعر و شاعری است که بی‌سرپرست در جامعه رها شده است. یک عمر خودسوزی و شعرسازی و محرومیت، هیچ دستمزدی را به همراه ندارد. هیچ شاعری نمی‌تواند ادعا کند که شــغل شریفش شاعری است. چرا که شاعران شریف، همیشه شرمندهٔ اهل و عیال بوده‌اند.

**

شــاعران جوان امروز با هزار مکافات، مجموعه‌شــعری چاپ می‌کنند؛ با هزار مکافات به دست مخاطب می‌رسانند تا به چشم بیاید و تشویق شود. هر دفتری از این عزیزان، آینهٔ شعور جوان ایرانی است که باید عزیزش بداریم و اگر استعداد و لیاقت این جوانان دیده نشود، نشاط فرهنگی جامعه می‌پژمرد. با جوانان شاعر فراوانی آشنا هستم؛ هر یک از دیگری فرهیخته‌تر که به اندازهٔ دو برابر عمرشان مطالعه دارند و شعر خوب نوشته‌اند.

یکی از این جوانان نیک‌گهر از آستارای خودمان است؛ «**داوود ملک‌زاده**» با چهار کتاب شعر و چهار هزار فکر بکر، که جوانی خود را به پای شعر و فرهنگ گذاشته است؛ بدون این‌که جوانی کرده باشد. او که خود سردبیر و شاعر و نویسنده و معلم بوده است؛ شاعران جوان زیادی را به جامعهٔ ادبی معرفی کرده است. در معرفی شعر فرانو یک‌تنه کوشیده و حالا خود، شاعر مستقلی شده است.

نشــریهٔ ادبی «بلم» را در دوران دانشــجویی منتشر کرده و حالا نشــریهٔ استانی «خط آخر» را با ویژهٔ ادبی «سیزده»، سردبیری می‌کند. یکپارچه آتش است؛ یکپارچه شور و شوق و شعور. به اندازهٔ یک شاعر پیر زحمت کشیده است. ستایش این جوان عرصهٔ مطبوعات و فرهنگ و ادب، ستایش شعور انسان والای هزارهٔ سوم است و تحسین و تقدیر از یک عمر تلاش فرهنگی.

داوود ملک‌زاده این بار از سوی انتشارات ادب‌پرداز نگاه، مجموعهٔ شعر «آستارا؛ تنها بندر بی‌کشتی» را به دوستداران شعر ملموس و سادهٔ امروز تقدیم نموده است. سیزدهمین مجموعه از سری «نگاه تازهٔ شعر ـ انتشارات نگاه» حرفی برای گفتن دارد. شعرهای این کتاب را بی‌حب و بغض بخوانیم و به طبیعت شعر جوان، ایمان بیاوریم:

مثل سربازی گمنام
ـ که با عشق به وطن ـ
به جبهه می‌رود
دوستت دارم،
مثل سرباز وظیفه
ـ که مجبور است بجنگد ـ
دوستت دارم.
تو
مین میدان‌های جنگی هستی
که یک روز به جای دشمن
زیر پای من
منفجر می‌شوی. (اجباری، ص ۵)

در شعر اجباری، شاعر از خود و از سن و سال خود می‌گوید و هــم ذات‌پنداری مخاطب جوان را برمی‌انگیزد. روایت خطی، وقتی تبدیل به انفجار می‌شــود که شــاعر هوشــمند به فینال غیرمترقبه‌ای می‌رسد و خوش‌فکری شاعر امروز، عیان می‌شود.

داوود ملک‌زاده در شعر بازپرس، آشنایی‌زدایی کرده است. سطر به سطر، ما را با ترکیب‌های غافل‌گیرکننده‌ای به دنبال خود می‌کشد؛ بدون آن‌که دست به چشم‌بندی و آکروبات بزند. خیلی ساده و راحت شــعرش را تمام می‌کند، بدون آن‌که بدانیم ذهن کلیشــهٔ ما را در سطر اول محکوم به تفکر و تأمل کرده است:

حتی از پنجرهٔ توالت دادگستری
می‌توانم آسمان را ببینم
که نیمی از آن را
ساختمان زندان اشغال کرده
و نیمی دیگر
آبی و آفتابی است. (دادگستری، ص ۳۳)

داوود ملک‌زاده، چهرهٔ آشنای شعر جوان، اگر به شعر سادهٔ کوتاه با طنز نهان بپردازد، از نامهای ماندگار فرداست. امید که حرف‌های مرا پدرانه تلقی نکند:

پدرم می‌گفت:
«یک موی تو را به دنیا نمی‌دهم»
و هر ماه مرا به سلمانی می‌برد! (قسم، ص ٦۲)

برای داوود و مجموعهٔ جدیدش موفقیت آرزومندم. امید که مثل آسمان آستارا همواره ببارد!

هنرهای زیبا

همراه با مجسمه‌سازان سمپوزیوم بین‌المللی چوب در تهران

چوب، هنرمند، مخاطب







بقیه از صفحه اول

اما یکی از حُسن‌های سمپوزیوم پنجم نسبت به دوره‌های پیشین، غیررقابتی بودن آن است. روح یک سمپوزیوم، روح همکاری است و روح حذف کردن همدیگر نیست. اصولاً هنر، عرصه رقابت نیست و رقابت در عالم هنر معنایی ندارد. این اولین سمپوزیوم غیررقابتی در ایران است و همین باعث شده تا شرکت‌کنندگان به صورت فوق‌العاده‌ای با هم همکاری کنند. کسانی بودند که کارشان دچار مشکل شده بود و دیگران به کمک آنها آمده بودند. این نوع همکاری در یک جریان رقابتی اگر هم انجام شود، با اکراه است ولی در اینجا همکاری خیلی خوبی بین هنرمندان، دانشجویان و دستیاران دیده می‌شود و من این را یک موفقیت بزرگ می‌دانم.

*** فایدهٔ برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی چیست؟**

ـ من آرزویم این بود که در کشور خودم سمپوزیوم برگزار شود و من مجبور نباشم چمدان بردارم و اینور و آنور بروم. برای یک کشور ۷۰میلیونی، برگزاری سالی یکی ـ دو سمپوزیوم واقعاً کم است. البته مشکلات را درک می‌کنم، اما خواست جامعه و هنرمندان این است که رویدادهایی از این دست بیشتر برگزار شود؛ چون تنها در جوار هنر است که خشونت رفتاری در جامعه کاهش پیدا می‌کند. آرامشی که هنر به جامعه می‌دهد، خرجش خیلی کمتر از داروهایی است که ما برای قلب و عروق و مغز و اعصاب هزینه می‌کنیم. این آرامش را با برگزاری سمپوزیوم‌های هنری، در سطح وسیع و با عمق بیشتری می‌توان به مخاطب منتقل کرد.

جذابیت مجسمه و کارهای حجمی که در سطح شهر نصب می‌شود با کارهای دیگر هنری غیرقابل مقایسه است. مجسمه کاشی کردن دیوارهای شهر یا نصب کردن صفحات فایبرگلاس به دیوار شهر نیست. مجسمه جذابیت‌هایی دارد که زیبایی‌اش باعث آرامش شهروندان می‌شود. من حتی پیشنهاد می‌کنم برای مجسمه‌هایی که در دست داریم، یک برنامه‌ریزی گردشی اعمال کنیم تا این آثار به صورت ثابت یک جا نصب نشوند که بعد از مدتی بیننده را اذیت کنند یا برایش عادی شوند، بلکه بیاییم طبق این برنامه‌ریزی مجسمه‌ها را به طور چرخشی در تمامی شهر به نمایش بگذاریم و وقتی رسیدیم به نقطه اولی که شروع کرده بودیم، آنها را به موزه‌ای یا به باغی ببریم و نصب کنیم تا یک باغ مجسمه هم داشته باشیم.

همان طور که همه جای دنیا هم هست و به این صورت آنها را بایگانی کرده، کلکسیونی از این آثار گرد بیاوریم. آن وقت است که می‌توانیم شهری شاداب داشته باشیم. یقین داشته باشید که هنر یکی از عواملی است که باعث می‌شود زندگی راحت‌تر تحمل شود. اگر یک مجسمه در جای مناسب خاص خودش نصب شود، تمامی انرژی‌اش را به اطراف و به بینندگانش منتقل خواهد کرد. مجسمه یعنی تعامل فرم و فضا.

*** سطح کارها را چطور می‌بینید؟**

ـ به نظرم کارها در سطح خوبی هستند.

*** این ارزیابی را لطفاً با مقایسه کارهای ایرانی و خارجی بفرمایید.**

ـ به نظرم تفاوت زیادی وجود ندارد. ما هم مجسمه‌سازان حرفه‌ای داریم که همپای آنها دارند کار می‌کنند؛ منتهی تعداد هنرمندان مجسمه‌ساز ما به نسبت بزرگی کشورمان خیلی کم است. همینطور، کلاس‌های آموزش مجسمه‌سازی ما خیلی محدود است و سال‌ها توجه کافی به این رشته نشده؛ در نتیجه رشد مناسب را هم نداشته است. من امیدوارم با همتی جدید به استانداردهایی در تعداد مجسمه‌سازان برسیم، آن وقت خواهید دید که چه شکوفایی در این زمینه پیش خواهد آمد.

*** درباره اثر خودتان در سمپوزیوم توضیح دهید و بگویید با چه حسی این کار را انجام داده‌اید؟**

ـ من کارم را به برداشت مخاطب واگذار کرده‌ام و هر اسمی که آنها روی کارم بگذارند، می‌پذیرم. من هنگام کار دستم را رها می‌کنم تا ناخودآگاهم هر کاری که می‌خواهد با دستانم روی چوب انجام دهد. هیچ طرحی و برنامه‌ریزی قبلی برای آثارم ندارم و همیشه روحم از تعیّن‌پذیری و به رسمیت شناخته شدن سر باز زده است و من خود را در هیچ بندی نمی‌گذارم. هیچکدام از کارهای من شبیه به هم نیست. شاید بعضی‌ها این را نقطه ضعفم تلقی کنند اما من در عرض یک ماه یا یک سال هیچ روزی نبوده که حال مشابهی داشته باشم. من هر آنچه که حال آن روزم بگوید همان را می‌سازم و اعتقاد ندارم به این که هنرمند هر وقت وارد آتلیه‌اش می‌شود، باید بداند که چه می‌خواهد بسازد. تعین‌پذیری با روح هنر در تضاد است.

علیرضا ایلخچی (شرکت کننده از اصفهان در بخش اصلی)

ایلخچی حدود ۱۴ سال است که کار مجسمه‌سازی می‌کند و با متریال‌های مختلف کار کرده است، امّا بیشترین ماده‌ای که با آن به مجسمه‌سازی پرداخته، فلز است. او پیش از این در سمپوزیوم ملی آهن در قشم شرکت کرده است.

*** چه انگیزه‌ای باعث شد تا در سمپوزیوم مجسمه‌سازی چوب شرکت کنید؟**

ـ یکی از دلایلش شاید این باشد که ما در ایران برپایی سمپوزیوم‌ها را کم داریم، بنابراین از هر فرصتی که پیش می‌آید برای حضور در سمپوزیوم‌هایی که برگزار می‌شود، استفاده می‌کنیم.

*** دربارهٔ اثرتان در این سمپوزیوم توضیح دهید.**

ـ این کار دو فرم است که روی هم لغزیده و من آن را از قوس‌های شبستان‌های مسجد جامع اصفهان الهام گرفته‌ام، امّا به جای این که مطابق فرم اصلی، این کار ایستاده باشد، من از زاویه‌ای دیگر به آن نگاه کردم و خواباندمش و به این ترتیب اثر حجمی‌ام به صورت افقی به نمایش در می‌آید.

*** نظرتان دربارهٔ این سمپوزیوم چیست؟**

ـ کارها در این سمپوزیوم چندان تخصصی نیست، چون تعداد مجسمه‌سازانی که صرفاً با چوب کار می‌کنند در ایران محدود است و شاید برگزاری سمپوزیوم چوب باعث شود توجه مجسمه‌سازان برای کارکردن با چوب بیشتر جلب شود.

رومن میهوف دیمیتروف (شرکت کننده از بلغارستان در بخش اصلی)

او متولد سال ۱۹۶۵ «اوپاکا»ی بلغارستان است و تاکنون در سمپوزیوم‌های بسیاری مانند سمپوزیوم کره جنوبی، ترکیه، هلند، فرانسه، آلمان، فنلاند، رومانی و مجارستان شرکت کرده است.

*** دربارهٔ اثرتان توضیح دهید، به نظر کار پیچیده‌ای می‌آید؟**

ـ اثر من یک فیگور رقصنده است که روح «نِبلشکا» در آن است. «نبلشکا» نام نوعی عروسک است که بچه‌ها با آن بازی می‌کنند و پائینش از بالای آن سنگین‌تر است و به خاطر همین با تکان دادن آن، حرکت پاندولی پیدا می‌کند. امّا این حرکت پاندولی در این مجسمه وجود ندارد، چون وزن مجسمه خیلی زیاد است و اگر حرکت کند ممکن است به زمین بیفتد و آسیب برساند. این اثر تصور و تخیلی از یک بدنهٔ تو خالی است که به صورت مستقیم پیامی را با شما در میان نمی‌گذارد، امّا شما از دیدنش حس خاصی پیدا می‌کنید.

*** با توجه به این معنایی که از کارتان توضیح دادید، دوست دارید بعد از پایان ساخت، این مجسمه کجا نصب شود؟**

ـ این که قرار است کجا نصب شود را به عهدهٔ خود مقامات تصمیم‌گیرنده می‌گذارم؛ امّا پیشنهاد می‌کنم یک منبع نوری را درون این اثر بگذارند، چون در بدنهٔ آن سوراخ‌های زیادی تعبیه شده که با جای‌گیری منبع نوری در داخل آن، نور از این سوراخ‌ها بیرون می‌زند و جلب توجه خاصی می‌کند و شکل کدو حلوایی را پیدا می‌کند که در جشن هالوین از آن استفاده می‌کنند.

*** آیا تخصص کاری شما چوب است؟ چند سال سابقهٔ کار مجسمه دارید و تاکنون در چند سمپوزیوم مجسمه‌سازی شرکت کرده‌اید؟**

ـ بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه هنر در سال ۱۹۹۲ در رشتهٔ مجسمه‌سازی، کار مجسمه را به صورت حرفه‌ای شروع کردم. تاکنون بیش از ۲۰ نمایشگاه انفرادی داشته‌ام و در بیش از ۷۰ سمپوزیوم شرکت کرده‌ام، به اضافهٔ تعداد زیادی فستیوال و دوسالانه‌های مختلف. مواد مورد علاقه‌ام هم در مجسمه‌سازی سنگ و فلز و چوب است، امّا آنچه که پرداختن به آن علاقهٔ قلبی‌ام است «اینستالیشن» (چیدمان) در فضای باز و هنر «لند آرت» (هنر محیطی) است که آثار در این دو هنر روی زمین و در ابعاد بزرگ ساخته و نصب می‌شود و من در این زمینه، کارهایی با ابعاد حدود ۲۰ متر دارم.

*** با توجه به این که با مواد مختلف کار کرده‌اید، حس کار کردن با چوب را توضیح دهید.**

ـ کار با چوب خیلی لذتبخش است و بسیار حس صمیمانه‌ای دارد و به همین خاطر می‌توان در ابعاد بزرگ روی آن کار کرد. کار کردن با چوب از کار کردن با سنگ خیلی راحت‌تر است، اما مشکلات و سختی‌های مخصوص به خودش را هم دارد.

پژمان علومی (شرکت کننده از لاهیجان در بخش اصلی)

*** درباره کارتان که مرا به یاد کلبه‌های شمالی می‌اندازد، توضیح دهید.**

ـ نمی‌دانم چرا به آن «کُلبه» می‌گویند. در واقع این خانه‌ای از یک معماری گیلانی است. ساختارش هم عمودی است و حتی اسم کار هم همین است: «من عمودی می‌اندیشم». درباره این عنوان هم باید توضیح دهم که در یکی از روزنامه‌ها مطلبی خوانده بودم با این تیتر که: «گیلانیان عمودی می‌اندیشند».

برایم جالب بود که این جمله یعنی چه؟! بعد متوجه شدم این حرف را پیش از این، پروفسور «بروم برژه» رئیس انجمن ایرانشناسی فرانسه زده است. او تز دکترایش گیلان‌شناسی بوده، ۳۰ سال در گیلان زندگی کرده و سواد و آگاهی بی‌نظیری درباره این خطّه دارد. این عنوان هم از آنجا آمده که او معتقد است شکل معماری، شکل چیدمان در هنگام کار و پس از کار گیلانی‌ها رو به جهت عمود است.

این نظریه با علاقه‌مندی من به معماری گیلان یکی شد تا روی این موضوع فکر کنم که چطور می‌شود این نوع معماری را در یک مجسمه داشته باشم؛ به طوری که جزئیات زیادی هم نداشته باشد که بقیه بگویند آلاچیق درست کرده‌ام. این بود که یکسری نشانه‌ها را که در این معماری وجود دارد، مثل سقف بلند و محکم، پله، پایه‌های بلند که به علت رطوبت زیاد منطقه از آن در زیر خانه‌ها استفاده می‌شود، نردبان، پنجره و یک فُرم پرده مانند که یکی از وجوه این فرهنگ است؛ در کارم استفاده کردم و این اثر که یک کار کاملاً دلی است، به وجود آمد.

*** در بیوگرافی شما که در دیوارهٔ غرفه‌تان نصب شده، اثری از تحصیلات آکادمیک در دانشگاه دیده نمی‌شود و شما فقط در کلاس‌های آقای «پرویز تناولی» شرکت کرده‌اید. چگونه شد که به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شدید؟**

ـ من دیپلم گرافیک دارم. بعد از دیپلم، زندگی «میکل آنژ» را در کتاب «رنج و سرمستی» رومن رولان خواندم و تحت تأثیر آن خیلی به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شدم. البته من پیش از این هم گرایش خاصی به چوب داشتم، چون من در گیلان و در روستاهای اطراف آستانه اشرفیه و همراه با چوب بزرگ شده‌ام. پس از این بود که رسماً به سراغ چوب و کارهای صنایع دستی با آن رفتم. کارگاه صنایع دستی چوب دارم، کارهایی می‌سازم که جدید هستند، حجم‌های کوچک تزئینی می‌سازم که ۸۰درصد آنها کاربردی هستند.

*** تأثیر این سمپوزیوم را روی خود چگونه می‌بینید؟**

ـ قطعاً روی کارم تأثیر خواهد داشت، روی جهان بینی من که تأثیر گذاشته است. اینجا دوستانی پیدا کرده‌ام که هم به لحاظ تکنیکی از آنها کار یاد گرفته‌ام و هم از نظر نوع نگاه و اندیشه‌شان. در اینجا دوستانی از کشورهای دوری مثل آمریکای جنوبی آمده‌اند که شکل کارکردنشان، رفتارشان با چوب و فرم‌هایی که کار می‌کنند باعث شده یک ذخیره عظیم از تصویر و حجم در من شکل بگیرد که قطعاً بعدها خیلی به دردم خواهد خورد.

محمدحسین عماد (هنرمند مدعو)

محمدحسین عماد علاوه بر این که به عنوان هنرمند مدعو به این سمپوزیوم دعوت شده است، یکی از اعضای پنج نفره شورای انتخاب آثار پنجمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه‌سازی تهران را هم تشکیل می‌دهد.

*** آیا به نظرتان حذف رقابت از سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران کار درستی است؟**

– سمپوزیوم‌ها معمولاً رقابتی نیستند ولی بعضی از آنها جوایزی برای شرکت‌کنندگان در نظر می‌گیرند. رقابتی بودن سمپوزیوم هم مفید است و هم مضر. مفید است چون رقابت در کار یک نوع هیجان ایجاد می‌کند و البته بستگی به میزان جوایزش هم دارد. در نوع رقابتی سمپوزیوم، هنرمندان برای تصاحب جایزه در آن شرکت می‌کنند. از طرفی، رقابت باعث رشد هنرمندان جوانی است که سعی می‌کنند در سمپوزیوم مقام کسب کنند چون کسب مقام برای آنها امتیازی بین‌المللی محسوب می‌شود، ولی در سمپوزیوم بدون رقابت تنش کمتر است چون هرکس کار خود را می‌کند و فقط به کارش فکر می‌کند و نه به اینکه از دیگران جلو بزند.

*** با این اوصاف، آیا به نظرتان بهتر است دوره‌های بعدی سمپوزیوم به صورت رقابتی برگزار شود یا غیر رقابتی؟**

– به نظرم رقابتی باشد بهتر است چون دراین صورت هنرمندانی از کشورهای خارجی که سطح کیفی کارشان بالاتر است، در سمپوزیوم حضور خواهند داشت. رقابت برای هنرمندان داخلی هم به نوعی هیجان به وجود می‌آورد که بد هم نیست البته به شرطی که یک رقابت سالم بین شرکت‌کنندگان باشد و باعث از میان رفتن تبادل تجربیات بین هنرمندان نشود.

*** نظرتان درباره وجود بخش دانشجویی در سمپوزیوم چیست؟**

–بخش دانشجویی تجربه جدی در زمینه مجسمه‌سازی ایران و سابقه چندانی برای حضور در سمپوزیوم ندارد، از این رو برای این گروه از افراد حضور در سمپوزیوم بد نیست؛ چون تجربه بیشتری کسب می‌کنند.

*** با توجه به این که شما جزو هیأت انتخاب آثار این سمپوزیوم هستید، نظرتان درباره میزان حرفه‌ای بودن هنرمندان خارجی سمپوزیوم چیست؟**

–سمپوزیوم، چارچوب مخصوص به خود دارد و تعریفش با هنر گالری و یا بی‌ینال متفاوت است. سمپوزیوم برای خودش قوانینی دارد؛ مثلاً این که ابعادی را در آن تعیین می‌کنند. در بعضی سمپوزیوم‌ها محدودیت ماده وجود دارد، زمانی برای انجام کار در آن تعیین می‌شود و احیاناً جایزه یا مبلغ ورودیه دارد. کسانی که وارد یک سمپوزیوم می‌شوند، اولین تسلطی که باید داشته باشند، این است که بتوانند در زمان‌بندی تعیین شده، کارشان را به پایان برسانند.

در این سمپوزیوم بیش از ۷۰ نفر از کشورهای مختلف شرکت کردند و ما از آن میان بهترین هایشان را انتخاب کردیم و سعی کردیم کسانی را انتخاب کنیم که قادر به رعایت معیارهای سمپوزیوم هستند. یکی از این معیارها حرفه‌ای بودن است به طوری که بتوانند ظرف مدت ۱۰ روز مجسمه‌شان را بسازند و دیگری تجربه کار کردن با چوب است.

*** کارهای هنرمندان ایرانی این سمپوزیوم را چطور ارزیابی می کنید؟**

– فرق است بین کسی که حدود ۸۰ سمپوزیوم را شرکت کرده ودر این زمینه تجربه دارد و می‌تواند یک کار حرفه‌ای را ظرف چند روز آماده کند با کسی که اصلاً در سمپوزیوم کار نکرده. به نظرم برگزاری چهار دوره سمپوزیوم شروع خوبی است برای ادامه بهتر آن.

*** نظرتان درباره ایدهٔ موجود در آثار ایرانی چیست؟**

– خود من شخصاً به این توجه می‌کنم که کارها تا چه حد بومی هستند، یعنی از محیط و جامعه‌ای که هنرمند درآن زندگی می‌کند، الهام گرفته شده باشند. یکی –دو کار در میان آثار ایرانی هست که این ویژگی را دارد، منتهی هنوز تسلط به زبان مجسمه را پیدا نکرده‌اند.

*** آیا خود شما همیشه سعی کرده‌اید این ویژگی‌های بومی را در آثار خود وارد کنید؟**

–من سعی نکرده‌ام بلکه این ویژگی ها خودشان وارد کارهایم شده‌اند. مثلاً در کاری که در این سمپوزیوم می‌سازم، اثرم اشاره‌ای به معماری سنتی ایرانی و به کبوترخانه دارد. به نظرم یک مجسمه‌ساز برای آفرینش یک اثر باید در جستجوی فرم‌هایی باشد که قابلیت وارد شدن به زبان مجسمه را دارد و باید این فرم‌ها را حس کند.

*** نظرتان درباره نحوهٔ برگزاری این سمپوزیوم چیست؟**

–این سمپوزیوم از نظر مکانی نسبت به تمامی سمپوزیوم‌هایی که قبلاً برگزار شده خیلی بهتر است. موقعیت خیلی خوبی دارد. غرفه‌هایی که زده‌اند مناسب است، شکل دایره‌ای که دور دریاچه بوستان «نوروز» دارد بسیار زیباست و هوای اردیبهشت هم که خوب است، فاصله بین غرفه‌ها هم خیلی مناسب است. فکر می‌کنم کلاً انتخاب خیلی خوبی بوده برای این که جرثقیل جای مانور دارد و می‌تواند کاملاً دور بزند؛ در حالی که در سمپوزیوم‌های قبلی چادرها همه در یک راستا بودند و مجسمه‌سازان یکدیگر را نمی‌دیدند. همه اینها حتی برای مردم دیدار کننده هم دلنشین‌تر است.

شهریار رضائی (شرکت کننده از کرمان در بخش اصلی)

*** درباره اثرتان توضیح دهید.**

–یک فرم خیلی نرم و عاشقانه است. دوست داشتم فرم چوبم با فضا درگیر باشد و کم و بیش هم توانستم رعایتش کنم؛ چون درآن الواری که به هم تابیده است احساس می‌شود و اسمش را هم گذاشته‌ام: «الوار عاشق».

*** از خودتان بگوئید.**

– من در دانشکده هنر کرمان در رشته «مرمت بناهای تاریخی» درس خوانده‌ام، اما بعد از تحصیل به سمت مجسمه‌سازی رفتم و الان کارگاهی برای کار مجسمه دارم.



*** آیا تخصص کاری‌تان چوب است؟**

– نه، چوب هم شامل کارم می‌شود. متریال اصلی‌ام آهن است، اما سنگ و چوب را هم کار کرده‌ام.

*** اولین بار است در سمپوزیوم شرکت می کنید؟**

–در تهران، بله. البته قبلاً سه دوره از سمپوزیوم کرمان را هم شرکت کرده‌ام و در سمپوزیوم دوم مجسمه‌سازی هم اثرم در بخش نمایشگاهی پذیرفته شد.

*** نظرتان دربارهٔ برگزاری سمپوزیوم چوب چیست؟**

–نیاز به برگزاری سمپوزیوم چوب بود؛ چون در این چند دوره که سمپوزیوم آهن و سنگ برگزار شد، ما مجسمه‌سازان، کم‌کم داشتیم به این باور می‌رسیدیم که چوب متریال مناسبی برای مجسمه نیست؛ در حالی که در واقع امر، متریال خیلی خوبی است. چون اولاً خیلی خوب فرم می گیرد و دوم این که خیلی راحت می تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. اما این که آثار چوبی عمرشان کوتاه است، به نظر من همین که هفت–هشت سال بمانند هم خوب است. مگر یک اثر چقدر می‌تواند با مردم حرف بزند!

*** برگزاری سمپوزیوم روی خودتان چه تأثیری دارد؟**

–خیلی خوب است. یعنی نگاه سمپوزیوم همین است؛ ارتباط با دیگر هنرمندان، ارتباط با مخاطب و همه اینها باعث می‌شود مجسمه‌ساز، هم به تجربیاتش اضافه شود، هم ارتباط‌های بهتری با مردم بگیرد و هم با نظر مردم که چه چیزهایی را بیشتر دوست دارند آشناتر شود. این سمپوزیوم‌ها هستند که ما مجسمه‌سازان را با مردم و مردم را با مجسمه‌سازان نزدیک می کنند و می توانند باعث رشد هر دو گروه مردم و هنرمندان شوند.

در مورد آشنایی با دیگر مجسمه‌سازان، شخصاً برای من فرصت عالی و بی‌نظیری بود؛ نه فقط از نظر رفتار روی چوب و بحث فنی کار، که برای من در بسیاری موارد جنبه اخلاقی آن اهمیت داشت. وقتی که می دیدم تعدادی از مجسمه‌سازان به کمک کسانی می رفتند که کارشان ناتمام بود و می توانست دیرتر از بقیه تمام شود، آن لحظات برایم بسیار تأثیرگذار و شیرین بود.

نگاهی به مجموعه شعر «این روزها به خاطر عشق تو...»، سرودهٔ فرشاد فرصت صفایی

عشق ها و دردهای شخصی در انزوا



محسن احمدوندی



«این روزها به خاطر عشق تو...»، عنوان مجموعه ای است از فرشاد فرصت صفایی که توسط انتشارات فصل پنجم در سال ۱۳۹۱ در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، روانهٔ بازار شعر شده است. مجموعه ای متشکل از ٣٤ غزل فارسی و یک غزل کردی. اغلب غزل های این مجموعه در بردارنده عشق ها و دردهای شخصی شاعری است که در انزوای خود لحظات بودنش را سروده است. در کنار مضامین عاشقانه، چند شعر آیینی هم به چشم می خورد.

نکته قابل ذکر این است که شاعر این مجموعه، میل چندانی به بیان مضامین اجتماعی در غزل های خود نشان نمی دهد و این گذشته از قالب غزل که فلسفه وجودی آن مغازله و معاشقه با معشوق است، حاکی از رویکرد انزوا طلبانه شاعر و گریز او از اجتماع و مضامین اجتماعی است.

غزل های این مجموعه حرف ها و زمزمه های یک شاعر است که کنج عزلت را برگزیده و قلبش از انزوا پر شده است. (ص ۹) شاعری که از عشق می گوید، اما نه یک عشق افلاطونی، بلکه عشقی که خاص روزگار اوست. غزل های عاشقانه این مجموعه، اغلب به دیدارها و قرارهای عاشقانه شاعر می پردازد؛ دیدار با معشوقی که در اغلب این غزل ها به خیانت و هوسرانی متهم است و نگاه مردسالارانه شاعر که ریشه در سنت هزار ساله ادب فارسی دارد، حکمفرمایی می کند، تا معشوق همچنان در چنگال دوالیسم گرفتار بماند و در مرتبه انسانی خود جلوه نکند. معشوقی که گاهی چنان عظمت می یابد که به مرتبه ایزدبانو و الهه بودن می رسد و گاه چنان دچار تنزل می شود که سزاوار انواع تحقیرها و سرزنش هاست. از حیطه مضمون و محتوا که بگذریم، برخی ویژگی های زبانی و بلاغی در این مجموعه وجود دارد که نگارنده در ادامه، در حد وسع این نوشتار، به آنها خواهد پرداخت. یکی از ویژگی های اصلی این مجموعه، انتزاع و تجریدی است که اغلب در حوزه ترکیب سازی شاعر رخ می دهد. در این مجموعه، ترکیب هایی وجود دارد که از حوزه ملموسات خارج است و ما به ازای خارجی ندارند. ترکیباتی که گاه از چند واژه هم می گذرد و به تتابع اضافاتی طولانی می انجامد که بسیار پیچیده، گنگ و غیر قابل فهم هستند:

هوای ملتهب بغض ماجرایی گنگ
همیشه در نفس داستان من جاری است
(ص ۱۱)

مخاطب مسلماً در برخورد با تتابع اضافات «هوای ملتهب بغض ماجرایی گنگ»، سر در گم می ماند و چیز چندانی دستگیرش نخواهد شد. یا در بیت زیر، ترکیب «حجم گنگ حوصله» از این گونه تتابع اضافات پیچیده و انتزاعی است:

مقصودها چه پوچ و حقیرانه، از حجم گنگ حوصله لبریزند
تعبیر جاده های پر از بن بست، در خواب کوره راه چه خواهد شد (ص ۵۸)

کمتر غزلی از این مجموعه را می توان یافت که از این ترکیبات انتزاعی و تجریدی در آن نباشد. ترکیباتی که نمونه آن را در غزل های سبک هندی، به ویژه غزل بیدل دهلوی، می توان یافت و از میان معاصران شعر سهراب سپهری را فرا یاد می آورد.

ویژگی دیگر این مجموعه که باز هم موجب انتزاعی بودن و دور از دسترس شدن مفاهیم و مضامین اشعار آن برای مخاطب می شود، استفاده از اضافه های استعاری است که از بار عاطفی چندانی برخوردار نیستند. برای نمونه می توان به چشم سفر، چشم عطش، چشم اجل، چشم دل، چشم زمان، لب زشت فاجعه، دهان منظره، لحن خیس گام، دست شعر، چشم شعر، تن شعر، گلوی چشم و ... اشاره کرد.

چنان که ملاحظه می شود، در این دسته ترکیبات، تنها دسته ای از واژگان در دسته ای دیگر ضرب شده اند، بی آن که کارکردی استاتیک و زیبایی شناسانه داشته باشند. این نکته در مورد اضافه های تشبیهی نیز صدق می کند. در اضافه های تشبیهی این مجموعه نیز ما با زیبایی و گاهی حتی رسایی چندانی رو به رو نمی شویم. درست است که شاعر در حوزه ترکیب سازی و تصویرسازی آزاد است که از زبان معیار فراتر رود؛ اما همیشه باید دو اصل اساسی رسانگی و زیبایی شناسانه را مدنظر داشته باشد. نمونه این گونه ترکیب سازی ها و اضافه های استعاری را در نثر فنی قدیم فارسی به وفور می توان دید.

شما هر صفحه از مرزبان نامه را که باز کنید با گنجینه ای از این اضافه های استعاری رو به رو می شوید، اما هیچ کدام از این تصاویر گیرایی یک تشبیه ساده، آن هم از شاعر درجه دومی چون منوچهری را ندارد. چرا؟ چون در شعر منوچهری تصاویر از بار عاطفی لبریزند و در مرزبان نامه همچنان که منتقدان و سبک شناسان، آن را در حوزه سبک فنی و مصنوع گنجانده اند، ما با نویسنده ای رو به رو هستیم که با تکنیک و فن می خواهد نثر را به مرتبه شعر ارتقاء دهد؛ غافل از این که شعر چیزی فراتر از ترکیب سازی و تصویر سازی است. تصویری که از عاطفه سرشار نشده باشد، تصویری است خشک، بی روح و فاقد اصالت و ماندگاری.

از دیگر نکاتی که در این مجموعه می توان بدان اشاره کرد، تنگنایی است که قافیه و ردیف بر شاعر تحمیل می کند، تا جایی که در بعضی بیت ها، حضور قافیه تنها به خاطر اشتراک آوایی است و هیچ نقشی در بیت ندارد. شاعر فقط قافیه را به خاطر قافیه آورده تا بیتی سروده باشد. مثلاً در همان غزل اول که آغاز خوبی دارد، شاعر در بیت های پایانی، قافیهٔ «آشنا» را می آورد که هیچ کارکردی در معنی بیت ندارد:

شاعر از بستر زمان برخاست، ذره ذره رسید تا خورشید
ذره های تنش مذاب شدند، افق از شعر آشنا پر شد
(ص ۱۰)

یا در غزل هشتم، تنگنای ردیف، شاعر را بر آن داشته که به جای «نخواهد آورد» از «نخواهد داد» استفاده کند:

افسوس! گندم زار آفت خورده این قرن
بر سفره سرخ شقایق نان نخواهد داد
(ص ۲۳)

نکته دیگر در غزل های این مجموعه، حضور برخی واژگان است که مدام تکرار می شوند. بدیهی است که هر شاعری دایره واژگان خاصی دارد، اما یک شاعر باید چنان پشتوانه زبانی پردامنه ای داشته باشد که این چنین و به این زودی در دایره تکرار نیفتد. از این واژگان مکرر می توان به خلسه، فاجعه، خورشید، ذهن، شعر، تقویم، ثانیه، حجم گنگ و ... اشاره کرد.

نکته دیگر حضور برخی واژگان نامأنوس عربی در این غزل هاست که به طور کلی با بافت زبانی غزل ناهمخوان و ناهمگون است. برای مثال می توان به دو واژه مکسّر و تکرّر در ابیات زیر اشاره کرد که شاعر می توانست به راحتی آنها را تغییر دهد و جایگزینی برای آنها بیابد.

هر جانگاه می کنم انگار، سحر ملیح عطر تو جاری است
لب های تو مکسّر پرهیز، چشمان تو دریچه جادو
در لحظه های بی تو اگر چه، لحظه که نه تکرّر مرگند
لبریزم از دقایق بی شعر، سرشارم از علایق ترسو
(ص ٤٤)

گاهی شاعر در این غزل ها به تناسب ها توجه ندارد؛ مثلاً در مصراع «می بینم از دریچه هر صبح، چشمان قهوه خورده مستت» (ص ٤٣) با سهل انگاری تمام علت مستی چشم را به قهوه نسبت داده؛ چیزی که غیر عادی و نازیباست. یا در مصراع «آویخته عطر تنت از گردن کوچه» (ص ٤٧) فعل آویختن را بدون هیچ تناسبی برای عطر به کار برده که ناموزون است. یا در مصراع «می مانم آخر زیر آوار خیابان» (ص ٤٦) آوار شدن را برای خیابان در نظر گرفته که باز هم نامتناسب است.

نکته دیگری که در این غزل ها به چشم می خورد، تکرار «واو» در ابتدای بیت ها و مصراع هاست که گاهی بسامد آن بالا و ملال آور است. مثلاً شاعر در غزل نهم (ص ۲۵– ۲٤) سه بار، آن هم در یک غزل از واو آغازگر مصراع استفاده می کند که جز پر کردن وزن، دلیل دیگری برای کاربرد آن نمی توان در نظر گرفت.

برخی سهل انگاری های دستوری نیز در این مجموعه وجود دارد؛ مثلاً در مصراع «تنها طنین فاتحه بر مزار ماست» (ص ٦٣) شاعر ما بین ترکیب اضافی «فاتحه مزار»، حرف اضافه «بر» را تنها برای پر کردن وزن به کار برده که از نظر دستوری اشتباه است.

در این مجموعه، تصاویر تازه ای نیز یافت می شود که حاکی از خلاقیت شاعر است. برای مثال «سوت شبگرد قطره قطره چکید، استکان شب از صدا پر شد» (ص ۹) یا در بیت زیر که گذشته از اغراق بسیار زیبای آن، عاطفه ای سرشار نیز موج می زند:

خطوط دفترم از گریه هایم آن قدر خیس است
که بین اشک ها یک قطره جوهر جا نمی گیرد
(ص ۱۹)

در این مجموعه، غزل هایی وجود دارد که آغازی بسیار زیبا و دلنشین دارند اما هر چه به پایان نزدیک می شوند، مضامین دم دستی تر می شود و زبان افت می کند. برای نمونه می توان به غزل های صفحات ٦٢ و ١٣ اشاره کرد که بر خلاف چند بیت آغازین شان، در ابیات پایانی چیزی برای عرضه کردن به مخاطب ندارند.

از نمونه های موفق غزل های این مجموعه، به نظر نگارنده، می توان به غزل های صفحات ۷۰، ۲۰، ٦٦ و ۱۷ اشاره کرد. دلیل نگارنده برای این انتخاب این است که شاعر در این غزل ها رهاتر است و عاطفه اش را به خاطر وزن و قافیه ذبح نمی کند. این غزل ها حرف هایی است که از دل برآمده و بر دل می نشیند. در پایان برای فرشاد فرصت صفایی، شاعر گرانقدر کرمانشاهی، آرزوی موفقیت و شادکامی دارم و یکی از غزل های بی نظیر این مجموعه اش را با خود زمزمه می کنم:

بی تو آشفته ترین مرد جهانم بابا
بی تو انگار که بی نام و نشانم بابا
بعد تو زندگی ام مثل جهنم شده است
بعد تو در به در دست زمانم بابا
بی حضور تو بهار دل من پرپر شد
بی تو نفرینی جادوی خزانم بابا
خاطرات تو پناه لحظات دل من
دیدن خواب تو تنها هیجانم بابا
هم پدر بودی و هم جای برادر بودی
جای یک داغ دو داغ است به جانم بابا
رفتنت خانهٔ آباد مرا ویران کرد
چه بگویم که دگر بسته زبانم بابا
(ص ۷۰)

شعر امروز

غزلی نذر بانوی آب و آیینه:

پرواز آخر

مرضیه فرمانی

فقط مشتی پر از پرواز آخر از تو جامانده است
که ردی سرخ روی برگ دفتر از تو جامانده است
تو را در یاد خود دارند شب های غریبانه
برای اهل خانه دیده ای تر از تو جامانده است
تمام خانه از عطر گل یاس تو لبریز است
چه کردی این چنین عطری سراسر از تو جامانده است
فقط از دشت گل هایی که بر پیراهنت داری
همین چندین گل در باد پرپر از تو جامانده است
چنان دلداده و عاشق، تو دلدار علی بودی
که نیمت رفته تنها نیم دیگر از تو جامانده است
کمر خم کرده ای، ای سرو قامت! هیچ عیبت نیست
که نسلی از درختان تناور از تو جامانده است
دل ما سوخت و دودش به چشمان مدینه رفت
که در دل ها فقط داغی مکرر از تو جامانده است
بسوز ای شمع! تا بر ما چنین عشقی بیاموزی
که تنها سوختن در خاطر «در» از تو جامانده است

تازه‌های کتاب

«**ژنرال جنگ های سیب زمینی**»، عنوان برگردانِ فارسیِ گزیده اشعار ترکی رسول یونان است که در بهار امسال از سوی نشر امرود در دسترس دوستداران شعر قرار گرفته است. ترجمه این اشعار را مترجم خوب و پرکار، آیدین روشن برعهده داشته و ترجمه روان و بسیار خوبی را از سروده های ترکی رسول یونان ارائه داده است. ترجمه ای که به لحن شعرهای فارسی یونان بسیار نزدیک است و از تسلط آیدین روشن بر زبان های ترکی و فارسی و مهمتر از همه شعر خبر می دهد.

«ژنرال جنگ‌های سیب‌زمینی»، ۷۲ قطعه شعر سپید را دربرمی گیرد. شعرهای این کتاب گزیده‌ای از شعرهای چاپ شده در کتاب‌های «تاکسی»، «جاماکا»، «من چین محلله‌لریندە ایتمیشم»(من در محله چینی‌ها گم شده‌ام) و «آتلار و باشقا ایشیق‌لار» (اسب‌ها و روشنی‌های دیگر) است. همچنین تعدادی از شعرهای جمع‌آوری و ترجمه شده در این کتاب، از اشعار منتشرشده یونان در رسانه‌های چاپی و الکترونیکی هستند.

آیدین در ابتدای این کتاب نوشته است: «یونان که به قول عباس مخبر از بیست سالگی شعر گفتن به زبان فارسی را آغاز کرده، مانند تمام شاعران دو زبانه دیگر به عنوان مترجم روزانه دردها عمل می‌کند و مدام در میان دو زبان در آمد و شد است.»

از شب

از شب صدای ساکسیفون می آید
از ساکسیفون صدای شب
در دوردست ها
نوازنده ای سرخوش
می کوشد ماه را در شیشه پنجره اش نگه دارد
آیا می تواند این کار را بکند؟!
من که این طور فکر نمی کنم.

دودکش ها...

دودکش ها
آنتن ها
کلاغ ها
از گذشته
از روزهایی که از پنجره به بیرون خیره می شدم
فقط این ها در یادم مانده است.
آپارتمان شما
در دوردست ها بود
جایی که زمین و آسمان به هم می رسید...

کج

برج پیزای ایتالیا
برج ساعت لندن
برج ...
خیلی از برج ها کج شده اند
همین طور
خیلی از جاده ها به سمت تاریکی
خیلی از دست ها به سمت دزدی
دنیا دارد کج می شود
اقیانوس آرام به کجا خواهد ریخت؟



طنزستان

بر جای نشسته و جهان پیموده!



وحید حاج سعیدی | علی آباد کتول

از قدیم الایام، پرواز یکی از آرزوهای دیرینه بشر بوده و هست. چرا که با این قیمت های نجومی بلیت هواپیما، ما کارمندان که توان پریدن نداریم؛ از سایر اقشار جامعه هم خودتان بپرسید. بیل که به کمرتان نخورده!

جالب اینجاست که شرکت های هواپیمایی هم در این گیر و دار افزایش قیمت ها، نه تنها خیرشان به خلق الله نمی رسد، بلکه سعی دارند از آب گل آلود کرهٔ هلندی بگیرند!

«شنیده ها حاکی است، در حالی که براساس ابلاغیه سازمان هواپیمایی کشوری قیمت بلیت های جدید باید از تاریخ ۱۵ آبانماه اجرایی می شد، اما برخی آژانس های فروش بلیت با شگردهای مختلف و اطلاعات غلط، از مسافرانی که قبل از این تاریخ بلیت خریداری کرده اند، مابه التفاوت قیمت قدیم و جدید را طلب می کردند!» (به نقل از روزنامه جوان)

گفتنی است که سفر همیشه هوایی نیست و زمینی هم می توان سفر کرد ولی چه کنیم که آمار تلفات جاده ای و اخیراً در رفتن قطارها از ریل، دل و دماغ سفر زمینی را از مردم گرفته است.

اما از آنجا که ما همواره در پیشنهادهای هرمنوتیک و سازنده مان به فکر مردم بوده و هستیم، چند پیشنهاد سوفسطایی در مورد سفر های مدرن و پُست مدرن به عرض می رسانیم تا چشم آژانس های متخلّف از حدقه در آید و حسرت مشتری بر دلهایشان بماند.

سفر های نشسته: در گذشته هم که وسایل حمل و نقل و آژانس های مسافرتی رنگارنگ وجود نداشت، خیلی ها حال و حوصله مسافرت با اسب و شتر و الاخون والاخون شدن در کاروانسراهای درجه دو و سه را نداشتند و ترجیح می دانند که نشسته سفر کنند. شاعر نیز در این خصوص فرموده:«بنشین و سفر کن که به غایت نیکوست/بی منت پا گرد جهان گردیدن».



در این شیوه یک نفر آدم بیکار که از قضا کثیرالسفر – یا به قول امروزی ها عشق سفر – بود، وقتی به سایر بلاد مسافرت می کرد، سفرنامه می نوشت و لحظه لحظهٔ سفر را با دقت فراوان ثبت می کرد که دیگران با خواندن این سفر نامه، گویی خود نیز همراه کاروانیان به این سفر رفته اند.

الان هم شمامی توانید با همسایه ها یا اقوام هماهنگ کنید و مخارج سفر مدیر ساختمان یا بزرگتر خانواده را فراهم نموده، ایشان را به مسافرت بفرستید تا بعد از سفر، از دیدنی های سفر برای شما تعریف کند یا خاطرات مکتوب ایشان را بخوانید و در این سفر شریک او شوید.

سفر های تخیلی: نوع دیگری از سفر که هیجان زائد الوصفی دارد و به جاهایی می توان سفر می کرد که تا به حال پای هیچ ابوالبشری به آنجاها نرسیده،«سفر های تخیلی» است. فقط جناب ژول ورن که نمی توانست بیست هزار فرسنگ زیر دریا برود. شما هم می توانید در رؤیاهایتان بیست و دو هزار فرسنگ زیر دریا بروید. اصلاً سی هزار فرسنگ، به کسی ربطی ندارد.

یا می توانید دریکی از هتل های مجلل که شبی ۲ میلیون تومان هزینه دارد و تازه اسم فقیر بیچاره ها را هم روی آن گذاشته اند، اقامت کنید و هر غذایی که دلتان خواست سفارش بدهید و ساعت ها در جکوزی و استخر، کالری بسوزانید.

در این شیوه می توانید با بالن، کایت، دیژابل (بالن قابل هدایت)،هواپیما یا هر وسیله دیگری که هنوز اختراع نشده مسافرت کنید و کنار پنجره یا اصلاً در کابین خلبان بنشینید و از مهماندار بخواهید به شما چند تا نان اضافه بدهد.

مسافرت رؤیایی یا تخیلی باعث کمک به اقتصاد خانواده و صرفه جویی نیز می شود و خطراتی نظیر سقوط هواپیما، چپ شدن اتوبوس یا در رفتن قطار از ریل هم ندارد. در ضمن می توانید در طول سفر، هنگام رد شدن از روی جنگل های مه گرفتهٔ شمال، از آن بالا برای کسانی که در ماشین های مدل بالا در ترافیک های کیلو متری جاده چالوس گیر افتاده اند، دست تکان بدهید.

سفر به خیر ...

دادنامهٔ اختلاس آن چنانی!



محمود سلطانی

دادگاه ویژه رسیدگی به اتهام یکی از متهمان اصلی پروندهٔ اختلاس آنچنانی به نام میرزا قلی مضطرزاده، ۶۵ ساله، نابینا، از یک پا لنگ، دارای عیال و چهار فرزند، شغل متکدی، ساکن حومه شهر ری به اتهام عضویت در شبکه اختلاس آنچنانی موسوم به «الفمیم» و دریافت وجه، پس از بیست و هفت جلسه عادی و فوق العاده در بیست و هشتمین جلسه که به صورت فوق العاده با حضور متهم و تعدادی از اصحاب رسانه برگزار است، به شرح زیر اصدار رأی می نماید:

۱ـ نظر به این که با توجه به بررسی های به عمل آمده از جمله بازدید منزل، تحقیقات محلی، دادن سوگند، استعلام از سازمان های اطلاعاتی داخل و خارج از کشور، عضویت رسمی نامبرده در شبکه اختلاس آنچنانی تا این تاریخ محرز نگردیده؛ لذا وی از بزه انتسابی تبرئه می گردد.

۲ـ با توجه به بازجویی های به عمل آمده، تحقیقات محلی، اعتراف و اقرار صریح متهم، بزه انتسابی مبنی بر دریافت مبلغ دو هزار ریال وجه رایج از دست یکی از اعضای گروه الفمیم در محل سکوی ورودی بارگاه حضرت عبدالعظیم حسنی و دعا در حق پرداخت کننده وجه برای دادگاه محرز و وی را بدواً به اشد مجازات محکوم نمود که با توجه به اظهار ندامت، شرکت در بازسازی صحنهٔ جرم، همکاری مؤثر در جریان رسیدگی به پرونده، وی را به تحمل شانزده سال حبس و اعدام در ملاء عام محکوم نمود که با توجه به اعتراض نامبرده به حکم صادره نهایتاً مشارالیه را به اشد مجازات یعنی آزادی از زندان، واریز مبلغ دریافتی به خزانه دولت، محرومیت دائم از گدایی و همچنین امرار معاش از طریق یارانه دریافتی محکوم می نماید. رای صادره قطعی و غیرقابل اعتراض است.

رئیس دادگاه ویژه رسیدگی به اختلاس آنچنانی
«م ـ س ـ آذین»

گامی به سوی طنز ـ ۱



اسماعیل امینی

هرجا که از طنز سخنی هست، بلافاصله با اصطلاحاتی مواجه می شویم که گاهی موجب سردرگمی است. تا می خواهیم کتابی طنزآمیز بخوانیم، یا می گوییم که به طنز علاقه داریم؛ هزل و هجو ومطایبه و فکاهی و آیرونی و گروتسک واین جور چیزها به میدان می آیند و نمی گذارند از طنز لذت ببریم.

به راستی برای لذت بردن از طنز و برای طنز نوشتن، لازم است که این اصطلاحات را یاد بگیریم؟

یعنی این همه طنز نویس خوب که آثارشان را می خوانیم و دلمان می خواهد که بتوانیم مثل آنها ظریف و گزنده و بانمک بنویسیم؛ اول این همه اصطلاحات و تعریف ها را یادگرفته اند و بعد طنز نویس شده اند؟

اگر بگوییم که یادگرفتن اصطلاحات طنز، راه مناسبی برای آغاز طنز نویسی نیست؛ شاید به نظر برسد که از مباحث نظری طنز خوشمان نمی آید. اما اگر این را بدانیم که طنزنویسی، بیش از مباحث نظری، نیازمند تمرین و مطالعه است؛ آن وقت راه آغاز کار را زودتر پیدا می کنیم.

کارهای مهارتی مانند رانندگی، ترکیبی است از دانایی و توانایی، رانندهٔ خوب، هم توانایی رانندگی دارد و هم با علایم ومقررات راهنمایی و رانندگی آشناست.

راننده اگر فقط علایم را بلد باشد، اما دست فرمانش خوب نباشد، خیلی زود از مسیر خارج می شود و حادثه می آفریند و اگر فقط رانندهٔ ماهری باشد اما علایم و مقررات را نشناسد، در مسیرهای شلوغ و هنگام انتخاب راه و لحظات حساس دیگر، با دشواری مواجه می شود.

به هر حال، برای آغاز کار طنز نویسی، بهترین راه مطالعهٔ آثار خوب است و از همین جا ضرورت آشنایی با بحث‌های‌نظری‌آشکار می شود که: آثار خوب را چگونه تشخیص بدهیم؟

چون اغلب افراد خیال می کنند که هر اثری که خندهٔ شدید ایجاد کند، لابد طنزی قوی دارد.

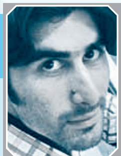
یا هر اثری که حرف سیاسی خطرناک تری بزنند، حتماً طنز خوبی است و می تواند الگوی مناسبی باشد.

نه آشنایی با اصطلاحات طنز نویسی ونه خندهٔ شدید و واکنش هیجانی مخاطبان، هیچکدام از اینها معیار خوبی برای تشخیص آثار ارزشمند طنز نیست.

مجموعه ای از معیارهای مرتبط با روش نوشتن و استفاده از شگردهای طنز، همراه با نوع نگاه واندیشهٔ نویسنده و بسیاری نکته ها و دقایق دیگر است که به خواننده کمک می کند تا بتواند یک اثر طنز را ارزیابی کند.



تبسم و تفکر



رضا جنگی

*متولد ۱۳۶۰– مشهد
*فعالیت در زمینه تصویرسازی، کاریکاتور و عکس با نشریات و روزنامه های استانی و سراسری
*برگزاری چندین نمایشگاه گروهی در مشهد
*دریافت لوح تقدیر از جشنواره Googlm چین
* مدرس کاریکاتور در آموزشگاه های سطح شهر و شهرداری مشهد



از فرمایشات ما

یا ضامن آهو
ضامن وامم کو؟



رضا رفیع

ملت تازه دلش را صابون زده بود که منبعد دیگر برای گرفتن دو مثقال و نیم وام(آن هم وام برای دوام)،نیازی به بردن دو تا ضامن گردن کلفت؛ که هم کارمند باشد، هم دارای فیش حقوقی و هم چک دسته دار داشته باشد(ببخشید،منظورم همان دسته چک بود. مگر برای آدم حواس می گذارند!) و ایضاً بهره مند از حساب بانکی ویکسری اموال منقول و معقول بوده باشد؛ نیست. این قول و قرار جدید خود بانک مرکزی بود،وگرنه ما که الکی دلمان را خوش نمی کنیم. چون شدیداً به گفته های آنها از ته دل اعتماد و اطمینان داریم، روی گفته هایشان حساب جاری باز می کنیم.

اخوان جدید رسید:

«من امشب آمدستم وام بگذارم»
دو ضامن،مادر و بابام، بگذارم
اگر دادند وامم را، سپس گویم:
«حسابت را کنار جام بگذارم»!

باری؛ بگذارید کمی مستندتر صحبت کنیم. بیخود که شبکهٔ مستند تلویزیون،این قدر بیننده ندارد. مردم،حرفهای هوایی بی سند و مدرک را به سختی قبول می کنند. حتی با «بگم؟... بگم؟»؛فلذا عرایض خود را مستند می کنیم به این گفته شورای پول و اعتبار که قریب سه هفته پیش بخشنامه ای را به تصویب رساند و توی بوق رسانه ها کرد که بر طبق آن، بانک ها موظف می شدند تا وام های قرض الحسنه (و نه قرض الپس نده!) تا سقف بدون چکهٔ ۱۵ میلیون تومان را فقط با یک ضامن پرداخت نمایند.

ـ خب حالا مگر چی شده؟... (رفیق شفیق ما که از بیکاری، کنار دست ما نشسته بود و داشت عرایض ما را زیرچشمی دید می زد؛ الحق به نکتهٔ ظریفی اشاره کرد که به کمتر کله ای خطور می کند:حالا مگر چی شده؟!)

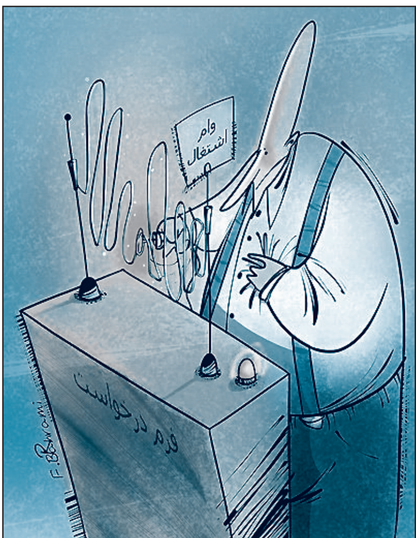
عرضم به حضور کلیهٔ عزیزان مشتاق انواع وام برای قوام،خبرهای الآن جراید حاکی از این است که یک ضامن و دو ضامن پیشکش؛ علی العجاله که کمبود اعتبارات بانک ها باعث شده تا حتی پرداخت وام های ضروری از قبیل وام ازدواج نیز با مشکل مواجه شود. متقاضیان در به در وام می گویند که وامی برای پرداخت وجود ندارد که بخواهند برای جفت و جور کردنش دنبال ضامن بگردند. در حالی از در بانک بیرون می آیند که آهی از دل می کشند که:«یا ضامن آهو!...»

– الکی و کلکی برخی بانک ها تبلیغ نمی کنند که مثلاً:«بانک فلان،بانک فردا»؛خب شاید اگر امروز نمی توانند وام بدهند، فردا بتوانند بدهند!(این بار الحق که این رفیق شفیق ما صاف زد توی خال!...گاهی اوقات، یک نفر آدم مطمئن درست و حسابی کنار دست آدم باشد،بدک نیست!)

بستهٔ پیشنهادی: از دهک های پایین جامعه، کمتر خوشه اولی و دومی و سومی هست که محتاج وام نباشد. از ازدواج خوشکام گرفته تا تعمیر قیرگونی پشت بام. فلذا در این راستا مختصرعرضی داریم:

۱- قفل بی ضامن: بانک ها تا اطلاع ثانوی از قفل های بدون ضامن برای گاوصندوق ها استفاده کنند. شاید راحت تر باز شوند و دادن وام برای رئیس بانک خیلی سخت و سفت نباشد. نارنجک که نیست،ضامن داشته باشد. اینجا وقتی خود جوان دست به ازدواج زده، نتواند وامش را بگیرد،منفجر می شود.

۲- وام بانک خون: تا پایان دولت فعلی اگر بانک ها قادر به دادن وام به مردم عادی نیستند وهرچه در می آورند،به‌شکل یارانه‌به‌حساب‌همان‌مردم‌عادی‌وعامی می ریزند به امیدی؛ لهذا به نظرم باید فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم. مراجعه کنیم به بانک خون، خون بدهیم، به عوضش وام بگیریم. مگر پرتغال خونی نداریم؟ خب این هم وام خونی!



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۲، (برابر با ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۹۳، ۲۸ مه ۱۹۷۳) نقل شده است

ساعات کار بانکها یکنواخت میشود

ساعت کار کادر اداری و شعب بانکها یکنواخت میشود، امروز گفته شد که بانک ملی ایران، اولین بانک دولتی خواهد بود که از اول تیرماه آینده ساعت کار کادر اداری و شعب خود را یکنواخت خواهد کرد، بدین نحو که ساعت کار در این بانک برای صبح‌ها از ۷ تا ۱۲، و بعدازظهرها از ۵ تا ۷ خواهد شد. ضمناً ساعت کار پنجشنبه‌ها از ۷ تا ۱۲ صبح میباشد و بعدازظهر پنجشنبه‌ها تعطیل است و باین ترتیب کادر اداری این بانک که در حال حاضر یکسره و از ۷ و ربع صبح تا یک بعدازظهر مشغول کار است، از اول تیرماه، دو سره خواهد شد.

ساعات جدید کار از اول تیرماه آینده به موقع اجراء گذاشته خواهد شد و تا آخر شهریور ماه اعمال خواهد شد.

بهر حال گفته میشود با اجرای ساعات جدیدی کار بانکی در بانک ملی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد اضافه حقوق برای کارکنان این بانک که فعلاً فقط صبح‌ها کار می کنند در نظر گرفته شده است.

طرح ساختمان ۴ شاهراه بتصویب رسید

ساختمان چهار شاهراه بزرگ در تهران بزودی شروع میشود. پیشنهاد خرید اراضی این چهار شاهراه بزرگ دیشب از طرف شهرداری به انجمن شهر تسلیم گردید.

جلسه بریاست رشید نادرخانی و با شرکت شهردار و قائم‌مقام شهرداری تشکیل شده بود.

در آغاز خانم شایسته تاریخچه قراردادهای نفت و روابط ایران را با کشورهای خریدار نفت در گذشته و حال شرح داد و پیروزی ایران را در مورد تملک منابع نفت اقدامی موفقیت‌آمیز و حائز اهمیت دانست. ناطق پیشنهاد کرد مسئله نفت بر روابط نفتی ایران و حاکمیت کشورها و جنبه‌های تاریخی و اقتصادی و حقوقی این مسائل جزو برنامه درسی دانشکده‌های معین قرار داده شود تا دانشجویان ضمن تحصیل از این مسائل آگاهی کامل پیدا کنند.

آنگاه شهردار پیش از دستور سخن گفت و اظهار داشت که در شهر تهران نزدیک به هزار نفر رانندگان کامیونهای حامل خاک مشکلات بزرگی برای مردم و شهر و شهرداری ایجاد کرده‌اند. پس از پایان سخنان شهردار آقای ایرانی اظهار داشت که شرکت تعاونی رانندگان خاک‌کش برای جبران کارهای خلاف این رانندگان تصمیم گرفته تا خود نخاله‌های ریخته شده در محلات را با همان کامیونها به بیرون شهر ببرد.

پیشنهاد واگذاری هفده هزار متر آنگاه انجمن وارد دستور شد و از اراضی میدان کشتارگاه به وزارت کشاورزی و طرح تغییر نقشه ساختمان گذرگاه محل تلاقی جاده سوم و خیابان عباس‌آباد و پیشنهاد خرید اراضی مسیر بزرگ راه دوگل تا جاده آبعلی، سیدخندان به جاده آبعلی، سیدخندان به جاده سوم و ایوبی به جاده سوم مطرح و بتصویب رسید.

شهردار اظهار داشت که با ساخته شدن این بزرگ راهها قسمتی از مشکلات ترافیک در تهران حل خواهد شد.

قیمت کالباس و سوسیس تعیین شد

اتاق اصناف برای کالباس و سوسیس نرخ تازه‌ای تعیین کرد. این قیمت تعیین شده هفده درصد از نرخ پیشین ارزانتر است. نرخ جدید با حضور صاحبان کارخانه‌های کالباس‌سازی و کارشناسان موادغذائی و حسابرسان صنفی انجام پذیرفته و کلیه جوانب اقتصادی و سود عادلانه سازندگان و منافع مصرف‌کنندگان در آن مراعات گردیده است. کالباس و سوسیس تا دیروز در عمده فروشی هر کیلو ۱۰۵ ریال و خرده فروشی هر کیلو ۱۳۰ ریال فروخته می‌شد و این دو قیمت با نرخ اتاق به شرح زیر تعدیل گردید.

کالباس درجه یک و چهار گوش سیردار و بدون سیر هر کیلو عمده‌فروشی ۹۵ ریال و خرده‌فروشی ۱۲۰ ریال.

سوسیس درجه یک نایلونی هر کیلو عمده‌فروشی ۹۵ ریال و خرده‌فروشی ۱۲۰ ریال.

اتاق اصناف اعلام داشت که این نرخ از امروز در سراسر تهران اجرا می گردد و تخلف از آن به موجب مقررات قانون جرم است. در مدت سه ماه گذشته تولیدکنندگان کالباس بدون علت به قیمت افزوده بودند و اتاق بر طبق مقررات قانون در صدد جلوگیری برآمد و قیمت آن کاهش داده شد.

قاب امروز

بدون شرح

راز کامیابی

دوران سقوط ارزش‌ها

در هر جامعه‌ای گسترش بی عدالتی و رفتار ضدارزشی باعث حرمان اجتماعی می‌شود.

در این جوامع حریصان به دنیا و بی توجهان به دیگران باید به وسیله گروه‌های پایبند به اخلاقیات و مسئولیت اجتماعی کنترل شده و آن‌ها را مهار کنند و گرنه این نامردمان، دنیا را به آتش می کشند و توده مردم در این مجموعه‌های منقلب شده و نزول کرده جبران و سرگردان می‌مانند.

این قانون طبیعت است که هر جامعه‌ای که در آن ارزش‌ها متزلزل شوند آن جامعه دچار بحران روانی و افسردگی می گردد زیرا تاریخ نشان می‌دهد که همه فجایع اجتماعی حاصل از تزلزل اخلاقی است.

بیش از نیم قرن پیش جامعه آمریکا در گرداب این بحران گرفتار بود. ظرف مدت کوتاهی یک سوم ثروت ملی به باد رفت و ۷۷ درصد فعالیت‌های صنعتی متوقف شد.

یک چهارم نیروی کار بیکار شد، اغلب مدارس نتوانستند کلاس‌ها را دایر نگهدارند.

یک پنجم محصلین دچار سوء تغذیه شدند.

در یک کلام ۳۴ میلیون آمریکایی درآمدی برای گذران زندگی نداشتند.

نوشته: شیوخرا
ترجمه: عبدالله مولیانی

سُرایه

ای چرخ فلک خرابی از کینه تست
بیدادگری پیشه دیرینه تست
ای خاک اگر سینه تو بشکافند
بس گوهر قیمتی که در سینه تست

خیام

امروز در تاریخ

پایان جنگ ایران و لیدی

خورشید گرفتگی ۲۸ ماه می سال ۵۸۵ پیش از میلاد باعث شد که جنگ طولانی ایران و کشوری لیدی (قسمتی از آناتولی مرکزی و غربی تا اژه و مدیترانه به پایتخی سارد =سارت) پایان یابد و یک ماه بعد به فیصله اختلافات بیانجامد.

طالس دانشمند یونان قدیم وقوع این خورشید گرفتگی را پیش بینی و تاریخ دقیق آن را به دست آورده بود که یک ماه پیش از رویداد به اطلاع پادشاه لیدی رسیده و وی بر پایه این پیش بینی به ایرانیان اخطار کرده بود که ادامه جنگ باعث خشم خدایان خواهد شد و انسان را از نور خورشید محروم خواهند کرد.

سپاه اعزامی ایران سیرانائیکا را تصرف کرد

یک ستون از سپاه اعزامی ایران که برای رسیدن به مناطق یونانی نشین ساحل جنوبی مدیترانه (لیبی کنونی) مسیر شمالی تری را در پیش گرفته بود در ماه می سال ٥٢٤ پیش از میلاد تصرف ناحیه سیرانائیکا (لیبی شمال شرقی و امروزه شامل شهر های متعدد از جمله بنغازی، المرج، البیضاء، اجدابیا، طُبرُق و درنه) را تکمیل کرد. ستون دیگر این سپاه که راه کوتاهتر صحرا را در پیش گرفته بود در واحه سیوا گرفتار توفان شن شد و از میان رفت. کمبوجیا (کامبوزیا ـ کامبیز) شاه وقت ایران که مصر را تصرف و در جنوب این کشور اقامت داشت این سپاه را مامور تصرف شمال غربی کرده بود.

ابتکار نظامی اشکانیان

مولفان تاریخ های نظامی «ماه می سال ۲۳۵ پیش از میلاد» را زمان آغاز تاکتیک نظامی تازه ای نوشته اند که ارتش دولت نوپای اشکانی ایران آن را بر ضد سلوکی ها (جانشینان اسکندر مقدونی) بکار گرفت. از این تاکتیک قرن‌ها استفاده شد. بر پایه این تاکتیک، دسته های سوار سبک اسلحه، نیروی دشمن را با جنگ و گریز به میدانی که از پیش تعیین شده بود و واحدهای اصلی ارتش ایران در آنجا کمین کرده و آماده جنگ بودند می کشاندند و به دست آنان می سپردند تا درهم بکوبند. این تاکتیک در نخستین آزمایش پیروز شد و تیرداد، شاه وقت تا پایان می این سال بر سلوکی ها غالب آمد.

خط تلگراف برلین ـ تهران

کمپانی آلمانی زیمنس ۲۸ می ۱۸٦۸ اعلام کرد که کار کشیدن خط تلگرافی را که از برلین آغاز می شود تا تهران ادامه خواهد داد. این خط قرار بود از خاک امپراتوری روسیه (روسیه و قفقاز) بگذرد، و از طریق تبریز به تهران برسد. در آن زمان لهستان نیز در قلمرو روسیه قرار داشت.

جدول شرح در متن — شماره ۳۳۰۳

طراح: غلامحسین باغبان

از آثار الکساندر دوما	رودی در آلاسکا	علم النفس	تیم یونانی	هواپیمای عجول / دوستی		پخش همراه / صفحه آرایی	و	حرارت و گرمی / بلندی آسمان		شادروان	کتاب خواجه رشیدالدین
											ج
					پیامبر خوش صوت / طایفه غرب ایران						لقب اروپایی / آکنده
				برادر شیرازی					از جهات اربعه / از روی یقین		
			گهواره پارچه‌ای / نوعی رنگ مو					بی باک / شهر فارس			
	حرف نوروزی / استان شمالی			حل جدول شماره ۳۳۰۲							گروه سیاسی / سال ترکی
											از الفبای یونانی / دیلم
			از جنس حجر / طایفه چادرنشین								ا
			زنبیل و سبد / سنجش							محل ورود / شهری در ایلام	سخت
		رمق آخر / پارچه روپوشی	بازداشت / میان زمین و آسمان!			گرداگرد لب و دهان / پسوند مخلوط	دید چشم	درخشان			
ز	میوه آتشین								پایه قیمت / شهری در آلمان		پارسایی / حرف عصایی
					سردار اشکانی / چوب خوشبو						ساقه زیرزمینی / منزل
				ورم			پول ژاپن / حرف سی ام				
			مزرعه کوچک و محصور								خیانت کردن به کسی

جدول سودوکو — شماره ۷۹۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود، بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۶					۸		۲	۴
	۲	۴					۹	
۳			۷				۱	
				۴	۳	۹		
			۵		۲			
		۲	۱	۷				
	۵				۱			۷
	۷					۲		
۴	۸		۲					۶

۲	۳	۸	۴	۶	۵	۷	۹	۱
۷	۹	۱	۲	۳	۸	۴	۶	۵
۴	۶	۵	۷	۹	۱	۲	۳	۸
۸	۲	۳	۵	۱	۴	۶	۷	۹
۶	۴	۷	۸	۲	۹	۵	۱	۳
۵	۱	۹	۳	۷	۶	۸	۲	۴
۹	۸	۲	۶	۵	۳	۱	۴	۷
۳	۷	۴	۱	۸	۲	۹	۵	۶
۱	۵	۶	۹	۴	۷	۳	۸	۲

حل جدول شماره ۷۸۹